سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

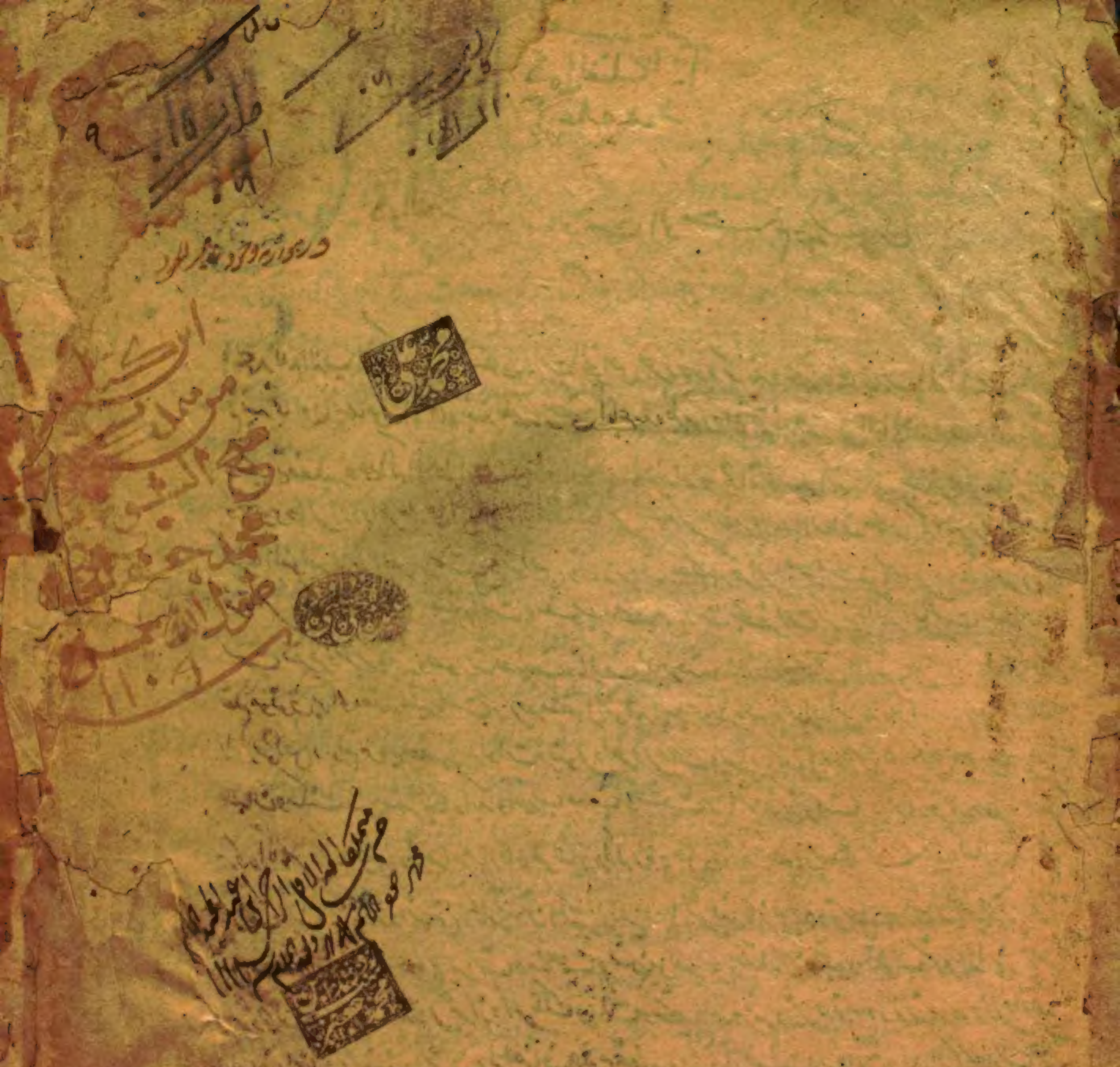

۶۹۹۸-۴۸

لعلیم
هوالفتاح العلیم
یا علی مدد

گنجینه کتب خطی

هوالله بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

یهو

الحمد لله الذی انزل الکتاب مشتملا علی غرایب الخواص حروفه وکلماته ومحتویا علی عجایب الاثار سوره وآیه
ثم نبه بما اودع فیهما من الاثار ونبه للتدبر حتی اناعهده ظهوره بفحاته فصلیه وعلی آله الاطهار صلوته
وتحیاته فضلیه وعلی آله الاطهار صلوة ه واولاده الاخیار وبرکاته وسلیماته جنین گوید فقیر واثر
وحقیر حال آرد واعی عبد بن الحسین الواعظ الکاشفی المشهدی بالنفی والله یا اللطف بحر گرانمایه زر افشانست
کثیر الفوایه عزیز العوایه مشتمل بر خواص وآثار حروف مقطعه قرآنی واسمای حسنی سبحانی ربانی وسور وآیات
فرقانی که تعابیس علوم حقیقه الله ومنسوب ومخصوص است بحضرات کرام وائمه اهل البیت علیهم السلام
سمت تقریر وتحریر یافته وصورت تصنیف وتالیف پذیرفته متلفظ ومنتخب از کتب معتبره متداوله گردیده
قلم موثوق بها ومعتمد علیها است وگرچه مشغول فواید ابن مختصر وعموم عوایدش حضرتست بر است که کافه انام
را از خواص وعوام بمرایه حصول مرادات دینوی واخروی راست وبسرایه وصول سعادت صوری ومعنوی لیکن ارباب
حیات ومکنت را بیشتر بکار آید واصحاب منصب وحشمت را بایغرت واعتبار وافتخار فراید خصوصا مقربان
درگاه الاهی وسلاطین وآیبان بارگاه خواقین را که زمام حل وعقد وقبض وبسط ممالک بکف کفایت وقبضه
اقتدار ایشان باشد وانستن وکار بستن اکثر از بهر اعمال شریفه لازم لجه وتوسل جستن واجب ومغتنم زیرا که
سبب مطالب ومارب وعروج بمراتب ومناصب وتشخیص نفوس چنان راست وقبول قلوب شهریاران وتیسیر اسباب
وبهی دولت وعلبه واستیلا بر اقران وملک وملت وتحصیل فتح وفیروزی وتوسیع رزق وروزی ومناصب
بلوصاف اخلاق سنیه واشراف بر اصناف علوم خفیه واز دیار خیرات وبرکات واوراد سعادت وهدایات
وامنیت وسلامت در سود حفظ از هر خوف خطر ودفع فقر واحتیاج وحفظ اموال واولاد واز دیاد ومنع آفات ام
ودفع طفات شداید آفات وامنیت از ظلم جن وانس وخلاص از تقید وحبس جمله باجمال که دبیر رسا کلک مزکی
ومنصور ومربوط است امید بکرم الاهی وافق وامید بنعم لامتناهی صلاحیت که بر کات خواص ومنافع
وکلمات کلام ربانی دمیامن فواید وعوایدش بر روایات قرآنی بر وزگار سعادت آثار ناظران مخلص

منضف

منصف و مطالعه کننده کاری بکمال اخلاص و انصاف متصف و آمل و مواصل گردد انه غریب مجیب و هو حسبی و نعم الوکیل

من کومیه لا یجب وفیا این رساله ایست مسماس بجواهر الایمان و منتظم فتن الآمان در پنج مقاله انفاق افتاد و در هر مقاله پنج باب منظوم گشت و هر باب بر دوازده فصل مشتمل یافت و جمیع مباحث این کتاب از جمله علوم غریبه است که منصوب بامر عبد ایمه اثنا عشر علیهم التحیه والسلام لاجرم مقالات و ابواب انرا پنج گرفتند عدد آل عبا است بنا بر آن ابوابرا که در اثنای کتاب تفصیل خواهد یافت بر دوازده گرفتند عدد ائمه اثنا عشر علیهم السلام و مقالات ابواب بیست **مقاله اولی** در بیان صفات و خواص حروف و در شرایط و آداب عام و خاص که رعایت آن در اعمال این کتاب لازمست مشتمل بر پنج باب **باب ۱** در بیان صفات و خواص حروف و اسماء حروف و کیفیات و اثبات منافع و فواید منتج آن **باب ۲** در شرایط و آداب عامه کلیه که رعایت مجموع اعمال خیر و شر ضرورست **باب ۳** در شرایط و آداب تلاوت **باب ۴** در شرایط و آداب کتابت **باب ۵** در شرایط و آداب خصوص باعمال حروف **مقاله دوم** در خواص و آثار حروف ثمانیه و عشرین مشتمل بر پنج باب **باب ۱** در منافع مطلق حروف بعتبار طبایع اربع و خواص هفت حرف الف و با و تا و جیم و حا و خا **باب ۲** در صفات و خواص ده حرف دال و ذال و را و زا و سین و شین و صاد و ضاد و طا و ظا **باب ۳** در صفات یازده حرف عین و غین و فا و قاف و کاف و لام و میم و نون و واو و ها و یا **باب ۴** در صفات و خواص حروف معطله قرآنی **باب ۵** در خواص بعض از مفردات حروف با کمال انتساب مسوا سوسمار و معروف **مقاله سوم** در خواص اسماء حسنی الهی مشتمل بر پنج باب **باب ۱** در خواص اسماء مفرده الهی **باب ۲** در خواص ازواج ثمانیات **باب ۳** در خواص ازواج ثلاثیات **باب ۴** در خواص ازواج رباعیات و ما فوق ان **باب ۵** در بیان اسم اعظم و اختلافی که علماء در خصوصیت این کرده اند و ذکر آن و بعضی از خواص و آثار آن و ذکر دعواتی که شامل اسم اعظم است بتوسل بعضی از اهل تحقیق **مقاله چهارم** در خواص آیات قرآنی مشتمل بر پنج باب **باب ۱** در قبول نظر سلاطین و حکام و اصابت رای و الطاف عضب ظالمان و ایمنی از همه آفات و حصول جاه و رفعت و سعادت و حشمت و قبول قلوب خاص و عام و تسخیر نفوس کافه انام **باب ۲** در تحصیل فتح و نصرت بر ساندن و تدبیر ظلمه و تفریق ناشتان و تحریر موت ایشان و دفع موذیات و ابطال سحر ساحران **باب ۳** در تیسیر و ترویج رزق و خیرات و برکات و ایمنی و السفر برو بحر و رجوع ابق و سارق **باب ۴** در دفع امراض مزمنه و اعراض بهینه و حفظ حوامل و تسهیل ولادات و تعویذ اطفال **باب ۵** در اعمال عربیه و امور عجیبه و اطلاع بر مخفیات و خبیات **مقاله پنجم** در خواص سوره قرآن مشتمل بر پنج باب **باب ۱** در تحصیل جاه و دولت و تیسیر هر حاجت نظر سلاطین و حکام و ایمنی و خلاصی از غضب حکام و سلاطین مطلق از جمیع آفات و تسخیر نفوس جن و انس و سایر حیوانات **باب ۲** در تیسیر فتح و نصرت بر دشمنان و تفرقه ظالمان و تخریب منازل ایشان و ابطال سحر و دفع موذیات جن و انس و طرد و هوام **باب ۳**

در تسهیل و توسیع رزق و رفع فقر و فاقه و افراج ذمایم و رجوع غایب و ایتی و نیل خیرات و ضبط محروسات
و ایمنی مسافرین بر و بحر و حفظ مال تجار ة قطاع الطریق و بار یافتن راه بعد از سرکشی **باب ۴** در دفع امراض
و اوجاع بدنی و تسهیل ولادت حوامل و تعویذ اطفال **باب ۵** در تحصیل اختلاف حسنه و ضمار ضیه **مقاله ۱** در بیان
صفات و خواص حروف و ذکر شرایط و آداب عامه و خاصه که رعایت آن در اعمال این کتاب لازمست مشتمل بر پنج باب
باب ۱ در بیان صفات و خواص و آثار حروف و احکام و آیات اثبات منافع و فواید و نتایج آن مشتمل بر دوازده فصل
فصل ۱ در بیان منشا و بدو علم حروف **فصل ۲** در شرف علم حروف و بیان طبقات علمای این فن **فصل ۳** در اللاع
اکابر دین و حدوث و تقلیع اصول مقطعات **فصل ۴** در استخراج حقایق و استنباط حوادث از حروف **فصل ۵**
در شرف علم حروف و بیان طبقات علمای این فن **فصل ۶** در ذکر ائمه اکابر و کتب آن که مقتضای این رساله است
فصل ۷ در اثبات ارواح و طبایع حروف بمذهب اهل حقیقت **فصل ۸** در اثبات ارواح و طبایع بمذهب اهل
خاصیت **فصل ۹** در خواص و اثبات و آثار حروف **فصل ۱۰** در اثبات خواص و آثار اسماء الهی **فصل ۱۱** در اثبات خواص
و آثار آیات و سور قرآنی **فصل ۱۲** در کیفیت انتفاع بحروف و احکام و آیات **فصل ۱۳** در طریق استفاده از حروف
و احکام و آیات **فصل ۱۴** در بیان تدوین و منشا حروف **بدانکه** وفقک الله العلی بامر هذا الکتاب که علم جفر مشتمل
بر حقایق و خواص حروف و احکام آیاتست مخصوص بائمه کرام و اهل بیت علیهم السلام و واضع و جفر جامع که در کتب شریفه
در بین مش حضرت مقدسه حضرت شاه ولایت پناه و اهل هدایت امیر المؤمنین و امام المتقین اسد الله الغالب علی
ابن ابی طالب علیه السلام بتواتر است و در بعض اشعار اکابر منسوبست بحضرتش الهام کرده اشعار بر این معنی واقعست
انجا خبر هو **بیت** من کان مثله کان ذا جفر و جامعه لذ تدوین سر المبیب تدوینا **و بعد** از آن بحضرت یازده فرزند
بزرگوار ایشان که ائمه معصومین و هداة اهل حق و یقین اند رضوان الله علیهم اجمعین بطریق وراثت این علم
نفیس و مستطرف بعهده اند و از آن ده کتاب شریف استخراج میفرموده اند بر تخصیص حضرت امام
امام ابو عبد الله جعفر بن صادق علیه السلام که صاحب کتاب جفر و خاییه اند و ابو حامد محمد الاسلام امام محمد الغزالی در مقدمه کتاب
سر العالمین و جوهر المکنون که مشتمل است بر خواص حروف مرتبهٔ احوال که در لوح مثلث وضع کرده اند چنین آورده است
که استخراج یافت این نسخه از کتبی که حضرت امام همام لیث بنی غالب امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام جمع فرموده
در کتب خود که مسماست بجفر جامع الدنیا و الاخرة و مطلع نموده است کثیرات مخفیات که در این کتب شریف است از اسرار
انوار آئینه و انوار ربانیه غیر امام جعفر صادق علیه السلام و امثال نشده بمعرفت ابن علم شریف الا قلیلی از اهل و اشش حضرت امام جعفر

صادق ع

۶۹۹۸-۴۸

امام جعفر صادق علیه السلام رسیم فرموده و ما برکت الحضرت حاصل شدیم بتخصیص این علم شریف بشابت رب العزت
والحمد لله علی ذلک **فصل ۲** در اطلاع اکابر دین بر وقوع حوادث از حروف مقطعات معدن جواهر حکمت و قیاس عبد الله
بن عباس رضی الله عنهما روایت کرده که مجمع مناقب و مظهر عجایب حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام وقوع
فتن و حدوث انزار از حروف جمعی دانسته بوده اند و تفسیر ثعلبی از رسایل تشبیری مذکور است که چون این حروف نازل شد
دلالت چنین مبین الحضرت رسالت سلم مشاهده افتاد بکی از رؤسای یهود را سوال کرد الحضرت فرمود که مرا خبر داده اند که
از بلایای که بر امت من در آخر الزمان نازل شود از خسف و قذف و مسخ که ایشان را در میان جمع کنند و بادی که ایشان را
بدریا افکند و نشانهای که در پیش و خروج دجال و فتنه یاجوج و غیر آن از علامات قیامت و این نکته روشن شد که کیفیت
حدوث تقایع و وقوع حوادث در زمن این حروف مندرجست و اردوحه روضه رسالت و نبوت و ثمره شجره ولایت
ابی عبد الله الحسین علیه السلام سوال کرد از که معنی کهیعص چیست ایشان فرمودند که **انا تکم لمستقیم علی کلا**
و اگر شما را از این معنی آگاه کردانم هرآینه ارتاب بکنید ریده قدم شما ترنشود و غیر از این اخبار بسیار رسیده است اینمعنی دارد
و استنباط امثال و حقایق از حروف و اطلاع یافتن بر اسرار مکنون در آن مخصوص بائمه علیهم السلام است بجمل و دقت
ایشان از آنکه بر این امت بقدر مناسبت نصیب ارزانی فرا گرفته اند و بحصه از آن واصل شده و الله اعلم بالصواب **فصل ۳**
در التخریج حقیقی و استنباط حوادث از حروف در کتب معتبره مذکورست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام الکتب
جفر و جامع صور حوادث بوقته و نوازل کونیه و قبل از آن ظهور آن استخراج مینموده اند و احیانا بعضی از رموز آن
مفهم علیه خود اظهار می نموده اند گویند روزی یکی از مصحابان امام که ملازم معتمد امام بود چند بیت عربی بمنقبت
آنحضرت انشا کرده بحضور علیه السلام آورد پیش از آنکه بعرض رساند امام کاغذ بدست او داد چون
بر مضمون نوشته اطلاع یافت دید که همان ابیات است که خود فکر نموده که حضرت بخط مبارک خود نوشته انداز
شخص متحیر و متفکر شده مسوده خود را پیرون آورده گفت بروحانیت جد بزرگوار تو یا امام که من در خویش این ابیات
را بسلک نظم در آورده ام و داده طبع منت و کس را در این دخل و شرکت نیست و این مسوده را هنوز هیچ کس ندیده این
چگونه است حضرت امام تبسم نموده فرمودند که اینچنین است لیکن امشب در کتاب جفر و جامع نظر می کردم دیدم
که یکی از دولتمندان چند بیت عربی بشکل نظم در آورده علی الصباح خواهد آورد این نظر باعث شد که این ابیات استخراج کردم
و منقولست که مامون الرشید بحضرت امام الدین و الدنیا ابو الحسن علی ابن موسی الرضا علیهم السلام در شهور سنه احدی و مائتین
بیعت کرد و عهد نامه نوشت و از حضرت امام عهد نامه طلبید و امر بعهد نامه حضرت امام که بر ظهر عهد نامه مرقوم

إنّ نویسنده این بحر الجفر و الجامعه بید لا ان علی ضد ذلک و ما ادری ما یفعل و لا یحکم الحکم الا الله یقضی بحق و هو خیر الفاصلین و لکن امثلت امیر المومنین و اسرت بسر رضا الله بعصمی و ایاه چون اندک زمانی گذشت فصل ربیع کرد وزیر مؤمن بعون جمیع بگرد اشیاعهم الله اتفاق نموده و ویرا از این عهد بشمانع کرده و حضرت امام را شهید کرد صاحب کشف الغمّ عن الرحمه گفته است که در شهور سنه تسعین و مائتین و بما این عهدنامه بخط مأمون و خط حضرت امام دیدم انتهی از این مقوله استنباط فتح بیت المقدس در شهور سنه ثلاث و ثمانین و مائتین و بما مراد از آیه کریمه الم غلبت الروم فی ادنی الارض الاخوله بضع سنین و تفصیل این قضیه در باب دوم از فتوحات مکی مذکور است **فصل ۴** در شرف علم حروف و بیان مقامات علمای این فن بدانکه علم حروف از جمله علوم مکنونه است و بوقتی علمای ارجمند که از جلایل علوم توانا داشت مشتمل است و فواید بی نهایت و منافع بی حد و غایت بروی مترتب و ازوی حاصل است و علامت کرامت حروف همین که مخزنی است مکنونه الهی و مکمنی معارف مخزونه لامتناهی است و شیخ شرف الدین ابو العباس توزی رحمة الله در کتاب کنس المعدوف اورده که حروف اعلام و اکرار احکام رسته و رب العظم بوی ظاهر کرده و کلام مجید بوی تشبیه شده و طایفه بزرگوار خود را بهیچ علم شریف منتسب ساخته اند بیکی اهل خصیت و بیکی اهل حقیقت اما بحث طایفه اول که اهل حقیقت اند و ایشان اعلم و اکبر اند از حیثیت معانی و ارواح و حقایق حروف است و استخراج علوم غامضه از این زیرا که هر چه هست اوصاف معارف و فنون علوم خواه متعلق بحضرت الهیه باشد و خواه نسبت بمراتب مکانیه و انچه در این باب حادث گردد جمله را در حروف استنباط کنند نمر تولی گوید چنانچه بعضی از اهل این فن حرف نام و لقب خاصه هر کس را استخراج ساخته به اکثر وقایع و سوانح احوال وی الحاق یافته اند و اکابر این طبقه را در این علم شریف کتب و مصنفات چون جفر کبیر و جفر جامع و جفر خایبه و نیز رسائل متفرقه بسیار الواح می تصنیف شیخ سعد الدین حموی رحمة الله و مجموعه و ذخیره سه و کشف المعانی تفسیر الحاد کتاب المبین و غیر از اینها طایفه دوم که اهل خصیت اند و ایشان را از اکثر و نظر نه از حیثیت خواص حروف و کلمات و ارقام و اشکال ایشان را است بحسب وجود لفظی که از طریق کلام می خوانند صورتی از صور رقمی که از طرز کتابت کرده مدعای این طایفه انکه چون کسی بوقت معین و عددی معلوم در زمانی خلای حروف ربا کلمه یا سور چند بار بخواند یا بنویسد و انگاه نگاه دارد یا جایی دفن کند یا محو کرده بیاشامد یا در موضعی ساکن شود و از این خاصیت و منفعت ازوی مشاهده نماید بحسب مراتب دنیوی یا مدارج اخروی و اگر مردم که بهره از علم تجرد کرده اند معرض اینها بوده اند از ادراک اثار و خواص حروف و کلمات و ارقام و اشکال ایشان هست

از این ابی منقو

از برای تنقیه و دفع مضرت واپخه در بیع درس و سمت ابرادمی باید از جمله تجربیات اهل خاصیت است **فصل ۵ در ذکر**
اسمای اکابر و کتب ایشان که ماخذ این رساله است بدانکه جد اعظم علمای این فن که جامع هر دو طایفه است یکی شیخ عالم کامل و عامل و فاضل
شرف الدین ابو عباس احمد بن علی تمیمی البونی است که صاحب کتاب شمس المعارف اکبر و اصغر اولست و نورانیه و لطیفه روحانیه
و ختمات سوره قرآنیه و الواح الذهب و عراست و مهنصایف دوری در بیع فن و غیر اینها مشتهر و معتمد علیهاست و موثوق
به بتخصیص شمس المعارف و ختمات که درین رساله بیشتر از آن ایراد خواهد یافت و دیگری از اکابر این طبقه شیخ واصل
و محقق کامل مدقق ابو عبد الله محمد بن یعقوب التونسی المغربی است که صاحب سر المطالب است و ان کتاب شریف
و نفیس معتبرات درین علم و ارجی نیز نقل بسیار درین نسخه مذکور خواهد شده و دیگری شیخ اعظم العلم الکامل احکم عجیر الدین علی
القرشی است که صاحب کتاب المدخل در علم حروف است و وی از اکابر هر دو طبقه و ات از اهل حقیقت و اهل خاصیت ان
و دیگری شیخ محقق مدقق تقی الدین عبد الله ابن محمد علی ابن جهر است که صاحب کتاب اللجیر ات در حقایق
حروف و ان کتب از نفایس نفیسه الت در معانی حروف و دیگری شیخ عالم عامل ابو حامد محمد الغزالیست که صاحب کتاب
خیر المصون و جواهر المکنون الت در خواص حروف بر نسبه آحاد که در لوح مثلث مندرجست و وی نیز از کبار
هر دو طبقه الت و دیگری شیخ عالم عارف ابو کمالات عفیف الدین بن عبد الله بن اسعد الیمنی الیافعی است و وی
که صاحب حور العظیم الت در منافع قرآن العظیم الت در خواص اسمای حسنی ربانی و ایات و سور قرآنی و ان کتابیست
بغایت شریف و عزیز و نفیس که اکثر مطالب علم ۵ از گنجانه خود الت و وی نیز از اعاظم هر دو طبقه حقیقت
و اهل خاصیت الت و دیگری شیخ فاضل و حکیم کامل محمد ابن ابراهیم الیمنی الکازرونی است که صاحب خواص القرآن
الت و کتابی الت بغایت معتبرات و صاحب الشعیم نقل بسیار از وی در کتب ابرار نموده و در مقالات جهار و پنجم
این رساله الت از وی خواص کثیر مذکور خواهد شد و دیگری شیخ عامل عالم محقق و علامه مدقق فخر الدین رازی است
که صاحب لوامع البینات الت در شرح اسمای حسنی و صفات علیای و دیگری شیخ کامل مکمل مولانا یعقوب
جرجرالت که صاحب خواص اسمای الهی الت و رساله دیگر از وی موسوم نقل بسیار درین نسخه ابراهیمی بوده
که کتاب نصر الاهی است که بعضی از تلامذه ابن عباس از مشایخ اشخاص نفیسه وی جمع کرده الت و غیر از این
کتب معتبره که مذکور شد در رسایل و نسخ بسیار الت چه از حکمای متقدمین و چه از علمای متاخرین
که درین رساله از ایشان خواهد و خواص نقل افتاد مثل کتاب لیمیا دیوسی حکیم و ان کتاب عجیب و غریب الت
مشتمل بر تولدات حروف و حقایق و طبایع و خواص و منافع ایشان و دیگر از کبار تلامذه معلم اول ارسطوکه

رسالم

الت واز حکمای بنام تخت اسکندر رود بکر کتب بهاکل و تماثیل حکیم فاضل ابوبکر بن محمد علی بن وحشیه کرباری الوحشیه مشهور است و نزد علمای
این فن اعتبار تمام دارد و دیگر شیخ فاضل و استاد کامل نجب الدین احسن سکاکی است در حواص حروف و دیگر رسایل و نسخ نفیس
مختصره سید الاعلم محققین سید حسین اخلاطی است و مسنات و مشکلات حقایق بتخصیص شیخ عارف عمق نبا الدین ترکه که وی مرتز کرار
هر دو طبقه الت و اهل حقیقت و خاصیات الت و دیگر کتاب کلکنوزات است که یکی از کتب اهل علم تالیف نموده اند و مشتمل است
بر غرایب خواص حروف و نزد این طایفه اعتبار تمام دارد و دیگر کتاب حل قواعد التحبیر کرات که از بعضی تلامذه سید حسین
اخلاطی تصنیف کرده و دیگر کتب جواهر التفسیر و تفسیر مواهب و تحفه اعلیه و مرصد استنی فی استخراج الاسماء الحسنی و لوایح العمر که مجموع آن تالیف والد را
قسم اول حروف است و روح اسم و رصد و مجموع از کتب آن نام برده شد و بسی قواعد و فوایده و خواص و آثار را یاد یافته و بران اعتماد تمام حاصل شده
و بحمد الله تعالی و ذلک

فصل ۶ در اثبات ارواح و طابع حروف بمذهب اهل حقیقت شیخ عالم عارف محقق و کامل و اصل مدقق صدر الحق
والدین التقوی در شرح حدیث چهارم از احادیث اربعین آورده که هر حرفی را از حروف موکلی از ملائکه و ارواح و خواص و طابع است
از ارواح ایشان ظاهر میشود این همه تاثیرات و افعال شگرف از حقایق ایشان است و بعضی از اهل کشف در شرح نحو شیخ صدر الدین حسینی فرموده
شرح آنکه ارواح حروف کنایه از طابع ایشان نیز از عبارت و بروت و رطوبت و یبوست و هر یکی را از این طابع ما تغیرات نوعی و شخصی در صورتی
خاص و جبلی و جوی روحانیه از حروف بر صاحب کشف در صورت مثالی متمثل شود و هر آنینه این صورتها خواهد بود که ممتاز شود از سایر صورتهای
پس هر حرفی از حروف ثمانیه و عشرون صورتی نوعی و هر فردی از افراد این نوع صورتی شخصی و صورتی جبلی و هیئت کاینه بصورتی
واحد که بر صاحب کشف در عالم مثال آزار نزدیک و مثال گوید ظاهر شود و از این صور برزخ مثالی ارواح و حقایق حروف آثار و کمالات عالم کون
و فساد بظهور می آید و بتجربه ارباب علم حروف بر حسب این مقامات عالیه و آن طبقه از حکما که خواص را حروف شناخته از این آثار را خواهد
نسبت حروف میکنند و میگویند که عقل را بنظر فکری در این باب تسبیح مضایقت نیست بلکه در یافت این معنی بالذوق طور عقلت نیست بلکه مهابت کشف را نگنجد
و وای عقل طوری دارد انسان هر شب سد باب آن اسرار نهان و محتجب کرده و ظهور آثار و خواص حروف بسیار است و تجربه بما کرد از اسباب تعجب **فصل ۷**
و اما اثبات ارواح و طابع حروف بمذهب اهل خاصیت بر آنکه خواص از علل این قسم گفته ارواح از حیثیت اعداد ایشان است و صور حروف از ایشان
ارقام اجسام آن اعداد و در الواح و نقوش و غیر آن بواسطه توافق و تخالفی قوای ارواح و حقایق عددی حروف پس خواص عجیبه و آثار غریبه ظاهر میشود چنانچه
نزد ارباب این فن روشن و مبرهن است الحق کونه لا ریب فیه و شیخ شرف الدین بونی رحمه الله در کتاب شمس المعارف اکبر فرموده
ان لله عدادا لها اسمی کما ان للحروف آثارا و ارواحا الذهب آورده که در زمان ملوک فارس کاوه آهنگر که ضحاک بیدادگر را برانداخته بود و قصد
دیگری داشت خروج کرد و ضحاک را با وجود سطوت و عظمت مهابت و خوفی در دل او آورده بکباری در سر بر پادشاهی نشیند و هم بهمانت خواص عدد
و آثار و تاثیر حقایق عددی حروف بعضی از حکمای زمان برای در لوحی از نقوش الواح و حروف نوشته بعد از آن بر حوالیه بر دن آمده و مجموع را بر سر راه

دکتر ایرج افشار

فصل ۹ در اثبات خواص و آثار اسماء حسنی الهی بدانکه بحول کریم و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها تقدس آثار اسماء حق سبحانه و تعالی از من بل حسن متقن
تولد بود و به دلایل متقنه و براهین نقلیه نیز ذات مقدس تعالی از صفات ناقصه منزه و مبرا و کمال اسماء حسنی و صفات علیا از جمله لوازم کمال سبحانه و تعالی است فسبح باسم
ربک العظیم و اخضاع ارکان الهی مستلزم قهر جوارح ناشناسای و مستلزم کشف حقایق اشیاء الاسماء کما هی چنانچه مضمون حدیث من احصاها دخل
الجنة اشعار بدان است اگرچه بعضی از علماء احصاء را بمعنی اطاقت و الله اند کما قال سبحانه علم ان لن تحصوه ان لن تطیقوه و اراد
طاقت آوردن باشد در عمل بدین اسماء و مراد از آن قیام نمودن تا بر نهج حق تحقیق بآن رسد و بحقیقت چنان باید که قاری در هر اسمی نصیب خاص از
مسمی محفوظ و منتفع گردد و بصفت و خلقی که مقتضی آن اسم باشد متصف و متعلق گردد تا وقتی که حقیقت آن اسم حاصل کند و طالب صادق بتدریج
استعداد خود مظهر کمال آن اسم گردد و در حیطه تصرف آن اسم و تربیت وی بجوت فضل و تابش کبریای عظیم پیش برد که در وسع بشر نگنجد
و اگر عروج مراقی این مقام و وصول بجوار این مرام دست ندهد باری باید کما قال تعالی قلیلا و اطراف النهار بر قرائت اسماء بانی رتبه تکاهد صفات
بجانی مواظبت و مداومت نماید که تکرار آن شمر فواید جزیله خواهد بود بر ندارم تکرار چون مام بهر آن بسیر تهر کانه بکام زهر آگهی بیست
بسرش آید بهره فرود و رنه عالمست بیش از حد بود بر عکسان روشن و برهن است که بعضی از نفوس ناقصه بدون اکمال بمجرد قرائت بعضی از
دفع مضرات هلاکل و انتش حیات و لذایذ عقاریر و غیر آن فایز گشته اند و طبایع مختلفه خواص و فوائد متنوعه از آن در آن ترکیب بدیع مشاهده کرده
و آثار آن بکرات و مرات مشاهده افتاده پس هر کاه ترکیبی که معلوم آن بجمیع وضع لغت معلوم نباشد در بین آن مزید مفید است که آثار کلیه متوقع میشود هر چند
کلمات از لحاظ وضع لغت عرب که افصح جمیع لغات است دلالت بر کمالات قصوی داشته باشد و از حیثیت وضع بحکم صاحب شریعت اسمی از اسماء الله
بی شبهه بلکه بحسب تناسب و اتحاد معانی مدلول آن با مدلول اسم دیگر از اسماء حسنی اثر خاص و فعل مخصوص بآن اسم مترتب باشد
و بکرات و مرات مشاهده افتاده و از اینجا معلوم شد که بعضی از اسماء حسنی را بعضی از علماء خواص مخصوص بعضی مطالب دانسته اند
صلوات الله و سلامه علیها و علیهم اجمعین در بعضی از رسایل مختصره خود آورده اند که ضعف طالع و پریشانی امور را از اسماء الله علاج نتوان کرد و چون
حضرت رسول صلی الله علیه و آله موجد این است ابی که میفرماید که الدعاء سلاح المؤمن و دعا میفرماید که لا یرد القضاء الا الدعاء معلوم است که دعا با ذکر اسماء
ضرور نیست فصل ۱۰ در اثبات حروف و آثار حروف و آیات و سور قرآنی بدانکه از معلوم کرم و الاء طیب و لا یا بی الا کرامتی و آیه و نزل من القرآن ما هو
شفاء و رحمة للمؤمنین معلوم میشود که هر چیز که در جمیع افراد موجود است از خلوات و غیبیات واقع است چه از جمله حروف و کلمات و آیات و سور قرآنی
بهترین و اجل و اکمل ترین کنوز موجود و خواهد بود اگر خوبان همه دارند تو تنها داری تنم چون قول است اگر شرف الدین بوصیری رحمه الله قناعت و تعلیقه کردی
آورده که بحکم ما فرطنا فی الکتاب من شیء باید که هر چه طالبند از قرآن یابند و عوالم ملکوتی مجموع آن در جامع مجید که لبابی اعجاز بخش پیمبران اعوار تنزیل
من حکیم حمید مشاهده است بتوفیق ربانی و مساعدت غیبی و تائید سبحانی
اشرف را صناف اطلاع بر انواع آن میسر نگردد و الا چه مطلوب جوینده و در راه کدام مقصود پوینده نه بیان کیفیت و نه امکان کمیت یا جمع متفرقات
و منسوبات در ذکر کلام معجز نمات منوط بهیچ یک از آن نقد کدام است که در کیچ تو نیست و بعد از آن که بدلایل نقلیه و براهین عقلیه ثابت و معلوم است
که این کتاب شریف خطاب لطیف اعظم و اعظم کتب منزله است و آیات او انور و اکبر و معجز او اظهر از سایر معجزات و اسماء مذکور در اول مطلع

از براق

از بهر افزای اشاره مسطوره در صفایح مقدمه گهر آئینه خاصیتهای اوراق خواص سایر کتب بسیار اکثر و انفع خواهند بود و بجز اصل و اشاره در نفرقات یکی
در عالم کون وف دیبیر خواهد شد و نیز حدیث صحیح خاتم الکتب شفا من کل داء و بر دانیی تشفی کل داء الا السام بدین معنی اشارت صحیح و قصه زر
دیبا دیبا از کلمات و آیات قرآنی که حضرت رسول جبار بان اشاره فرموده اند موجب تبیین و توضیح والله اعلم فصل ۱ در کیفیت انتفاع بحروف اکا و آیات بر آنچه شده
نمانه که سالکان مسالک طلب و قاصدان مقاصد ادب در ادراک خواص و اسرار حروف و کلمات و آیات مشاهده فوایدو عوایدان مرتبه اول تعلق تمام
باسحاب امری که مقصود و مطلب ایشان است تفس تعلقه در تاثیر تمام و حصول خوارت در حین توجه بمقصود و بعضی از ارباب ریاضت بمجرد توجه و جمع همه
بی تکلم بمقاصد کلیه دینی و دنیوی و معنوی نایز شده اند مرتبه دیگر آنست که در لسان ظاهر شود و از قوت بفعل آید قلب اس وجه تعلقی پیدا شود و اینه
نفس در تصور بمقصود بسبب این وجود تعلق قوی دیگر یابد مرتبه دیگر آنست که این وجه تعلق منقش گشته بعده و معاون نفس شود و در نسخه نام بر مقصود
رسد مرتبه دیگر آنکه مرجو در قبضه توفیق عدای متصف گردد و در این صورت بواسطه توافق و اتفاق امداد خواص ملکی و ملکی و تاثیر عظیم ظاهر میشود و از این
این صورت در جمیع نتیجه اصلی بلغ و داخل خواهد بود و لی شبهه نیست که از این صورت تمام یابد و در تحصیل مقاصد مستر شاید بود بالله حسن التوفیق
فصل ۲ در طریق استعاله از اکا و آیات قرآنی متصور در سه طریق باشد اول طریق توجه بارواح و حقایق حروف و توسل جستن بصورت
مثال ایشان که در عالم ارواح سوره بنی اسرائیل چنانچه در فصل ششم بآن رفته است از این طریق تحصیل خواهند نمود تلاوت حروف اکا و آیات کرانه این طریق تکلم
خوانند سیم طریق کتابت آن رقم زدن اشکال حرف و هیئت رقم ایشان و از این طریق کتابت گویند اگرچه طریق اول اتم و اکمل است
و نصیب انا ردران صورت اصم و اکمل زیرا که در طریق کتاب و کلام توجه بصورت تلاوت و کتابت مینمایند و انجا توسل بمعانی
و ارواح و حقایق حروف و کلمات میکنند لیکن در ورزشی اینطریق که اعلی طریق استفاده است از کلمات و حروف مخصوص یا کابر این
و از باب کشف و تبیین است و عامه خلایق مبتدیان طریق حقایق بل که عموم سلطان ایشان را زان خطی و بهره نیست لاجرم
در ذکر آن شروع نمیرود و داد ابن منذهب شیخ بزرگوار ابو عبد الله مغربی رحمة الله در کتاب نیر المطالب داده و بر آن حروف خلوتی
معین ساخته و در هر خلوتی آداب و اوراد و ازکار مقرر گردیده و فهایده و فتایج آن خلوت به تفصیل باز نموده پس اگر طالب علم است
را موافق سلوک اینطریق باشد بایه که بان کتاب نفس را جوع نماید و چون طریق کلامی و کتابی نسبت بطریق تخیل از اکمل و اشهر میباشد را
آن اقدام ننموده که طریق کلامی مسلک انبیاء کرام علیهم السلام بوده و طریق کتاب منهج حکماء عظام شکر الله سعیهم فی الانام
و هر یک ازین هر طریق را قواعد و طرایق است و شرایط که در رعایت آن هیچ نایده بر اعمال متفرع نمی شود لاجرم در ابواب آینده این شاء
بذکر آن اقدام می افتد و بالله التوفیق باب ۲ در شرایط و آداب عامه که در رعایت آن در جمیع اعمال خیر و شر فروان مشتمل بر جوانه
فصل فصل ۱ در طلب استاد کامل و عالم عامل و گرفتن اجازه و تلقین از وی فصل ۲ در اجتناب اماکن شاقه و اتصاف بصفات
حسنه فصل ۳ در توجه تام بشغل اعمال فصل ۴ در ملاحظه التحقق بمعمول الله فصل ۵ در تقلیل و خلیت طعام و ارتکاب
صوم و صدقه فصل ۶ در ترک اکل حیوانی و بقولات که بخیالات رواج فصل ۷ در طهارت جلوس بر سجاده عمل فصل ۸

در ملاحظهٔ آزمیزد تربیتهٔ امکنهٔ متبرکه فصل ۹ در اختیار خلوت و عزلت و کیفیت جلوس در حین عمل فصل ۱۰ در سوختن بخور لایق
از عمل بر بخور داشتن معمول فصل ۱۱ در تکرار عمل و عزیمت خیر نتیجه و کتمان آن فصل ۱۲ در افتتاح و اختتام عمل بذکر و تسبیح و صلوات فصل ۱
در طلب استاد کامل و عالم عاقل و گرفتن اجازت و تلقین ذکر باید که طالب صادق قبل از شغل بجال ملازمت او شود ای کامل و حکیم عمل
اختیار کند بحکم خذ العلم من افواه الرجال از قول و فعل وی طریق اشتغال بعمال اخذ کند بتلقین و اجازهٔ وی در آن کار شروع نماید و حسب المقدور
در ملاحظهٔ شرایط رعایت آداب سعی جمیل به تقدیم رسانده تا بحیثه ثابته و قوایه کامله مترقب شود و اگر بی اجازهٔ تلقین استاد کامل در اعمال شروع کند بالکلیه
جمیع شرایط و کلوات را کما ینبغی رعایت کرده باشد هیچ خاصیت و منفعتی مترتب نگردد و بسیار از اعمال باشد که اگر بر دوام مواظبت نماید
عمل نیافته باشد و طریق شغل بآن از استاد کامل مشاهده نکرده بصوم و اختلاف فهم و عقل باشد و لیکن کوتاهی و اهمال ضایع و پریشان نشود که
بیکره ضایع و بهر من الوجوه اصلاح پذیرد و همه اطباء حکما از معالجهٔ وی عاجز و مضطر شوند از این جهت گفته اند تحت الثری یابد انکه کار
فصل ۲ در اتحاد خواص شغل و اتصاف بصفات حسنه به انکه از شرایط کلیه در اعمال ارتکاب رخصات و مجاهده ایست و بیان
بدو قسم منقسم است یکی ریاضیات بحسب ظاهر شریعت اعمال ظاهر مثل صیام ایام و قیام لیالی و ترک مشتهیات کلام و منام و طعام و غیرها از
محبت خاص و عام و امثال آن دیگری ریاضت بحسب باطن از توسل باعمال باطنی نفس خاطر و تصفیهٔ محل از شواغل و تحلی باخلاق پسندیده
و تزکیهٔ صفات انسانی و شیطانی است تا وقت اشتغال باعمال لطیفه بمقتضای نفس و هوی در مهالک شهوات نزدیک نکند و در زمرهٔ مشتغلین باعمال
فهریهٔ لذوی غیبت و نقصان نیفتد و در عداوت و دشمنی خلق خدای خواص نیفتد بل که بواسطهٔ اعمال تهذیب را مرتکب نشود الا از برای رفع ضالی و دافع
که عامهٔ خلایق از دست زبان ایشان ایمن باشند و از قول و فعل او مضطر و حیران و اگر کسی برخلاف این عمل کند و بهوای نفس و مقتضای طبع داخل شروع
شروع نماید باب عظیم و نکات جسیم بر منفرغ می شود و در حق کل نعمت نفس و مال و اهل و عیال و ضیاع و بقاء روی عرضهٔ تلف می شود برات و حیرت
از خان و مان و روزگار روی برد و در زبان نفرت انبیا و اخیرت کرده نعوذ بالله من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا فصل ۳ در توجیه
نام شغل اعمال و این اسم اعظم تعلقات و بعضی للطالب او رده در علم خلق عبارت از اشکال است در هوای که فرع و سمع میکنند در این
نشکالات هوایی بمثابهٔ اجسام مثالی است و روح این اجسام و قیوم این ان نوچه ناری و کواکب است و صور حروف و کلمات تسبیح
هر عالمی که متوجه بفهوم و بمضمون آن نباشد آن کلمات اموات باشد قال الله تعالی الیه یصعد الکلم الطیب و العمل صالح یرفعه پس عمل صالح کرفع
کلمهٔ میکند عبارت ازان توجه تام است که روح و قیام کلمه ذات و صعود کلمه بسبب اوست و هر کلمه که او را روح نباشد صعود او ممکن نیست
بر صعود کلمهٔ اجابت مترتب نشود و نیز حصول اجابت بعد از صعود کلمه چنانچه اهل تحقیق فرموده اند آن خواهد بود که حرف کلمه را
بحسب حقیقت صوری ذات مثالی در عالم برزخ که بر صاحب کشف ظاهر میشود آن صورت مثالی عبارت از وجه نسبت الحرف و الکلمه است
که در عبادات مثالی منکشف میشود و چون سالک مرتب کرده و بر وجه نسبت ان حرف که در آن پیکر مثالی تجلی فرموده هر آینه اثر کلی بر آن مترتب
مترتب کرده و حقیقت این اشارت تواند بود که روح نسبت الحرف و کلمه در عالم مثل به صورتی که مناسب انعام است ظاهر کرده و در حضرت
الهی که در آن در حضرات الهی نزدیک شده و باعث شود بزودی بر سرعت اجابت و حصول آنچه مقصود است و ربما که بحکمت شفاعت آنچه مراد

و مطلب عالی است

ومطلب عامل است افاضه نابه والله اعلم **فصل ۴** در ملاحظه استحقاق کسیکه مقصود است معروف له آن بمعاونت مسلمین ورعایت
مظلومین است در تحصیل منافع و دفع مکاره پس باید که در مباشرت عملی که برای او منفعت است نظر باستحقاق محتاج کند اعم از انکه محتاج خود
بود یا دیگری و در ارتکاب عملی که برای دفع مضرت ملاحظه حقیقت مظلوم کند اعم از انکه مظلوم خود باشد یا دیگری چه دفع ستمکاران
از ستم رسیده کان علیت عند الخالق والخلایق مستحسن اگر در آن باب حق بجانب مظلوم نباشد هرچند بحسب ظاهر ظلم نماید دفع موجب
موجب نکال عامل خواهد بود پس در هر عملی از اعمال لطیفه یا قهریه باید که پاک بباعراض نکند یا در اعراض شیطانی شروع نکند و بملکات
نیکو و اخلاق الهی متصف شود چنانچه قبل ازین گذشت یا بواسطه علاقه مناسبت و رابطه جنسیت بروحانیات و مجردات از جانبین
در اعمال مدد های یکدیگر یابد و حصول مطالب عنقریب فایز گردد **فصل ۵** در تقلیل طعام و ارتکاب صوم و صدقه باید
که عامل پیش از شروع و بعد از ان چند روز خود را از لقمه شبه نگاه دارد که اکابر دین فرموده اند که آثار کدورت مخلت یکلقمه یا وجه تا مدتها
در باطن سالک می ماند و ضمیر را مکدر دارد و با کدورت باطن دعا و تلاوت را هیچ اثر نخواهد بود و صاحب فوائد آورده که بروایت صحیح ثابت شده
که حضرت پیغمبر علیه السلام از یکی از اصحاب را می طب ساخته فرمود که مطعمک مستجاب دعوتک یعنی پاک کردن خود غذا خود را تا مستجاب شود دعای تو
و از یوشع بن اسباط منقول است که دعا فروبسته میشود از رفتن بآسمان بسبب سوء طعمه و هرچند لقمه حلال بوده باشد باید در تقلیل
اکل لقمه کوشد و از خوردن اغذیه منجر تا جتناب واجب داند چه بسیار خوردن طعام خصوصا طعام بی زنهار آتشه قوی دواعی شر را
تیز میگرداند و در حواس ادراکات کلال و ملال پیدا میکند و آنکه موجب کسالت و کدورت و غلبه خواب میشود و باطن از انجهت
ملکه تر میگردد و البته باید که در روز روزه داریکه روزه ها در اجابت و اعانت و حصول مرادات مدخل تمام است و دعای
وارد شده که دعای روزه دار مردود نمیشود باید که قبل از شروع که در عمل تصدیق کند که انشاء الله در انجاح از کلیت چه او خالک
سیه و در دل شکسته کان بگم انا عند المنکسرة قلوبهم موجب خوشنودی حق سبحانه و تعالی باشد و در استجلاب فیض الهی و رحمة
نامتناهی بمنزله عظیم دهد **فصل ۶** در ترک اکل حیوان و بقولات گریه از ابواب باید چون مرتکب عملی شود
از اعمال که در آن اتهام بلیغ داشته باشد ترک اکل حیوانات کند از لحوم و شحوم و البته از حیوانات حاصل
میشود شیر و روغن و بیضه و غیر آن و اگر بطعام مرغ احتیاج افتد بدهن اطل اکتفا نماید که از بنفشه یا بزر
یا شیره و امثال آن بهم میرسد و فایده در آن توان نمود آن است که از خوردن حیوانات نفس و طبع قوت
عظیم یابد و با شهوات بحرکت آید و از ترک آن نفس و طبیعت ضعیف شود و جانب روحانیت قوی گردد
و بر جسمانیت غلبه کند و بتمام فجره دقت و باریک نظر مناسبت پیدا کند و بقدر متابعت استفاضه کند
و باید که در اثناء عمل خواه کلامی و خواه کتابی خصوصا کلامی از تناول کردن پیاز و سیر و کندنای خام و امثال بوی ناخوش

و آرد بکلی بپرهیزد چه ملائکه بغایت از آن متاذی میشوند و ارواح علوی و سفلی متنفر میگردند و امداد و اعانت ایشان بدان
واسطه از عامل منقطع میشود و در احادیث صحیحه وارد شده حضرت پیغمبر صلعم فرمودند که چون کسی از این چیزها خورد باید که
آن ممسی حاضر نشود که ملائکه از بوی ناخوش کراهیت دارند و از کسی که آن بوها آید متوحش میشوند **فصل ۷** در طهارت
کامل و تنظیف لباس و منزل باید که قبل از شروع در عمل وضوء کامل ساز دو اگر غسل کند اولی بود و اگر قوت مزاج دفاع
باب سرد دهد الا باب گرم و بدن را همیشه از نجاست پاک نگاه دارد تا بحکم کریمه و یحب المتطهرین ابواب فتوحات نوری
بمفتاح ظهوری بر دل وی گشاده گردد و باید در حین عمل جامه خوشبوی در پوشد چه پاکیزگی لباس را در صفای باطن
مدخل تمام است و ایمه مبادکه و ثیابک فطهر مؤید این معنی است و باید که آن لباس از وجه حلال ترتیب یافته باشد و اگر دشته
رشته در آن از وجه حلال دوخته باشند دعایت شامل در آن لباس مستحب است و هم چنانکه لباس پاک معطر
باید که در آن عمل شغل کند از خس و خاشاک و نجاسات و روایح کریهه پاک و پاکیزه و رفته و جیده باید و هیچ چیز
از مطاعم خان و مان و مصالح طبخ در آن خانه نشاید و اولی آنکه در اکثر اوقات خصوصا در زمان عمل بخورات
لایقه مطیب و معطر باشد **فصل ۸** در ملاحظه ازمنه شریفه میتر که آنها از منه و آنچه از قسم است شرعی و حکمی آنها شریعتیه
دو نوع است مطلق و مقید اما ازمنه مطلقه آنست که مقید بشهور و ایام و لیالی مخصوص نیست و از نزد صاحب
شریعت ما برای اجابت دعوات و نیل مرادات مقرر شده و در لفظ باب احادیث صحیحه وارد شده مثل
وقت سحر و هنگام طلوع فجر و طلوع آفتاب و وقت نزول باران و میان اذان و اقامه و سجده و تلاوت و بعد
از اداء صلوة مفروضه اما مقیدانست که بشهور و ایام و لیالی متبرکه مخصوص است مثل چهار ماه حرام و ماه رمضان
و مثل عیدین و عرفه و عاشورا و روز جمعه و روز پنجشنبه و دوشنبه و مثل شب عید فطر و اضحی و برات و قدر
و شب جمعه و شب پنجشنبه که در مجموع این اوقات عمل را تاثیر دیگر است و برای هر وقتی در کتب قوم عملی مقرر است
و تطویل لفظ موجب ملال است اما ازمنه حکمیه عبارت از اختیارانست از ساعات مسعوده و منحوسه ایام و لیالی مخصوصه
و ساعات بکواکب و نظرات سیارات و حلول قمر بروج و منازل و طلوع درجات بروج و ملاحظه شرف و هبوط
و تثلیث و مثال کواکب و رعایت طالع وقت و غیر آنها از احکام کلیه و جزئیه ملاحظه نمودن مشروطات و محدودات
و در بعض اعمال رعایت بعض احکام لازم است و تحقیق تفصیل آنها مناسب این مقام نیست اما ممکنه میتر که
که آنها مواضعیر است که از برای اجابت دعوات از حضرت رسول الله صلعم بروایات صحیحه ثبوت پیوسته

مثل مسجد آن جهاد و بعد از تقرر عام و صف اول از جماعت و عرفات و مشعر الحرام و حطیم و مقام ابراهیم علیه السلام او در درون
کعبه و بام خانه و مروه و مسجد اقصی و مسجد حضرت پیغمبر صلعم و روضهٔ مقدسه و بر و مقابر سایر انبیا و ائمهٔ معصومین
و سایر مساجد و معابد دور و نزدیک

فصل ۹ در اختیار خلوت و عزلت و کیفیت جلوس در حین عمل باید که عامل
در وقت شروع باعمال خلوت و عزلت اختیار کند و ترک اختلاط اهل رسم و عادت نماید خصوصاً عوام و اطفال
و اصحاب عقول ناقصه بتمام چه بحکم حجه که امری مقرر است از ظلمت غفلت اهل نفس و هوای باطن و بر متاثر
خواهر شده و فتور تمام بصفای خاطر و بر سیاه خواهند یافت و باید که در خلوت همیشه متوجه قبله نشیند چه از حضرت
رسالت پناه چنین مشاهده افتاده که در حین دعا رو بر قبله میآوردند و متوجه کعبه میشدند و دستهای مبارک
بهم داشتند و چنین دعا تمام میکردند دست مبارک بر روی فرو میآوردند و میگفتند که بر و ورد کار ما
شرم لیکن و کریم است و شرم دارد از بنده خود وقتی که دست حاجت پیش او برد آنکه تهی باز گرداند
و باید که در حین توجه بقبله و قبل از آنکه بطریق کلامی عمل میکند مرتع ننشیند که اکثر علی و این فتنه برآنند که در وقت قرائت
دعا و تلاوت قرآن بر وضع مرتع نشستن در حصول نتایج انفع و ابلغ است چه دغدغه طبیعه در آن صعوبت کمتر است
و از حضرت رسالت پناه صلعم بنقل صحیح ثابت شده است که بعد از ادای نماز بامداد که وقتا جابت دعوة است چون
بخواندن اشتغال مینمودند مرتع میر نشستند تا وقتی که آفتاب طلوع میکرد و بعضی دیگر از اکابر محققین طریق
دوام بر نشستن تا بوقت معینی که میان فریضهٔ بامداد و طلوع آفتاب است مخصوص ساخته اند و صاحب
ترجمه عوارف رحمة الله آورده که صاحب خلوت باید که همیشه در حال جلوس بر هیات قعود تشهد نشیند
و باخود چنان تصور کند که حاضر حضرت عزت است و حضرت رسالت پناه صلعم اینجا حاضر بقبله و قبله را حرام بشیند

فصل ۱۰ در بخور لایق سوختن و بر خود داشتن معمول باید که قبل از افتتاح عمل خواه در طریق کلامی و خواه
در طریق کتابی بخورات مناسب العمل بکار برد و مخفی نماند که برای هر عمل در هر روزی از ایام آن هفت
و برای هر کوکبی از سبعه سیاره بخوری خاص مقرر است که در فلان وقت و فلان روز که تعلق بآن کوکب
دارد باید سوخت و در امثال این از بعضی از اعمال مذکور خواهد شد و اگرچه اهتمام طبع در بخور سوختن
مخصوص باعمال تسخیرات جن و کواکب است اما در بعضی اعمال این کتاب نیز بخورات لایق
سوختن و در بخورات داشتن معمول امری مقرر و شرطی معین است و در جمیع اعمال خیر و شر
سوختن عود و عنبر و عطرهای خوشبوی بکار داشتن مناسب است و در جمیع اعمال
نیز سوختن کندر و سندروس و داروهایی که با آن بویها باشش نهادن لایق است و اعمال کتابی که اکثر از قبیل

بعد از اتمام بخورات خوشبوئی باید داشت پس درهم باید پیچید و ذکر آن در اثنای اعمال ایراد خواهد یافت

فصل ۱۱ در تکرار عمل و صبر بر تاخیر نتیجه و کتمان عمل باید که بیک نوبت که عمل کند اکتفا ننماید و بمدارک اثری که مترتب شود قناعت نکند و اگر ظاهر نشود باید که ملول نگردد و قطع امید نکند چه بیت بدکه بواسطهٔ تقصیر در ضوابط و شرایط نتیجه آن عمل در عقده تعویق و تاخیر افتد پس بتکرار تدارک عمل آن تقصیر باید کرد یا بجهت انتظار فلکی مانعی بوده باشد آن نیز مرتفع شود و اگر در رعایت شرایط فروگذاشتن بوده باشد آن تکرار موجب مزید نتیجه و مدد قوت باشد در ظهور اثر و خاصیت و باید که عامل بریاضت اعمال و مشقت آن تحمل کند و لطفی که در عمل است بطبع و نفس او نرسد ملول نگردد و اگر شاهد مقصود بذوق جمال ننماید ترک عمل نکند و بر یقین و تمام و عزم صحیح راسخ و ثابت قدم باشد تا وقتی که مراد خود فایز گردد که در کتمان عمل از اهل و بیگانه و محرم و نامحرم به تخصیص زنان و کودکان و اصحاب عقول ناقصه و عوام الناس و ارباب فسق و فجور و سفها اقوم سبیل بتقدیم رسانند و قاعده استعینوا علی حوائجکم بالکتمان را نیک رعایت کنند که از خفای عمل موجب سرعت نیل مقصود است و صاحب کتاب دور النظیم آورده که از جمله شرایط دعا اخفا آنست پس باید که هیچکس بر دعا و مناجات وی مطلع نشود و بر عمل وی واقف نگردد کما قال الله تعالی ادعوا ربکم تضرعا و خفیة حکایت زکریا یا از ناداربه نداء و خفیا و معنی خفیا آنست که پوشیده و پنهان و پوشیده دعا فرموده و در دل شب مناجات نموده و در نفس خود هفته از همه کس چنانچه غیری بر آن اطلاع نیافت و نتیجه این دعای پنهان آن بود که حضرت حق سبحانه و تعالی او را بموهبت فرزند فرموده **فصل ۱۲** در افتتاح و اختتام عمل بذکر و تسبیح و صلوات باید که در جمیع اعمال کتابا و خلاء پیش از شروع باین ابتدا بآن ذکر و تسبیح و صلوات کند چه در اخبار روایت است که هرگاه حضرت رسالت خواست که دعایی بخواند اول گفت سبحان ربنا الاعلی الوهاب و در آنا ساعده که آنحضرت فرموده که چون کسی از حق سبحانه و تعالی چیزی خواهد اول بر من صلوات فرستد که حق سبحانه و تعالی از آن کریمتر است که بنده از وی حاجت خواهد و او همین یک حاجت را اجابت کند و دیگر برآورد و صاحب دور النظیم آورده که از بعض اصحاب کبار رضی الله عنهم مرویست که دعای بنده موقوف میباشد و بمصعد قبول و باجابت نمیرسد تا وقتی که بر حضرت رسول صلوات فرستد و باید که عامل در جمیع اعمال چنانچه قبل از شروع ابتدا بصلوات میکند بعد از اتمام ختم بر صلوات کند تا عمل و دعای او در میان او و دعا مستجاب واقع شده باشد و هم صاحب دور النظیم از الحاج سلیمان دارانی که از مشایخ کبار است نقل کرده که چون از حق سبحانه و تعالی سؤالی کنی باید که ابتدا بصلوات

پس حاجت خود عرضه داری بعد از آن ختم بصلوات کن که حق بسی نزدیک است آن را صلوات را قبول می کند و از کرم امید
و لطف نامتناهی نزدیک که به حاجت را که بنده عرض کند قبول کند و آنچه در میان باشد بگذارد ۵
در شرایط و آداب تلاوت مشتمل بر دوازده فصل باب ۲۰ در تلاوة حضری فصل ۱ در تلاوة الطلبة فصل ۲ در بیان
حفظ عدد و ترک بالنفس بین الوقتین فصل ۳ در اختیار خلوت و صفت خلوت خانه و آداب در آمدن بآن فصل ۴ در
صفت جلوس در آن خلوت و شرایط ضروری عامل آن فصل ۵ در موافقت دل با زبان در حین تلاوة فصل ۶ در رعایت
تجوید وقت قراءات فصل ۷ در ملاحظه ترتیل هنگام قراءات فصل ۸ در حفظ صورت وسط فی فتح وجهر فصل ۹
در ترک سجع و تکلف فصل ۱۰ در ترک تفهق و تشدق فصل ۱۱ در نفث که در رمیدن نفس است بکیفیت خاص
فصل ۱۲ در تلاوة حضری بدانکه طریق کلامی و کتابی مسلک انبیاء کرام صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین بوده است
و آن تلاوة حروف و اسماء سور و دعوات است منقسم بدو قسم اول حضری و دوم اطلاقی و هر قسمی در فصلی ایراد
میرود ابتدا حضری آنست که نصاب قراءات معینی کرده باشند بعدی خاص قراءت بدان نصاب نرسد فایده و نتیجه
بر آن مرتب نگردد و اگر از آن نصاب در گذرد هم خاصیت و اثر متفرع نشود همچنانکه کسی را بکنجی نشان داده باشند
که از آنجا فلان موضع که مثلا چهار کام که بفلان موضع رود ببر کنج رسد پس اگر وی تقصیر کند و پنج کام برود آن را یا
یا غلو کرده پنجاه کام برود هرگز بمطلوب نرسد و از مقصود دور افتد و پوشیده نماند که قسم حضری در ایصال
منافع و فواید از قسم اطلاقی اهم و اکمل است چه خواص عدد و اثار و منافع آن از تکلف شرح و بیان مستغنی است
و عوام احیانا چون که کافه انام را از خواص و عوام بعد دهیتی و شمول نقیر که اورا در فنون معاملات و مشارکات
و صنوف حروف صناعات واقع است در کمال وضوح و ظهور رایت و اعلام واضح فی نادی علی العلم فصل ۱۳ در بیان
تلاوة اطلاقی بدانکه تلاوة اطلاقی آنست که قراءت بعدد خاص اختصاص نیافته باشد بلکه لاعلی التعیین چندانکه
خواهد بخوانند و مخیر که مال اطلاقی نیز از روی حقیقت بحضری باز میگردد زیرا که درین قسم نیز وقتی که اثر عمل
مترتب شود هر آینه عدد آن بحدی معین رسیده باشد غایتش آنکه این عدد معین غیر حقیقی نزد احدی نمیداند
مگر بتعلیم و الهام و بس که یا از بندگان خاص خود را برین معنی مطلع گرداند و چون عامل درین قسم عددی با خود مقرر
و مقرر زد که در وقتی از اوقات شب و روز بتلاوة حرفی یا اسمی یا آیتی یا سورة یا دعایی قیام نماید روا بود
عند الضرورة در آن اثنای سخن احیانی گوید بخلاف قسم حضری که بهیچ وجه در اثنای سخن گفتن جایز نبود نه بضرورة
و نه بغیر ضرورت چنانچه در فصل آینده اشارت بدان خواهد رفت و در ینقسم چون بحسب ضرورة حدیث

اجنبی افتاد اثر انعمل ضعیف گردد و فایده معتد به بر آن متفرع نشود و اگر عمل از سر گیرد اولا بوه فصل ۲
در حفظ عدد و ترک تلاعب بین الوقتین بدانکه رعایت عدد از اعظم شرایط است در طریق کلامی زیرا که در ضمن عدد
خواص عجیبه و آثار غریبه مندرجه لهذا القبیح مجمع از مجامع از باب دین و دنیا از و خالی نیست چه مواقیت ارکان
طاعات و عبادات و امور کلیه از شرعیات هم وابسته به عدد است و از نبی ست که اوضاع شرعیه اکثر بر عدد خاص
مبنی گشته و قراءت بعضی و آیات و سور قرآنی یا دعاء معینه مخصصه از وضع صاحب شریعت ص در مواضع کثیره بنقل
صحیح ثابت شده است پس در اعمال کلامی چه قراءت و تلاوة حصری بوه چنان معین شده باشد که یک بار
در روزی یا شبی تمام نتوان کفتند انرا بر اوقات قسمت نماید و در حین فراغتی بین الوقتین باید که از
چهار چیز اجتناب کند اول از کثرة کلام دویم از بسیاری مقام سیم از انتظار طعام چهارم از اختلاط اطفال
زن و عوام و بعضی علماء این فند برآنند که چون تلاوة حصری بوه یا آن عدد بنصاب خوه نرسد
یا هیچ کس از اشنا و بیکانه بدریان لتن نرسد بلکه هیچ چیز آنی که منع وی ممکن بوه باو نی نرسد و در لتن
خلوت باید غیر ذکر و نماز و تلاوة و انچه در عمل مقرر شده امری دیگر از و صادر نشوه البته از اقوال
و افعال اجنبیه که در عمل هیچ دخلی ندارد بغایت محترز باشد و باید که در آن خلوت خانه اصلا پهلو
بر زمین نه نهد و خواب نکند مگر باختیار در حینی غلبه خواب و انی چنین مطلقا نخوه و نباید مد
و همیشه بر وضوی کامل بوه و در حین جلوس چشم وی بخواب گرم شوه یا از کثرت تکرار ذکر و تلاوة کلالی
و ملالی عارض شوه تجدید وضو کند و باز بر سر عمل بوه فصل ۳ در موافقت دل با زبان و در حین تلاوة
باید که چون عامل اغاز تلاوة کند دل خوه را حاضر کرداند و هر چه زبان میکوید معنی آن را بدل می اندیشد و از
دیگری طرحی نیندازد و این وقتیست که عالم باشد بمعنی آن چه می خواند و اگر عالم نبوه باید در تلاوة قرآن اندیشه
کند که این کلام حضرت خداوندیست و در انکرا را نشاید ملاحظه نماید و در صفات کمال او در قراءت دعوات
اندیشه کند که مناجات و رفع حاجاتست در حضرت رفیع الدرجات بواسطه این اندیشه و عظمة حق سبحانه و تعالی
در دل وی جاکرده خاطر از پریشانی خلاص کرداند و انوار رقت بر جمعیت باطن وی مترتب کردد و اگر زبان وی با سنا
و آیات جاری بوده دل وی از معانی آن غافل هیچ فایده از آن متفرع نشوه و اوقات ضایع کرده باشد بلکه
در بعضی اعمال خوف رجعت بوه و ایدة فویل للقاسیة قلوبهم من ذکر الله مؤید این معنیست چه بعضی از اکابر
انرا کفته اند که در اثنای ذکر از مفهوم آن غافل و از اهل بات فصل ۴ در رعایت تجوید وقت قراءت باید

که هر حرفی و کلمه را که بر زبان براند ملاحظه تجوید آن بکند یعنی هر حرفی را از مخرج وی ادا نماید پس بر هر که واسطه مخرج دریابد از کلمات
حرفی را از غیر مخرج ادا کند و بدان سبب نقص تمام معنی آن کلمه راه یابد باید مثلا در اسم ظاهر اگر حرف ظا بحرف زا مبدل شود و
وقف بغین مبدل باید ظاهر کرده و قوی غین شود و در معانی تفاوت فاحش پیدا شود و بدان سبب عمل وی باطل گردد و
بلکه نتیجه بعکس دهد **فصل** در ملاحظه ترتیل هنگام تلاوت باید که رعایت ترتیل را در تلاوت واجب داند و ترتیل آن
بود که کلمات را حرف بحرف روشن و ظاهر ادا کند به سرعت و شتاب نکند تا کلمات و الفاظ شکسته نشود بهیچ وجه من
الوجوه در آن اثنا تکلم بکلام اجنبی جایز نبود اگر به اختیار اتفاق افتد اعمال باطل شود و در عمل خیر هیچ اثر مترتب
نشود و در عمل رجعت نیز بود و صاحب عمل اکثر اوقات ساکت ماند خصوصا بین الوقتین و اگر در آن حین بجهت ضرورة
سخن گوید باید که سخنی گوید که ضروری و خیر متضمن در آن باشد و الا سکوت کند و همیشه بزبان او از کذب و غیبت
و تهمة و بهتان و فحش و کلمات پست دور باشد **فصل** در اختیار خلوت و صفت خلوتی نه و آداب در آمدن در آن بر عامل
واجب است که در حین تلاوت منزوی و منقطع بود از خلق و تا عمل بانام نرسد قدم از خلوت خود بیرون ننهد مگر بضرورة
اکل و شرب و وضو و طهارت و باید که وسعت آن خانه بدان قدر باشد که تواند بر پای ایستاد و نماز تواند کرد و البته زیاده بر آن
نباید و باید که یکدر داشته باشد و در وی روزنه و فرجهٔ دیگر نبود که باد و روشنی در آید و حواس هم از وی متفرق شود
و باید که آن خانه از مردم و مواضع ازدحام و غوغای خلق دور بود تا آواز و شغلهٔ مردم نشنود و موجب تزلزل و تشویش
خاطر وی نشود و باید که چون قدم در آن خلوت نهد بگوید ربّ ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی
من لدنک سلطانا نصیرا و چون قدم بر مصلی نهد بگوید بسم الله و بالله و الحمد لله و الصلوة و السلام علی رسول الله
اللهم اغفر لی و افتح لی ابواب رحمتک پس دو رکعت نماز گذارد و پیش از شروع در عمل از سر خضوع و خشوع
در رکعت اول بعد از فاتحه بخواند وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا و در رکعت
دوم بگوید رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ بعد از آن در عمل و تلاوت شروع کند **فصل** در صفت جلوس
در آن خلوت و شرایط ضروری عامل اینجا بداند که باید همیشه عامل در آن خلوت در زمینی پاک فرشی نشیند و میان وی
و زمین هیچ حایل نباشد که آن بتواضع اقرب است و اگر فرشی باشد باید که چیزی بود که از زمین چیزها و بنده ها نباشد
مثل بوریا و حصیر و غیر آن و باید همیشه بر یک قبله نشیند تا تواند در حالت جلوس نیز بر جهات قعود و تشهد حصول صادر و قت
فراغت از شغل و اگر در حین عمل مرتبه نشیند بلکه اولی بود بمذهب جمعی از علمای این فن و باید که غیری اصلا و قطعا بهیچ کس
بآن خلوت راه نیابد و قدم هیچ یک نه رسد که بر شکستن لفظ تنگ بغم ملاه یابد **فصل** در حفظ صورت میان می نفته و

یعنی عامل باید که در اثنای تلاوت آواز خود را فرو آورد میان نرم خواندن و بلند خواندن که قال سبحانه و تعالی ولا تجهر بصلوتک ولا تخافت
بها بعضی از مفسرین گفته اند صلوات را بمعنی دعا داشته اند و در خبر صحیح آمده که حضرت پیغمبر صلعم از سفری مراجعت کرده بودند
و بمدینه مشرفه مراجعت چون نظر صحی به بر سوآد نهر افتاد با واز بلند تکبیر گفتند آنحضرت فرمود که ای مردمان بدرستی
که شما نمی خوانید که اصم نیست بلکه کسی را میخوانید که سمیع است و نزدیک به شماست ازرک کردن شما فصل ۹ در ترک
سجع و تکلف بدانکه یکی از شرایط عمل در طریق کلام ترک سجع و تکلف است و در عبارات دعوات
و مناجات پس باید که چون حاجت خود را بر حقیقی روحانی عرض کند در آنوقت از ادای سجع سازی و تکلف
عبارت پردازی اجتناب واجب داند چه در مقامی که خضوع و خشوع و تضرع و نیاز مطلوب تکلف در سجع عبارت
نامرغوب است پس البته باید که در حین عرض حالات از تکلف عبارت بپرهیزد زیرا که در وقت دعا بحکم
آیه ادعونی استجب لکم ادعوا ربکم تضرعا و خفیة انه لا یحب المعتدین تضرع و زاری باید خضوع و تضرع
منافی تکلف است مفسران در تفسیر این آیه چنین گفته اند که معتدی آنست طایفه اند که در دعا تکلف کنند و سجع
و قافیه مرعی دارند و در اخبار روایت شده که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که زود باشد که پیدا شود قومی که در دعا
تکلف کنند فصل ۱۰ در ترک تفهق و تشدق باید که عامل در حین قراءت و تلاوت البته ترک این دو صفت
کند که از جمله مکروهات است و تفهق کنایت از توسع است در کلام بنا بر اظهار فصاحت و دعوت
بلاغت پس باید که عامل در حین مناجات و عرض حاجات دعا و مدعای خود را بانک عبارتی
دلاویز و اشارتی مرغوب انیکزاده ادا نماید و از تطویل کلام و تفصیل مرام اجتناب تمام نماید که بهترین کلامی
آنست که الفاظ او کم باشد و دلالت کند بر معنی بسیار و این معنی بسیار حاجت است بلکه بحکم حدیث ان الله
الملیحین فی الدعا النجاح در دعوات و مناجات از جمله منهیات است و حد اعجاز سه بار تکرار کردن حاجت است
و زیاده بر آن بلاجت است و تشدق عبارت از لب و دهان کج و راست کردن در حین تلاوت و تکلم چنانکه
بعضی از جهال قرا بجهت مبالغه در تجوید و اهتمام در ادای حروف از مخرج آنرا بلب و دهان حرکات قبیحه
و اشکال مهیبه میدهند و فضیلتی نمی دانند و حضرت رسالت پناه صلعم در بعضی احادیث متشدقین را مذمت فرموده
فصل ۱۲ در نفث که دمیدن نفس است بکیفیتی خاص و آنرا بعد از اتمام تلاوت حروف و آیات
و سوره و دعوات باشد و کیفیتش چنان است که از مخرج ثاء مثلث تا از ضم شفتین بر وجهی که در حین
تلفظ حروف و آوی باشد یعنی نرم در دهد و از حضرت رسالت پناه صلعم بدین وجه مرویست و در احادیث

صحیحه ثابت شده که کان رسول الله آذا مرض احد من اهله نفث علیه بالمعوذات ومثل این ازاکابر ماثور منقول
وحکمت درین است که باطن منطویست بر سری از اسرار الهی که موزع شده بروحانیت آنم وخواننده نفث آن
روحانیت میرکشد بعطا آن در نفس و امثال آنم بحسب صورة درحینی که متوجه آن است هرآینه فایده کلی برآن مترتب
خواهد شد والله اعلم باب چهارم در آداب و شرایط کتابت مشتمل بر مقدمه فصل فصل ۱ در بیان کتابت رسمیه
فصل ۲ در بیان کتابت وفق فصل ۳ در بیان ملاحظه جدید فصل ۴ در رعایت الوان مداد فصل ۵ در اوراق
وصفاییح وخواتیم که بر آنم رقم زنند فصل ۶ در آلات وظروف وآدانی که بکار تولید فصل ۷ در جلوه
وعظام حیوانات که بر و رقم زنند فصل ۸ در توجه تام بصورت خطی وامعان نظر بر او فصل ۹ در اشتغال
قوت خیال با مرکبات فصل ۱۰ در بیان محل مکتوب فصل ۱۱ در بیان ضبط در فن معمول فصل ۱۲
در بیان محو کردن مکتوب واث میدن و پاشیدن و مالیدن فصل ۱۳ در بیان کتابت رسمیه
بدانکه طریق کتابتی که منهج حکمای عظام است شکر الله مساعیهم فی الاسلام وآنم کتابت حروف واسماء وآیات
وسور وادعوات بهت منقسم بهت بدو قسم اول رسمیه دوم وفقیه وهر قسمی در فصلی ایراد میرود اما رسمیه وآن چنان است
که حروف وکلمات واسماء وآیات را بقلمی خاص که بعضی از کبرا وحکمای متقدمین وعلمای متاخرین وضع کردن که رقم
زنند بنا بر نکته اخفا از نظر اغیار یا غیر آن چنانچه بر ارباب فن روشن بهت واز قلمها آنچه بنظر درآمده سی قلم است
اسماء آنم مذکور میشود اول داؤدی دوم عبری سیم وچهارم وپنجم سریانی وآنم سه نوع است ششم یونانی هفتم فلیقراطونیه
که هم یونانی وضع کرده اند هشتم قلم جابر جیان که بعضی رسمیل کوفیه آنم با قلم نوشته اند تا سفها بر رقم برآنم اطلاع نیابند
نهم قلم عبرانی دهم قلم صابیا یازدهم بیتی که در آیرها بیتی را بآن قلم نوشته اند دوازدهم وسیزدهم وچهاردهم قلم دیلمی وآنم
سه نوع است پانزدهم غبارش نزدهم وهیجدهم وهیجدهم ونوزدهم وبیستم قلم ریحان وآن پنج نوع است بیست ویکم قلم
سنبل است بیست ودوم وبیست وسیم وبیست وچهارم وبیست وپنجم وبیست وششم قلم خطی طلسماتست وآنم بر
پنج نوع است بیست وهفتم قلم حمیریست وهشتم قلم طبیع وبیست ونهم قلم زمام وغبار سی ام قلم کاتیع وآن قلم
ظلمیست که وآلد این فقیر وضع کرده ودر تخلص خود موسوم ساخته وکتاب اسرار رقوم که در بیان علم سیمیا خته
وغرایب فن سیما تالیف کرده وبآن قلم نوشته بقید ملاحظه اخفا از نظر جهال وسفها وسیمیا کتابیست
از علم تصرف در خیالات ورئیا عبارات از فن شنیده است وچون تفصیل این اقلام موجب تطویل کلام
بود در مقصود چنان دخیل ندانست لاجرم بذکر اسماء آنم اکتفا نمود والله ولی التوفیق فصل ۱ در بیان کتابت وفق

بدانکه کتابت وقفی آنست که حروف و اسماء آیات را یا اشکال یا حروف را بصورت یا کلمات یا اعداد
حروف را و کلمات را بصورت ارقام هندسی بر وجهی شایسته تر است یا مجموع حروف و کلمات و ارقام هندسی را بوجهی
کامل تر است در الواح و مربعات وقفی درج کنند بر وجهی که در علم اعداد و وفق اکابر این فن تعیین فرموده اند
و پوشیده نماند که آثار اعمال کتابها و اثبات از اعمال کلان زیاده است و نتیجه وفی بده عظیم تر و قوی تر است
دوم بقاء حروف و ارقام بر اوراق و الواح و اگرچه در اعمال کتابها سرعت و اجابت مقرر است لیکن
آثار را از چند لحن ثبات و بقاء نیست بواسطه عدم ثبات و کلمات ملفوظ بخلاف کلمات مکتوب
خصوصا آنچه در مربعات وقفی درج کنند و بدین شبهه قسم وفی از سر کلمات مکتوبه و واسطه بهبات
اجتماع اعداد و توافق ارقام و تفاوت عددی که موجب تاثیر کلیه است اتم و اکمل خواهد بود در اثبات آثار و بقای
خواص کلی لایخفی اهل اختصاص و این قسم وقف دو نوع است اول تصحیح قلم تکسیر و آداب علم حروف
قسم تکسیر را اعتبار نعم الله و قسم تصحیح را بانکه از روی خاصیت در این فن مدخلی تواند بود علیحده فن
نوشته اند و وقوف بر تفاصیل آنها کتب اعداد بیان مفوض میگردد خصوصا کنه المراد در تفصیل گفتن
علم مراد اعداد بر آنچه کمال و جمال کما ینبغی است بیت هرکرا این چنین کمال بود کرشمه ای آن کند شاید
فصل سوم در ملاحظه قلم جدید عامل باید که چون پیکی از اعمال کتابها اقدام نماید اول قلمی نو اختیار کند
که هنوز او را نتراشیده باشند و بآن چیزی ننوشته باشند و قلمی که یکبار آنرا تراشیده باشند و بآن حرفی
نوشته باشند اصلا و قطعا روا نبود که چیزی از اعمال بدان نویسند و اگر بقلم فولاد نقش خواهد کرد باید که
این نکته را مرعی دارند و از فولاد جدید غیر معمول باشد و آن قلم جدید باید که کلوبه حلال حاصل شده باشد
تا نتیجه که مطلوب است بدلخواه اعمال مستفرغ شود والا در لطیفات فایده نبود و در قهریات ضرر کند
فصل چهارم در الواحی مداد باید که مناسب مرعی از اعمال فهرسته و لطیفه برای کتابت لوحی خاص اختیار کند مثلا
در اعمال عداوت لوحی بکار برد که تعلق بکواکب نحس دارد مثل سیاه و کبود و سرخ و در اعمال محبت جمیع اختیار کند
که منسوب است بکواکب سعد مثل سفید و سبز و زرد تا بسبب مناسبت فایده تمامه ترتیب یابد و باید که
ملاحظه حیلیه و اورا از لوازم شمرد والا کار ضرر کند چنانچه در ذکر قلم ایراد یافت فصل پنجم در اوراق و صفایح
و خواکه بر آن رقم زنند باید دانست که بعضی اعمال از آن قبیل است که این را بر کاغذ باید نوشت پس اگر عمل از
اعمال لطیفه است آنکاغذ جدید سفید و پاک و صاف باید چنانکه رنگ و داغ و زخمی نداشته باشد و از روی حلال

حاصل شده باشد و اگر از اعمال قهریه است هم جدید و پاک باید و از وجه حلال و از رنگ او تره باید و سفید
و بعضی از انجمله است که بر حریر باید نوشت و آن نیز حکم اوراق دارد و حریر نو باید و پاک و سفید در اعمال
خیر و نو و پاک و رنگین در اعمال شر و بعضی از اعمال لذان مقوله است که از ابریق آنها باید نوشت پس
و نیز ذبح کرده باشند پوست و بر گرفته و ورق ساخته او لا بود خصوصا در اعمال لطیفه و آنچه از دهن فرا گیرند
درین مرتبه روا نبود و آنرا برای اعمال قهریه انسب بهو بعضی اعمال که بر صحیفه زر یا نقره یا مس نویسند و بعضی
که بر نگین انگشتری رقم زنند این مجموع باید که جدید غیر مغسول باشد و خالص غیر مغشوش که از وجه حلال بدست آورده
باشند تتبع دهند بر وجه کمال و انگشتری اگر خواهد نوشته باید که از زر نباشد که تختم بران حرام است مود از الیکن اگر بخواهد
نگینه و آنرا که بپوشد روا است **فصل سیم** در آلات و ظروف و آوانی که بران نویسند بدانکه بعضی اعمال ازان قبیل است
که بر آلات چینی یا زجاجی و امثال آن باید نوشتن از برای شستن و محو کردن و ظرف چنان صلب و شفاف باید که
مداد در وی نفوذ و تصرف نباشد تا وقت شستن تمام لذ محو شود و اثری از کتاب و مداد بر او نماند پس بر ظرف مرمری و بلور
و امثال لذ نوشتن لایق بود و بر ظروف رنگ ریخته که رنگ او بخته و صاف بود بر صحیح زدنی و سیمین و امثال لذ مناسب
و مجموع آن آلات و ظروف و اوانی نو باید که هنوز کار نفرموده باشند و از وجه حلال میسر شده باشد و اگر عمل بر ظرف
مسین مستعمل نویسند که نو قلعی کرده باشند که هنوز کار نفرموده باشند جایز بود و اولا آن است که لذ نیز نو و غیر
مستعمل بود و پاک از غصب و سرق **فصل هفتم** در جلود اعظام حیوانات که بر آن کتابت کنند بدانکه بعضی اعمال از انجمله
است که بر پوست حیوانات از سباع و بهایم مثل شیر و ببر و پلنگ و گرگ و گوسفند و غیر لذ باید نوشت پس پوست
هر حیوانی که ماکول اللحم نباشد باید که دباغت کرده باشند بتخصیص حیوانی که خود مرده باشد و اگر حیوانی غیر ماکول اللحم
نباشد ذبح کنند بر پوست یا دباغت نوشتن روا بود بشرطی که از خون و نجاست پاک شسته باشد و بوی بد نگرفته
باشد و بهر مطلی معطر بایه ساخت و پوست سمک و خوک اصلا هیچ کتابت حروف و اسماء و آیات جایز نبود زیرا
که پوست این دو دباغت نپذیرد و آنرا در اعمال قهریه چیزی از اقلام نهیر از حروف و کلمات بر پوست و استخوان سمک
یا خوک نویسند و خصی بود و ترک لذ نیز اولی بود و در بعضی اعمال آنست که بر ران و ساق حیوانات نویسند
و اولی آنست که استخوان از حیوانی مذبوح فرا گیرند خواه گوشت و حلال بود و خواه حرام و اگر از قرابیل و مواضع
قاذورات استخوان سوده و فرسوده فرا گیرند و لذا لذ که بخود مرده یا ذبح کردن اند و گوشت و حلال بود و خواه حرام بروی
نوشتن جایز بود بشرط که پاک شسته باشند زیرا که حکم در اشیاء حیثیت و طهارت است و بر پایه آن حکم کردن

اولاست ولیکن طریق احتیاط آن است که حیوانرا از بیخ استخوان وی را فرا گیرند خصوصا در اعمال لطیفه فصل دوم در توجه
تام بصورت خطّ و امعان نظر بر آن باید که در حین کتابت نیک متوجه باشد بصورت خطّ و هیات رقیم با خطوط
و ارقام و اشکال راه نیابد تا چیزی بر وضع اصلی نیفزاید که هر دو در حصول نتیجه مضرّ است و باید که در حال کتابت
با معان نظر و گماشتی بصر بر صورت خطّ و هیات رقیم مقید باشد و چشم بر آن داشته و دیده بر آن گمارد و اگر فرضا چشم
پوشیده یا نظر از آن برداشته چه می نویسد یا رقم زند آن اثر و نتیجه نخواهد داد که دیده بر آن گماشته باشد و چراغ بدو افروخته
و مقصود از این تاکید کمال توجه نفس است بر شغل کتابت که اثر و خاصیت تمام بر آن توجه متفرع است در استعمال
قوت خیالیه با مرکبات عامل باید که در وقت کتابت بحسب خیال واندیشه بشغل کتابت و تسطیر خطوط و تحریر ارقام
مشغول باشد و غافل و ذاهل نگردد و اگر در آن حین اندیشه و خیال مصروف امر دیگر است و دست و بر
حرکت میکند و قلم بطریق عادت جاری میشود لیکن دل از آن خبر ندارد هر چند چشم بر آن داشته باشد و نظر
بر آن گماشته این کتابت حکم تلاوت دارد که زبان حرکت میکند و خاطر جای دیگر مشغول است چنین کتابت و تلاوت
هیچ فایده مترتب نشود و اوقات کاتب ضایع باشد و در اعمال قهریه خوف رجعت فصل ۶ در بیان حمل مکتوب
چون حمل مکتوب کتابت بر اوراق صفایح و صحایف و خواتیم باتمام رسد و اگر شرط وی
آن بود که با خود نگاه دارد اول اوراق و جلوه را و آنچه قابل است بعد از اتمام کتابت بر بخور لایق
دارند تا بر آنچه آن مطیب و معطر شود و فی الحال در میان خرقه پاک خوشبوی نهند پس در موم کافوری پاک پیچیده
باز در خرقه پاکیزه دوزند و نگاه دارند بر آن وجه که حمایل کنند یا در طاقیه یا گریبان جامه بر وی دارند و دایم با وضوء
کامل باشد و چون بخلا جایز نباشد از کردن جدا کرده و با طاقیه و جامه از تن دور ساخته در آیند
و چون برون آیند وطهارت کنند و باز در کردن کنند یا بپوشند و اگر آن معمول مجرد در ارقام نهند چون باشد
با آن بخلا رفتن جایز بود و صفایح و خواتیم که با خود نگاه دارند و در انگشت کنند همین حکم دارد فصل ۷
در بیان ضبط و دفن چون بکتابت عمل تمام شود اگر شرط وی آن بود که انرا در خانه ضبط کنند
باید که بعد از آنکه بر بخور داشته در شیشهٔ نو سفید پاکیزه یا سبز روشن کنند اگر از اعمال لطیفه است
در شیشه نو که رنگ تیره داشته باشد نهند و اگر از اعمال قهریه است سر از موم و گرباس نو مضبوط
کرده بر طاقه نهند که دست نسا و اطفال بآن نرسد و تا مقصود حاصل نشود اصلا سر آن نگشایند و چون کتابت
باتمام رسد اگر شرط آن بود که انرا در زمین دفن کنند باید که معمول را بعد از آنکه بر بخور داشته باشد بر کوزه

نونهد و سر آن را محکم به بندد و اگر از اعمال لطیفه است در موضع پاکیزه و روشن چون مساجد معموره و منازل نورانی
و حوالی انهار جاریه و ب یتی باغات خرم و تازه دفن کنند و اگر از اعمال قهریه است در مواضع خراب و منازل
تاریک و تیره مثل مقابر قدیم و غیرآن مدفون کردانند بشرطی که آن موضع از نجاست پاک بود فصل ۱۶ در محو کردن
مکتوب و آشامیدن و پاشیدن و مالیدن آن چون برظروف کتابت کنند اگر شرط آن بود که آن را با روغن محو سازد
باید که آب اگر آشامیدنی است از باران نیسان فراگرفته باشد و در شیشه نو ضبط کرده و اگر میسر نباشد آب زلال شیرین
که از جوی بزرگ جاری فراگیرد و اگر ماشیدنی است آب شور پاک نیز جایز است الا آنکه در اعمال قهریه آن اولی است
و اگر مکتوب از قبیل حروف و اسماء و آیات است آن را جایی بیاشامند که زمینی وی پاک باشد و راه گذر نبود بلکه بر دیوار
و ناوبه یا خانه بیت یا بر زمین پاک و طیب که نه مزبله بود و اگر مکتوب را بر روغن مالیدن بر جبهی و جبهه و سایر اعضا
آن را در شیشه نو سبز که سر وی تنگ برنهند و سر آن را محکم همیشه بموم و گرباس نو بسته دارند و بوقت ضرورة
بکشایند و این صورة شستن معمول و آشامیدن و پاشیدن و مالیدن اگرچه از حکمای متقدمین منقول است
و لیکن اکابر متاخرین آن را تجربه کرده اند و خواص و آثار کلی بران ترتیب یافته اند و الله اعلم فصل ۱۷
در شرایط و آداب مخصوصه باعمال حروف مشتمل بر دوازده فصل باب ۵ در بیان قسمت حروف بر افلاک
تسعه فصل ۱ در قسمت حروف بر کواکب بقول اشهر فصل ۲ در قسمت حروف بر کواکب بقول اوتق ۵
فصل ۳ در قسمت حروف بر منازل بیت وهشت گانه فصل ۴ در تاثیرات حروف وقت حلول قمر
بمنازل فصل ۵ در ذکر اسماء الله تعالی که تعلق بحروف بیت وهشت گانه دارد فصل ۶ در بیان ادکار و آیات
بیت وهشت گانه فصل ۷ در اسماء ملائکه کراعونان بروج و کواکب اند فصل ۸ در اسماء و اعوان ملائکه کراعونان
حروف اند فصل ۹ در بیان اسماء ملائکه که اعوان ایام اسبوعند فصل ۱۰ در بیان طبایع بسیط حروف و اسماء
در اسماء فصل ۱۱ در بیان طبایع مرکبه حروف فصل ۱۲ در بیان قسمت حروف بر افلاک تسعه بدانکه
شیخ شرف الدین رحمه الله در بعضی از رسایل خود حروف جمل مشهور را که مستعمل است بحمل مشارقه و ذکر آن
با حمل مغاربه و در فصل یازدهم خواهد آمد بر افلاک تسعه قسمت کرده است و هر حرفی را بفلکی نسبت داده
تا عامل حروف در اثنای عمل ملاحظه آن فلک و منزل و کواکب وی کرده بصیرت کامله شروع کند و رعایت
سعادت و نحوست آن بجای آورد و از ارواح و اعوان افلاک استمداد و استعانت جوید بر حصول
آنچه مقصود است تا آثار کلی متفرع و طریق آن قسمت این است که حرفی را که بحسب عدد مرتبه اول دارد

احاد و عشرات و مئات و الوف یعنی اینی متعلق بفلک الافلاک است و هر حرفی که مرتبه چهارم دارد از احاد و مئات یعنی ب ک د متعلق بفلک البروج است و هر حرفی که مرتبه سیوم دارد یعنی خ ل ش متعلق بفلک زحل است و آنچه مرتبه چهارم دارد یعنی د م ث ه متعلق بفلک مشتری است و آنچه مرتبه پنجم دارد یعنی ه ن ث متعلق فلک مریخ است و آنچه مرتبه ششم دارد یعنی و س خ متعلق بفلک آفتاب است و آنچه مرتبه هفتم دارد یعنی ز غ ذ متعلق فلک زهره است و آنچه مرتبه هشتم دارد یعنی ح ف ض متعلق فلک عطارد است و آنچه مرتبه نهم دارد یعنی ط ص ظ متعلق فلک قمر است

فصل ۲ در قسمت حروف بر کواکب سبعه بقول اشهر و لنعم ما خوذ از کتاب حل قواعد الجفر الکبیر است که درین معتبر است تالیف بعضی از تلامذه حضرت سید حسین اخلاطی است قدس سره و این قولیست مشهور و معروف درمیان علمای حروف و اکثر اهل خاصیت برین قول عالمند و آنچنان است که از حروف جمل مشروحه ابجد تعلق بزحل دارد ه و ز ح تعلق بمشتری دارد ط ی ک ل تعلق بمریخ دارد م ن س ع تعلق بآفتاب دارد ف ص ق تعلق بزهره دارد ش ت ث خ تعلق بعطارد دارد ذ ض ظ غ تعلق بقمر دارد

فصل ۳ در قسمت حروف کواکب سبعه تمثل اولی و لنعم ما خوذ هستا از کتاب نفاد بوس حکیم و اگرچه این قول از حیثیت شهرت درجه قول اول ندارد لیکن نزد محققان این فن بغایت معتبر است و رعایت آن مثمر نتایج کلیه و آن چنانست که نون و دال مهمله و خاء معجمه بزحل منسوب است و ظاء معجمه و قاف و کاف و ضاد معجمه بمشتری منسوب است و الف و تاء مثناة فوقانیه و حاء مهمله و هاء عین مهمله و یاء مثناة تحتانیه بآفتاب منسوب است و شین معجمه و واو و طاء مهمله و زا بزهره منسوب است و باء موحده و صاد مهمله و ثاء مثلثه و ذال معجمه بعطارد و جیم و لام و سین مهمله و فا بقمر منسوب است پس چون عامل برین علامتها و نسبتها اطلاع یابد در عمل هر حرفی از اعمال خیر و شر باز نگشت بکواکب ایشان کرده ملاحظه سعادت و نحوست نظر سعد و نحس خواهد عمودت در اعمال خطیر واقع نشود

فصل ۴ در قسمت حروف بمنازل بیست و هشت گانه و عامل حروف را اطلاع برین معنی ضرور است تا ملاحظه نماید که هر حرفی تعلق بکدام منزل دارد و از منازل سعد و نحس و حکیم کامل خواجه نصیر الدین طوسی قدس سره العزیز سعد و نحس را در قطعه بنظم آورده از منازل که برین چرخ برین دارد ۵ انچه نحس است همین است که گفتم خاشک شوله واخبیه و نثره طرفه دبران بلده و ذابح و اکلیل و زبانا و سماک و در قسمت حروف بر منازل دو قول است اول قول شیخ شرف الدین بونی و دوم قول شیخ محی الدین ابن العربی قدس سره چنانچه در کتاب شمس المعارف اکبر آورده که حروف اصلیه بیست و هشت است و منازل فلکیه بیست و هشت و هر حرفی که بمنازل تعلق دارد و قسمت او بدو طریق کرده اند یکی بطریق جمل مشهور که جمل

دویم بطریق مغاربه که نزد بعضی از علمای حروف اعتبار و بیش زیاده از جمل مشارقه است برین وجه است که الف تعلق
بشرطین دارد که دو کواکب است وب تعلق بسطین دارد که سه کوکب است وج به ثریا که نقش کوکب است
و دال بدبر آنکه یک کوکب است وه بهقعه که سه کوکب است و بهنعه که ز کوکب است زبنداع که ح کوکب
است ح به نثره که دو کوکب است ط بطرفه که ی کوکب است ی بجبهه که چهار کوکب است ک به زبره
ل کوکب است ل بصرفه که یک کوکب است م که بعوا که پنج کوکب است ن بسماک که یک کوکب است
ص سهله بغفر که سه کوکب است ع بزبانا که دو کوکب است ف باکلیل که یک کوکب است ض بمیمه
میجه بقلب که یک کوکب است ق بشوله ر بنعایم که چهار کوکب است س
سهله ببلده که خالیست از کوکب ت بذابح که دو کوکب است ث به بلع که ه کوکب است خ بسعود ر
دو کوکب است ذ بخبیه که چهار کوکب است ش بمیجه برش که یک کوکب است حضرت در تاثیر این
حروف وقت حلول قمر منازل شیخ یونا علیه الرحمه در شمس المعارف آورده که قمر پنج از منازل بیست و هشت گانه
حلول کند روحانیت آن که تعلق بآن منزل دارد و از جایر عالیات بچاکند و تاثیر خود را در موکل خود
سفلیا ظاهر گرداند و شیخ اکمل محب الدین ابن العربی در بعضی از مواضع فتوحات آورده اند که ارواح حروف از فلک
و منازل در ما تحت خود متصرفند آه در فوق فلک این نزا تاثیری نیست و بیان تصرفات و تاثیرات
ایشان چنانچه در شمس المعارف آورده بطریق جمل مشارقه برین وجه است که چون قمر در شرطین بود اهتمام
و غضب احداث کند و چون در بطین بود بلطف و مرحمت ایجاد کند و چون در ثریا بود در سعادت متوسط
بخش و بلا و فتنه انگیزد و در هقعه اگر بود قمر میان سعد و نحس باشد و در هنعه در سعادت و راحت
بخشد و در ذراع رهم سعادت احداث کند و در نثره نحوست و شقاوت انگیزد و در طرفه طبیعت
و محنت افزاید و در جبهه حرکت متوسط انگیزد و در زبره خیر و برکت زیاد کند و در صرفه
ممتزج بود میان خیر و شر و در عوام مدد سفر دریا بود و در سماک شور و شر انگیزد و در غفر سعادت
کامله ایجاد کند و خیر غالب بود و در اکلیل فرحت و بلا انگیزد و در قلب ص سعادت بخشد
و در شوله ق ممتزج است و شر غالب و در نعایم سعادت عظمی ایجاد کند و در بلده ش نحوست
کبرا احداث کند و در ذابح ت ممتزج است و شر غالب و در بلع ث نحوست و فتنه عظیم انگیزد
و در سعود خ سعادت معتدله ظاهر گرداند ذ هم سعادت پیدا کند و در مقدم ض سعادت

نامه یابد و در مولد ممتزج بود میان جر و شر و در شباع دولت و سعادت افزاید **فصل ع** در ذکر اسماء الله که متعلق
بحروف بیست و هشت گانه دارد و شیخ عبد الله مغربی در کتاب تسهیل المطالب آورده که روحانیت هر حرفی از حروف
فصل ثمانیه و عشرین مظهر اسمیست از اسماء الهی و تاثیر و تصرف حروف در عالم بواسطه اقوات آنهاست
که از مظاهر آن ظهور کرده و شیخ در بعضی مواضع برای هر حرفی یک اسم تعیین کرده و در بعضی مواطن زیاده
و دوازده اسم عامل حروف در اثنای شغل باعمل باید که متذکر گردند آنچه بیان نافیده نامه بر عمل متفرع گردد
و آن اسماء بر ترتیب حروف جمل مشرقه اینست لن پنج است الله اله احد اول اخر ب رانه اسم
است بادی باسط باطن باعث باقی بالغ امر بر بدیع بصیر جامع راهفت اسم است داعی دائم
دلیل دیان در چهار اسم است جابر جاعل جامع جبار رجلیل جمیل جواد هادی راد و اسم است
هوا زحب باطن وان مناسب منتهی است و هادی از حسب ظاهر ولی لایق مبتدا است و بعضی گفته اند
که اسم وی در اعمال خیر هادیست و در اعمال شر مهلک و او را وزده ریس است واحد واحد وارث واسع والی
ولا وتر دود ذو وکیل وهاب در ایک اسم است زراع قال الله تعالی انحن الزارعون و بعضی گفته اند
که اسم وی مزکیست و بعضی گفته اند زکیست و صاحب هزار انظیم آورده است که اسم وی زایل است
ح را زا اسم است حبیب حفیظ حق حکیم حلیم حمید حنان حی و صاحب هزار انظیم آورده که حنان
داخل وی نداشته و فرموده که اسمای وی هشت است بعد د جمل وی ط را یک اسم است مطهر و صاحب
هزار انظیم آورده غیر از این سه اسم دیگر آورده طاهر طالب طاق و ی را یک اسم است میت و بعضی
گفته اند بجهه اسم وی مخففست از غایت شدتی شتر سکه و ی راست و لهذا در نهایت حروف تهجی
افتاده است و بعد از حرف لا واقع شده که آلت نفی است بمذاهب انها که لا را یک از حروف
داشته اند و صاحب هزار انظیم فرموده که حرف با را اسم عظیم است بزبان عبرانی که یوه است
بفتح یا و فتح واو مشدده و بنی اسرائیل تاویل وی تا انزمان ندانسته اند که ز اجهار اسم است
کاف کبیر کریم کفیل ل را یک اسم است لطیف و م را ده اسم است بقول صاحب المطالب
ماجد مالک الملک مانع مبین مجید ملک ملیل منان مهیمن و صاحب هزار انظیم آورده که ذیرا
سی و سه اسم است که جزو اول وی حرف میم است و درین فقره داخل ساخته ده اسم است
مذکور شده و پست و سه اسم دیگر مبدی و متعالی و متکبر و متین و مجیب مخیی مذل مصور معز

معطی معید مغنی مقدر مقدم مقسط و مقیت منتقم متمّ و منشی مؤخر مؤمن مهلک مهیمن را
چهار اسم است نافع نصیر نور رسّ را پنج اسم است سمیع بدیع سلام سید و صاحب ۷ را العظیم گوید که بتوع
اسمی دیگر است وی راع را شش اسم است عالم عدل عزیز عظیم عفو علام علی علیم ف را ده اسم است فارق ۸
فارج فالق فاضل فاتح فرد فعّال فرق ص را چهار اسم است صبور صادق صانع صمد ق را دوازده
اسم است قابض قابل القوی قادر قاهر قابل قایم قدوس قدیر قریب قهار قوی قیوم و در کتاب ۷ را العظیم
آورده که قایم را بر نوجه گوید که قایم علی نفس کسبت و فرموده که قدیم نیز اسمی دیگر است برای این حرف و
را ده اسم است رزاق رافع ربّ رحمن رحیم رازق رشید رفیع الدرجات رقیب رؤف ش را چهار اسم است
شافی شدید شکور شهید و صاحب ۷ را العظیم آورده که شاهد نیز اسمی دیگر است برای این حرف و فرموده که نباید
گوید بلکه العقاب بگوید و برین قیاس در حرف فا فعّال را فعّال نباید بگوید و در حرف سین سریع را
سریع الحساب بگوید ت را یک اسم است تواب و ث را یک اسم است مثیب قال الله تعالی ثبت الله
الذین آمنوا بالقول و صاحب ۷ را العظیم آورده که اسم وی ثابت الوجود است خ را ده اسم است خافض خالق
خبیر ذ را نه اسم است ذوانتقام ذوالبطش ذوالجلال والاکرام ذوالطول ذوالعرش ذوالفضل ذوالقوة
المتین و ذوالمعارج و ذوالمنن ض را یک اسم است ضارّ ظ را یک اسم است ظاهر و گویند مظهر نیز اسمی دیگر است
غ را هفت اسم است غافر غالب غفار غفور غنی مغنی غیاث المستغیثین و اگرچه بعضی اسمای مذکوره از آن قبیل
است که اطلاق شرعیه ندارد مستعمل است لیکن چون اکابر این فن در کتب معتبره خود بر آن اقدام نموده اند که بذکر آن
اقدام یافته است و خواص و منافع اکثر این اسماء در مقاله ثالثه مذکور خواهد شد و الله ولی التوفیق فصل ۷
در بیان اذکار و روایات حروف بیست و هشت گانه بدانکه بعضی اتقیاء و اولیای اند که صاحب المطالب
از برای حروف تعیین کرده و فرموده که چون طالب صادق به یک از اعمال حرفه شغل کند باید که خلوت
اختیار کند و پیش از شروع و بعد از شروع بر اسم و ذکر و آیتی که تعلق بآن حروف داشته باشد مداومت
نماید و مواظبت فرماید تا بزود بر مقصود فایز گردد و لفظ الله و اذکار و آیات اینجا از یک است
و آن الله است و آیتش الم الله لا اله الا هو الحی القیوم و سوره اخلاص و آنچه شامل بر نوحید و تقدس
ب را ذکر او یک اسم است و لفظ البدیع است و آیتش برای مبتدیان بدیع السموات والارض و از برای
مبتدیان بسم الله الرحمن الرحیم ج را دو ذکر است و لفظ الجلیل الجمیل و صاحب ۷ را العظیم

فرموده که ذکر وی اکتفای راست وآتیش جاء الحق وزهق الباطل دریک ذکر است وان الدایم وآتیش شهد الله الآیه
وعنده مفاتح الغیب الآیه ۵ رایک ذکر است هوالاول والآخر واورا سه ذکر است والذی الوایا الولیت و
وآتیش هوالله الذی لا الٰه الا هو الحی القیوم الا بدالله نور السموات والارض الآیه ذال رایک ذکر است وان المرتاب
وصاحب دور النظیم گوید که ذکر وی اثر ک است وآتیش ان الدین عندالله الاسلام الآیه ودراعمال این حروف
بسی ربایند فرستادح را سه ذکر است وان الحی الحفیظ الحکیم است وآتیش فتلقی آدم من ربه کلمات به بعضها
الآیه وطه را دو ذکر است وان سبوح وقدوس وآتیش طه الی قوله الحسنی ویس والقرآن الحکیم الی قوله کریم
ی را ذکر ی ظاهر نیست الا آتیش وما ینزل الا بامر ربک الآیه ک را سه ذکر است وان الکاف للتکفیل است
وآتیش انما امره الا قوله یرجعون ل یکذکر است وان اللطیف وآتیش الم الله لا الٰه الا هو الی قوله ق الفرقان
م را یکذ کر است وان ملکا الملک الحمید است وآتیش قل اللهم مالک الملک الی قوله ق الفرقان قدیر
یکذکر است وان النور است وآتیش الله نور السموات والارض الآیه س را یکذ کر است سبحان الذی
السلام سبحان السمیع العلیم وآتیش سلام قولا من رب الرحیم ع را سه ذکر است وان العالم العلیم
علام الغیوب است وآتیش قد احاط بکل شیء علما ولیخ از آیات مشتمل بر معنی احاطه علمیت ف را
یکذکر است وان الفتاح صاحب دور النظیم گوید اسم وی الحفیظ وآتیش نصر من الله وفتح قریب وسوره
اذا جاء نصر الله وسوره انا فتحنا ص را یکذکر است وان الصمد وآتیش قل هو الله احد ق را
دو ذکر است وان القدیر القیوم است وآتیش وعنت الوجوه للحی القیوم وایه و هو علی کل شیء قدیر
را سه ذکر است الرحمن والرحیم است وآتیش فاما ان کان من المقربین فروح وریحان وجنة
نعیم ش را یکذکر است وان الشهید وصاحب دور النظیم گوید ذکر او الشکور است وآتیش
شهد الله در اعمال خیر و آیه وکذلک اخذ ربک الی قوله شدید در اعمال شر ط را یکذکر است وان
التواب است وآتیش والیه یرجع الامر کله ث را یکذکر است وان مثبت است وصاحب دور النظیم
آورده که ذکر وی الثابت است وآتیش ربنا افرغ علینا صبرا وثبت اقدامنا وانصرنا علی القوم
خ یکذکر است وان الخبیر وصاحب دور النظیم گوید که وی را سه ذکر است انی خلق انی خص الخبیر وآتیش
وآتیش انکه منتهی باسم الخبیر باشد ذ را یکذکر است وان الثانی است وعدد قرائت هر بار هفصد نوبت
است وباید که هر بار که عدد باتمام رسد از عقب آن بگوید که اللهم انی اذکرنک بصفة نقص فاذکرنی بکمالک فانت

خیر الذاکرین و آیتش انچه دلالت کند بر معنی توحید ض رایگذر است وان الله و آیتش یضل الله الظالمین و یفعل
الله ما یشاء ظرا ذکرش اینست که الله یغنی الله ناظر الله شاهد یا صاحب ظ را لتنظیم که ذکر و ظاهر است آیتش
و هو محکم اینا کنتم ع را یگذر است و انتم الغنی ایت و آیتش و هو الغنی بگذید و ان الله لغنی عن العالمین لا نسبت
بحال مبتدی ذکر لا الله الا الله است و نسبت بحال منتهی لا الله الا هو و شش ا در آسمان ملائکه که اعوانش بروج و
و کواکب اند اما آسمان ملائکه که اعوانش بروج اند بدانکه بر بروج اثنی عشر دوازده ملک مقرب موکلند که مدد و معاون
بروجند پس عامل حروف چون بعمل شغل کند باید که ملاحظه کند که آنچ حرف بکدام برج و منزل منسوب است
پس بعمل که بر آنچ برج موکل است توسل جوید و نام وی بتعظیم تمام برده از وی استعانت جوید بر حصول مقصود
مقصود که اثرهای عظیم است در سرعت اجابت و ترتیب نتیجه و آسمان و اعوانش بروج بروجی که در مکنون
تصحیح کرده است ملک محل سراحیل ملک ثور عزرائیل و ملک جوزا اسرائیل و ملک سرطان نهتائیل
و ملک اسد شرطائیل و ملک سنبله شمکیل و ملک میزان سهراکیل و ملک عقرب صرصائیل و ملک قوس
سرطائیل ملک جدی تمکائیل ملک دلو صهمکائیل ملک حوت فقیائیل اما آسمان ملائکه که اعوانش کواکب
سبعه اند بدانکه هفت ملک مقربند و معاون ارواح سبعه سیاره پس عامل حروف باید که نظر کند
که حرف معمول علیه تعلق بکدام کوکب دارد انگاه بملک آنچ کوکب توجه کند و ازوی استعانت جوید
از روی خشوع و خضوع و اما آسمان ملائکه سبعه سیاره چنانچه در کتاب درة مکنون تحقیق کرده
باسمان افلاک ایشان اینست ملک زحل فرقائیل و فلک وی بعضو یا ملک کستر سیمی ئیل
و فلک وی بر بقا ملک مریخ کل کائیل و فلک وی بر یقا ملک شمس سهمبائیل و فلک وی افلون
ملک زهره سبذنائیل و فلک وی بعون ملک عطارد تنجائیل و فلک وی برقیه و ملک قمر اسماعیل
و فلک وی برقیا و شش ا در آسمان ملائکه که اعوان حروفند بدانکه هیئت و هشت ملک مقربند
که بترتیب هیئت حروف جمل موکلند و مدد روحانیت ایشان پس عامل حروف را از دانستن
اسمای ایشان چاره نباشد تا در عمل احرف بجمع و تقرب و توسل جوید و ازوی طلب مدد و معاونت
کند تا برکت التفات ایشان مقاصد طلبه بروجه الیسر میسر شود و اما اعوانش حروف چنانچه
در کتاب درة مکنون مقرر فرموده اینست که ملک الف اسرافیل است و ملک ب جبرائیل
و ملک ح کلکائیل و بقول صاحب ظ را لتنظیم عنیائیل و ملک د اهراطیل و ملک ه دوزیائیل

وملک واو رقیا ئیل و ملک زسرفنا ئیل وبقول صاحب ورانظیم سم سا ئیل وملک ح تبکا ئیل وملک
ط اسمعیل وملک ی نرا کیط ئیل وملک ک جدورا وملک ل طلی ئیل وملک یم رویا ئیل وملک
ن حولا وملک س یزراکیل وملک ع لوما وملک ف سرحا کیل وبقول صاحب ورانظیم حصصا ئیل
وملک ص مجی ئیل وملک ق عطرا ئیل وملک را هوا کیل وملک ش امرطیل وملک ت بقول
صاحب دورانظیم جبرئیل وملک ث عزرا ئیل وملک خ میکا ئیل وبقول صاحب ورانظیم
صرفنا ئیل وملک ذ سهمکا ئیل وبقول صاحب ورانظیم رو قیا ئیل وملک ض ذاردوا ئیل وملک ظ
عطکا ئیل وملک غ لوطا وبقول صاحب ورانظیم رو قیا ئیل میکا ئیل وملک غ لوخا فصل ۱۰ ودرآ
ملائکه که اعوان ایام اسابیع اند شیخ اعلم حجة الاسلام ابوحامد غزالی در کتاب سر المصنون والجوهر المکنون
آورده که بهر روزی از ایام هفته هفت فرشته مقرب موکلند بر علوی سماوی و دیگر سفلی ارضی و عامل
حروف را لازم است که اسمای ایشان نزداند تا هر روزی که بعمل حرفی مشغول گردد تا ماههای لیل و فرشته
بزبان راند و ازیشان مدد واستعانت خواهد بر تحصیل مراد تا بزودی روی بمقصود فایز گردد و اسمای
واسمای ایشان اینست یوم الاحد را ملک علوی رو قیا ئیل گویند بقاف و ملک سفلی ابوعبدالله
المذهب یوم الاثنین را ملک علوی جبرئیل و ملک سفلی ابوعبدالله المحادث و جبرئیل را از ملائکه
سماوی اسم دیگر ئیل که ویرا نیز باید کرد یوم الثلاثا ملک علوی سمسا ئیل بسین مهمله و در بعض
نسخ بصاد آمده گویند سمسا ئیل و ملک سفلی یوم الاربعا ملک علوی را میکا ئیل و ملک سفلی وی
دونام دارد زوبعه و برقان و میکا ئیل را خادم ایست از ملائکه سماوی لوا ئیل که ویرا نیز باید دانست
ویوم الخمیس را ملک علوی حرفیا ئیل بفا و ملک سفلی السید شهورس یوم الجمعه ملک علوی عنا ئیل و ملک سفلی
السید عبدالرحمن ولقب ویرا بیض یوم السبت را ملک علوی حصفیا ئیل بفا و گویند بقاف و ملک سفلی
ابونوح میمون التی ۹ فصل ۱۱ در بیان طبایع بسیط حروف پوشیده نماند که میان علمای مشارقه و مغاربه
در طبایع بسیط بعض حروف اختلاف است بنا بر اختلاف که در ترتیب حروف جمل و تهجی ایشان واقع است
پس طبایع بسیط حروف جمل و تهجی ایشان هر طایفه مذکور میشود تا عامل مزاج و طبیعت هر حرفه را بهر مذهب
واز روی بصیرة تامه در اعمال شروع کند اما حروف جمل و تهجی نزد علمای مشارقه بمیزان ابجد مشهور است و قسمت حروف
جمل و تهجی بر طبایع اربعه که حرارت و برودت و رطوبت و یبوست است بر نهوجه است که گویند حرف اول خواه

از جمل وخوآه از تهجی جاز است وحرف دوم بارده وحرف سیم یابس وحرف چهارم رطب باز حرف پنجم حار است همچنین
تا آخر حروف چنانچه درین جدول مرقوم ومرسوم است اما حروف جمل اینست جدول مذکور را از مشارقه

حار بسه نار ۷ حاره	بارده تربا بارده	یابسه حوایی یابسه	رطبه مایی رطبه
نار	تراب	هوا	ماء
ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ

جدول طبایع حروف			
حاره نار	بارده تراب	یابسه هوا	رطبه ماء
ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ

جدول طبایع حروف مشارقه			
حاره نار	بارده تراب	یابسه هوا	رطبه ماء
ا	ب	ت	ث
ج	خ	د	ذ
ر	ز	س	ش
ص	ض	ط	ظ
ع	غ	ف	ق
ک	ل	م	ن
و	ه	ی	

وتهجی نزد علماء مغاربه بر ترتیب دیگر دارد ودر میان این دو علمی آمد رقمه در تقدیم وتاخیر بعض حروف تفاوتی قلیل
واقع است وحروف جمل این بر ین ترتیب است ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص
ق ر ش ت ث خ ذ ظ غ ض ش وحروف تهجی این بر ین ترتیب است ا ب ت ث ج ح
خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه ی وحروف جمل فتهجی بر حروف طبایع ارکه
بوده این نیز بهمین نوع است که در قسمت مشارقه گذشت ودرین جدول است جدول این است

جدول طبایع حروف			
حاره نار	بارده تراب	یابسه هوا	رطبه ماء
ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
ذ	ظ	ض	غ

جدول طبایع حروف مغاربه			
حاره نار	بارده تراب	یابسه هوا	رطبه ماء
ا	ب	ت	ث
ج	ح	خ	د
ذ	ر	ز	ط
ظ	ک	ل	م
ن	ص	ض	ع
ف	ق	ش	س
ث	ت	ظ	غ
ه	و	ی	

فصل ۳ در ذکر طبایع مرکبه حروف و در آن دو قول است اول شیخ شرف الدین بونا و هم شیخ محی الدین عربی آنچه قول
شیخ بونا آنست که حروف ناریه جمله مغاربه مرکب است از حرارت و یبوست و حروف ترابیه و قوابه این ن
یعنی لو بیضنظ مرکب است از حرارت و رطوبت و همه حروف هوائیه این ن جز که صعقشع مرکب است
از حرارت و رطوبت و حروف مائیه این ن یعنی مرکب است از برودت و رطوبت اما قول شیخ ابن العربی
چنانچه در کتاب المداخل آورده آنست که نه حرف از حروف بیست و هشت گانه مرکب القوی است و اول ع
و آن ترا پاد و هوایی است و تقدیم ترا پاد بجهة آنست که حقیقت ترابیت حقیقت اقوات و هم ح
و آن هوائیت و ترا پاسیم ط و آن مائی و هوائیت چهارم ی و آن ناری و مائیت پنجم ل و آن ناری
و ترابیت ششم ص و آن مائی و هوائیت هفتم ف و آن نیز مائی و هوایی است هشتم ق و آن
ناری و مائی است نهم خ و آن ترا پاد و نار یست و الله اعلم مقاله ۴ در خواص ثمانیه و عشرونیه مشتمل
بر نه باب باب ۱ در منافع مطلق حروف باعتبار طبایع آن ن و خواص هفت حروف اول تا
و تا و ج و حا و خا مشتمل بر دوازده فصل فصل ۱ در خواص مطلق حروف باعتبار طبایع این ن
بقول شیخ بونا فصل ۲ در خواص مطلق حروف باعتبار طبایع این ن بقول شیخ ابن العربی صاحب
کتاب درة مکنونة فصل ۳ در خواص اسمیت از اسماء و اسرار مکنونة آنها فصل ۴ در خواص حرف یا صاحب
کتاب شمس المعارف گوید که هر که شکل یا را صد و بیست و چهار بار بنویسد و روز جمعه گرسنه دارد
و روز پنجشنبه نیز روزه داشته باشد و در آنهر دو روز تصدق کرده باشد بشرایطی که در طریق کتابها گذشته بجای
آورده باشد پس آن نوشته را بر بازوی راست بندد حقیقتها نه و تا سینه او را منشرح گرداند و صفة
کدورت از نهاد وی برخیزد و برکت و جمعیت در روزگار او بظهور و نهایه سیری را که قایم است باین
وظایف گرداند بروی انوار ملائکه و روحانیان آرامد هر اسمی از اسماء که این حرف باشد خصوصا در اول آن اسم
مداومت بر آنهر اسماء از برای حصول مقاصد نهایت نافع بود و ذکر خواص آنهر اسماء در فصل ششم از باب چهارم
از مقاله آسمانی سمت ایراد خواهد یافت و در کتاب شیخ حسین سکاکی مذکور است که هر محبوسی که هزار
و پانصد بار حرف یا را بر زبان راند از حبس خلاص شود و اگر همین عدد بنویسد و با خود نگاه دارد
از همه قسم بلاها و فتنه و آفتها محفوظ ماند و هیچکس نتواند بوی آزاری رساند و بعضی از ارباب طایفه
در خواص این حرف آورده اند که اگر جایی از سفینه روی به سازند و این را دوازده بخش کنند در وقتی که قمر در سرطان باشد

بود و از مقابله مریخ دور باشد و در هر بخش صد و نیزده بار حرف بار ا بنویسد صاحب طی یا مسموم یا صاحب
کلب کلب از آن جام آب آتش مدوقت که مقابل قلب العقرب ایستاده باشد و آن ستاره ایست روشن در میان
برج عقرب نفع بلیغ رساند و اگر این حرف را هزار و یکبار بر پوست گربه سیاه دباغ کرده بنویسد صاحب دق
با خود دارد شفا یابد و اگر جهت دشمن هزار و یکبار بر پوست شغال دباغ کرده بنویسد و در منزل دشمن دفن کند بزودی
رفع شود باذن الله تعالی **فصل ۵** در خواص حرف ثا بعضی از اهل خاصیت گفته اند که این حرف از برای اعمال قهریه
ایست و در کتب اهل خواص مذکور است که اگر بر پوست شیر دباغ کرده مثلثی بکشند و در روز سه شنبه بوقت طلوع
مریخ بنام محبوس و برای اضلاع لفظ مثلث پنجاه و نه بار این حروف را بنویسد و مجموع آن نوشته با خود نگاه دارد
بزودی از بند و زندان رهایی یابد و گفته اند که در کتاب خود آورده که اگر کسی این حرف را بعدد مجمل و بیست چهار
صد است بنویسد و با خود نگاه دارد در نظر مردم عزیز و مکرم شود و هر روز بعدد مفصل و بیست چهار صد و یک
عدد بر زبان براند و در اقبال بر روی او گشاده شود و فتوح روی نماید **فصل ۶** در خواص حرف ثا صاحب دور العظیم
آورده که حرف ثا است که در سوره فاتحة الکتاب نیامده و لفظ انیست تا شخص زیرک طرف و این حرف سبعه در آیتی
جمع شده. آیت که بمذهب اهل تحقیق اسم اعظم در لفظ یکی مکرر شده و لفظ در سوره انعام است حیث قال الله تعالی واذا
جاءک الذین آیة قالوا الخ و ثم حیث لو شاء ما اوتیه رسل الله الله اعلم حیث یجعل رسالته الآیه و بر و آیتی هر حرفی
از این حروف سبعه رویی از ایام اسابع مقرر شده و برای تهیک خادمی از روحانیان تعیین کرده چنانچه
فصل ۷ از باب پنجم از مقاله اولی مذکور شده و برای هر حرفی ذکری از اسماء حسنی الهی فرموده چنانچه
در فصل ششم از باب پنجم از مقاله اولی ایراد یافت پس چون عامل این حروف در روزی که فلک نور
داکه نام فلک فرشته یست که از وی امتداد وجود و مدد کرفلک اسم الهی خود تا بیع کیان عمل وی منتفع شود
و صاحب دور العظیم آورده که روز پنجشنبه از ایام هفته تعلق بحرف ثا دارد و در بعضی از کتب خواص
نوشته اند که حرف ثا از برای ایجاد حزن و ملالت است و بعضی از اکابر این فن در خواص وی
آورده اند که اگر با صد و هفتاد و نه بار فلک را بر لوح صدف نقش کند و در سفر دریا با خود نگاه
دارند از شکست سفینه و غرق شدن ایمن باشد و بسلامت بساحل آیند و اگر کسی از موم سفید لوحی سازد
و این حرف را بعدد مذکوره بر لفظ لوح نقش کند و در چاه کاریزی که ملکوبی یوم بش و آب لفظ
کم شده باشد بیدانه آب لفظ کاریز فراوان شود و هرگز کم نگردد و اگر پست و یکبار بر پوست جوزین

پهلو که درست بوده و پر مغز از انقش کنند و بر سر راه مفلسان دفن کنند و بزودی جمع ایشان پریشان شوند
و هر یک بطرفی افتند و از ایشان اثری نماند و در کتاب سکاکی مذکور است که اگر کسی هر روز بعدد مجمله یا فقد
بزبان راند برای احداث محبت نظیر ندارد و اگر کسی بهمین عدد بنویسد و در زیر گهواره اطفال بخوابند
در خواب و بیداری نترسند **فصل** در خواص حرف چیم و گفته اند یکی از حروف سبعه است که از زبان رفته
است و صاحب هر را النظیم آورده که روز جمعه از ایام آسایش تعلق بحرف چیم دارد و اهل خواص گفته
اند که چیم از برای اخبار و رسالة مشتمل است و محققان بنویسند بدین صورت ج و بخورند صاحب قوی
دهند شفا یابد و سکاکی آورده که اگر بعدد مفصل و پر پنجاه و سه است بر قدح نویسند و محو ساخته بیاشامند
دفع هر مرض که بیش بکند و در بعض از کتب خواص مذکور است که اگر مصروع دادار را بسی بسته بشکنند چنانچه از
از آنجا بگذارند عاجز شود باشد این حرف را بار بر پشت قلیه نویسند باین صورت ج و باب شیرین محو کرده بیاشامند
قوت مباشرت وی رجوع کند و مراد حاصل گردد و کتاب سکاکی آورده که اگر کسی حرف چیم را بار بر زبان
راند حضرت رسول ص را بشب در واقعه بیند **فصل** در خواص حرف حا بعضی از اهل خاصیت نوشته
که این حرف از برای انس و مواصلت است و در کتب محققان این فن مذکور است که اگر کسی بر نگین خاتم خود
هشت حرف حا نویسند بدین صورت ح ح ح ح ح ح ح ح و صاحب ثب این را بر انگشت کند تقاضا باید و اگر این خاتم را
در آب اندازند و صاحب ثب از آن بیاشامد هر مهمات وی زایل شود و اگر با آن آب چند بار غسل کنند هیبت وی
تمام دفع شود و باید که این عمل وقت کند که قمر ناظر بسعود بود و منصرف از نحوس و در ساعت اول یا هشتم از روز
دوشنبه تا جمعه بنویسد و با خود داشتن این خاتم تقویت باه کند و اگر وی را بسی بسته باشند باطل شود و صاحب
کتاب التحفه آورده که حرف حا از برای دفع تحمیات محرقه و اورام حامی و جمیع امراض که ناشی از حرارت و یبوست
بود بغایت نافع بود و مواظبت بر تکرار وی و اسماء وی احداث برودت و رطوبت کند و این حرف در امثال
این اعمال که مذکور شد از سایر حروف بارا بقوه خود و تاثیر همتاز است و فضل وی از همه حروف را قوا و اکمل است
و صاحب شمس المعارف آورده که این حرف را در نگین قلوب و نگین و غضب سنری عجب هم راه است و در جلب
محبت و مودت و جذب نفوس تاثیر بغایت عظیم دارد و هر که این حرف را در هشتم روز چهارشنبه اول ماه بنویسد
که اول آن این حرف است بر خاتم نقش کند و با خود نگاه دارد خدای تعالی دل او را به لطایف حکمی زنده دارد و از طغیان
غضب وی و قلب در پناه آورد و اگر باین هشت حرف اسمای او را بطریق خطاب یا حی و حکم است تا آخر بر نگین

فصل

فضه نقش کند تا تیر دین در لبنچه گذشت او بر بود و حامل آنرا از حرارت و عطش و گرمی هوا سالم بود و اگر این خاتم را زمانی
در میان پیاله آب یا شربت نهد پس آن آب یا شربت را صاحب تب بیاشامد امراض وی زایل گردد و آن حرارت
ساکن شود و اگر غمگین از آن آب بیاشامد غم وی بفرح مبدل شود و اگر این خاتم را محبوس با خود نگاه دارد از بروی
خلاص شود و اگر آن هشت حرف را با سیاهی و یا سوده مبارک بر ظرف پاک نویسد و بر آن ختم کند تا مدت که حافظه
داشته باشد از امراض محفوظ دین مستقر آید و اگر این هشت حرف را با سیماب دین لوح نقش کند و یکی
از او در میان خود بیاویزد حرارت شهوت دنیویه از آتش محبت دنیا است در دل وی ساکن گردد
و شعله حرص و طلب دنیا فرو نشیند و از کار و بار عالم فرد گردد نصل ۱: در خواص خاء و آن یکی از حروف سبعه است و در آیه
اسم اعظم واقع است و صاحب عوارف النظم گوید که روز یکشنبه از ایام هفته تعلق با این حرف دارد و آن میرا که ذکر اسم آن
حرف است و اسم وی ملک و یی مذکور شد پس اگر شغل عامل قهر یا نسبت ذکر اسم او فضی است و اگر در لطفیات است
اسم او خالق و البرات است و بعضی گویند ذکر او همین آیه اسم اعظم است از سوره انعام که در فصل نهم از این باب گذشت
و بعضی از این خواص گویند که این حرف از برای هر ملک و شیطان دشمن است و در کتب خواص مذکور است که اگر این
حرف را بر دوازده پاره خشت آب نارسیده نقش کنند و در دوازده کنار آبها که بباغ و مزرعه میرود دفن کنند
آن موضع از جمیع آفات ارضی و سماوی این ماند و خیر و برکت انجا حاصل شود سکاکی در کتاب خود آورده
که چون کسی خواهد که از غایب خود خبری یابد باید که این حرف را بعدد که شش صد است بخواند و بر لوح جانب
نفس را دهد که غایب وی در آنجا نب است چون بهمین عدد بنویسد و در زیر بالین نهد وی را بخواب بیند
و احوال وی معلوم گردد و اگر در قراءت اسم الخبیر را بهمان عدد اضافه کند در حصول مقصود ابلغ و ادخل باشد و مراد
خود برسد البته نصل ۲: در صفات و خواص حروف ذ ز س ش ص ض ط مشتمل بر دوازده فصل ۵
فصل ۱: در صفات حرف ذال و خواص او فصل ۲: در خواص حرف دال فصل ۳: در خواص حرف خال و
فصل ۴: در خواص حرف را فصل ۵: در خواص حرف زا فصل ۶: در خواص حرف سین فصل ۷: در خواص
حرف شین فصل ۸: در خواص حرف صاد فصل ۹: در خواص حرف ضاد فصل ۱۰: در خواص حرف طا
فصل ۱۱: در خواص حرف ظا فصل ۱: در صفات حرف ذال و صفات وی و صاحب شمس المعارف
آورده که حرف ذال از اسرار دیومیه است و حق سبحانه و تعالی تکمیل طبایع اربعه کرده است پس در ذات
قوه طبایع و اعتدال اثنتین و طبع وی علی الجمله بارد و معتدل است و بعضی ازین خاصیت گفته اند که ذال

درآعمال از برای فصل طبیعت است و گویند اگر کسی هر صباح بر بلندی رود و پنج بار این حرف را بر زبان راند و هر شام مثل آن بگوید و بجانب منزل دشمن بدمد از آن منزل بزودی آواره شود و در کتب این خواص نیکو رانست که اگر حرف دال را باعدد هندسه انرا برین صورة ۴ سه و چهار بار بر قطعهٔ حریر سفید نویسد وقتی که قمر در سرطان بود و ناظر بمشتری بنظر مودت و تثلیث در زیر نگین انگشتری نهد و در انگشت کند وقتی که بر وضوی تام بوضع جامهٔ پاک پوشیده باشد اگر منعم بود نعمت وی بیفزاید و اگر فقیر بود ابواب رزق وی مفتوح شود و وسعت پیدا کند **فصل ۲** در خواص حرف دال صاحب شمس المعارف گوید که عدد جمله وی چهار است و عدد مفصل وی که دال و الف و لام است سی و پنج پس هر که حرف دال را سی و پنج بار در دو مربع چهار در چهار بنویسد در قطعهٔ حریر سفید پاک نویسد وقتی که قمر در سرطان بود مفصل مشتری و انرا در زیر نگین انگشتری وضع کند حقیقی نه دشمن بوی از اینا داشته باشد ثابت و باقی آید آن مقال کمال بود و روزی بر وی گشاده شود و این عمل از آن عمل که در فصل سابق تمام تر است و اگر این مربع را در روز شنبه که قمر در شرف بود برسد و سابق از نحوس متصل بسعود در ساعت قمر بر ورق آهو بره نویسد و ارقام را بعد از آن نهد که چهار رکعت نماز گذارده باشد در هر رکعتی بعد از فاتحه یکبار آیة الکرسی و صد بار قل هو الله خوانده بخ پس این نوشته را با خود نگاه دارد حق سبحانه و تعالی حفظ و فهم و حکمت و دانش بروی بیفزاید و قدر وی در عالم علوی و سفلی بزرگ گردد و اگر محبوس این مربع را با خود بندد زود از بند خلاص شود و اگر این مربع را بر علم بندند در هر لشکر که آنرا نصب کنند فتح و ظفر صاحب علم را باشد و سپاه دشمن زود از هم بشکند و اگر طالب این را با خود دارد و در چیزی ساخته و مناظره بر امر آن فایق آید و اگر عامل این لوح با دشمن معارضه و مجادله کند یعنی رعایت مشتری و قوت دادن وی بغایت مهمست چه این حرف نزد محققان علم حروف منسوب بادلست و این مربع بر هر صورتی که مرقوم میشود حرف و عددی برین وضع که مذکور است و فهم و عقل و حافظه وی بیفزاید و اگر این مربع را از پیش

۴	۱۴	۱۵	۱
۹	۷	۶	۱۲
۵	۱۱	۱۰	۸
۱۶	۲	۳	۱۳

د	ید	یه	ا
ط	ظ	و	ه
ل	ی	ک	ز
س	ب	ج	ح

پیدا ویزند و امراض ذات الصدر و ذات الجنب و ذات الریه و سیر امراض در سینه عارض میشود ایمن گردد و این مربع را در وقتی که قمر در عقرب بود و ناظر مریخ مربع حرف دال را بر ظرف پاک نویسد و به آب باران و عسل مصطفا محو ساخته بیاشامد مرض نسیان از وی

زایل شود بر لوح نحاس نقش کنند چون کسی را چیزی بگزد لوح را در آب اندازند و بعد از آن لطخه بر من آورده ملدوغ از آن آب
بیاشامد مدغ الفور دردش ساکن شود هر که مربع عددی را بر ورق آهو نویسد روز یکشنبه وقت طلوع آفتاب در خرقه
پاک دوخته با خود نگاه دارد از ضرر اعدای ظاهر و باطنی ایمن گردد و هر که این مربع را بر ظرف پاک نویسد و محو کرده
بیاشامد بیماری محرقه را زایل گردانند **فصل ۳** در خواص حروف ذآل بعضی از این طایفه گفته اند که حرف ذآل در اعمال
از برای مفارقت است و در تعریف اهل ظلمه فروه تاثیری عظیم دارد پس چون این حرف را هفصد بار مقرون باسم
الذآل در ساعت منحوسه کتابت کنند الکاه این کتابت را در منزل ظالم از فسق و ظلم و اخلاق در محنت باشند
دفع کنند بزودی کنج منزل و یرکنج شود و آن ظالم فاسق سرکه کنج شود و این حرف را با این اسم بزرگوار بر ظرف زجاج
بهمان عدد بنویسد و از منعصل یعنی یا برکه صاحب و مالک وی معلوم نشد بردارند و با کب نوشته را محو سازند
و آن آب را در منزل کنج فاسق بر دیوارها و زمینها که کنج خانه باشند کمر بزودی صاحب منزل آواره کردد و کنج
در خواص خود آورده که اکر کسی این حرف را ورد سازد دولت او را زیان نرسد و روز بروز عزت و اقبال وی
بیفزاید و اکر این را هفصد بار بعدد بر زبان راند و بخود سکند هر آنکس محبوب القلوب کردد و جان
خاطر او مجذوب شود **فصل ۴** در خواص حروف را صاحب در الشظیم کوید این حرف اوّل حرف است
که قلم اعلی بآن جاری شده کما قال سبحانه فی الحدیث القدسی سبقت رحمتی غضبی و اوّل حرف است
از اسم بزرگوار الرحمن الرحیم و لایق است که این حرف را در ابتداء امور کار فرمایند و هر که این حرف را
بیست بار بعدد مخصوص بنویسد و قدر روز یکشنبه وقتی که قمر در برج ثابت باشد و متصل بسعود و منحرف از نحوس
و اکر بر خاک ناظر بوده و منتظر سعادت پس کنج نوشته را در زیر اساس بنا دفن کنند که عمارت میکنند و بر بالای کنج
دیوار برآورده و کنج بنا باتمام رسد و از کزند زلزله محروس ماند و مدتهای مدید از انهدام ایمن باشد و این
خاصیت کفته اند این حرف در اعمال از برای لطف و مصلحت است و در جمیع اعمال خیر مناسبت است بوی
عمل کردن و در کتب اعمال خاصیت نوشته اند که اکر بهته در دیر و شقیقه در روز چهارشنبه آخر ماه پنج بار این حرف را
بر اطراف پیشانی بنویسد نافع بود و بعضی که در کتاب خود آورده که اکر کسی این حرف را هفصد بار بکوشی خروسی سفید
فرو خواند و بر او بدمد بر وی تاثیر دهد و کمان داشته باشد و لکن منافق و جهلکان بر زمین زند و اکر بهمان عدد
بنویسد و در کوشی خود بندد و بعد از ساعتی بر صحرا آورده و در ظرف قلیل کم شود و انقدر نمک بر بالای کنج ریزد
که در زیر نمک پوشیده شود و بعد از ظرف را با نمک معمول در زیر سر نهد و همان عدد بر زبان راند

پس بخواب رود و گنج دفینه را در خواب بیند که کی ست یا کسی او را نشان دهد و بهر حال بر ین اطلاع یابد و الله اعلم

فصل ۵ در خواص حرف زاین یا از حروف سبعه است که در آیة اسم اعظم است و واقع است و صاحب دُرّ النظیم آورده در روز سه شنبه از روزهای هفته تعلق باین حرف دارد و در کتب از ین خاصیت مذکور است در این حرف در اعمال از برای عنف و منازعت است و بعضی از کتاب از ین خاصیت گفته اند که اگر کسی هفتاد و پنج بار این حرف را بر پوست آهو بنویسد وقتی که قمر در جدی بود و مریخ در تحت الارض باشد و نوشته را با خود نگاه دارد هر کس از و بترسد و مهابت و مهابت وی در هم در هم دلها سرایت کند فصل ۶ در صفات حرف سین صاحب شمس المعارف گوید که سین مرکب است از حروف ظاهر اسم اعظم و اسم اعظم را ظاهر و باطن بظاهر وی سموات سبع و الارض قایمست و باطن وی علویات از عرش و کرسی و از ین جهة است که حرف سین در اول سموات این واقع شده و در مرتبهٔ ثالث کرسی و گنج هنگام که حق سبحانه و تعالی این حرف را آفرید از عالم امر خود باو یکصد هزار و یکصد و هشتاد هزار از ملائکهٔ مقربین فرو فرستاد از برای تعظیم و توقیر وی بجهة امداد و اعانت روحانیت وی و این حرف از میان حروف تهجی باین صفت مخصوص و ممتاز است که زیرا و بالینسان او مساوی است س از فعل پنابست بعده شصت است ی و ن که زیرا و یت هم بعدد شصت است و این از نوادر غرابت و لهذا اسم شریعت حضرت رسالت ﷺ بقول بعض از علی که در تفسیر بسین فرموده اند که یا حرف ندا است و سین محبت غنای از آنحضرت فصل ۷ در خواص حرف سین بدانکه خواص این حرف بسیار است و فواید و منافع بیشمار است و لکن بذکر شمه اکتفا مینماید بعضی از ین خاصیت در کتب خود آورده اند که این حرف در اعمال از برای تصحیح غرض و نیتی قلوب و تالیف نفوس است و بجهة اجابت دعوات و انشراح و حرارت و حصول مطالب دنیا نیز ضرورت در کار و اعمال سر و اخفا و امور و قول در تفویض و فوت قلوب بغایت مناسب است پس بجهة دفع مرض و رفع وی و قلب و اعمال محبت بر جام زجاجی یا چینی باید نوشت بمشک و زعفران و گلاب در ساعت سعد و بعد دعی او که ثمنیات است با مفصلش که صد و پنجاه است مقرون باسم السلام بهمان عدد مقرون بایات سلام قولا من رب الرحیم بهمان پس باید با آب زمزم یا با آب باران و اگر میسر نشود با آب عذب صافی که از نهر بزرگ جاری گرفته باشند نوشته را محو باید کرد و بخوردن معمول باید داد و بجهة

اجابت دعوات وحصول مرادات وخرات ونفاذ قول وقبول قلوب وغرائب این حرف را بآن آیه ارصباح میان فرض وسنت
بامداد صد و بیست بار بخواند واگر این حرف را بر آیه بهمان عدد بمشک وگلاب وزعفران در ساعات لایقه بر کاغذ پاک
نویسد بر شرایط کتابت و با وجه قرائت هر روز بنحوه نگاه دارد وحصول مقاصد و وصول مطالب اتم واکمل خواهد بود
وسکاکی در خواص خود آورده که اگر کسی این حرف را در سه نوبت هر روز وقت بیشین شصت بار بگوید صاحب کرامات
گردد و در عمل سکاکی که پیش ازین گذشت باید که بیمی را بینا خطاب کند و بایسی گوید نتیجه دکابر این مرتب شود و هم سکاکی
گوید که اگر تصت بار بنویسد و بر طفل بندد زود بسخن در آید و لکنت از زبان وی برخیزد و الله فضیلی اعلم
در خواص حرف شین و آن یکی از حروف سبعه ایست که در آیه اسم اعظم واقع شده و صاحب در این تعظیم فرموده که
روز دوشنبه از ایام هفته تعلق بآن دارد و این خاصیت را گویند که این حرف در اعمال برای هلاک اعدا است
و در اعمال قهریه نهایت مؤثر است و در کتب این خواص مذکور است که اگر این حرف را چهل و سه بار بر پرده
قلم نویسند و از اوچیاه رود افتد دختر بکری نهند بخت لئیم دختر کژ ده کژ دو شوهرش پیسه بر گوید و کهنه
عظیم روی باید و اگر بنام کسی بر چهل پاره کاغذ نویسند بجهة عقد النکاح و هر کاغذی را در میان پخته بان کنار زند
و به پزند و به سگ دهند تا بخورد زبان الکن شده و سکاکی در خواص خود آورده که اگر کسی خواهد که حامل او پسر زاید یا دختر
باید که چون شب بفراشش در آید سیصد بار این حروف را بعدد مجتمع بر زبان راند و خواب کند در واقعه بآن رسیده
که پسر است یا دختر و اگر کسی بر طعام یا شربتی یا بیمی عدد بخواند و بخورد حامل دهند و قتی که وضع حمل ظاهر شده باشد
به سرعت و سهولت بار دهد فضیلی اما در خواص حرف ص از برای این خاصیت در کتب خود نوشته اند که
این حرف در اعمال از برای تحصیل خیر و برکت و شگفتی است و این حرف بزرگواریست و خواص وی
بسیار است و سکاکی در کتاب خواص الحروف آورده که هر که بر تکرار این حرف در وقت راه رفتن مداومت
نماید زمین در زیر قدم وی مطوی شود و بزودی قطع مسافت کند تا آنکه دولنی شود و گویند که هر که هر صباح بعد
از فریضه با مداد این حرف را نود و نه بار بمقرون باسم القدیر بخواند از فرض جمع خلاص شود و باطن وی بطهارت
بیاراید در خواص حرف ض در زنایل خود نوشته اند که این حرف در اعمال از براشدة و احداث
فتنه است و سوء حال اعدا و محاربه و مقاتله و سکاکی در خواص خود آورده است که هر که این حرف را هشصد بار بر خود دمد
خواند و بخورد مجنون دهد یا کسی که ضعف دل و خفقان داشته باشد جنون و خفقان از وی زایل شود و اعمال این حروف
در قهریات بغایت قویست خصوصا وقتی که اسم را بنام دشمن هشصد بار بخواند مقرون باسم شریف الرضا بنام وی

بنویسد و در منزل وی بر جدار در زوایا رش کنند و اگر در حق دشمن بزود این مجموع کتخ اعمال کلام و کتابا واقع شود از عظیم کند
و کتخ دشمن بزود این بیت و نابود شود فصل ۱ در خواص طایفه از علی این فن گفته اند که این حرف در اعمال کتابت
از برای اخذ نذیره و منفعت و نیل برکت و جمعیت است بعضی از علمین و در بعضی کتب معتبره این طایفه مذکور
که هر که خواهد که از میان جمع اعدا روده و بسلامت و عافیت برون آید چنانچه هیچ ضرر و آسیب بوی نرسد باید
که جزء ناخن خود یکبار این حرفرا بنویسد و در کتخ اش ره باز بعدد مفصلش یک نفس بر زبان راند
پس قدم بر فضای نهد بسلامت از میان ایشان بگذرد که هیچ کس وی را نبیند و اگر ببیند متعرض وی نشود
و از طرف ایشان مکروهی بوی نرسد فصل ۲ در خواص حرف ظا و این یک از حروف شعبه است که در آیه
اسم اعظم واقع شده و صاحب در النظیم گوید که روز چهار شنبه از ایام هفته تعلق بای حرف دارد
و بعضی از این خاصیت گفته اند که این حرف در اعمال از برای نیل محنت و مشقت و عقوبت
و کتابه در خواص خود آویزد که اگر کسی از ظالمان بترسد هر بامداد نه صد بار بعدد مجملش و هر پیشین نهصد بار
بخواند و بجانب وی در منزل وی بدمد کتخ ظالم دفع شود و اگر این عدد بنویسد و بر مصروع ببندد تفق
یابد باب سی و یکم در صفات و خواص یازده حرف ع غ ف ق ک ل م ن و ه ی مشتمل بر هفت فصل
فصل ۱ در صفات حرف عین فصل ۲ در خواص حرف عین فصل ۳ در خواص حرف غ
فصل ۴ در خواص حرف ف فصل ۵ در خواص حرف ق فصل ۶ در خواص حرف کاف فصل ۷ در خواص حرف لام
در خواص صفات میم فصل ۱ در خواص حرف نون فصل ۲ در خواص حرف واو فصل ۳ در خواص
حرف ها فصل ۴ در خواص حرف یا فصل ۵ خالی فصل ۶ در خواص حرف عین این خاصیت
گفته اند که این حرف در اعمال از برای حصول دولت و حشمت است و در کتب این طایفه مذکور است
که اگر کسی ده یا سی نگاه باین صورت بر برگ تنخ بنویسد ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع بخون کبوتر و با گلاب
مخلوط سازد و صاحب قولنج از آن شربت بیاشامد شفا یابد و صاحب در النظیم گوید که هر که در وقت
بانگ نماز جمعه این حرف عین را باین صورت بر حریر سفید نقش کند و وقتی که مشتری و عطارد خوش
باشند این نوشته را در زیر نگین نهد و در انگشت کند حق سبحانه و تعالی زبان او را بحکمه جاری
گرداند و در هر دیده که بیاویزد بفهم و عقل کامل مرزوق شود و هر که این را نگاه دارد قدر و سر بلند
شود و جاه وی بیفزاید و اگر در زیر جه این شریف العزیز را بنویسد و در حصول پنجه اقوا بنهد و نگاه دارد

در کتاب خود آورده که اگر کسی را محبوبه سرکشی بود که سر بوی فرود نیاورد و دوای او بروحها کند باید که این حرف را
هفصد بار بشکر و زعفران و گلاب کتابت کند و با خود نگاه دارد آنگاه محبوب مطیع و فرمان بردار وی گردد
و اگر بر مقدار حلوای خوانده و بخورد محبوب دهد بهمین عدد بغایت محبت گردد و در مقام اطاعت
شوهر برتبه که هرگز مخالفت نکند **فصل ۲** در خواص حرف غین این خاصیت نوشته اند که این
حرف در اعمال از برای احداث فتنه و فساد است و برای شقاوت و ضلالت اعداء مستعمل
است و گفته اند که اگر کسی هر روز هفصد بار بگوید و بجانب دشمن دمد بزودی نیست و نابود
شود و اگر بر برگ حنظل نویسد بهمین عدد و بخورانه دشمن اندازد یا دفن کند از آن خانه آواره گردد
و در اعمال این حرف در خصومت بسیار راست و بعضی گویند که تکرار وی به نیت ثروة و حصول
توانگری مقرون باسم الشریف الغنی مثمر ثروة و حصول است **فصل ۳** در خواص حرف فا و این
از چند حروف سبعه است که در آیه اسم اعظم گویند که در روز شنبه از ایام اسبوع تعلق باین حرف دارد
و بعضی از برای این خاصیت گفته اند که این حرف را بعدد مفصلش بخوانند یا نام او که در فصل
هفتم در باب پنج از مقاله اولی از این یافته بر هر مقصودی که دارد فایز گردد و هر که مداومت
کند بر این حرف و اسماء وی خصوصا باسم الفتاح انواع معارف و حقایق و لطایف و دقایق از علوم خفیه
نقلیه بر دل او مکشوف و مفتوح شود و ابواب مرادات صوری و معنوی بروی گشاده گردد و هم در شواریها
بآسانی مبتذل گردد و اگر این حرف را هشتاد و یکبار بر جام زجاج یا قدح چینی نویسد و در زیر هر حرف اسم
شریف الفتاح رقم زند با لف لام یا پیش خطاب و او را در اعمال کتابت استاد و آنهی با لف لام
نویسد و در اعمال کلام بنداء خطاب کوید و در این عمل قبل از تحوس پاک شود و این بعوذه ناظر نوشته را
بآب طاهر محوکند بخورد حامله دهد وقتیکه اثر نهادن بداند شود بسهولت و سرعت بار بنهد و اگر محبوس
مبتلا شود این اسم و اسماء وی بر تخصیص اسم یا فتاح فیام بزودی خلاص شود و در جمیع کارها بر فروشته
و اوضاع درهم شکسته بمواظبت نمودن بر این حرف و اسماء وی علی الخصوص اسم الفتاح بغایت
نافع است و گفته اند که در کتاب خود آورده که اگر هشتاد روز هشتاد بار این حرف را بر زبان براند
و بجانب دشمن دهد نابود و ضایع شود و هم وی آورده که هر که بنام غایبی هزار بار این را بر قطعه کاغذ سپید
نو پاک نویسد و در آتش اندازد اگر وی در مغرب بود عاجل در مشرق که بزودی خود را بحاضر رساند

فصل ۸ در خواص حرف قاف بعضی گفته اند که این حرف از برای تحصیل روح و سلامت است و بعضی دیگر از عاملان
در اعمال قهریه بآن توسل جسته اند و در کتب اثبات مذکور است که هر که صد بار این حرف را بر برگ خرد نویسد
و در منزل ظالمی یا قاطع بنهان کند کار آن ظالم فرو بندد و سلسله آن قاطع منتظم گردد و درهم شکند و رهگذار آورده که
اگر کسی این حرف را هفت بار بر کاغذ نویسد و در زیر بالش آن نهد بنام هر که اینعمل کند خواب وی بسته
گردد تا کاغذ را برون نیاورد و نوشته را محو نسازد آنکس را آرام نگیرد و خواب نیاید فصل ۹ در خواص کاف
بعضی از بزرگان این فن گفته اند که این حرف را در اعمال از برای القای محبت است و قلوب رهگذار در کتب خود
آورده که اگر کسی این حرف را دویست بار حاصل الضرب آورد در نفس معین بهت در بهت بنویسد و با خود
نگاه دارد در چشم خلایق عزیز گردد و هم در آورده که هر روز این حرف را هفت بار بر زبان راند اسرار
الهی بر وی منکشف گردد و از بعضی رسایل این طایفه نوشته اند که هر که بهت حرف بر این صورت و قیع
که قمر زاید النور باشد و قوت حال بر کفل جلوس افرق بندد و در موضع که گمان دفینه در آنجا سرد هاخوس روی
زمین را بچنگال و منقار کاوش نماید فصل ۱۰ در خواص حرف لام بعضی از این طایفه گفته اند که این حرف
در اعمال از برای اثبات و استقامت است و در امور دنیا و آخرت و در کتب خواص نوشته اند
که اگر کسی این حرف را هفتاد و یکبار بعدد مفصلش بر جایی بخواند بعدد عدد و بنوک قلم فولاد نقش کند
بزیر پوست کند و بخورد زن و شوهر دهد که میان ایشان الفت و محبت بناشد چنان بیکدگر مستانس شوند
که اصلا و قطعا بهم نتوانند بسر برد و اگر در عمل کلاهی و کتابه این حرف نویسد با اسم بزرگوار اللطیف
جوید و بحروف مجمل یا مفصل بر بالای آبی خواند یا بنویسد نتیجه آن اکمل اقوال بود و در کتب رهگذار مذکور است
که اگر کسی خواهد که از چشم دشمنان پنهان شود باید بوقت حاجت این حرف را دویست بار بر زبان
راند تا مقصود حاصل شود و هم در کتب آورده که اگر بر صفحه مس مهتاد و یکبار بقلم فولاد نقش کنند و با خود
نگاه دارند از چشم زخم حاسد لئیم ایمن باشند فصل ۱۱ در صفات حرف میم صاحب شمس المعارف
آورده که میم از جمله اوتاد حروف است و این عبارت است از معرفت که اول آن مثل آخر بود و آخر
سه حرف است متعاقب یکدیگر در سه فصل دیگر مذکور میشود و طبع میم حار است و در وسط وی
رطوبتی هست و میان لین و حرارت و آخر حرف یابست میانه و میم و وی از حروف نفس اند که عبارت
از لوح محفوظ است و چون خدای تعالی وی را پیدا فرید و بر لوح آفرید که مطموس بود بنور و بر وی مزور نشته

از ملائکه لوح بعدد مفصلش موکل گردانیده و ملک و ملکوت را بر وی قایم ساخت و قلم را بر وی که در میم است
ظاهر گردانید و میم سر برزگست که حق سبحانه و تعالی در اسم شریف محمد صلعم بوده بصفت رحمانیم در اول و میم
در وسط پس در اول سر ملکوتست و در وسط او سر ملک و کشف عالم ملک و ملکوت بوده منوط و مربوط
است بر هر طالبی که ابر رحمانیم و احاطه او و لیکن در عالم او منکشف گردد آن فتح بوده عظیم و از بعضی
اسماء افتاد که حضرت شیخ محی الدین قدس سره در فتوحات آورده که در اشاره بر مقامات مراتب
عالم میم عبور افتاد چند گاه در مشاهده عجایب و غرایب آن عالم بماندم و در اقسام انبیاء و اولیا
و علماء و ملوک و طبقات خلایق و اصناف موجودات دیدم میم از جنس انعام و تفصیل
آن در فتوحات مذکورست فصل ۱۰ در خواص حرف میم بعضی از ارباب خاصیت گفته اند
که این حرف از بس لایق و موافقت متضمن است و در کتب خواص مذکورست که اگر کسی بنام
محبوب صد و پنجاه یک میم بدین صورت بر شفتالو یا بر سیب نقش کند که چشمه میم مفتوح بوده بمضمونش
دهد بخورد و بوی دهد و اگر میسر نشود باری سعی نماید که استشمام نماید اثر عظیم در محبت و مودت پیدا
مترتب شود و در شمس المعارف مذکورست که هر روز چهل بار در شکل میم نظر کند و در هر بار بخواند قل اللهم
مالک الملک تؤتی الملک من تشاء بعزت حق تعالی اسباب دنیا و آخرت بروی آسان گرداند و
و این اعمال در فصل دهم از باب اول از مقاله اولی در ذکر الملک بروجه اتم و اکمل ایراد خواهد یافت و
صاحب شمس المعارف گوید که هر که خواهد که عاقبت امری بداند و خیر و شر بداند که صورت میم را که از ابتدا
مکتوبست کتابت کند بر ورق پاکیزه از روز دوشنبه در ساعات قمر شروع کند و در آخر روز که این عمل کند
روزه دارد و شب با بند کی خدای رمانا افطار کند و بر طهارت کامل بر فراش رود و این نوشته در
زیر داشته نهد پس بر دست راست بخسبد چنانچه آن نوشته محاذی رخساره راست وی بود آنگاه
سوره تبارک بخواند و خواب کند و خود را در خواب از عاقبت آن کار اخبار کنند و خیر و شر آنرا
بوی بآن باز نمایند بر وجهی که خاطر وی اطمینان یابد و هر که حرف میم را چهل بار بر جایی نویسد و باب
پاک محوساخته پاشاه حق تعالی در علم و فهم وی افزاید و زبان وی را بحکمه ناطق گرداند و هر که حرف میم را
بنویسد و باوی همشتاد بار لا اله الا الله کتابت کند و آنرا بر بازوی راست یا موجام وافته و ختمه
بپوشند حق تعالی نهایت محبت وی در دلها افکند با آنکه گم نام و مجهول بود و اگر بشرط بنویسد با وضو باشد

وقت بس پاکیزه پوشیده باشد و دایم باخود نگاه دارد هر عالم مطیع شود و در شمس المعارف بر این حرف اعمال کلیه در
تسبیحات چون مذکور است و این نسخه محل تفصیل آن نیست در خواص حرف نون بعضی از بزرگان خاصیت
گفته اند که این حرف در اعمال از برای فرح و سرور مقرر است و در کتب خواص آورده اند که هر که این حرف را
جز نقل از سبب که جدید باشد چیت و یکبار نویسد بنام کسی و در آتش تیز اندازد آنکس برای عاجل بملاقات
وی آرام نگردد و اگر صد و شصت بار حرف نون را بدین صورت بر تیغ کارد فولاد بنویسد تا بدسته بنام کسی
انگاه در دیوار کند که روبقبله باشد فرو برند مادام که آن کارد در آن دیوار بود خواب آنکس بسته شود و صاحب
شمس المعارف آورده که هر که این حرف را بیم است از افطار حروف و این حرف را سه اسم است النصیر النور مواظبت نماید مردم بوی اقبال کنند و هر کس بقدر حال بوی فایده رساند و از وی فایده
و هر که بر تکرار وی مقرر شود باسم النصیر مداومت کند همه اعدا مقهور و مغلوب وی بهم جا در هم وقت
فتح و نصرت و یزایود و هر که این حرف را مقرر شود باسم النور باطن وی روشن شود و بروی از اسرار و انوار معرفت
مملو گردد و اگر دایم بشرایط که در این حرف را بخواند چندانکه تواند که نور باطن وی غلبه کند که بر توان آن
بقوه باطره وی یافته بحس ظاهر بر و شنایها از عالم غیب مشهود وی شود و در کتاب سکاکی آورده
که این حرف را پنجاه بار بنویسد و باخود نگاه دارد هر جا نوری از نور پاک که وی را بکند در دنکند

فصل ۱۲ در خواص حرف واو و بعضی از این طایفه گفته اند که این حرف در اعمال از برای ایذا و ه و
مضرت است و در کتاب خواص نوشته اند که اگر این حرف را نقره و نه بار بنام کسی بر ورق آهو
نویسد و از مهر در آویزد خواب آنکس بسته شود و اگر بنام دشمن دویست بار بر کاغذی بنویسد
و از بار وی در آویزد آن دشمن سرگردان و پریشان شود و هیچ جا قرار و آرام نداشته باشد
و صاحب شمس المعارف آورده که این حرف سیم است از اقطار حروف و این سه حرف را در میان
حروف و این سه حرف را در میان حروف بسبب انکه هر واو اول ایشان از جنس جزو آخر است اختصاص
و امتیاز واقع است و حرف واو که آن دو اسم است که ذکر آن در فصل هفتم از باب پنجم از مقاله
اول گذشت یافته و خواص بسیار بر اسماء این حرف مترتب است چنانچه ثمه در فصل نهم از باب چهارم
از مقاله اسماء مذکور خواهد شد و حرف واو را خاصیت نقش در نقش است چنانچه در کتاب شمس
المعارف ایراد نموده و صورتش این است و شیخ فرموده که ارطالب صادق که روز دوشنبه نزدیک

طلوع افتاب این شکل را بر خاتم نقش کند حامل او از جمیع بلیات محفوظ و محروس ماند و تا این لوح با وی

بود از هیچ اعراض و امراض در پناه باشد و نکاکه در کتاب خود آوردم که اگر کسی داعیه سفر داشته باشد و نیت

ر	ه	ح	و	ا	ح
ا	و	ر	ح	ح	ه
ح	ح	ه	ا	ر	و
ح	ا	و	ح	ر	ه
و	ر	ا	ح	ه	ح
ه	ح	ح	ر	و	ا

نشود هر صباح شصت بار این حرف را بخواند و بدان جانب

دمد که مقصود است بزودی موانع مرتفع شود و آن سفر دست دهد

فصل

در خواص حرف ها بعضی از علی و این فی گفته

ان که این حرف در اعمال از برای جلب منفعت است و در کتب

خواص نوشته اند که اگر فقر و فاقه بر کسی مستولی شود از زیر

ناودان چهل قوانکر چهل سنگ ریزه چند وقتی که قرار اید النور

بوده و مسموعه باشد چهل حرف ها را بران سنگ ریزها بنویسد

و انجا که خواب گاه اوست دفن کند بشرطی که در سفر و مقام

امری نامشروع از وی صادر نشود حق سبحانه و تعالی مال و نعمت و ثروت بسیار کرامت فرماید و جمعیت خاطر

دیگر را روی ننماید و پوشیده نماند که این حرف از جمله حروف نورانیست که در چهار اوایل سوره قرانیا واقع شده قول

کهیعص دویم طه و نزد جمعی از ارباب تعریف است و باصطلاح صوفیه حرف ها از برای مرتبه غیبیت هویه

است یعنی مجرد از ملاحظه اسما و صفات و این مرتبه فوق مرتبه الوهیت است کما قال سبحانه و تعالی هو الله

لا اله الا الله هو و شیخ بزرگوار شیخ نجم الدین کبری در بعضی از رسایل خود آورده که ذکر جاریست بحسب دوام بر نفوس

حیوانات انفاس ضروریه این نست که حرف ها از لفظ تولد میکنند بواسطه انکه از آلات منی رج حرف و این

حرفیت که اشارت بعلت هویه است چنانچه بعض محققان گفته اند که این مضمون دلیلست

بر انکه هو که اسم این حرفست اسم اعظم باشد چنانچه در فصل دویم از باب پنج از مقاله اسمای آیات

خواهد رفت و در فصل چهارم از باب اول همان مقاله شمه از خواص و آثار این اسم خواهد یافت پس

اگر طالبی حاذق بحسب انفاس بر سبیل دوام باین ذکر شریف قیام نماید و همیشه همه خود متوجه غیب حضرت

حق سبحانه و تعالی شود و خود زبان دهد تا وقتی که مناسبت بعالم کیفیت و کم پیدا کند بانجه و این بعد از تحصیل

مناسب بآن عالم قوة تمام حاصل خواهند در عالم کیف و کم که از عالم حس و شهادة تصرفات تمام تواند نمود و بر

هر چه خاطر گمارد تواند از قوه بفعل آورد و اعظم اذکار انست و العاقل یکفیه و در بعض از رسایل ارباب حروف

مذکور است که حرف ها از برای قهر اعدا و زجر ظلم و فسقه اثر عظیم دارند آن چند حرف اعظم که عدد مجمل و بیست تعلق
بمریخ دارد و کسی هفصد و هیفده بار که عدد مبسوط اولست یعنی ۱۱۱۵ ف بر صحیفه سرب بمراد بازگای وقتی که مریخ نحوس بود
و اگر در آن ساعت نظرات نحس واقع نبش بهتر بود و اگر کتم رقم در ساعت مریخ باز حل اتفاق افتد با وجود خوف تاثیر وی نقاید
قوی تر بود بعد از اتمام عمل آن صحیفه را در سرداب تاریک که خلق خدای تعالی از فسق و ظلم وی در تشویش باشند بیفکنند
بزودی تنخ ظالم فاسق از تنخ دیار آواره شود و منزل وی خراب گردد و در کتاب سکاکه مذکور است که اگر
به نیت هلاک دشمن استقلا بر این حرف را بر خاک گورستان قدیم یا خاک وقف خواند و در خواب دشمن
ریزد هلاک شود و منزل وی ویران گردد فصل ۱۲ در خواص حرف یا بعضی از ارباب خاصیت گفته اند
که این حرف را از برای فتح و نصرت مستعمل است و بعضی بر این اند که در اعمال از برای شکیبایی و صبر
مقرر است و در کتب خواص مذکور است که اگر کسی ده بار حرف یا را بعدد مجلش بر کاردی نویسد بنام شخصی
و آن را در زیر وی دفن کند خواب انگبین بسته شود و سکاکه در کتاب خود آورده که اگر کسی این حرف را بنام شخص صدبار
بر زبان راند زبان وی از غیبت و بهتان و نمیمت عاجز بسته شود و اگر بهمین عدد بر حریر سفید نویسد و با خود
نگاه دارد زبان همه خلقان نسبت با و بسته گردد و صاحب کار را تعظیم آورده که هر که بر ورق کاغذ باک در
در صباح پنج شنبه بعد از طلوع آفتاب حرف یا را مکرر کتابت کند بعد از آن که در وسط این حرف
مثل علیم و حکیم و تنخ سیر و بهتاسم است از آسمان و جنی که در فصل نهم از باب سیم از مقاله آسمانیان
خواهد یافت و اگر در ظهر حرف ایم کتابت کند بعد از اثر وی قوی تر بود و بعضی گویند باید که صدبار کتابت
کند بعد حاصل الضرب وی در نفس وی پس نوشته را با خود نگاه دارد جمیع محرمات مبغوض
و مکروه وی گردد و از جمله منهیات خاطر وی افسرده شود و فهم وی زیاده شود و حدة ذهن وی
بیفزاید و اگر این حرف را بعدد مذکور بر ایام ساعت نقش کند و بر کند بسیار در سفر و مزروعات
پیدا کند و از آفات سماوی و ارضی ایمن ماند و اگر بر کلنگ آهنین نقش کند و بآن چاه و کاریز
حفر کند آب بسیار ظاهر شود باب ۴ در خواص حروف مقطعه قرآنیه مشتمل بر دوازده فصل شش
فصل از آن در خواص فردات مقطعات که بمعاونت یکدیگر افاضه آثار میکنند و شش فصل دیگر در خواص
مقطعات اوایل سوره که هریک علیحده منافع مینمایند فصل ۱ در ذکر حروف عدد مقطعات و خواص مجموع
آن بر سبیل اجمال فصل ۲ در خواص دو فقره که همعنی و جمعی با یکدیگر فصل ۳ در خواص

فقرات اربعه وخمسه وستة از مقطعات **فصل ۸** در خواص فقرات ثلثة عشر واربع عشر از مقطعات
فصل ۹ در خواص فقرات خمسة عشر از مقطعات سوا از آیات **فصل ۱۰** در خواص فقرات خمسة
عشر از مقدمات محی از آیات **فصل ۱۱** در خواص حروف الم البقر والم آل عمران **فصل ۱۲** در خواص
حروف المص **فصل ۱۳** در خواص الر والر والر والمر **فصل ۱۴** در خواص کهیعص وطسم ویس
فصل ۱۵ در خواص حروف طه **فصل ۱۶** در خواص حروف حمعسق وهم مؤمن وق **فصل ۱۷** در ذکر
حروف مقطعات بر خواص آن جمله بر سبیل اجمال کتابا صاحب دور التنظیم آورده که بعض عارفان
گفته اند که حروف مقطعه قرآنی سیر کله و هفتاد و هشت حروف است و آن آلکنت الم الم المص
الر الر الر کهیعص طه طسم طن طسم الم الم الم یس ص حم حم حم حمعسق حم حم
ق ن و این عدد وقتی مسلم است که حمعسق را دو کله اعتبار کنند چنانچه بعض از علمای ایافن ذکر
کرده اند و اگر انرا مثل کهیعص از قبیل حمایات گیرند چنانچه بعض بر آن رفته اند پس عدد
کلمات بیست و نه باشد و چون کسی نظر کند ترتیب این حروف از حیثیت جمع و ترکیب بعض را از احاد
باید مثل ق وص و ن و بعض را مثانی مثل طه و یس و طسن و بعض را رباعی مثل المص والمر
و بعض ثلاثی مثل الم و الر و طسم و بعض را حمایی مثل کهیعص و حمعسق و این بر اسلوب
و قواعد اعراب نازل شده است چنانچه در کلمات و آسماء این فن واقعست و زبان برسان آن
شرح حقایق و اسرار و منافع و آثار حرف مقطعه قرآنی عاجز و قاصر گشته بذکر ثمه از آن اقتصار
میرود و صاحب دور التنظیم از ابو حامد محمد الغزالی نقل کرده که فرموده اند بعض علمای زمان موصل یافتم
که بایشان حرف مقطعه قرآنی همراه بود از ایشان سؤال کردم که این چیست گفت که برکات این
حروف بر من ظاهر است و از جمله آن که همیشه حق تعالی مرا از آفات و بلیات بواسطه عمل این
حروف و کلمات محفوظ میداره و رزق مرا کفایت میدهد و اگر حاجتی میخواهم با انتظار بعض اوقات
میرساند و مرا از شر دشمنان محفوظ میداره و از گزیدن مار و عقرب و سباع و حشرات بقدرت خود نگاه میداره
و چون بسفر میروم این کلمات مرا بوقت وداع از مال و اولاد میخوانم خدای تعالی مرا بصحت
نزد بوطن میرساند پس ابو حامد گوید که مرا از این حرف علی فاضل شده که هیچ شک در
در انچا نیست و در خواص آورده که هر که مجموع اوایل حروف قرآنی را بر نگین نقره یا عقیق نقش کند

ب ساعات سعد مقبول و محبوب قلوب گردد و صاحب دور النظیم آورده که اگر نقاشی روز پنجشنبه و روز
جمعه در ساعات اول روز جمعه این حرف را نقش کند و در آن وقت غسل کرده باشد و جامه پاک
پوشیده باشد و بخورات لایقه سوخته بخور هر آینه تاثیر و قوت دهد از انچه مذکور شد بهتر خواهد بود و
دفاید و نتیجه زیاده روی خواهد داد و بعضی از اکابر جنی فرموده اند که اگر کسی حروف مقطعه
قرانیه را بدین ترتیب گوید که الله یحی آلم ذلک الکتاب و آلم الله لا اله الا هو حی قیوم و ما
بسیط فنی بعد از ان هر حاجتی که داشته باشد و دنویسی بخواهد حق تعالی بر دوام روا کند و اگر این حرف را
بطریقی که نزد اهل ادیان مقرر است بنگیرد کند و با خود داشته باشد خاصیت دارد و این عمل در ساعت
اول روز یکشنبه یا چهارشنبه یا دوشنبه یا هفتم سه شنبه یا سیم چهارشنبه یا پنجشنبه یا پنجم جمعه
باید **فصل ۲** در حروف فقره کهیعص و حمعسق با یکدیگر صاحب دور النظیم آورده که شیخ ترف
الدین فرموده است که هر که ترسان بود از غیرت و در گنج حال بگوید که کهیعص و حمعسق
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم از انچه میترسد ایمن شود و این معنی بکرات و مرات آزموده
شده و مجرب و صحیح است و صاحب دور النظیم آورده که پنج اینست که منافع و فواید از حد و حصر بیرون
است که هر که این آیات تلاوت کند در حالتی که در آید با جباریان عنید و حاکم از طریق صلاح بعید
از و شر کفایت شود لیکن کیفیت قراءت آن ایات چنانست که عقد اصابع یمنی کند
در تلفظ بحروف کهیعص که در اوایل ایات این سوره واقع است و عقد اصابع یسری کند و در تلفظ
بحروف حمعسق که در اواخر آیات واقع است پس باید که اول عقد ابهام یمنی کند
و بگوید که کاف از انشاه فا خلط به نبات الارض فاصبح خشیما ترزوج الریاح ح بگوید و در گفتن
ها عقد ابهام یسری کند بعد از ان عقد یمنی کند و بگوید هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب
و الشهادة هو الرحمن الرحیم و در گفتن حرف میم عقد مسبحه یسری کند بعد از ان عقد وسطی یمنی کند
و بگوید یوم الازفة اذ القلوب الذی لدی الحناجر کاظمین ، للظالمین ولا شفیع یطاع ح و در گفتن
حرف عین عقد وسطی یسری کند بعد از ان عقد بنصر یمنی کند و بگوید علمت نفس ما احضرت فلا اقسم
بالخنس الجوار الکنس و در گفتن عقد کند خنصر یسری و بعد از ان عقد کند خنصر یمنی را و بگوید
ص والقرآن ذی الذکر بل الذین کفروا فی عزة و شقاق و در گفتن حروف ق عقد کند بنصر یسری را

وبعد از اتمام این عمل با عقود بلدان باشد ره عبور یا ظالم یا جبار در آید از آن جبار ظالم هیچ ضرری بوی رسد
و بسلامت و کرامت برون آید **فصل سیم** در فقرات اربعه خمسه و سته مقطعات اما فقرات اربعه صاحب
دور انتظیم آورده که در بصره مردی بود که دعای وی مجرب بود که از لنج مردم را ایمن میداد و مخلف عینی
بود و در تعلیم آن بغایت بخیل بود و چون وفات وی نزدیک رسید کسی را که خاص بود با او طلب کرد
و گفت که دوات و قلم بیار تا بنویسیم از برای تو دعایی و رقیتی را که در نیمدت بآن عمل میکردم و ایمن
مخلف میداشتم بآن زبان و چون دانست که میرود رها نمیدهم که دعا پنهان بماند و مردم از لنج منفعت یابند
پس بنوشت که هر کسیر را که در دین لنج عارض شود باید که این حروف را بخواند المص کهیعص حمعسق
الله لا اله الا هو رب العرش العظیم اسکن الریح و اکدع طهره اسکن بالذی سکن بالذی له ما فی
السموات و ما فی الارض و هو السمیع العلیم الی آخر ایه صاحب دور انتظیم از ابو حامد غزالی نقل
کرده که وی فرمود که اغنیای صحابه سفر بسیل تجارت به سفر میرفتند اگر در سر راه دشمنی یا قاطع الطریقی
که پیش می آمد میگفتند اللهم احفظ امت محمد ص بالمص و کهیعص و حمعسق و ق
و القرآن المجید و نون و القلم کونا لیطرق ضرر لنج دشمن بایشان نمیرسید هم از ابو حامد روایت کرده است
که بعضی از عارفان را کنیزکی بود علة صرع داشت روزی عارف امد بر نزد کنیزک و در گوش لنج خواند
که بسم الله الرحمن الرحیم المص طسم کهیعص یس و القرآن الحکیم حمعسق نون و القلم و ما یطرون
دیگر از آن صرع اثری نپذیرفت و آن کنیزک به تمامی از لنج مرض خلاص شد **فصل** در خواص فقرات
ثلثه عشر و اربع عشر از مقطعات در خواص این سین آنچه که هر که الم و البقره تا هم المفلحون و الم الله
لا اله الا هو الحی القیوم المص کهیعص طه طسم یس حم عسق حم تنزیل الکتاب من الله العزیز
الحکیم و لنج مجموع را با سوره فاتحه بر ورق آهو بنویسد بمشک و زعفران و گلاب در شب جمعه چهاردهم یا پانزدهم
از هر ماه که باشد بعد از نماز خفتن و لنج نوشته را در غلافی نهد از نی یا قصب که یکسر بند داشته باشد و سر
دیگر را بموم گافوری بندد پس هر گاه که لنج نی را بر بازوی راست بندد با طهارت کامل و لباس
لطیف عزت و نهایت وی در دل و قطرها ببارد شود و باطن وی دلیر شود و هیبت عظیم از وی در
دلها سرایت کند و اگر فقیر بود غنی شود و اگر محزون بود مسرور گردد و اگر این نی را بر طفل بندد
که از چیزها در خواب و بیداری میترسیده باشد و گریه میکرده باشد لنج ترسد و گریه از وی زایل شود

باذن الله تعالی فقرات از بوعشه صاحب دور انتظیم از شیخ شرف الدین نقل کرده که هر که با مشک و زعفران و گلاب کتابت
کند این حروف مقطعه را در روزی که معروفست به شب نوزده و آنرا شبی بوده که دریا از ایام بیض که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماهست بر ظرف چینی بازجا چرب نویسد و محو کند و بپاشد مدوقدری ازان در چشم کند در آن ساعت از مدایی بود به برکت نورانیت آن حروف که مسمی است بحروف نورانیا و آنها اینست الم المص الم المر کهیعص
طه طسم طس یس ص حم عسق ق ن فصل درخواص فقرات خمسه عشر از مقطعات میخواهد را از آیات
دور انتظیم که هر که حروف الم الم المص المر کهیعص طه طسم طس یس ص حم عسق ق ن را بر خاتم نقش
کند در روز پنجشنبه اول ماه رجب و او را در انگشت کند اگر خائف بود از جباری یا ظالمی ایمن شود و حاصل
این خاتم اگر بر سلطانی درآید بنظر وی بزرگ نماید و قهاریت وی در دل او سلطان از کند و بهر مرادی
که از وی خواهد پا توقف بوی دهد و اگر این خاتم را بر کسی فرود آرد که خشمناک بود ایمن گردد و خوشنود شود
و اگر تشنه آن خاتم را در دهان گیرد و بملکد سیراب شود و عطش از وی زایل شود و اگر آن خاتم را شبانه
روز در آب باران نهد بعد از آن آب بپاشد مد بر ناشتا قوت حافظه وی بیفزاید و اگر معزول
بر خشم آن مداومت نماید برای وی شغل و عمل پیدا شود و صاحب تصرف گردد و اگر زنا پا شوهر حامل
شوهران دود بسوی شوهر رسد و اگر بر موضع بدن نقش باید فصل دیگر درخواص فقرات خمسه عشر
از مقطعات محل بآیات صاحب دور انتظیم از شیخ بونا نقل کرده است که هر که کتابت کند بر ورق آهو در
شب جمعه چهاردهم از هر ماه که باشد بعد از نماز خفتنی بمشک و زعفران الم البقر را تا هم المفلحون و الم الی
عمران را تا الفرقان و المص را تا للمومنین و المر را تا یؤمنون و کهیعص را تا ذکریا و طه را و طسم
تا بالمؤمنین و طس را تا المبین و یس را تا الحکیم و ص را تا شقاق و حم مؤمن را تا المصیر و حمعسق را تا
الحکیم و ق را تا الحبل و ن را تا عظیم پس این نوشته را در میان استخوانهای نهد و آنرا در میان موم کرده
که از شمع سرای عروسی فرا گرفته باشد و قطعه از دام بر گردن وی بچسبد و بر بازوی راست بندد باطن وی
قوی گردد و مهابت وی زیاده گردد و عظمت وی بر قلوب اعدا مستولی شود و قبول تمام و یرا در قلب مرادات
پیدا شود و اگر فقر و فاقه و یرا دریافته باشد غنی و تونگر گردد و اگر از جایی تعرض و خوف داشته باشد ایمن
و مطمئن گردد و اگر مسحور یا مجنون یا محبوس باشد آن سحر که در حق وی کرده باشند باطل شود و اگر در بند
و رنج بعد بند رهایی یابد و اگر ماده جنونی به تمامی از دماغ وی زایل گردد و اگر وام دار بود حق تعالی قرض

وی ادا کند و اگر مهموم و مغموم بود خدای تعالی او را بفرج مبدل سازد و اگر مسافر بود زود بوطن رسد و اگر زن و شوهر
انرا با خود در آرند و دایم باطهارت باشند و بدن پاک و لباس لطیف و حق تعالی شوهر شایسته کرامت فرماید پوشیده باشند
و آن شوهر را بوی راغب و مایل گرداند و اگر از اسباب خانه در آویزد و ردانه در لنج خانه لبیار رنج شود و اگر
از دکانها چیزی خریدار مطلع صاحب دکان لبیار شود و از دحام کنند و اگر بر سر حمایل آویزند مردم لنجی
رغبت لبیار نمایند و اگر بر طفل بندند از جمیع آفات ایمن شود خصوصا از شر جن و انس و ام الصبیان
و علی الجمله حامل وی بر هر دعا که کند باجابت مقرون شود [نسخه ۷] در خواص الم البقره و الم اکل عمران
و صاحب هر ان تظیم آورده که حرف آلم را تا هم المفلحون در روز پنجشنبه اول نهار بر کاغذ چینی پاک یا ظرف زجاج
طاهر بمشک و زعفران و گلاب کتابت کند پس نوشته را بآب چاه شیرینی محو سازد و بر نهار بپاشد مداوم روز
طعام نخورد باز در شب آن آب شربتی بپاشد مداوم روز آدینه روزه دارد و هم چنین سه شبانه روز بهر شربتی
آن آب کفایت نماید و روزه دارد و اگر قوه فرح و فانکند پنج روز روزه دارد که جز باین شربت افطار نکند
و از طعام امساک نماید حق تعالی قوت حافظه وی را بیفزاید و نفس ناطقه و یرا قوت دهد و علم را در باب وی ثابت
گرداند و نور معرفت را در باطن وی ظاهر گرداند الم اکل عمران در خواص ابن یتیم و در نظم مذکور است که حرف
الم را با الفرقان در ساعتی از روز پنجشنبه بقلم باریک بر ورق آهو نویسد و در زیر نگین انگشتری نهند
و بر طهارت کامل و لطافت لباس در انگشت کرده نزد پادشاه یا حاکم آن دیار رود قول او در دل
پادشاه اثر کند و هر چه گوید مقبول افتد و هر حکم که کند قبول افتد و چنین بر حسب این مداومت نماید
جاه و حشمت وی بیفزاید و اعدا مغلوب و مقهور شوند و هم در خواص ابن یتیم آورده که اگر حروف ا
تا ذ کرون بر صفحه نقره نقش کند و کتابت در زیر نگین نهد مادام که در انگشت وی بود هر چه
بر دست و زبان وی رود هم صدق و صواب و خیر و صلاح بود و دلها بوی اقبال کند و مردم امر
و نهی وی را قبول نمایند و صاحب دور انتظیم آورده که اگر این حرف را با فرقان کتابت کند
بر کاغذ سفید پاک بمشک و زعفران و گلاب کرده را در انبانی نهند از نی فارسی باشد یا هندی
که پیش از طلوع آفتاب قطع کرده باشند و سر آنرا بموم محکم به بندند و در گردن طفل بپاویزند
آن طفل از شر شیطان و تلف جنیان و مرض ام الصبیان محفوظ و ایمن بماند و در جواب و یرا
نترسد [نسخه ۸] در خواص المص که سوره اعراف است صاحب هر ان تظیم آورده که هر گرا داعیه ری

منصبی بود مثل قضا و غیران و خواهد که اقوال و افعال وی مقرون بصدق و صواب شود و زبان وی بصدق
و صواب جاری گردد و مصالح امور بر دست وی بانجام رسد و اخلاق وی مهذب شود باید که حرف المص را
نامی نگارون بر صفحهٔ نقره خالص نقش کند و انرا در زیر نگین خاتم نهد و بر طهارت بدن و لطافت لباس
دایم باشد و صوم بدارد تا مقصود حاصل شود و حکیم فاضل در کتاب بیاکل و تماثیل آورده که هر که حروف المص را وضع کند
بقلم طبیعی و قلم عربی و در مربع چهار در چهار در صفحهٔ ذهب که وزن آنش چهار درهم باشد و اگر ذهب نباشد
و میسر نشود نحاس احمر اختیار کند و اگر ذهب و نحاس هم امتحنه بود او را بود و در وقت کتابت
باید که طالع برج حمل یا ثور و آفتاب در وی بر درجه شرف بود و ناظر بمربع نظر تسدیس یا تثلیث و
وسالم از نحوس و باید که در وقت عمل به زعفران و سندروس و مقل ازرق بخور کند پس مهر را در حریر
پاک که از حریر زیور باشد بپوشد و با خود نگاه دارد عزت و شرف و جاه و ولایت یابد و زیاده
از انچه توقع دارد و جمیع اشراف و اعیان و حکام و سلاطین مسخر وی شوند و هر کسی را که چشم
بروی افتد هیبت و مهابت و عظمت وی در باره انکس اثر تمام کند بهر چه حکم فرماید بر دارد و
منقلب باشد و دشواریها بروی آسان گردد بحول الله تعالی و صورت لوح بقلم طبیعی و عدد آنست

سوم طبیعی

ا	ل	م	ص	ا	ل	م	ص
ع ل	یک	سر ص	اله	م	ص	ا	ل
یک	صد	اله	و ل	ص	م	ل	ا
ع ص	سله	یک	رم	ل	ا	ص	م

فصل ۴

در خواص الرکه اوّل سوره یونس است و الرکه اوّل سوره هود است و الرکه اوّل سوره رعدالت و الرکه اوّل سوره یونس صاحب دور التنظیم آورده که هر که خواهد که ایرد بی بعد و اقوال وی نافذ و خلق مطیع و منقاد وی شوند باید که ایام بیض از ماه شعبان روزه دارد هیچ لقمه رکامی باشد افطار کند و چون شام روز سیم روزه بگشاید بعد از نماز شام متصل به نشیند و بذکر و حول آن برسبیل دوام اشتغال نماید با فرض و سنت نماز خفتنی بگذارد بعد از ان چهار رکعت نماز تسبیح که مشهور است ادا کند و چون از نماز و تسبیح فارغ شود این حروف را با سه آیه که بعد از ان است الا قوله افلا تذکرون بر کاغذ پاک نویسد با آب آسی و زعفران و در بعضی از نسخها بجای آب آسی گلاب و چون بفراشی رود در زیر بالین نهد و خواب کند و چون صباح بیدار شود بعد از ادای فریضه با مداد الخ مکتوب را بر بازو

بنده در برو من آید قدر و در میان خلق بفزاید و جاه وی رفیع شود و زبان وی بر صدق و صواب لهجه صلاح
مسلمی در ان است جاری گردد و در نظر خلق مهیب ناید و مقبول و مطیع شود الرا از سوره هود
صاحب دور النظیم آورده که هر که این حرف را با چهار آیه که بعد از ین است الا قوله تعالی قدیر برگ
سیر نویسد وقت طلوع فجر بمشک و گلاب بر لوح شاه شیرین محو کرده بپاشد مدت چهار روز پیاپی هر روز
دو بار صبح و شام بعد از اتمام عمل وی قبول علوم الهی نماید کند و حافظه وی در فهم اشیا دقیقه بغایت
قوی گردد و حفظ قرآن و غیر آن بر وی آسان شود اما الرا از سوره رعد صاحب دور النظیم آورده که
هر که این حروف را با سه آیه که بعد از ین است الا قوله تعالی تفکرون بر چهار برگ زیتون بنویسد
و بر سر چهار راه دفن کند و اگر در آبادانی منزل خواهد در چهار رکن باغ یا مزرعه یا دکان و غیر
آن دفن کند حق تعالی خیر و برکت و جمعیت در ان موضع بسیار گردد و میوه باغ و دانه مزرعه با فراط
رسد و از آفات سماوی و ارضی سالم ماند

فصل ۱۰ در خواص حروف کهیعص و خاتم وی و حکیم ابن وحشیه
در کتاب هیاکل و تماثیل خبر آورده که حکمای سفر هراینه که چنین حروف کهیعص را وضع کنند و در لوح
مخمس بقلم طیسون و عربی و هندی بر هیئتی که در آخر این فصل مسطور خواهد شد و اگر کسی حامل آن
شده دفن نماید منافع بسیار دریابد که در وقت طالع برج ثور یعنی و زهره در حوت بود بر در چه
شرف که دهم طالعت و سالم بود از رجعت و اختراق و در آن وقت بخور کند بعنبر بعد
از ان اتمام عمل آن لوح را در خرقه پاک سفید بپیچد و باید که این لوح را بر خاتم رز یا نقره
خالص یا مس زر در رقم زند و هر که آن خاتم را نگاه دارد با خود عجایب و غرایب نماید که زبان
از ادای آن عاجز و خاطر بماند و در الفت و محبت فعل و تاثیر وی بغایت قوی بیند و در
قضای حوایج و جلب رزق و قبول قلوب و دخول مسرات در دل عامل این خاتم رفیع
همیشه پاک و طیب و طاهر بود و دایم بر احترام و لطافت لباس بیند و در حال جنابت
و عدم طهارت البته بر اسن این خاتم نگردد و با خود بخلا نبرد و این جمله از اسم اعظم است
و از اسمای فخر و یه الالهیت که از خلق مخفی داشته اند و از جمله خواص این خاتم مبارک
آنست که چون کسی او را بوقت خواب در زیر سر خود نهد در خواب کسی را بیند که هر چه
از وی سئوال کند از امور مخفیه عالم جواب شافی بشنود و اگر در زیر سینه یا یمین نهد

هرچه در بیداری کرده بیند در خواب اظهار نمایند و اگر بر کسی حال غایبی مشکل بود و نه
داند که مرده است یا زنده چون این خاتم را در زیر سر نهد و بخواب رود و در آن خبر بر
وضو و طهارت کامل بود در خواب کسی را بیند که از حال آن غایب خبر صحیح دهد و
هرچه غیر ازان پرسد بدو دروغ جواب گوید بوجهی که خاطر او قرار گیرد و اگر از عاقبت امر
پرسد بآنچه واقع خواهد شد خبر راست دهد و اگر در خزینه و دفینه شک دارد هم
در خواب از حقیقت حال آگاه گردد و برای هر مشکلی که پیش آید از امور دین و
دنیا چون این عمل بجای آورد خاتم را در زیر سر نهاده بخواب برود بطهارت کامله بواسطه
فخر غیبی آن مشکل مرتفع شود و این خاتم در استخراج گنجور و دفاین و خبایا اثر عظیم
و فعل قویست زیاده ازانکه در حین تقریر و تحریر در آید پس باید که عامل به
مکشوف تجربه مشغول شود تا چون قول ما بر وی مکشوف شود و اگر اثر متفرق شود تقصیر عامل
خواهد بود در رعایت شرایط و آداب و از جمله شرایط کتاب و رقم نفس از لوح
بزرگوار آنست که وقف حرف را بر ظاهر نویسد که فعل و اثر آن بخاصیت
است و کتاب آن موقوف نیست بر اختیار گفتن و اوقات و ساعات
فق وقف عددی را بر باطن یعنی ظهور آن نویسد که فعل و اثر آن بطبیعت است
و کتاب آن منوط است باختیار نظرات علویات و رعایت ساعات
وصورت الواح اینست

۹۰	۵۰	۱۰	۵	۲۰	۷۵	ق	۴	ع	ع	ص	ع	ی	۴	ک	
۸۰	۵	۲۰	۹۰	۷۰	۴	۷	ع	۷۵	ق	ی	۴	ص	ک	ع	
۲۰	۹۰	۷۰	۱۰	۵	ع	۷۵	ق	۴	۸	ک	ص	ع	ی	۴	
۷۰	۱۰	ع	۲۰	۹۰	ق	۴	۸	ع	۷۵	ع	ی	۴	ک	ص	
ع	۲۰	۹۰	۷۰	۸۰	۴۸	ع	۷۵	ق	۴	۴	ک	ص	ع	ی	

۷	۳	۱۹	۲۵	۱
۲۰	۲۱	۲	۱	۱۵
۳	۹	۱۵	۱۶	۲۲
۱۱	۱۷	۲۳	۴	۱۰
۲۵	۱۸	۱۲	۱۱	۶

در خواص حروف طلسم صاحب کور العظیم آورده که هرکه نقش کند
بر لوح زمرد وقتی که آفتاب در شرف خود باشد یا سعود بوجهی از وجوه

نه حرف طا و پنج حرف هـ بعد مجمل ایشان باین صورت ط ط ط ط ط ط ط ط ط ط ط ط ط ط ط
هـ هـ و این لوح را نگاه دارد و بر جبار آن و قهار آن چون در اید مغلوب و مقهور شوند
و جن و انس مطیع و فرمان بردار گردند و جمله اعمال خیر محبوب حاصل این لوح شود و همه
اعمال شر موجب نفرت وی گردد و اگر صاحب صداع این لوح بر خود بندد و ببندد در
شفا یابد و اگر این لوح را زنانی در میان آب شیرین نهد و کسی آنرا بیاشامد
باطن وی منشرح گردد و از امراض باطن شود و در نفس و مال خود برکت و خیر و جمعیت
بسیار مشاهده نماید و لایق است که این کتابت را در روز نهم کنند با پنجه هم با بیت و هشتم رمالی
از مرتب حرام و نهش حیات و لذع عقارب محفوظ و محترس باشد و هر که این لوح را حامل شود بی طهارت
بدن و لطافت لباس بر غض عمر و دق گرفتار گردد و هر که این حروف را بر ورق پاک نویسد در موضعی که بیشت
میکنند جایی که پاکیزه بیش نهد حق تعالی اسباب معاش وی را بسهل و جهی میسر گرداند و اگر بوقت خواب
در زیر سر گذارد از خواب های پریشان و احلام رویه ایمن بیش و خواب های نیکو بیند که موجب فرح
و سرور گردد و گاه بیش که حضرت رسالت پناه را صلعم در خواب به بیند و در کتاب دور النظیم آورده که
حروف طه را هر که با هفت آیه که بعد ازین است الی قوله الحسنی بمشک و زعفران و کافور و گلاب
بر کاسه زجاجی یا چینی یا بلور بنویسد و نوشته را بدهن پاک که روغن خوشبو باشد محو سازد و آن آن
روغن میسر نشود روغن گل یا بنفشه و هر روغن خوشبو که بیش بکار برد پس ازان روغن معمول
غالیه و قدری عنبر اشهب و کافور اضافه آن کند و در وقت احتیاج پیشانی و میان هر دو
ابرو بآن چرب کند و بیرون آید قبول قلوب و عزت و جاه و کرامت عظیم یابد و هر که را نظر
بروی افتد و یرا دوست گردد و مطیع و منقاد وی شود باذن الله تعالی اصل
در خواص حم کهیعص و حم مؤمن و ق و آن از حم عسق و صاحب دور النظیم از ابو
حامد محمد غزالی نقل کرده که بعضی عارفان گفته اند که چون حق سبحانه و تعالی حضرت رسالت را
مبعوث گردانید حم عسق را بروی فرستاد و دانستیم که در ضمن وی سری عظیم از اسرار است از
اسرار منکوته الله مندرج است پس از او درست خواهیم که در هر شدتی و بلیتی او خود در غیبت
توسل بآن جستم و مهم من کفایت شد و از انچه توهم ادراکش نمودم مطمئن گشتم و ابواب رزق و برکت
بر من مفتوح شد اما حم مؤمن صاحب کتاب دور النظیم آورده که حروف حم را باد و

ایه که بعد از یقین الی قوله تعالی المصیر کتابت کند و با خود دارد هر جراحت و قرحه که بر بدن او از التیام یابد و تمام زایل شود و اما ق ثمره از خواص

وی و فصل چهارم از باب سیم از مقاله اول آورده قصاحب و النظیم آورده که هر که خواهد که اشجار و اثمار و حراع

و باغات و مخصور و سالم بماند و برکت و رفا مرتب شود باید که یکبر دا هل باغ آنرا گرد و فصل ربیع پیدا شود و در طرف نخل و غنی و اطراف باغ

یا چنین که هنوز مشتمل نشده بنحو ضبط کنند و حروف را و یازده ایه که در عنب و سنا لی و اقعه الخروج بر هفت قسم بنگ و زعفران

و کلا بر نویسد باید که هر قسمه مجموع ایات نوشته شود پس آن آیات را از این هم رقعها را بشوید و در وقت طلوع فجر و باید که در حین کتابت

همه با را این ایه ها را تلاوت مداومت کند پس آب معمول را در دل شب بر بیخ درختان بریزد یا در میان مزرعه بیاکنده اثر کنند از درختان

نشو و نما زیاده شود و اگر میوه دار بود میوه بسیار بار آورد و از آفات و غیره ایمن شود و بدرجه یکه رسد و خیر و برکت در آن مزرعه بیفزاید

و از آفات ارضی و سماوی محفوظ بماند و انها را پر منفعت یابد آیه و ایات در فصل نهم از باب سیم بعفر خواص الکبیر دانسته بر همان

اقتصار رفت و بالله التوفیق **باب علم** در خواص بعضی حروف که با سما و القاب موسوم اند و حروف مشتمل بر دوازده فصل

فصل ۱ در صفات و خواص نورانی و ظلمانی **فصل ۲** در خواص حروف علویه و نیه **فصل ۳** در خواص حروف نوری و مواتی

فصل ۴ در خواص حروف متصلات و مواصلات **فصل ۵** در خواص حروف بسیط ارکان **فصل ۶** حروف سبعه ممزجه **فصل ۷**

در خواص حروف متوالیه **فصل ۸** در خواص حروف الهجای **فصل ۹** در خواص حروف مهموسه **فصل ۱۰** در خواص حروف اشکال

سبعه و اشکال سبعه اسم اعظم الله تعالی **فصل ۱۱** در خواص حروف عجمیه **فصل ۱۲** در خواص هندیه **فصل ۱** در صفات و خواص

حروف نورانی و ظلمانی بدانکه حروف باعتبار وقوع ایشان در اوایل سور قرآنی و عدم وقوع منقسم بدو قسم است اول نورانی دویم

ظلمانی و اما حروف نورانی که اثر آنها در خاصیات نیز عبارت از حروف مقطعه قرآنیست که در اوایل سور واقع شده و وجه تسمیه ایشان

بنورانیت آنست که جمیع اسم از اسما حسنی حق تعالی با امتزاج ایشان ثابت هر یک اسم شهود الودود و حروف نورانی بعد از حروف

مکررات چهارده است ا ل م ص ر ک ه ی ع ص س ح ق ن و این ترکیب شهرت شامل این حروف است که علی صراط حق نمسکم صاحب

حور النظیم آورده که همچنانکه از منازل بیت و هفت گانه قمر هیچ جا بر منزل ظاهر نمیشود و صاحب باطن هم چنین از حروف نورانیه

و عربیه بر جا نبود و باطل که حروف مقطعه قرآنی و ما بود ظاهر که عبارت از باقی حروف است و شیخ ابو العباس بونی در کتاب الواح

الذهبیه احکاما کند نقل کرده که جابر از احبار یهود مثل حی بن اخطب و ابو یاسر و بوسوره و کعب بن اسید و غیر ایشان نزد

حضرت رسالت صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند بما رسیده است یا محمد که بر تو الم نازل شده حق فرمودند که بلی این حساب الحروف کردند

گفتند که از عهده این حروف چنان معلوم میشود که مدت ملک تو هفتاد و یکسال خواهد بود بعد الحق حساب ایشان زود بکرد و انکار نمود

بلکه گفت غیر این حروف دیگر بر تو فرو آمده است گفتند که ان کدام است فرمود که المص و الر و کهیعص و بر ایشان سمرد و آنچه از حروف معظم

نازل شده بود ایشان بر خواندند و گفتند مشکل شد بر ما امر تو ای محمد و عملهای این قرآن حروف قاطع و خواص بسیار در افتند و از

اسمایی که ترکیب از نیز و ف و اعداد آن نست خواهید و صانع بیشمار معلوم کرد از آنچه از نیز و ف ترکیب مثل اسم الله و الرحمن و الرحیم و الحق
و العلی و الکریم هست و آنچه از اعداد ماخوذ هست مثل اسم الصادق و الملک و المانع و الجواد و الوهاب هست مثل هصیص بحساب جمل صد و نهصد
و پنج هست و از وی اسم الصادق حاصل میشود و از ص که نود هست اسم الملک و از ل ص که صد و شصت و یکست اسم المانع و از ط که چهار هست
دو اسم الجواد و الوهاب و باقی بر انقیاس و ذکر و اسماء خواص آن در مقاله اکر شاء الله کور خواهد شد و محو نامه کرو و فی نورانی و خواص
بسیار هست که تفصیل آن در این نسخه نکنجد لاجرم مجمل بدانچه اقتضا میکند صاحب کتاب بسلک اورده که حروف غار و باب مقطعات قرآنی
از برای نزع عقارب عظیم نافعست چون نام ابرهام یا قدح چند نقش کنند و باب سیرین پاک محو سازند و بیاشامند فی الحال درد سکی نشیند
و بپوشیده نماند که حروف غار مقطعات قرآنی باعتبار جمله جمل سارقه چهار هست ام ح ط باعتبار جمله مغاربه مغازلت بحسب انچهار حرف
با حروف سابق و حرف یا بسه هست باعتبار جمل سارقه هست ک س ف و باعتبار جمله مغاربه هم شد ص ک ق و انچه حروف غاره یا بسه
بعد از حذف مکررات همنست هست ام ح ط س ک ص ق و انچه معلوم است اینست و هم صاحب کتاب بسلک اورده که حروف نار و ده و طبه
مقطعات قرآنی از برای نقش حیات بغایت مفیدست چون لهبان و تیره عمل کنند فی الفور روح بر طرف شود و حروف نار و ده مقطعه
قرآنی باعتبار جمل سارقه سه هست ص ن و باعتبار جمل مغاربه دو ی ن و حروف طبه نهش باعتبار جمل سارقه چهار هست ل ر ع ح
و باعتبار جمل مغاربه همان حروف چهار گونه هست و انچه حروف نار و ده و طبه بعد از اسقاط مکررات همنست ص ی ن ل ر ع ح
معمورات آنست و صاحب درالنظیم از شیخ شرف الدین یونینی نقل کرده که هر که چهار ده حرف نورانی را نقش کند بطالع نور
و فکر که قمر در روی بعد بان منم کند جمیع مرادات وی بخیر و خوبی ساخته و پرداخته کرده و هرگز از کیسه وی زر خالی نبود و هم
صاحب درالنظیم از ابو حامد غزالی نقل فرموده که بعضی از اهل معرفت از علما این چنین روایت کرده اند که صبی از اغنیای صبیان به
حروف چهار ده کانه نورانی را کتابت کرده و در میان خت و بار خود نگاه دارد بجهة حفظ متاع خود و هم ابو حامد محمد غزالی
کوید که بعضی از عیاران مکه در روزها می نشسته حروف چهار ده کانه اوایل سور را بر زبان می راندند از آن باب ازو پرسیدند که این چیست
گفت کتابت بکنید این حروف را در موضع و تلاوه نکنند انرا در بر و بحر ملزم انکه بالای را و انجمان کلان کتابت در روی بابند در پناه او رود
و دور کنند هر بد بر را که متوجه نفس و مال وی کرده و این بعد از غرق و سرق و اما حروف نورانی و انجهارده حروف
مقطعه هستند غیر حروف مقطعه هستند غیر حروف ت ث ج خ ذ ز ش ض ظ غ ف و این را حروف ظلمانی بجهة آن کویند که اصلا از این حروف اسمی از اسماء حقیقی
مرکب نشده انتزاع حروف نورانی بغیر یک اسم الوده و چنانچه کذشت و خواص این حروف نیز بسیار هست که بعضی از آن با بعضی از حروف نورانی
و خواص آن در باب دویم از انچه الهام یافته و بخط مبارک شیخ بزرکوار سعد الملة و الدین محمد المحمود فقره دو سیصد و پنجاه و سه در مسئله کر
در خواص حروف نورانی و دو حرف ظلمانی این عبارت مسطور شده که اعلم ان الله سر کتابه العزیز و بکلمات حروف ع ش ق ن کتب علی

ابهامه الالهی و قابل هر خصمانی من ناسه والسلام علی سید الابرار [فصل] در بیان حروف علیه دینیه هر کدام حروف باعتبار اسماء حروف از ایشان منقسم بدو قسم ان قسم اول علمی و دوم دینی و مراد از حروف که خواهد ان الف بی و منتهی ان ی همزه و این یازده حرف باقی ماخاذ ظا فاها یاطا و مجموع این حروف در این الفاظ مندرجست که خطیر نیست حطه و باقی حروف که غیر از ایشان ند غیر همزه هست ابجد هوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ و کلام نیست نه از قسم علمی زیرا که آخر او حرف نیست نه همزه و آنچه بجای حروف یا همزه نویسند جمله مغلطات عوام هست و بعضی از علمای این فن حروف علمیه و دینیه را بوجه دیگر قسمت کرده اند هر یکی از علمی و دینی ده زاده و صفت ساخته اند اعلی و علی و ادنی و دنی نزد ایشان حروف علمی هفت هست اصح ک ل ن ح که لفظ صانعنا له از و مرکب هست و حروف علمی نیز هفت هست ج ر ص ط ق م ی که لفظ طریق بجمله ادنی مرکب هست و حروف چهارده گانه الفاظ رص حکم له بر قاطع ترکیب جریانیه و فایده اگر کسی بداند که ذوق ترکیب حظ در آید الا حروف دنی و این نیز هفت هست ب ت ث خ ذ ض و که لفظ ذوضجت ازان مرکب الا حروف ادنی نیز هفت هست ش ظ ف که لفظ شظف نحز ازین مرکب و اگر این دو لفظ از پیش معلوم نباشد آسان مرکب یافته پس هر گاه که عامل ازان اعمال محبت و الفت و رفعت و جاه و سعادت کند باید که توسل بحروف اعلی و علی کند و هر گاه که داعیه اعمال بغض و عداوت و مذلت و شقاوت و تباهی باشد باید که متوسل بحروف ادنی و دنی شود و هر گاه که حروف اعلی را با حروف علی امتزاج دهد صلح این در اعمال نفعیه اقوی و اکمل بود و هر گاه که حروف دنی را با حروف ادنی در اعمال ضرریه امتزاج دهد و ایشان را اعمال ضرریه اشمل و ادخل باشد و هر گاه که حروف اعلی را با ادنی و علی با دنی مزج کند از اصورت بیشه اعتدال پیدا شود که در امور متوسطه کار تواند فرمود پس عامل طریق کتابت و کلام در هر عملی از اعمالی که متفاده باید اقسام اربعه را ملاحظه کرد کتابت و قرات اسماء حسنی و آیات کبری را بر وجهی کند که آن حروف را مطلوب غالب کرده تا از عهده آن مجموعه بخوبی و افر محفوظ کرده و بالله التوفیق [فصل] در خواص حروف نواطق و صوامت هر گاه حروف باعتبار وجود نقاط و عدم ان منقسم میشود بدو قسم اول نواطق یعنی حروف منقوطه که این را حروف معجمه گویند قسم دوم صوامت یعنی حروف غیر منقوطه که انرا مهمله خوانند اما حروف نواطق ان پانزده هست ب ت ث ج خ ذ ز ش ض ظ غ ف ق ن ی پوشیده نماند که حروف مهمله عبارت شد الا دال و واو و که جواب اوپانزده هست پس هر گاه که جواب از چیزی طلبند و عبارت از خصوص نوعیه اجابت هست و از جهت هست که در حروف علیه مستفاد میشود و در حروف دنیه مذهب تا فی و حروف مهمله عبارت شد الا دال و واو و از غایت علو شان این دو حرف است و امتیاز ایشان از اخوان خمسه که منحو اشد انی و در سلک اسماء حسنی که مرکب شده از ایشان قاسم برزگوار و دود و از حروف معجمه هیچ اسم از اسماء حسنی تعلق مرکب شده هست الداعی و صاحب در مکنون آورده که از این حروف پانزده گانه نواطق هیچ اسم مرکب نیست ث خ ذ ز ش ظ غ ف و هر گاه این اسماء را در یکشنبه وقت طلوع آفتاب بمشک و زعفران و گلاب نویسند و در زیر سر بنام الله و ان گلما ترا با فتاح بگوید یا متکلم یا معجل یا مسبب یا مسبب یا الم یا الر یا حا میم یا ما به کلم ان تا یم در خواب سخن گفتن اغاز کند

وما فی الضمیر حصولا بالتمام اظهار نماید و دران حال مخیر بود که چه بنویسد و ما حروف صداست و ان سیزده است و اکر ادم الفبا حروف علی حده بکیرند
چنانکه مذهب بعضی از علمای ان دیار است چهارده بشد اما در رسم مربع کلام قوم لاد صاحب در المکنون فرموده که این حروف چهارده کانه چهار
اسم ترکیب اند رضا اسقط عقل موهلا و بدکه این اسما را کتابت کنند بیت و نهم ماه یا وقت محفوظ باکسوف بر صفحه سرسیاه و انرا در
زیر بکین وضع کنند و با خود دارند و ان عقد اللسان است بر کسیکه بدغازان و بدکویان و غیبت جهال و نهمت نسبت بکمال ان زبان کوتاه کردد
و هیچکس را قوه ان نبود که در حضور غیبت کند و تهمت نماید یا اما نتی بسازد و تا ان خاتم با وی بود حال بر منوال نیز [illegible] در خواص حروف
مقاصلات و مواصلات شیخ اعظم محیی الحق و الدین العربی در کتاب المدخل اورده که حروف یا عتبار اتصال و انقطاع بر دو قسم
منقسم میشوند بدو قسم اول مقاصد انرا بین که انرا حروف خوانیم نیز کویند دوم مواصلات و اما حروف مواصلات دان است
او در زرد و به نزد و بعضی از علمای ایشان که انرا جامده خوانند ازان نیز از قبیل مقاصلات است و بیست و دو حرف بانه از قسم مواصلات که متصف
ان اتصال قبلی و بعدی که در اول کلمه افتد متصل میشوند با بعد خود و اکر در اخر افتد متصل باشد ما قبل ایشان پس هر امر که اتصال در او مطلوبست
باید که عامل توسل بحروف مقاصلات جوید و در اعمال مفارقت از حروف مواصلات احتراز کلی تا در عمل قصور و خللی واقع نشود و صاحب در المکنون
اورده که هر که حروف خواتم را در چهار روز ماه بر دیوار خانه رقم زند یا بر کاغذی نویسد و در خانه محفوظ کند تا خانه از سرق و حریق ایمن کردد
و اکر بر چوب کشتی نقش کند از بلای کشتی از غرق شدن سالم ماند و اکر حروف ابسر ابیل کتابت کند و در میان خت و یا زنجار نهد از قطاع
الطریق سالم ماند و اکر بر صندوقی یا بر مدفونی رقم زند محفوظ و محبوط ماند و اکر در میان قسمه نهد از نهیب حوزه ایمن ماند و اکر بر خاتم فضه
یا ذهب نقش کند صاحب خاتم از جمیع عوارض و امراض سلامت ماند باذن الله تعالی فصل ۵ در خواص تخم حروف الارکان صاحب در المکنون در کتاب خود
اورده و شکلی وضع کرده متساوی الارکان و حروف بیست و هشت کانه را بر منازل قسمت کرده و در هر رکن هفت حرف از هفت منزل و اکر بشب
و خصوصا بشب منزل قمر باز اید دیکر از اسماء حسنی را از نام چهار سه و برای حروف هر رکنی از ارکان اربعه خواص و فواید بیان کرده ابتدا
بجواز ذکر منازل و اسماء ارقام اینستکه باحروف مقصوده مرقوم شده بر منهج ورت فرموده که هر که حروف رکن اول را که ترکیبش اینست ابطلخش و
بر چوبها نویسد و بر اتش افکند بنام موضعی اتش در ان افتد
مطیع و فرمان بردار وی شود و هر که حروف رکن دوم را که ترکیبش
بنویسد یا بر کاغذ بنام غایب و در موضعی
و در وقتی که بنام غایب و ماه درست بر زبان ارند و اکر در
بنویسد و بر راه بنهد غایب خبر صحیح یا بر و هر از وجه
و هر که حروف رکن سیم را که ترکیبش اینست سلرتود بر پوست

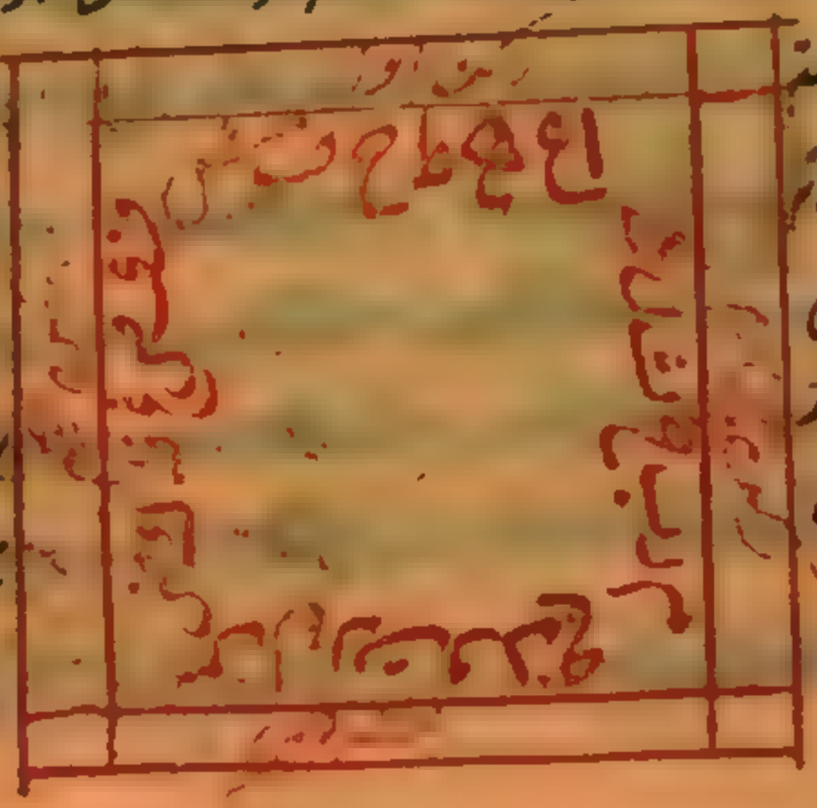

و اکر بنام پادشاه بر نویسد
ترکیبش اینست فیضنفظ ص
تاریک دفن کنند
بر ان حروف نیز
بر او ان و مطلع شود
نویسد بیرکوشند

و در موم گرفته بر دلم نبد و حیوانات بحری بسیار در میان دام در آیند و اگر در میان آب خانه سازند و این حروف را در آن خانه بگذارد و بر چهار
دیوار خانه رقم زنند در روز و شب و نر و ماده حیوانات بحری بدان خانه بسیار جمع شوند و از دحام کنند و اگر آب نرا بر مانند و متفرق سازند
باز جمع شوند و از دحام کنند و هیچ حالی از گرد آن خانه دور نروند چنانچه با سانی آب نرا توان گرفت و هر که حروف این چهارم را که ترکیبش
اینست بجز مختل بسیار بخواند و بر زبان را نضج بطوبائی کند که در وقت خواب آب دهان سیلاب میکند و به نرا قوت دهد و بهم قوای
ظاهری و باطنی را قوت دهد **فصل هفتم** در خواص حروف سبعه متمزجه بدانکه شیخ شرف الدین ابو العباس بونی در کتاب تعلیقه کبرا از امتزاجات
طبیعی حروف که بعضی غیر حروف فلکی بنجار به تعیین کرده بعضی از امتزاج باز نموده و بران سبعه متمزجه خواص و منافع بسیار فرموده و
طبایع حروف غیر حروف انسیت نزار برا اب ت ث ج ح خ مرو لیا د ذ ر ز ط ک و ف عا ل م ن س ع غ و حروف
امتزاج فلکی ش ق ص ض ظ و طریق امتزاجات آنست که حروف اول از حروف هر عنصر را اخذ کنند و یکی رقم نمایند و این امتزاج اول باشد آنگاه حرف
دوم از عنصر اخذ کنند و بگیرند و این با امتزاج دوم بهم دهند و همچنین تا آخر و بر هر امتزاجی نامی ترتیب میشود و آن اینست که بر سبیل اجمال و اختصار
ایراد میشود اما امتزاج اول ا د ل فنافعت از دیاد طول تسعة نیز به را بر آنوجه که این حروف را بر جام زجاجی قدح چینی یا کوزه و زعفران
و کلاب بر آن نقش کنند و بماء العسل مخلوط ساخته بیاشامد اما امتزاج دوم ب د م ق برای طرد هوام و حشرات و را بر آنوجه که این حروف را
بر لوحی نقش کنند و از پیش سفینه بیاویزند و چنانچه مجاز رفتن سفینه بعد عاجل النفع بعضا اما امتزاج سیم ت ر ن س برای طرد هوام و حشرات
بر آنوجه که این حروف را بر شاخ کوزن منبوسیده و نرا بر آتش نهاده بسوزانند هر کزندگه در آن حوالی و نواحی پدید آید اما امتزاج چهارم
ث ز ض ش برای محبت و الفت و قبول قلوب بست بر آنوجه که این حروف را که بر صفحه نقره نقش کنند بطابع جوزا و قوت عطارد بشرطیکه قمر و سنبله
و قوس حالی بود و نوشته را با خود نگاه دارد مقصود حاصل شود و امتزاج پنجم ع ظ ف ه برای دفع و قطع و تسکین الام است بر آنوجه که
این را بر ظرف پاک نقش کنند بقلم فولاد و دوایم از آن ظرف آب و شربت یا سوزانی طعام بخورد و اگر مریض بود صحت یابد و اگر صحیح بود
مریض نشود و بهیچ دردی مبتلا نگردد اما امتزاج ششم ح ط غ و برای جلب ارزاق و نیل خیرات و برکت زراعات بر آنوجه که این را بر
صفحه نقره یا ذهب بنویسد و قدر که قدر دلو بود و دلو طالع بیند این حروف را که مذکور شد مرتب کرده و اما امتزاج هفتم ح ک ی برای دفع خوف
و حشمت و اعفای غضب سلاطین و حکام ظالم بر آنوجه که این را بر کف دست خود نویسد و اگر بر کف دست نویسد تهیر بود
و در ساعت حشمتی پیدا شود نشاید پیش نزدیک پادشاه جابر یا حاکم قهار و یا دشمنی قوی در آید و چون نظر آنها بر وی افتد از خوف و غضب منزل نبوده
ملاطفه و مرحمت بروی ظاهر نماید و صاحب وی بخیر و خوبی برادر و اکرام و انعام کند **فصل یازدهم** در خواص حروف سواخیه بدانکه حروف سواخی
آنست که اگر دو حرف که در صورت متشابه و مماثل یکدیگر باشند چون اخوان و از الجهت سواخی نامند و سواخیه خواهند و جز حروف اثبات فقط از یکدیگر
ممتاز نشوند و این چهده حرفست ب ت ث ج ح خ د ر ز س ش ف ن ظ ع غ و صاحب دلکشا نه آورده که هر که این حروف را بنگ

وزعفران هر سه زنان بنویسید و زن حرجا مه بندد و همیشه با خود نگاه دارد خاصه در وقت مباشرت شهوت البته پسر زاید و این حروف را عمال برای محبت و الفت و اخوت لیها نافع است چون شرایط و آداب عمل کما ینبغی قیام نماید

فصل ۸ در حروف الهجا صاحب دُر مکنون آورده که دو حرفست که ازا حروف صابان گویند بجهت آنکه چهار اسم از این حروف مرکب میباید که اسما بدنا صیه بعضی از جنیان مکتوب و این حروف بعد از اسقاط مکررات اینست د ذ ص ض ف ق ک ل م ه و و ا این حروف مسرود در وفق اسما اربعه سه حرف که دال و لام و واو است مکرر میشود دال سه بار و لام سه بار و واو یکبار و ان اسما اینست اول الذل مرج حزن و خوف و رغبت دویم صد صد سیم ضنک ملتویس هر که این حروف و اسما را با خود نگاه دارد از صفت جن و قلت مرج و حزن و خوف و رغبت و امثال آن محفوظ گردد و اگر بر فیلی بندند که در جنگ بیتر سد و همه اسان ترسان هر سه از وی زایل شده و اگر در دل کسی قلق و اضطراب بود چون این حروف و اسما را با خود نگاه دارد ان دغدغه و تهلکه بطرف شده و دل در اطمینان تمام یابد

فصل ۹ در خواص حروف اصول خمسه صاحب دُر مکنون آورده که پنج حرفست که اصول حروف و بستاج رمان و باقی حروف بیست و سه گانه ازین صورت یافته و تحقیق و تفصیل ان در کتاب دُر مکنون ایراد یافته و شرح آن مناسب انتظام نیست مقصود ما ذکر خواص حروف اسما و اینست و سور قرانی لازم طی ان ثبت کرده و بر وجود خواص این حروف اکتفا مینماید و در ان کتاب صاحب دُر مکنون آورده که ظاهر حرفی از این حروف خمسه را اسمیست از اسماء حسنی آنکه چون عامل قصد عمل کند باید که ان اسما را با این حروف مع ساخته و فرموده که این حروف با اسماء خود در لوح محفوظ با این صورت مرقوم است لاغیر پس هر کس این صورت را بر ورقی هو نگاشته و زعفران بنویسد و با خود داشته از هر آفات و عاهات در امان بود و هر که این شکل را خاتم تعویذ نقش کند و دایم در انگشت خود میدارد هر خلاجا سی بر وی کار نکند و اگر بر اسی کرده باشد چون نام او تختم کند سحر باطل شود و اگر کسی این شکل را بر نگین ذهب یا فضه نقش کند و قتی که آفتاب در شرف بود صاحب این خاتم در نزد سلاطین و اشراف عزیز و مکرم باشد و خواص این شکل بسیارست و از خوف اطناب بر این فعل اقتصار افتاد و هم صاحب دُر مکنون شکل اینجامع این حروف خمسه و اسماء ایشان مشتمل بر جهار ده الف و هشتصد و سه را و نشان نون و دویم با اسماء ایشان به همین امداد ایراد نموده بر صورتی فرموده که هر که این صورت بگلاب و زعفران و گلاب بنویسد بوقت طلوع آفتاب روز یکشنبه و با خود نگاه دارد اطفاء غضب معمول کند و از جانبین صلاح و سداد پیدا شود و کدورت و نفاق از میان برخیزد و هر که این شکل را با خود نگاه دارد ابواب روزی بروی مفتوح گردد و اسباب بسیار و عامل این شکل از آفات و مخلفات و حوادث و نوازل تخصیص از حرکت مصون:

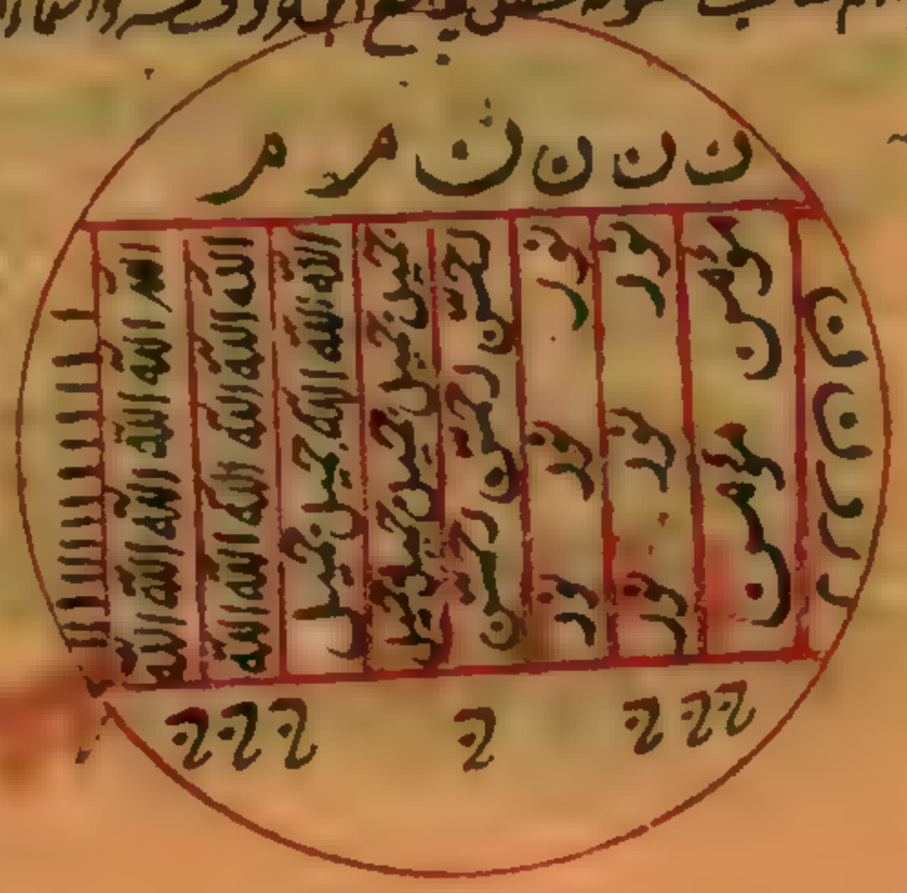

سالم و ایمن بود و اگر کسی این نگال را بر نگاید و ذهب بنفش کند در وقتی که آفتاب در شرف بود اثر خاصیت وی را عمال کی مذکور شد قوی تر کرده

فصل ۱۰ در خواص نگال سبعه و صورت آنست [redacted] ۲۲۲۲ ۱۱ ۱۱ ۱۱

این نکات الخ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ صاصاصا صاصا وهم صاحب السطیم اورده که بعضی از محققان بر اینند که اسم اعظم الله تعالی عبارت از این
نکات است که مرقوم میشود هم صاحب السطیم اورده که بعضی از محققان در کرخان گفته اند وفد ۲ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
صاصاصاصا لفعالیون بر اینند که اسم اعظم این نکات است ۳۳۳۳ پس هر گاه این نکات مذکوره را بر لوحی که در باب چهارم
از مقاله اول که مشتمل بر اداب طریق کلا می هست ایراد یافته کتابت کنند و همیشه با خود دارد و بجمیع مرادات نایل گردد و
عجمیه چهارست از غیر حروف عربیه هست و لغت عرب از حرف نیابد و صورت آن خط جدید اهل عجم است بدین چهره ذ ه ک و هیات آن خط
این است ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ و مخفی نماند که خواص این حروف ابجد خط قدیم اهل عجم متنوع است بدین که این حروف را کتابت کنند بر جبهه انسان یا بر
مسجد و قبر که بر بها رینز ان انسان نزدیک باشد از ضرر جن و انس و هیچ سحر و ساحر کار نکند و هیچ کرمه از مار و کژدم و سایر موذیات
بر امن او نگردد و عامل این حروف بیان خلایق وجیه و مطاع باشد و اگر این حروف را بر جبهه طفلی نویسند و حجاب بازوی او سازند متوسط باشد و اگر بر حریر
سفید نازک پاک نویسند و در زیر نگین نقره نهند و کسی در انگشتانه در میان مردم مهابت مطاع گردد و ملوک از او بر سر سند و فرمان بردار
او گردند و ابواب ارزاق بروی مفتوح گردد و سلاطین و حکام و اشراف اعتبار تمام پیدا کنند و مقبول گردد و اگر این حروف را بر ورق توتیا
نویسند و در روغن زیت صاف پاک اندازند هر گاه از آن روغن مقداری بر جبهه و جبین مالند هر گز نظر بد بدی نرسد و محبوب گردد و اگر هر که صاحب
جاه بیتوقف تامل را کرده و بر بهار رکه دیبا لباس غضب بر تن نپوشند و در حمام نخفته و مرحب تمام باز نیاید و خواص این حروف
بسیار است و اینجا بان قدر اختصار افتاد و الله اعلم ۲ و خواص حروف هندیه و هم صاحب بر همگونه در اوراق چنین آورده که
اصول حروف هندیه نه هست موافق حروف هندیه و این غیر حروف عربیه و عجمیه است و خطا این است صورت الحروف این است ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
مسی هاشمی عم گر این صورت غریب و عجیب است در بهند و کوشیچین آدم بر سر اندیشند و اول خود او این هنر می نمایند این
و وی را وضع کرده پس چون بنویسند این حروف را بر طاس نو یا قلعی زده مشک و زعفران و گلاب را باغ بسیار بخور صاحب طاس نهند و فوت این
و مثال اکبر و ذات الصدر و ذات الجنب از ان بیابد و شفا یابد و اگر کسی این حروف را بر لوح از نی سه بار نیزه کتابت کند در اول حمل که قمر
از عقرب دور باشد و به سعود متصل و عامل این لوح را باخود دارد و جبین او سقوط از بشکم او این بر لوح عامل در وقت وضع حمل بنهند و عامل
این لوح از ضرر جن و انس و سحر مصون و محفوظ بماند ۳ و خواص اسماء حسنی مشتمل بر نه باب باب ۱ و خواص اسماء نوزده گانه مشتمل
بر دوازده فصل و در این باب هر فصل مخصوص بر دو کوکب است هم بر دو کواکب چون عدد آن اسماء را که بر کوکبی نویسند و عدد آن را مخصوص بان کوکب دوازده بار
ضرب کنند حاصل الضرب اعداد اسمایست که در این باب ایراد یافته و این مختصر بسیار است و ضرب فصول این است فصل ۱ و در تحصیل غربت و محبت
فصل ۲ در تسخیر خلایق و تاثیر در دلهای فصل ۳ در کفایت مهمات و حل مشکلات فصل ۴ در دفع اعداء و قلع خصمان
فصل ۵ در دفع خوف و مرض و حصول حظ و برکت فصل ۶ در ایجاد محبت و مودت در قلوب و نفوس فصل ۷ در توسیع رزق و قضاء حاجتی فصل ۸ در دفع

اطراف ودفع اعراض فصل ۱ در تحصیل اخلاق سیئه وتبدیل اوصاف ردیه فصل ۲ در تطهیر بواطن وتیسیر اسباب دنیا وآخرت فصل ۳ در تحصیل علوم وتکمیل فهوم فصل ۴ در اطلاع بمخفیات علوم واسرار روشناییه وانوار وتنزل صواب ودفع وسوسه شیطانی وخواطر پریشان فصل ۵ در تحصیل جاه ومحبت الجلیل ودر شرح اسماء الله قدوة المحققین مولانا العقوبی رحمه مذکور است که این اسم شریف را بمشک وزعفران وگلاب در ساعات سعیده بر قدح چینی نویسند وبشویند وبیاشامند در میان خلق عزیز ومحترم شوند واگر این اسم شریف را بعد عمل وفک بسته بر قدح چینی نویسند بزانوجه که مذکور شد وبآب باران واگر میسر نشود باب عذب طاهر بشویند وبیاشامند مداخره وخاصیت آنچه گذشت اتم واکمل خواهد بعد الواقع هم در شرح اسماء الله فرموده که هرکه در نیم شبها نیم روز دوشنبه عابر دانه صد بار این اسم را بگوید در میان خلق بزرگ شود وجاه وی بیفزاید واگر بعد وقوف محل وی بسیط وبیاه بگیرند نیفتد ونفعت وی را دیر باقی مذکور شد البته واصل خواهد بعد ودر رسایل اسماء که خوانده نیست رعایت اعداد وقوف محل آن نیز بلکه بمحض رجوع بهر دو نتیجه وصل خواهد والمعنی یفید در شرح اسماء الله مذکور است که هر چهل روز متصل هر روز بعد از نماز دیگر چهل ویکبار این اسم را بگوید در دنیا واقع عزیز ومکرم شود وهرگز فتاح خلق نگردد والمعز این اسم شریف نیز همین خاصیت دارد چون بگوید که در هر نماز وی بعد وقت نماید العلی هم در شرح اسماء الله مذکور است که هرکه هر روز صد وده بار این اسم بزرگوار را بعد حروف مکتوبه وی بسر ابریق گوارا بیاشامد یا بیاشامند یا عیال بگوید وخواه بغلام تعریفه العلی گوید درجه بلند یابد واگر فقیر بود غنی گردد واگر غنی بود افتد ببرکت مداومت این اسم شریف صحت وسلامت فزاید وبوطن بازرسد فصل ۶ در تسخیر خلائق وتأثیر در قلوب الخلق الشهید حضرت مولانا قدس سره در شرح اسماء الله آورده که هرکه در وقت صبح روی بامان کند وسه بار یا شهید بگوید هرجا ناملایم بود فرمان بردار وی شوند واز آزار واضرار وی بامان باشند والمهیمن وحوائج وتکمیل انفس دانست که بوعبده مکتوبه وی که شش ماه دوام صبح وشنزده بهشت مداومت نماید در اول صبح هر روز بیاض تکرار کند بشرط آنکه در طریق کلام مرتکب نشده واگر تا سه روز نتواند ترک نکند بعد متوسط وی که سایه وگاهی وبیاوه داشت واین جهار صد ودوازده بهشت بطریقی که مذکور شد مواظبت نماید مقصود دفعه زیر کرده والعدل هم در شرح اسماء الله آورده که هرکه بر طبق این اسم شریف بعدد وقت نماید وقت بیست لقمه نان نویسد وتناول کند خلق خدا منقاد وی شوند العالم هرکه بر این اسم شریف بعدد کند بشرایط مقرره خلق تابع ومطیع وی شوند لطافی صاحب کنا بحسن المعارف آورده که هرکه اراده سلطنت بزرگ ومقرری روزی نماید که بر این اسم شریف بعدد وقت نماید ودر روز بعد حروف مکتوبه وی که بیست وهشت بعدد بسوطی که صد وشصت وهشت واین اولیست حوالت نماید وهم وی نموده که این نیز اولا بعضی شود هشت ابدا بر سالیس چون خواهد که کسی را مطیع وفرمان بردار خود کند باید این اسم شریف را تکمیل کند بهر دو وجه ابجادی وتسخیر ملوک را که سلطانیت هستند بسیط ویکبار کند بر شوم بس ازان هشت سالیس آنرا بمین یا بکدیگر امتزاج دهد بر سینه اسم ابجادی پس آنرا تکمیل کند تا وقتی که بطرز اولی باقی رسد پس ازان سطر را صد وکند وتصل یائی در مربع چهار در چهار وضع کند واق مربع بر ورق آهو یا کاغذ پاک بنویسد ودر ساعت مستوی وان ساعت سیم بهت اند روز یکشنبه چنانچه در فصل یازدهم از باب چهارم از مقاله اولی ایراد یافته ومعمولا بر بخور طیب وهشته در حریر

پاک مجرد بروزه و باخود نگاه دارد و دایم بزبان تکرار کند و در هر صد بار یکبار بیاد می آرد تا مدتی بر آید و اجابت طوعا و طوعا پدید و مکنونی حاصل و قلبه و بعد از این عمل عجایب مشاهده کند در مطاوعت متابعت معمول له و اگر این عمل در ساعت اول یا هشتم در روز بخشنه کند که ساعت مشتری است اثر وی قوی بود و این عمل چون نکرار این اسم اقدام نماید عدد وی طلاقه بود نه حوفی بخلاف عمل سابق و هم شیخ فخر الدین رازی در کتاب لوامع البینات که شرحست بر شرح اسماء حسنی چنین آورده که بعضی از اهل تحقیق براند که اسم اعظم الله تعالی اسم هوست چه وقتیکه خواهند در دعوت مبالغه کنند گویند یا هو یا من هو یا من لا اله الا هو یا من به هوله کل هو و انطباق را بر این حوی سزاوار هست و شیخ در آن کتاب ایما بعضی ازان دلایل کرده پس طالب صادق اگر خواهد که بقوت باطن تاثیر کند در هشتاد بار باید که باین نیز کوار که اسم ذاتست مداومت بروجه کند که در هیچ نفس از وی ذاهل و غافل نبود تا وقتی که باطن وی از انوار هویت ذاتیه مطلقه روشن کرده و چون این اینطاهر شود و این صفت بالغ شود و بقوت آن در هم نهایی تصرف عظیم تواند نمود و در ضمن این اسم بزرگوار سریست که اعظم همه اسرار غامضه هست و از مداومت و مواظبت این اسم شریف بیان اسم اعظم توان برد و الله اعلم

وضع

در کتاب مهمات و حل مشکلات المحیب در شرح اسماء الله حضرت مولانا قدس سره مذکور هست که هر کس را خوفی یا مشکلی پیش آید و تدبیر آن نداند یکهفته مقبل صبح و شام هفتاد بار بگوید حسبی الله المحیب آن خوف برخیزد و آن مشکل حل شود و باید که افتتاح عمل از روز یکشنبه کند و اگر عمل قوی تر خواهد هر صبح و شام بعدد مکتوب باین اسم که هشتاد هست مداومت نماید اگر قوی تر خواهد بعدد مبسوط وی که صد و چهل هست و هست همان طریق که مولانا قدس سره فرموده از مداومت نماید المحکیم در شرح اسماء الله مذکور هست که هر کرا کاری مشکل پیش آید این اسم شریف را بسیار بگوید آن کار کفایت شود و در این عمل بقول حضرت مولانا عدد اطلاقه بود نه حوفی و اگر خواهد که عمل بطریق حوفی کند هر روز بعدد حروف مکتوبه که هشتاد و شش هست بخواند و اگر قوی تر خواهد بعدد مبسوط وی که دویست و یازده هست هر روز قرائت کند الکافی و در کتاب شمس المعارف آورده که هر کرا این اسم یاد بود بسازد بهر امری و مرادی که خواهد قادر شود بر انکه انتظار بسیار نبرد و هر که بر این اسم مداومت کند گرفتنی وی ذو وجوه حاجت کند و در بعمل بقول شیخ شرف الدین لوناعدد اطلاقه بود نه حوفی و اگر خواهد که مجمل بطریق حوفی هر روز بعدد حروف مکتوبه وی صد و یازده بار بخواند و اگر قوی تر خواهد بعدد مبسوط وی که پیصد و چهارست قرائت کند الوکیل در تحصیل مرادات و کفایت مهمات تر تمام دارد و در شرح اسماء الله آورده که هر کرا این نام بر ورد سازد از هم آفات و مخافات ایمن ماند و این عمل نیز بطریق الملاقیت و اگر بروجه حوفی عمل کند عدد مکتوبه او هفتاد و شش هست مبسوط وی صد و نود و شش هست الوهاب و صاحب حور العظیم آورده که بعضی علما گفته اند که اسم اعظم الله تعالی الوهاب است چنانچه در دعای حضرت سلیمان ع واقع شده حیث قال رب هب لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی انه الوهاب و در شرح اسماء الله آورده که هر که در خلای وسیع که خالی بود دست بهم آرد و صد بار بخواند یا وهاب بگوید همه مهمات او کفایت شود و هر حاجت که خواهد روا شود و اگر صد و سی و نه نوبت بعدد حروف مبسوط وی بگوید اقوی و اولی بود

فصل ع

در دفع اعدا و قلع خصما بگوید المهیمن در کتاب نخ العظیم آورده که هر کرا این اسم شریف ما بزرگین بخار رابیع

یا بیع مرفع هر صبح تلفظ کند و فکر کند قمر در شرف بود هیکل که خاتم را در انگشت کند صد و هفتاد و یکبار این اسم شریف را بخواند و بر سلطان
جابر و حاکم ظالم درآید از شر وی و شر هر شیطان از جن و انس در عصمت و پناه حضرت حق تعالی محفوظ و در شرح اسماء الله مذکور است که هر که این اسم
بزرگوار را به نیت دفع ظالمی کز خلق صدای تعدی از و بفغان بآسمان رسد هفتاد هزار بار دیگر بخواند با شرایطی که اکثر ادعیه و اذکار
به نیت قلع و قمع اعدا و استیصال ایشان هر روز صد و شش بار بخواند بعد دو روز مکتوب به بعد از ادای فرض بامداد هم کفایت شده و اگر بعد
حروف مبسوطه وی که عبارت از چهار صد و نود و نه نیت قرار کند در ظهور اثر قوی کرده و دشمن غریب مقهور و مغلوب گردد و در شرح
اسماء الله مذکور است که هر که این اسم را بسیار بگوید دوستی دنیا و اهل دنیا از وی زایل شود الحال در شرح آورده که هر که از ظالمی ترسد هفتاد
و پنج بار بگوید و سر بسجده نهد و نام الظالم ببرد و بگوید اللهم تحکم من فلان بن فلان حتی تاخذ له و تعالی ستان ظالم را کفایت کند و اگر عامل بشمار خواهد
که اثر وی قوی تر بود عدد افزاید بعد دو مکتوب به کان هفصد و هفتاد است با حروف مبسوطه که هشتصد و نود و دو است المهلک به نیت هلاک
ظالمان و تخریب دیار ایشان بعد از هر فریضه دو لبست و شصت و هشت بار بخواند و بعد از آن سر بسجده نهد قلع و قمع دشمن را حق تعالی در خواهد
بزود شر او کفایت شده **فصل** در دفع خوف و مرض و حصول حفظ و برکت الحفیظ در شرح اسماء الله آورده که هر که را خوفی و ترسی بود این
نام را بسر ایطی که کتابت کند و بر بازوی راست ببندد ایمن و مطمئن شود اگر بعد دو مکتوب به و مبسوط کند اثر او قوی تر بود و در کتاب درج النظیم
آورده که بعضی عارفان چنین فرموده اند که این اسم بزرگوار سریع الاجابه است مرتبش کار را دشوار باید که مسافر همیشه بر تن داشته باشد
تا ایمن باز از جمیع مخافات و آفات محفوظ ماند و هیچ مکروهی بوی نرسد و فرموده که من در مواطن مخوفه بر دل این اسم شریف اقبال کردم و
از عجایب صنع آلهی در خواص وی بسی چیزها مشاهده نمودم که عقل از دریافت آن عاجز بود و صاحب درج النظیم آورده که هر که حفیظ چهار حرفی
و وفق وی چهار در چهار است و بنگیری وی نشانزده موقت بین چون بنگیرند مجموع وفق را لوح وفقی وضع کند هر روز بیاد ماند که یا حفیظ احفظنی

۱	۱۴	۱۵	۴
۹	۷	۶	۱۲
۵	۱۱	۱۰	۸
۱۶	۲	۳	۱۳

ا	ه	د	ی
ب ی	ز	ط	
ح	ی	ا	ط
ی	ح	ب	ه

فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین و صورت لوح و عدد و اسمی است
پس چون کتابت کنند این لوح با کلاف بافته در شرف ماه شود و عامل بر طهارت بود و این
کتابت بعد از نان کنند که در رکعت نماز گذارد که در هر رکعتی بعد از فاتحه صد بار آیة الکرسی
و سوره اخلاص بخواند و باید که این کتابت بر ورق آهو بره پاک نویسد پس چون این
کتابت بسر ایطی که مذکور شد و بآن شرایط دیگر که در کتاب طریق کتابت مقرر است و در
مقالات اولیا ابراد یافته و جهد کند بر حامل او حق سبحانه و تعالی خوف و هم و حفظ را آسان گرداند و قدر و عزت وی نزد خلق عظیم سازد و اگر محبوس باشد
گناه او را بیامرزد و از بند و زندان خلاص شود و اگر مجاور بر حامل او بعد هفتم از وی هیبت کند و اگر کسی هفته روزه دارد و دوام بر طهارت بود
بر این لوح نقوش این وفق را رقم زند در اول ساعت از روز پنجشنبه در حالی که قمر مابین ثور و جوزا بود منظور محبت و حفظ گناهکار

طاعت و عبادت و امور دینی بجرأتی شود و دست و مال او صدای برکند اگر این لوح را در میان اقمشه نهد از جمیع آفات محفوظ ماند و در سفر و حضر اگر
این لوح را بر قدح چینی نقش کند پس محو سازد نفع بسیار دارد و سایر امراض کزیدن مار و عقرب باین نقش و قوت حافظه وی میفزاید
و علت نسیان زایل شود و هر که این لوح را با خود دارد از جمیع بلیات و فتن محفوظ ماند و در کتاب شمس المعارف آورده که هر که این اسم را تکسیر کند و
بر خاتم نقش کند و با خود نگاه دارد از هیچ چیز نترسد و اگر ناگاه مبتلا بگرفتار شود از آن بیان بسلامت بیرون آید و هیبت و حفظ حق تعالی بدو دل او را بیابد
و مطمئن شود و اگر حروف یکسره را بلوح و فقی در آرد افضل و اولی بعد تأثیر وی اکمل و اقوی الوقیب در شرح اسماء الله مذکور است که هر که این اسم
بهفت بار بخواند و بر اهل و مال خود نفس کند به سفر رود تا وقت آمدن او با اهل و مال او ضیاع و عقارش محفوظ بماند و محروس ماند و اگر عمل او چهل بار
بعدد حروف مکتوبه با مبسوطه وی قرأت کند الوفق در کتاب شمس المعارف آورده که چون صاحب حوف رعب این اسم شریف را بعدد حروف مکتوبه
یا مبسوطه ورد ساز دان تریاق هر بس از وی زایل شود و بر او طاعت حاصل شود العلم برای تسکین خوف از دشمن و تحصیل حشمت و مهابت
و عظمت در دل وی بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه هر که بخواند و در شرح اسماء الله مذکور است که هر که بر سر خوان چیزان این اسم را بخواند که نخورد
رود نزد صاحب خود عزیز و ملزم شود الوان که هر که بر این نام بشرایط مقرره مکتوبه مبسوطه مداومت نماید از هر چه ترسد ایمن باشد اگر بشرایط کتابت کند
و با خود نگاه دارد و قرأت نیز کند از غارت و تاراج صوری و معنوی ایمن بشود و میتواند بر جن و انس تواند که بر وی مسلط شوند و صاحب
حوالتنظیم آورده که با این اسم شریف خوف و سنگ مربع کرده پس هر که صد و شصت و شش بار بخواند با بهمین عدد سنبله و با خود نگاه دارد سنگ
و سنبله در امور مهمه از دل وی زایل شود و از هر چه بترسد ایمن و مطمئن شود و هر که در وقت دیدن آنچه موجب خوف
اوست چهار بار بگوید یا مونس ترسان خیر کفایت شود عمل در اثبات محبت و مودت در قلوب و نفوس البرهان صاحب شمس المعارف
آورده که این اسم شریف عمده و معاونت در اعمال محبت و مودت و الفت و باید که هر روز دو یست و سی و سه بار بخواند و بعد از آن
آینچه بدان با اسم مطلوب چنانکه در اسم الله در فصل دویم گذشت و چون اسماء متمزجه را در الواح وفق درج کنند فعل و تأثیر آن قوی
شود لیکن حامل الوفق باید که بعد از خواندن هر بار بگوید یا رب الارباب مولی الموالی یا لطیف یا ربوبیه اسرع الی بر یا لطف الخفی یا لا
مخیبة تسف اصبحه من اصابع لطفک حتی اسهل لطیفا للطیف من کل جهة انک لطیف حفیظ علیم رحیم در شرح اسماء الله آورده که هر
که هر روز صد بار بگوید در نفس خود مشفق و مهربان گردد و اگر هر روز بعد از حروف مکتوبه و مبسوطه بخواند فعل و اثر وی قوی تر گردد
السلام از برای دوستی و سلامتی و امانت از هر بلیتی چون بعد حروف مکتوبه که صد و شصت و دو بیت یا مبسوطه که پانصد و بیست و چهار حرف است
هر روز به نیت کسی بخواند اگر برای محبت و الفت بعد اثر قوی کند و اگر به نیت سلامتی از آفات و امراض بخواند و از آفت عافیت و مخلصی بیند اسم
اللطیف صاحب حوالتنظیم آورده که این اسم شریف از سایر اسماء بآن ممتاز است که قرب الشیخ و سرع الاجابت و در جمیع اوقات و ایام و اللام و اسقام
و نوایب و مصایب تأثیر عظیم دارد و قاطع شدائد و مفرج کروب و مزیل غموم و مکاید عجیب و غریب از وی بظهور رسد و هر نوع فتوحی که عارض شود بوح

و سرور و امن و امان و اطمینان حاصل شود بشرط آنکه بعدد حروف مبسوطه وی که صد و هشتاد و سه است هر روز بخواند و در معالجه امراض بایدش بگیرد
زعفران و گلاب بر ظرف چینی باز جاجی بنویسد و آب باران بر آن بیفشاند و اگر نباشد با آب مذاب طاهر پس بساید تا جمیع امراض و اوجاع مندمج شود
و اثر و ضرر غایت زود دریابد و اما کیفیت کتابت این اسم شریف و رای آنچه در طریق کتابت گذشته آنست که اسم را صد و هشتاد و سه بار
بنویسد پس بالای آن بنویسد و بیالاید و عشر بر ظاهر شود و اگر اسماء حروف مبسوطه و بر اعلیحده و بالف لام تعریف بعدد حروف
هر اسمی کتابت کند که الالف و آن صد و چهل و دو بار بنویسد اللام و آن سی و دو بار بنویسد الها و آن پنج و کتبا بنویسد الیا و آن پنج
و کتبا بنویسد اللفا و آن صد و بیست و دو بار بنویسد پس بکیفیتی که راقم سطور مذکور شد تسبیح کند بعد از آن آنی آب را بیالاید از الهار سروی و در دهن شفا یابد
و از وی اسهل مجرب و دود و در شرح اسماء الله آورده که هر که از برای ازدیاد روزی زن و شوهر این اسم شریف را هزار بار بخواند و بر طعام و
و اگر صد بار تلفظ کند او را بود پس از آن خورد هر دو میان ایشان محبت و الفت عظیم پیدا شود و اگر این زن عمل آن کند و هم شوهر نتیجه و اثر
بیشتر بود و در کتاب شمس المعارف آورده که هر که اسم طالب و مطلوب را تکسیر کند و با این اسم شریف استمزاج دهد چنانچه در فصل دوم گذشت شرط
آن بعد که پنجاه و یکبار این اسم را با اسم استمزاج دهد و بعد از آن اثر غریبه و محبت ظاهر او کرده و اگر اسماء تکسیر بعد رفع کند در ساعت سعید
بسه اربعین هزار اسم مطلوب مطیع و منقاد شود و چون اشغل بوقت متصل شود فعل او و نعمت یکوقتی کرده و اگر بیست و شروع
در عمل بخورات لایقه بنوشد و در آنحال چهار رکعت نماز بگذارد که در رکعت اول فاتحه با سوره البروج بخواند و در رکعت چهارم فاتحه با سوره الضحی پس آغاز
رقم نهادن کند و بعد از اتمام بر بازوی راست ببندد و بر مطلوب دهد انشاء الله تعالی تمام و اکمل بود و صاحب حرز العظیم آورده که هر که این اسم شریف
را بر سر پیشانی کتابت کند سر و بنجاه روز قبل از شروع بعد و متصل بشروع مودت پس از نوشته را با خود نگاه دارد و بر اهل محبت عظیم در
قلوب وی پیدا شود و بر نگذارد این اسم بزرگوار خواطر شاید حق تعالی بنده وی را مهم شود و عامل این اسم شریف همیشه باید بطهارت کامل باشد و اکثر
ایام صایم و نفل بسیار خواند گفته اند هر که این اسم را کتابت کند سر و بنجاه روز با وی سر و بنجاه هزار رسول الله و سر و بنجاه هزار صلی الله رقم کند و این
کتابت بعد از نماز جمعه کند عامل بر اقی سبحانه و تعالی بر مطاوعت و متابعت حضرت رسالت صلعم رهنمونی کرده و از هر آت شیاطین ایمن و سالم
دارد و اگر کسی هر روز وقت طلوع آفتاب این نوشته را پیش آورده و نظر بروی کرده و بر حضرت رسالت صلعم صد بار صلوات فرستد برکت اشغل الخوف
را بیابد و در واقعه بیند فصل ۷ در توسیع رزق و رفع احتیاج بخلق الباسط در شرح اسماء الله آورده که هر که این اسم شریف را در سجده
در سبع عابد دهشت و ده بار بگوید و سوی فرود آورد هرگز بذل سوال محتاج نشود و اگر کسی در شماره آن نیفزاید که بعد حروف مکتوبه یا مبسوطه
بخواند آن زیادت تا بیدا ثر آن قوی تر بود و در کتاب بحر العظیم آورده که هر که این اسم را بخواند و با خود نگاه دارد و بر توسیع رزق و تروج کسب
و تروج نفس تاثیر عظیم کند پس باید که عامل چهار روز متصل هر روز چهار ساعت بخلوتی لاینقطع این اسم را بخواند تا بر مقصود فایز گردد
و اگر هفتاد و دو روز پیوسته هر روز هفتاد و چهار بار بخواند حق سبحانه و تعالی او را بر طاعت و عبادت حق ثابت و راسخ دارد و خاطر او را

از همه اتفاق و احمال سبکبار رساند روزی او را از جای رساند که گمان نداشته ببرکات اسماء الله او رده که هر که بامداد پیش از زمان
صبح در چهار زاویه خانه خفته در هر زاویه بده بار یا رزاق کویا غازا از دست راست کند و یکبار قبله رود از فقر و فاقه و بینوایی خلاص
شود الغنی در بعض از رسایل قدوة المحققین خواجه صیان الدین مذکور است که یکی از ائمه عروف در رساله خود آورده که درویشی در بلاد عرب
بکوشه مسجد رفت و روی همت بقبله توجه او رد و زبان بذکر یا غنی گشود همین که نظم توجه و اخلاص او با لتزام مداومت خاطر بآن مشغول بعشت
هزار و هفتاد و یک رسید کوشه از سقف المسجد فرو امد و در درویش از غایت وحشت و دهشت بدان طرف دوید صره هزار مثقالی زر خالص
در انکوشه سقف مکنوز و محفوظ بود و در میان خاک و خاشاک فرو ریخته بعد بازیافت الغنی صاحب سر المطالب اورده که هر که بهر روز یکبار باجل
که عبارت از عدد حروف مکتوبه است این اسم را هزار و صد بار بخواند یا بحساب مفصل که کنایه از عدد حروف مکتوبه است این اسم را هزار و صد بار
بخواند یا بحساب مفصل مبسوط است که هزار و دویست و شصت و هفت بار بکوید حقیقتا نه وتم او را تواند کرد انه و هم صاحب سر المطالب
کوید که این اسم شریف را لوحی مربعست که هر که مایل آن شود و بتکرار تلاوه این اسم ادمان نماید بعد از مفصل یا مجمل انا رتروتش زود و تنه
بظهور اید و در حصول پنجه ایم و اجمل بعد و صورت مربع اینست که کشیده شده

ی	ن	ع	م
۳۹	۱۰۱	۴۹	۱۱
۴۲	۱۳	۳۹	۹۹۱
۹۹۹	۳۷	۱۳	۵۱

پیاض باطل

للواسع در شرح اسماء الله آورده که هر که را بابچه محسوس نزولتعالی داده قناعت
نباشد این اسم شریف البسیار بر زبان راند هم صنعت قناعت حاصل شود هم
وجه کفایت مهمات و کفایت شود بطریق احسن و اکر بعد مجمل بلکه مفصل بر ذکر
ان مداومت کند اولی بود فصل ۱۴ در دفع امراض و رفع اعراض
الثانی صاحب سر المطالب اورده که چون این اسم را کسی در مربع چهار در چهار وفع کند در ساعت لایق با شرایط مقرره و انرا بر کاسه چینی یا جام
زجاجی نقش کند و بر دوران نویسد و منه ما هو شفاء و رحمة للمومنین بر آن نوشته را با باران و اکر میسر نشود با آب عذب صاف
پاک شیرین لطیف و بیماران را بیاشامد هر مرضی که باشد بتایید الله کرده اکرچه مزمن هیچ الشکوی باشد هر کرا چشم تاریک کند چهل و یکبار این اسم
بر زبان راند و بر کف دست خود را در آب بیند و بر چشم مالد شفا یابد الصمد صاحب شمس المعارف اورده که هر که مداومت کند به
این ذکر آثار تجلی صمدی ظاهر شود او را از مرض جوع خلاص کند و اکر بعد مجمل با مفصل ورد و تکرار کند انا و اجمل بعد و صاحب جواهر التنظیم
اورده که هر که مداومت کند بر تکرار این اسم بطریق اطلاق یا جبار هرکز محبوس نشود بالجوع القابض در شرح اسماء الله آورده که هر که این
اسم را با چهل لقمه نان نویسد در مدت چهل روز متواتر نماید و در این مدت سه بار این را هم مداوم بعد از مرض جوع شفا یابد المجید در شرح اسماء الله
آورده که هر که بمرض مزمن و مدام گرفتار بعد در ایام بیض روزه دارد و بوقت افطار بیکاه و هفت بار که عدد مجمل او ست بخواند و هفتاد
و نه بار که عدد مفصل او ست بخواند حق تعالی او را از مرض خلاص کرامت نماید و اکر کسی بعد از نماز بامداد بخواند نور و نه بیاید و بر خود نفث کند

صحت و عافیت ماند و در میان اقران و اشباه عزیز و مکرم گردد **فصل ۹** در تحصیل اخلاق نیکو و تبدیل اوصاف ذمیمه الحلیم در شرح اسماء الله آورده
که هر که این اسم را بسیار گوید صفت حلم در وی حاصل شود و نیز صبر و سکون و ثبات در او حاصل کرده و اگر هر روز بعد نمازهای که صد و شصت
و یکبار خواند اثر قوی کند و اگر کسی در وقت درخت نشاندن هشتاد و هشت بار بخواند که مجمل عدد او ست بخواند درخت نیکو در زمین محکم کند
و نشو و نمای تمام یابد و صاحب درخت از میوه برخوردار شود الودود در شرح اسماء الله آورده که هر که این اسم شریف را بعد از هر فریضه صد بار
بخواند غفلت و نسیان و قساوت قلب از وی زایل شود اگر بعد درود گوید که دویست نود و هشت اگر تکرار کند او را بعد الوسیله هر که
بدین اسم مداومت کند طریق سداد و ارشاد یابد و اگر وقت مباشرت زن به این اسم را بسیار گوید فرزند نکو از آن زن به وجود آید
و هیچ کار بعد واکرد ر تکرار این اسم شریف ملاحظه عدد مجمل حاصل کند عمل اقوی بعد العفو در کتاب شمس المعارف آورده که هر که بر این اسم
مداومت کند اخلاق نیکو و امراض دیرینه از باطن و ظاهر وی زایل گردد المغیث در شرح اسماء الله آورده که هر که بر مصایب صبر نماید و عجله که
حصه شیطانست بروی غالب نشود یا طفل دهنه بشکند که بسیار گوید این نام را هنگام بر کوزه آب دمیده خواند پس بدان کودک یا شامه
یا مجروح الطفل هر از سبکی و بیکسری خلاص شود و فرزند خوش خوی شود و اگر مجمل که پانصد و پنجاه و هشت یا مفصل که هفتصد و هشتاد و
هشت عمل کند او را اقوی بعد **فصل ۱۰** در تطهیر باطن و تیسیر اسباب دنیا و آخرت الباعث در شرح اسماء الله آورده که هر که بر فراش
و تشویر سینه آرام بگوید دل گرفته او زنده شود و اگر بعد مجمل گوید که پانصد و هشتاد و هشت یا بعد مفصل که هفتصد و چهل و پنج هست
اقوی و اولی بعد العفو هر که هر روز هزار بار و دویست و هشتاد و شش بار بعد مجمل هزار و سیصد و پنجاه و پنج بار بعد مفصل این اسم شریف
را بگوید ظلمت و تاریکی از وی زایل شود و روشنی و صفا در باطن پیدا کرد و الفتاح هر که بعد از ادای فرایض بداند و تشویر سینه نهد و هشتاد
بار بگوید با فتاح ظلمت از دل وی زایل و دور گردد و باطن وی گشاده شود و اگر بر عدد مجمل وی مداومت کند که چهار صد و هشتاد و نه بار
یا مفصل که نهصد و دو هشتاد و نه بار بعد القدوس هر که بعد از ادای صد و هشتاد بار بعد مجمل او یا سیصد و چهل و نه بار بعد مفصل بخواند
دل وی پاک شود و اگر روز بر این ذکر مداومت کند صفای تمام حاصل شود الملک هر که این اسم را هر روز صد و بیست و شصت و دو بار بعد مفصل
وی بخواند دل وی روشن گردد و ضمیر او صاف شود و اگر بعد از هر فریضه بر این ذکر مداومت نماید نور و صفا مضاعف شود و صاحب جاه و سلیم
اورده که هر که دایم نظر را کند بر حروف این اسم شریف بعد از ان که او را کتابت کرده بشمه بر سیفورف ال مرالث و باید که از انجا حرف و سطرا
که هیچ هست منظور دارد و روز چهل مرتبه نظر بر حرف میم کرده و در اثنای آن به که بر طهارت بعد و هر بار بدایه قل اللهم مالک الملک الی قوله تعالی
بغیر حساب قرار کند حسیب انه و تقدیر اسباب دنیا و آخرت را بروی آسان گردانند بعثه و جوده **فصل ۱۱** در تحصیل علوم و تکمیل فهوم الحق هر که
بعد از هر فریضه صد و هشتاد بار بعد مجمل یا صد و نود بار بعد مفصل وی بخواند حسیب انه و تقدیر علم فرقانه و بر اورد زیرکی دهند و در ان باب فهم
حاصل آید هر که همیشه حق را از باطل جدا کند و در شرح اسماء الله که هر چیز که شنود بر چهار گوشه کاغذ نویسد این اسم شریف یا بنویسد و در نیم شب

کرفته روی بسمان کند و ساعتی بکفایه الله و در ان اثنا صد و نود بار بکوید ان کاشفه بزودی یافت شود الخاتمی صاحب تسیر المطالب اورده که هر که این اسم
و بربع چهار در چهار بیاض مرقوم کند بروی سفید و بر ظهر وی همین بربع را بصورت مذکوره بنویسد چنانچه اطلاع و ثبوت بر یکدیگر منطبق باشند
بالتفاوت و ارقام فرد و عددی باوتر نهند که فرقوی حال بعد و زاید النور و نازل شود ساقط از کوش حقیقی نه و تمام بزودی بر او اطلاع دهد بر علم
تکسیر و اکر در نماز وقوف بعد صد عظیم یابد و زاعمال الکسیر السریع صاحب حور السطیم اورده که ذالنون مصری فرموده که اسم اعظم الله تعالی این اسم
بزرکوار است هر دعا که کند بزودی اجابت شود و صاحب شمس المعارف اورده که این اسم را در سر عت اجابت دعوات مدخلی تمام است و هر که این اسم را کرد ایم
کوید هر چه از امور مخفیه و اسرار دقیقه خواهد حقیقی نه و تعالی بروی ظاهر کرداند و هر که خواهد که بر حال شرف شود که غیروی او را در نیافته باشند این اسم
شریف بر کف دست خود نویسد و یکهفته هر روز شصت و چهل و چهار بار بکوید ذکر السریع بالقلم توقیف که عدد مفصل اوست یا بعد و هشتاد
و چهار بار بخواند اکر یا سریع کوید بیاحطا بکی عدد مفصل اوست و هر روز بعد از اتمام ذکر اسپند عار الخواند که اللهم انی اسئلک یا بمعانی الغریب
المجیب الذی عجزت به خزائن رحمتک و خزائنهم ارزاقک و سرعة اجابتک یا سریع لمن قصده یا قریب لمن سأله یا مجیب لمن دعاه مسرع الی انقضاء
حاجتی و بلوغ ارادتی یا سمیع یا مجیب یا سریع یا قریب آمین و چون این سوره را با شرایط و آداب تقدیم رساند حقیقی نه و تمام و بر ابزار کوش شرف
ساند و هر که خواهد همسر او را ازواج کند و با او سخن کوید و از او بیان شنود و بهمین عمل قیام نماید تا دیده تقابل وی و سر شخص با ان دیده
روشن روما با نزاعت همسر او کند و با او مکالمه کند و هر سوالی که از او بیان کند جواب صواب معروض شود و هر عددی که از او بیان خواهد مطلوبه
بیابد الوهاب صاحب حور السطیم آورده که بعضی از اکابر دین قدس الله ارواحهم کفته اند که اسم اعظم الله تعالی این اسم بزرکوار است و خواص عظیمت
و صاحب شمس المعارف آورده که مداومت بر این اسم شریف بعد و مجل وی که یکصد و دوازده بار است و یا بعد مفصل وی که سیصد و نود و شش بار است
موجب فتح مطالب مکاشفه و اسرار بی سبب طی که نهایت آداب و شرایط کما ینبغی کرده بشرط اکر بعد از هر فریضه بعد مفصل مواظبت نماید بر حصول
مقصود و اتم وجه المبالغه و شمس المعارف آورده که هر که هر روز این اسم را هزار بار در خلوت بر طهور و صدق بخواند و در رمان ذکر بخور لایقه بکار برد و سایر شرایط را که در طریق کلام مقرر شده رعایت کند و ادراک او نکرده بشر و بوی مکالمه کند و فصل ۱۲ در اطلاع بر مخفیات
علوم و اسرار و مشاهده انوار و یافتن طریق صواب و رفع خاطر پریشان العلیم در نزد بسیاری از محققین اکابر این اسم شریف امام ائمه
اسماء بعد است صاحب شمس المعارف آورده که هر که مداومت کند بر ذکر امام ائمه اسماء عنی این اسم شریف العلیم ظاهر شود بر او مخفیات علوم و چون علم
صناعت آلهی که عبارت از علم اکسیر است و غیر آن از علوم غریبه و فنون عجیبه و هر چه از حق تعالی خواهد بسهولت میسر کردد و در شرح اسماء الله
مولانا العقیوب رضی مذکور است که هر که این اسم را در دل بسیار بکوید صاحب معرفت کردد و اکر بعد از هر فریضه صد و پنجاه بار که عدد مجمل اوست
یا سیصد و ده بار که عدد مفصل اوست تکرار نماید مقصود بر وجه اتم ظهور کند الجنید صاحب تسیر المطالب اورده که این اسم از برای اطلاع
بر مخبات است و اخراج کنوز و دفاین و کسی که بر ذکر وی مداومت کند اکر غایب و فتنه بشر و در خواب یا بیداری از حال وی مطلع شود و خبر صحیح شنود و

وصاحب شمس المعارف آورده که هر که هفت روز این اسم را ورد سازد بعد از فصلی که مهتصد و شانزده است روحانیت این اسم اعظم
او را خبر دهد از امور که در آن سال حادث شود و از احوال ملوک و انقلابات زمان و امور کلیه علام الغیوب در کتاب شمس المعارف آورده
که هر که مداومت کند بر این اسم بحر و بدانکه یا علام الغیوب گوید تا وقتی که تأثیر کند این اسم در روی و در باطن سهلا یابد و در الحال امور مغیبه
بر زبان وی جاری شود و آنچه در ضمایر است بروی منکشف گردد و روح وی ترقی کرده بر عالم دوران تابد النور صاحب تیسیر المطالب در فصل رابع
عشر از آن کتاب در میان ذوالنون آورده هر که در مواضع مظلمه ورد کند که این اسم شریف را هر بار بعد از فصلی که سیصد و بیست بخواند شاهد
انوار عظیم و بهجت در عالم حس نهاده بواسطه غلبه آن انوار بر باطن وی و صاحب شمس المعارف العظیم آورده که هر گاه بر کسی امری مبهم شود که مطلع و صواب
در آن امر از هم جدا نتواند کرد یا در سفر راه گم کند باید که این اسم را حاضر و نیاز بعد از مجلی وی و صحت عزم و نقاوت تمام بخواند طریق
صواب و راه راست بروی روشن شود و هم در کتاب شمس المعارف العظیم آورده که هر که مواظبت این اسم را بدین صورت نماید و رنج با کتابت کند و کسی مایل
آن شود که متبلا بود بدرد سر و یا خفقان حشیمانه و تمام امراض را دفع کند و اگر این نوشته را بر عضوی از اعضای دردناک بندد آن درد فرو نشیند
و الم وی تسکین یابد العقاد صاحب شمس المعارف العظیم آورده که مغلوب خواطر رديه و وساوس ذمیمه باشد که مداومت کند بر این اسم و هر بار
که بعمل شروع کند صد و هشتاد و یکبار بعد از مجلی وی یا سعید و بعد از سه مرتبه بعد از فصلی وی بر طهارت کامل بخواند که در آن فصل و قبل
از جبر از وی صادر نشود وی از وساوس خاطر و اندیشهای پریشان و حزن رهانده و خلاص یابد و جمعیت باطن فرح و سرور حاصل آید **باب ۲**
در خواص اسماء آلهیات که هر کدام از اسماء آلهی بدهد و معاونت کند بدان اعطاء و مواهبت میکنند و این باب مشتمل است بر دوازده فصل
و هر فصلی مختوم بر ذکر چهار اسم **فصل ۱** در تحصیل مقاصد دینی و دنیوی و توسیع ارزاق صوری و معنوی **فصل ۲** در حصول حاجات
اجابت دعوات **فصل ۳** در کفایت امور و مهمات و سرعت اجابت دعوات **فصل ۴** در ایمنی از آفات و محافظات و ظهور طریق سداد
و رشاد **فصل ۵** در تقویت قوای مزاجی و حفظ صحت ابدان و ایمنی در سفر و حضر **فصل ۶** در مقابله عالم روحانی و دفع اعراض
جسمانی **فصل ۷** در تحصیل مرادات و دفع وساوس و مهمات و بقاء ملک و ثبات آن **فصل ۸** در حصول صفت تمکین و الهیبت
قلوب و اصلاح ملوک و اثبات ملک **فصل ۹** در تحصیل علوم و حقایق و تسخیر نفوس ملایکی **فصل ۱۰** در ظهور سر توحید ربانی و تجلی
صمدانی در عالم کون و فساد **فصل ۱۱** در احیاء قلوب میته و دفع فقر و فاقه و بر آن حکمت بر آن آن و رفع هموم و غموم **فصل ۱۲**
در تحصیل علوم خفیه و اطلاع بر اسرار مکنونه و اجابت دعوات و حصول حاجات **فصل ۱** در تحصیل مقاصد دینی و دنیوی و توسیع ارزاق
صوری و معنوی بدلالت و اشاره شیخ کامل ابو عبد الله المغربی در کتاب تیسیر المطالب آورده که هر گاه این دو اسم بزرگوار را در لوح مثلثی وضع کنند
و فکر کنند در مضمون شریف این بنده و بخدا هر الله و مقاصد دنیا و آخرت بروجه احسن میسر گردد و باوجود حمل این دو لوح باید که بعد از مجلی
یا معضل این دو اسم تکرار نماید و اصلا تخلف نکنند تا وقتی که آثار آن در امور ظاهر پیدا شود و باید که ترک نکنند تا احوال باطن هم بروجه دلخواه شود

باذن الله تعالی والوهاب والرزاق مداومت باین حواسم شریف بعد و مجلی یا مفصلا موجب مواهب معنوی و حصول ارزاق صوری است و اگر این اسما
با وجود تکرار هر روزه در اوراد و اذکار مواظبت و مداومت نماید باذن الله و حصول مشیه ابلغ و اتم یابد و مستغنی
در حصول حاجات و اجابت دعوات القریب المجیب صاحب تحفة العارف آورده که هر که این حواسم را تکثیر کند و بر نگین انگشتری کنده و بر حجر
نگین این آیه را بنویسد که بدیع السموات و الارض الا قولا اللطیف الخبیر از سوره انعام باخود نگاه دارد و بذکر و عبادت قیام نماید
و بر وضو و طهارت بدوام این حواسم را تکرار نماید و هر چه مراد و مقصود دنیا و آخرت جسمانی و روحانی باشد میسر گرداند و هم
حاجات دینی و دنیوی برآورده شود و هر روز ملائکه رزق رسانند و بر ایمن و بسار سکه و ابواب رزق و برکت بروی مفتوح شود و در چشم
خلایق عزیز و مکرم گردد و ایضا تمام اجابت دعوات است و خواص وی بسیار است مقلب القلوب و الابصار در بعض از کتب اینطایفه مسطور است که هر که
از ساعات لیل از روز جمعه بنشیند این اسم شریف را کتابت کند بمرکب و زعفران و گلاب و با خود دارد هر مراد و حاجت که داشته باشد حقتعالی و تقدس
اینها بر آورد و اجابت رساند فصل سیم در کفایت مهمات و سرعت اجابت دعوات الحاجی الکفیل صاحب تیسیر المطالب در فصل نوزدهم از آن کتاب که
مشتمل بر ذکر حروف و کافستچین آورده که هر که بر تکرار این حواسم مداومت نماید حقتعالی و تقدس کفایت کند کار او را و نگاه دارد او را از آنچه می
ترسد و مستقل او را شود و از آنچه امید میدارد مداومت نماید بر تکرار این حواسم بعد و مجلی یا مفصلا به کرده و اگر حروف این اسما را تکثیر کرده در ربع وضع
کند و با خود نگاه دارد و در اثنا تکرار این اسما شیخ قونوی ترتیب شعد و ذو و تر مقصود در رسد الجمیع البصیر صاحب حرز السطیم آورده که تنزیه
این حواسم بزرگ است و این ذکر است که صالحی بهتر جمیع ادعیه که در دعا الحاح نمایند زیرا که از خواص این حواسم آنست که چون بآن توسل جویند و
دعا کنند بسرعت هر چه تمامتر اجابت شود فصل سیم امیر از آفات و فنی فات و ظهور طریق سداد و رشاد الرحمن الرحیم صاحب تحفة العارف
آورده که این حواسم جلیل القدر عظیم الشان است و هر که در امری از امور مضطر شود و توسل باین حواسم شریف جوید بعد و مجلی یا مفصلا در ان
مواظبت نماید ان اضطرار برخیزد و مقصود بسهولت میسر شود و کسی که از جبار یا ظالمی ترسد بر تکرار این حواسم مداومت نماید ایمن و مطمئن شود
صاحب حرز السطیم آورده که این حواسم بزرگ پناه مضطرین و امان خائفین است و فرموده که هر که این اسم را بر نگین خنصر در ساعت
اخیر روز جمعه نقش کرده بآن ظفر یابد هیچ مکروهی بوی نرسد و تا آن خاتم در انگشت وی بود از هیچ آفات و بلیات ایمن بود و هر که این اسما را
ورد سازد و بر تکرار آن مواظبت نماید حقتعالی در جمیع امور لطف خود را شامل حال وی گرداند انه النور الهادی چون راه صواب
و طریق سداد و رشاد بر کسی پوشیده شود و نداند که آن امر صواب است یا خطا و نیز بر او پوشیده باشد که حق چیست و باطل چیست باید که بر تکرار این حواسم بعد
بعد و مجلی یا مفصلا این حواسم را بخواند و مواظبت نماید و مداومت کند تا بوحی از وجوه طریق صواب از خطا ممتاز شود حق از باطل جدا گردد و
اگر در بیابان راه گم کند بعد و مجلی یا مفصلا این حواسم را بخواند راه راست پیدا شود و از سر گردانی و پریشانی خلاص شود فصل چهارم
در تقویت قوای دماغی و حفظ صحت بدن و ایمن در سفر و حضر القایم القدوس صاحب کتاب شمس المعارف آورده که اگر این اسما را نقش

کرده باخود نگاه دارد و بروز کرا نماید و تا نماید قوت و سوکت وی بسیار بود تجربه کرده هر چند راه رود و ماندگی نشود و بسیار از ان تعجب کرده و عامل این اسما هیکل تندرست و صحیح المزاج بنویسد و اگر این اسما را بر موم نقش کنند و بر سر جریق نهند صداع و سایر امراض راس را نافع بود و شیخ ترجمان الدین یونس فرموده که هر گاه مرغی شعبزاد را در افواه اشخاص که صاحب صداع بودند بسیار تجربه کردم و صحیح بود و فرمود اگر کسی از این موم کاغذ نقش کند و موم را در آب اندازد و صاحب قروح و دمامیل از آب این نامه صحت تمام یابد و بدن وی از همه جراحتها و ریشها پاک شود و محفوظ الرقیب هر که با این حواسم تشریف مداومت نماید بر وجهی که بعد از نماز بامداد خواهد در سفر و خواه در حضر بعد و مجمل یا مفصل این اسما بخواند روز از لطف حقیقی نه و تعالی محافظ و نگهبان وی باشد از جمیع آفات و بلیات و در سایه عالم روحانی و در پناه اعز امین جبار الغرین و الطول صاحب جود العظیم آورده که هر که هفت هفته مقفل ملاحظه لقمه حلال کند و چون تبخر بر طهارت کامل بر فرش زرد و این حواسم بعد و مجمل یا مفصل آیات بخواند پس خواب کند بر دست راست روی بقبله مجانب مغرب عالم روحانی بروی منکشف شود و اگر این اسما را بر مربع و فتوح رقم کند بحروف یا عدد آیات نام جمع کند میان هر دو حرف و اعداد این نه بر انوجه که مربع حرف را بنویسد و بر ظهر این مربع عدد و پرارقم زند و بر هر خانه از ان مربع اسمی از اسما بعینها کتابت کند و این مربع را روز باجمعه نگاه دارد و بر بالای زیر بالین نهد در حصول مقصود بالغ و اصل بود و اگر این مربع را بر ظرف چینی یا زجاجی بنویسد بمشک و زعفران و گلاب و باران بشوید و انواع و اصناف حیات النامی بعد النامی النور صاحب تیسیر الطالب آورده که این اسما مقاسات انهار مرض خاصه امراض بارده و رفع سموم عقارب و سایر سموم بارده پس چون کسی این اسم در مربع بنج در بنج وضع کند هر گاه که این مربع را در آب غسل کند و آن آب را مریض یا تمام نفع شیعه و مشاهده و گزارندگان این حواسم نزرگوار بعد و مجمل یا مفصل بهمین خاصیتی دیده در تکمیل مرادات و رفع وساوس شیطانی و بیماری و بیات الکبیر المتعال صاحب کتاب عین المعارف آورده که اگر دو اسم را بر ورق آهو نقش کند بمشک و زعفران و گلاب و باخود نگاه دارد مجمع مرادات و اصل شود و اگر صاحب وسواس هر عمل ان مداومت نماید از ان مرض خلاص شود و اگر سهوی بدو غالب شود فرو شکند و اگر از کسی متالم و مجروح بعد ان الم بزودی مرتفع شود و اغنا نا شیعه در وقت سحر باید کرد و اگر این سحر پنجشنبه باجمعه بود اولی و انسب بیت الملک القدوس صاحب جود العظیم آورده که این دو اسم تشریف از بهر دوام مقررات و هر ملکی که در ذکر این حواسم بعد و مجمل یا مفصل آیات نی مداومت کند ملکی ثابت شود و قدرت و بسط کرده باذن الله تعالی در حصول صفت تمکین و اطمینان و ثبات و اصلاح ملوک و ثبات رتبت ملک مالک الملک صاحب تیسیر الطالب آورده که هر که مداومت کند بر تلاوت این حواسم بطریق خطاب که یا مالک الملک گوید و هر بار سیصد و شصت بار بخواند و در هر مقام که بود از مقامات سلوک صاحب تمکین شود و صفت ربانیین او را حاصل شود و اگر حروف این اسما را تکسیر کند و در مربع درج کند و باخود نگاه دارد مدد عظیم بود و آنچه مطلوب و مقصود اوست الملک الغرین صاحب جود العظیم آورده که این حواسم شریف نزد صاحب ملک بخواند بقدرت

مال و صلاح ابد و اگر ظالم و فسقی وارد بر طرف محله و این اسما مخصوص علوی گشت هیچ ملکی بر این اسما مداومت نکند الا انکه ملک و مال باقی و ثابت
ماند و از خلل و فساد محفوظ ماند و قدرت و تصرف وی منبسط گردد و ساکنان محله که تحت تسلط اوست غالب شوند و اگر این اسما لایق و مناسب
و از برکت این ذکر شهوات آلوده نگردین باز و صفت ملکه ایشان نزاع حاصل نشود و از ارواح علوی تأیید و نصرت یابند و بر مخالفان قوت
حاصل کنند و بر همانان غالب آیند **فصل ۹** در تحصیل علوم و حقایق و تسخیر نفوس خلایق المهیمن المغیث صاحب السر العظیم او رده
که هر که مداومت کند بعد و مجمل با مفصل وی بر این ذکر حاصل آید و بر اعلم بسیار و صنعت استیلا بر ابنای جنس و مرتبه و احوال را مورد
جزئیه و کلیه حاصل شود العلی العظیم صاحب تمس المعارف آورده که هر که این دو اسم را تکسیر نماید و بر نگین دست نقش کند و بان مختم شود
هر کجا چشم بر وی افتد متذلل شود و طاعت کند و هم در آن کتاب آورده که بعضی از خلفای بنی عباس استعمال کرد و ما مذعی او از خلیفه بر سیده بود
که سبب چیست که تنها بر سلاطین روی زمین غالب آمدید وی خاتمی از جیب خود بیرون آورد که بر آن این اسم تکسیر کرده بودند پس گفت مادام
که این خاتم در دست ماست هیچ کس را بر ما قدرت و قوت و استیلا نباشد **فصل ۱۰** در ظهور سر توحید و بالمجلی صمدانی و تصرف در عالم
کون و فساد الواحد الصمد صاحب السر العظیم آورده که بعضی از علما بر انند که اسم اعظم الله تعالی این دو اسم بزرگوار است و مداومت بر
تکرار آن بعد و مجمل با مفصل بعد از فرایض پنج وقت موجب سر توحید و آنک فی تجلی صمدانیت که از جمله تجلیات کلیه است و بعضی از امارات
این تجلیه اصلا و قطعا در وی اثر جزع و عطش نماند بلکه اگر تصد میل خوردن و آشامیدن کند نتواند القادر المقتدر صاحب تمس المعارف
آورده که هر که این دو اسم را بر نگین نقره نقش کند و بان مختم کند و اگر کراهت و قایت بر این ذکر مداومت کند بزودی غالب شود بر ابنای
جنس و اگر تلی از این اسم عمل بتمام تمام نماید بهیچ خلق منبسط و مغلوب گردند و در حکم وی بر افراد انسان نافذ گردد و قدرت و تصرف وی
قوت گیرد و اگر کسی از آن خاتم مهری بر موم سیاه و در وضعی که بر آن اذاء و مطلوبت از منازل فسحه و ظلمه بر آن مهر انمزاج چنان خراب
مهدم شود که ما دام که فلک دوار بجا باد آن نشود و عمارت نپذیرد و شیخ شرف الدین یونس فرموده که ما مانا را نمیر مزار او مشاهده کردیم در
غایت صعوبت بود و هرگز کلفی ننموده **فصل ۱۱** در احیای قلوب مرده و دفع فقر و فاقه و جریان حکمت بر لسان و دفع غموم و هموم و تجلی
القیوم صاحب السر العظیم آورده که نزد بسیاری از علما و عرفا که اسم اعظم الله تعالی این دو اسم بزرگوار است و حدیثی از حضرت رسول صلعم روایت
کرده و مذکور است که اسم اعظم فی این الآیتین الله لا اله الا هو الحی القیوم و فی قوله تعالی الم الله لا اله الا هو الحی القیوم و شیخ علامه رازی
در لوامع البینات آورده که بعضی از اهل کشف بر است که اسم اعظم الحی القیوم است و دلیل این آنکه از ابی بن کعب صحابی رسیده که حضرت سید عالم
وی را اسم اعظم در آموخت و فرمود که آن در آیه الله لا اله الا هو الحی القیوم است و در آیه الم الله لا اله الا هو الحی القیوم و علما گفته اند که
اسم اعظم نه لا اله الا هو است زیرا که این اسماء در آیات بسیار واقعست از تخصیص این آیه که الحضرت فرموده که اسم اعظم الخ است بنا بر حدیث

مذکور منقول است از الحی القیوم بشنود و در کتاب جوهر النظیم از ابی امامه نقل کرده که وی روایت کرده که حضرت رسول صلعم فرموده که اسم اعظم الله تعالی که
چون بدان سوال کنند عطا یابند و چون بدان دعا کنند مستجاب شود در سه سوره است البقره و آل عمران و طه ابو حفص شیخ گوید که نظر کردم در این سوره
که در آن اسم قرآن مثل آن نبود و البقره الله لا اله الا هو الحی القیوم و در آل عمران الم الله لا اله الا هو الحی القیوم و در طه وعنت الوجوه للحی القیوم
پس دانستم که اسم اعظم الحی القیوم است و در الدر فقیر در جواهر التفسیر آورده که حدیث ابو امامه از احادیث مرفوعه است و حدیث
موضوع انکه بصفا و بکرامت رسالت صلعم باشد و بکرامت ستر شده بحق او فعل خواهد الحدیث متصل بود و خواه منقطع و در مسند صلعم حاکم و در این حدیث
صحیح الاسناد مرویست که چون امر عظیم حادث شدی و کربی بحضرت سید دست مبارک بر عابر دانستی و فرمودی که یا حی یا قیوم برحمتک استغیث و بصحت
رسیده که حضرت در دعاسی بنج دفعه فرمودی یا حی یا قیوم استغیث و قاسم بن عبد الرحمن روایت کرده که چون نازل شد بحضرت رسول صلعم همی و غم فرمود
یا حی یا قیوم برحمتک استغیث و در جواهر التفسیر آورده که علامه رازی در تفسیر کبیر از حضرت مرتضی علیه السلام نقل میکند که روزی بدر بقتلی اهل ضلال
مشغول بودم و حضرت رسول صلعم در قریبی بعد از زمانی که مقاتله نمودم شوقی پیدا کرد حضرت بر من غالب شد بجانب عریش آمدم تا ببینم که آنحضرت
در چه کار است دیدم که بسجده افتاده و بر زبان مبارک میراند که یا حی یا قیوم برحمتک استغیث بار کشتم و روی بکار نهادم و دیگر باره نزد عریش آمدم
آنحضرت را بهمان حال دیدم که سر بسجده نهاده بود و زبان بذکر یا حی یا قیوم گشاده هم چنین چند نوبت رفتم و دیدم و شنیدم که آنحضرت این اسم را مکرر
تا وقتی که حق سبحانه و تعالی فتح قریب و نصرت داد و بصحت رسیده که آنحضرت فرموده که اسم اعظم که اصف بن برخیا بان دعا کرد و تخت
بلقیس با یکطرف الدین پیش حضرت سلیمان حاضر گردانید یا حی یا قیوم و در تفسیر کبیر از شعبی نقل میکند که دعای حضرت عیسی علیه السلام در احیاء اموات
یا حی یا قیوم بود و از ابو حامد الغزالی منقولست که تجربه اکابر تحقیق شده که مداومت بدین اسم شریف موجب حیات و قوت عقلیه است و از شیخ
رکن الدین علاء الدوله منقولست که فرموده اند که از جمله دعواتی که بر زبان مبارک حضرت خضر علیه السلام بسیار جاری میشد یکی اینست که یا حی یا قیوم یا لا اله
الا انت برحمتک استغیث و بکمی قلوبنا بنور معرفتک ابدا و بنج نمی الهی ریحانه بنج نمی الهی از مخدوم ابراهیم القرمانی چنین فرموده که استمداد و بنج من این نمیر
بسیار ترغیب و تحریص مینمود بداومت و مواظبت این دو اسم شریف و گفت هر آن ولی که روزی گفت هزار مرتبه این دو اسم شریف را در حیات قلب و صفای باطن
اثر عظیم است و اسم اعظم را که از وی پرسیدم باین دو اسم اشارت فرمود و از وی شنیدم که میگفت که هر ولی روز بر تکرار این دو اسم شریف مداومت نماید
بدانوجه که هر صبح میان سنت و فریضه بامداد چهل بار بگوید یا حی یا قیوم یا من لا اله الا انت برحمتک استغیث دل او بر احیای قلوب حاصل شود که هرگز نمیرد
و صاحب جوهر النظیم از کتاب شمس المعارف نقل کرده که شیخ شرف الدین بونی فرموده که چون کسی روز سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه روزه دارد
و چون صبح شود نماز دوگانه بگذارد و بعد از سلام پیش از آنکه بشغلی از اشغال پردازد بگوید قولی او بگوید فعلی بذکر یا حی یا قیوم قیام نماید و
مشغول بگوید تا وقتی که آفتاب طلوع کند بعد از آنکه زبانش ساکت شود یا ملکت کند پس دوات و قلم و کاغذ مهیا کرده و آنگاه آفتاب طلوع کند بعد از آنکه

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۱۶
گنجینه کتب خطی

در عقب این ذکر داول طلوع آفتاب بنویسد که یا حی یا قیوم و برکنور لایق دهشه و در هم بچه و با خط نگاه دارد عجایب مشاهده کند از برکت جمعیت
وسعت رزق و اقبال و خیرات حسانچه موجب تعجب و شگفت دوران بود و باید که این عمل را دمعمول از سفهاء قوم نگه دارد البته زنا اهلان
اخفا کند و صاحب کتاب شمس المعارف آورده که این دو اسم شریف را وصیت نمود شمس که اگر کاتب تقاریر این اسماء حامل این شود عمل تمام اکمل
و نتیجه بر وجه احسن و اکمل دهد و در حل لوح نیز خواص بسیار است چنانچه در تکاروند کار روی نماید استقبال قضا و قدر طلب و دفع احتیاج
بانبار جنود خلاص از فقر و فاقه و لوح اینست الوتر الرحیم صاحب العظیم آورده که در سوره یس اسماء اعظم است اگر حروف او را نگیرند
و در وقت عمل بر طهارت کامله بنویسد مستقبل قبله پس بر طرف چپ از جاجی رقم زند بلک و در عوالک
و کلاب نگاه دارد و بیاناتمام و اسمعیل شش روز متصل شماره حروف این حواسم نگار کند حقیقتها نه و تعالی از زبان و بیانگت عبارت و نافی کرد آنرا
و اسرار مخفیه عالم بروی نگارو منکشف داند و این اسماء در وسط
سوره است و این سی کلمه است و مجموع این سی کلمه نزده حرف است از انجمله
چهار حرف مقطوعه است و حروف از این نقطها بر فوق و ایضا شهر کلمه
پوشیده نماند که این سی کلمه که قسمت یا اسماء اعظم سلام قولا من رب
رحیم است بعضی از علماء بر انند که اسم اعظم در سوره یس در آیه است و آن رب
رحیم است و اگر به لفظ سلام از اسماء حسنی است اما در این آیه نه از این
قبیل است بلکه بعضی گفته اند و راقم این حروف از والده خود استماع دارد که فرمودند که از بعضی اکابر بیاد دارم که هر گرانی و الم پیش آید که بیان در مانه باید که
سوره یس را بخواند و چون تا این آیه رسد همتا روحوا بر تا نگار کند بعد از آن سوره را تمام بخواند حقیقتها نه و تعالی به برکت این حواسم بر اکوار ان غم و هم
و الم را مرتفع گرداند و بفرح و سرور و زوال مبدل سازد و اسمعیل کبیر تذکره ات واقع شده و از جمله عجوبات مجربه است **فصل ۱۲**
در تحصیل علوم خفیه و اطلاع بر اسرار مکتومه و اجابت دعوات و حصول حاجات الحکیم العلیم صاحب شمس المعارف آورده که مداومت بر این دو اسم
شریف موجب فتح باب مکنت و متضمن الهام است و بر هر کار که امر از امور دنیوی مهم شده ببرکه قوت فکریه ادراک و کشف آن متعذر و متعسر باشد باید
که بنگارد این دو اسم بزرگوار را مدتی تا حقیقتها نه و تعالی حل سازد بزودی آن امر مهم باسانی معلوم شود و مواظبت بر این دو اسم بعد
حصول اثبات نموده اگر عمل قوی تر خواهد باید که این دو اسم را تکسیر کند و در مربع و خرد وضع کند با وجود نگار که هر روز این لوح را نیز حاصل
نماید بر سبیل دوام بر طهارت بدن و لباس تا ده روز مقصود حاصل شود العلیم العلیم صاحب العظیم آورده که بعضی علماء بر انند که اسم
اعظم عبارت از این دو اسم است و مواظبت بر آن بعد از مجمل یا مفصل موجب سهولت و فتح باب فتوح است و بعضی از خواص اسم العلیم در فصل
دوازدهم از باب اول گذشت و بعضی از اکابر یا السمیع اسم الربع را جمع کرده اند و در خواص آن فرموده اند که این دو اسم شریف را در سر عتبات

516

خواست قوت تأیید عظیم دارد چون کسی اراده طلب حاجتی کند باید که این حروف عظیم را بر کف دست خود نویسد و دست بر عابر دارد و چهار هزار و هفتاد
و نود بار این اسماء را بخواند بعد از اتمام ذکر به اسمای اجابت شود بشرطی که رعایت شرایط کلام کرده بنده بر دستور گوید و مقالهٔ اول و دوم را بیاد یافته و اگر کسی
داعیهٔ مشاهدهٔ ارواح علوی و سفلی بدین اسماء الهیان عدد که مذکور شد با شرایط کلام بخواند بمطلوب مقصود حاصل شود با ارواح علوی و سفلی هر را
مکالمه دست دهد و هر سوالی که کند بر طبق آن جواب شنود و خواهد از آن یاد کرد و بعد از خواص این اسم الربیع در فصل یازدهم از باب اول مذکور شد
و در شرح اسماء الله مولانا یعقوب چرخی مذکور است که هر که روز پنجشنبه وقت چاشت هفت بار کنار دجله بار سلام بعد از آن نماز صبح بازگوید
یا سمیع بشرطی که در آن میانه سخنی نگوید بعد از آن هر دعا که کند مستجاب شود و اگر اسم الربیع را بآن ضم کند عشق غریب اجابت مرتب گردد و اگر بعد از مجمل
آن بخواند و سایر و بعطر اگاه بر ما اسم البصیر جمع کرده اند و در خواص آن فرموده اند که در میان فرض و سنت جمعه صد بار البصیر آلبصیر گوید
نظر فاش عجیبانه و تمام مخصوص گردد و سمع و بصر و بصیرت او مفتوح شود و صاحب اسرار گردد و اگر در روز جمعه بعد از مجمل این اسماء تکرار کند اثر عظیم ظاهر
شود و در تمس الطارق آورده که هر که ختم کند بصیر البصیر بعد از مجمل با مفصل بر سر بالین صاحب غش و بیهوشی بخواند بعنوان حظا بگوید که یا سمیع یا
بصیر ببرکت این اسماء صاحب غش زود بهوش آید و امراض از دل و دماغ وی بالتمام زایل شود و با تعمل عجائبی است نزد بعضی از اهل اسرار و عبدون که
بران مداومت نمایند بهیچ انسان محتاج نشوند برای دفع غش و بیهوشی و اگر کسی این اسماء را بر لوح زهر بنفش کند و بشرایط کتابت در حقالهٔ اول و ثانی
تحریر یافته کفایت دارد و مذکر او نیز بهر و لغات جنیان لشنود و طلسمات آن نیز ناشناخته نماند و اگر کسی اکثر اوقات خود را تصور این ذکر سازد
بر اسرار ضمایر خلایق اطلاع یابد و ملک الضمیر مردمان بر وی روشن شود و بسیار امور از احوال مخفیه خفیه و امر غریبه و عجیبه بروی ظاهر شود و بسر اسرار مجیبات
عالم غیب منکشف شود و شیخ شرف الدین بونی فرموده که تسکر این اسماء خواص و آثار مذکوره بسیار مشاهده افتاد **باب ۳۰** در خواص اسماء
ثلاثیات که هر اسم از اسماء حسنی موافقت مظاهرت یکدیگر کفایت مهمات یکند و این باب مشتمل است بر دوازده فصل و هر فصلی مخصوص بر اسم از
اسماء حسنی آنرا **فصل ۱** در القای محبت و قلوب و قضاء حوائج **فصل ۲** در تسخیر نفوس و تصرف امور بخیر و شر **فصل ۳**
در تسهیل امور و تحصیل مقاصد **فصل ۴** در توسیع رزق و تیسیر مرادات **فصل ۵** در دفع بیماری و دفع بلیات **فصل ۶**
در ایمنی و سلامتی از آفات و عاهات **فصل ۷** در دفع خشم و تحصیل طمانیت **فصل ۸** در حصول عزت و عظمت و ظهور رفعت و فتوت
فصل ۹ در تسکین هوا و نفس از شهوات حیوانی **فصل ۱۰** در ظهور اشخاص روحانی و حصول مقاصد از ایشان **فصل ۱۱**
در کشف اوقات امور **فصل ۱۲** در کشف امور مخفیه در منام **فصل ۱۳** در القای محبت و مودت در قلوب و قضاء حوائج بسم الله الرحمن
الرحیم صاحب کتاب شمس المعارف آورده که هر که بداند آنچه خدای تعالی و تقدس بندگان را از اسرار حقایق در این آیه و امر اکتفا کند سوخته نگردد و باش
و مرتبت که چون این آیه نازل شد جبال بلرزید و ملکه مقربین زبانیه جوزخ را گفتند که هر که این آیه را بخواند با تش جوزخ در نیاید و آن نیز نرده
و فسا بعد در زبانیه جوزخ گرد و گفتند بر آنچه هر که این آیه را که مشتمل بر اعظم اسماء الله بخواند و بر وی ارتسان مواظبت نماید بهیچ وجه در باطن

اهل عالم علوی و سفلی بسلام شده و با این آیه حق سبحانه ملک سلیمان را بوی کرامت کرد و هر که این آیه را بعد هر نماز صبح بخواند مستجاب الدعوات شود و یکی از کبار علماء از صحابه رسول صلعم روایت کرده که هر که را حاجتی بود باید که روز چهارشنبه و پنجشنبه روزه دارد و چون جمعه در آید غسل پاک کند و جامه پاکیزه در پوشد و بمسجد جامع رود و آنچه تواند صدقه دهد و چون نماز جمعه بگذارد این دعا بخواند اللهم انی اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو علم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم و اسئلک باسم الله الرحمن الرحیم الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم ملأت عظمة السموات و الارض و اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الذی عنت الوجوه للحی القیوم و خشعت الاصوات للاله الاصمد و وجلت القلوب من خشیته ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی حاجتی و جمیع الخیر سر حاجت خضوع کند البته بر آورده شود و ابن بزرگ صحابه و صیت کرده که زنهار سفهای قوم خفه لا این دعا میاموزید و لیکن بصالحان امت رسانید و در کتاب کنز العظیم آورده که خط عارف فاضل یوسف ام که از حضرت امام محمد تقی علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل کرده که برای هر حاجتی که باشد باید که بر رقعه بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم من العبد الذلیل الی الرب الجلیل انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین پس آن رقعه را در جوف روان عظیم اندازد و در آن محل بگوید اللهم بحق محمد و آله الطاهرین الطیبین و صحبه المرضیین و اقض حاجتی یا ارحم الراحمین پس حاجت خود را یاد کند بتحقیق مراد او بر آید و حاجت او روا شود باذن الله **فصل** در تسخیر نفوس و تصرف در امور خیر و سر القائم العلوی القدسی صاحب تمکن المعارف آورده که هر که این اسماء را تکسیر کند و بر خاتم نقره نقش کند و بر دوران یمین بندد و بر بالای سر بگذارد در وقت عمل بخور کند با مشک افر یقی و اذفر که دود او را ذوی عروف بیش آنی خاتم را در آتش کند که بر پادشاه در آید بهیبت در دل پادشاه سرایت کند و هر چه از دولت او را بخواهد بدهد و خلق از وی بترسند و مطیع و منقاد وی شوند و اگر آنی خاتم را در منزل سلطان جایر و حاکم ظالم دفن کند الملک و پادشاه و حکومت از دست و پیروان او بیرون شود و رعایا دست تمرد از وی بردارند و سر کشی آغاز کنند و فتنهای عظیم از برای آن ظالم قایم شود و خواص انجام در تخریب دیار ظلمه و تفریق فسقه لیل و نهار کوشند **فصل** در تسخیر او و تحصیل مقاصد او رب الرحمن الرحیم القیوم صاحب حرز العظیم آورده که خط شیخ ابو الحسن بن وفا دیده ام که نقل کرده از کتاب نور الیقین و اشارات اهل الیقین که کسی که خواهد که حاجت از حق تعالی طلب کند باید که غسل کند و بر جای پاک در مقابل قبله بنشیند تا نماز چاشت بگذارد و هم بر جای نماز ملک کند و ذکر گوید تا آن زمان که نماز چاشت بگذارد بعد از آن رکعتین بخواند آنقدر که تواند پس چون نماز دو تیره بگذارد در سجده آخر دو تیره بگوید یا رحمن یا رحیم نا قیوم بر حسب ما تعنیانگاه مراد خود را در خاطر بگذراند بهر حال حاجت او روا شود **فصل** در توسیع ارزاق و تیسیر مرادات الکریم الوهاب ذو الطول صاحب حرز العظیم آورده که بعضی محققان گفته اند که هر که مداومت کند بر اداء این اسم عزیز کوارضیق معیشتی نبیند و سبب رزق سبل شود و روزی از جای میسر شود که هر گز در گمان وی نبود و آن تحقیق فرموده که لیاقت مردم را امر کردم با بتذل و ابتهال و از برکات این چیزها مشاهده کردم بغایت عجیب و غریب پسندیده و هر که تفسیر کند این اسماء الاه را با صفات نگاه دارد و دستوار بها بغایت بر وی آسان شود چنانچه نداند که از کدام در او را خیر میسر شود و هر که تلاوت کند این اسماء را بعد از اتمام عمل هر دعا که کند مستجاب شود و الله اعلم صاحب حرز العظیم

اورده که هر که عامل باین عدد را بداند که زیاده کردن بر عددی که مقرر شده اسراف و نقصان کردن زوال اظلال **فصل ۵** در دفع بلیات و رفع
مکروهات تعالی العظیم الکبیر صاحب شمس المعارف اورده که هر که این اسماء را تکسیر کند و بر خاتم ذهب نقش کند و بر ران خاتم بنویسد و این عدد را بر خطها
و هو العلی العظیم صاحب الخاتم از بلیات و مکروهات ایمن ماند و هر که را نظر بر وی افتد و بی اختیار طالب صحبت او شود و اگر کسی با وی در مقام
عناد و خصومت بود مقلوب و مقهور گردد و اگر در مقام مکر و حیله بود و بال و نکال آن بر او بار گردد و عامل این لوح محفوظ و من انعم علیه را در اوقات
بسیار نسبت باو و افراد ناس مساهره کردم و در تعجیل آثار عجیب و غریب یافته ام **فصل ۶** در سلامتی و ایمنی از آفات و عاهات الروف المنان الکریم
صاحب شمس المعارف گوید که هر که این اسماء بزرگوار را بتکسیر کند در ساعت مشتری وقتی که آفتاب در قوس بود و در ربع درج کند و این ربع را در صفحه ذهب
نقش کند روز جمعه وقت آفتاب بر خاتم پیش من پس بر ران لوح این را بنویسد و هو الذی خلق السموات و الارض بالحق تا قوله العلیم الحکیم بخوبی
از سوره انعام و آن لوح را با صف نگاهدارد با وضو و طهارت بدن و لطافت رهن جسمانه و تمیز دارد از جمیع آفات و مخافات و بلیات و عاهات
نگاهدارد چنانچه اگر فرضا تیری در روی او اندازند از وی بگردد و بجای دیگر افتد و خواص این لوح بسیار و پشیمانست **فصل ۷** در دفع خشیت
و تحصیل طمانینت الحلیم الروف المنان صاحب شمس المعارف اورده که هر که از مرتبه سان و هر سان این اسماء شریفه اعظم را باسلوب خطاب کتابت
کند بر سوچه یا حلیم یا رؤف یا منان بنویسد در روز دوشنبه اول ماه در ساعت قمر و آنرا بر بازوی راست کند و به پیش حاکم ظالم که از وی خایف شود
در آید جسمانه و تمیز و بی از شر ظالم و خشم وی نگاهدارد و در همان حال بر جبار و قهار در آید از قهر و غضب وی ایمن شود و هر که شهوت بر وی غلبه کند
چون بر این اسماء مداومت کند صولتش فرو نشیند و اندوه و وسوسه و دغدغه خلاص گردد و **فصل ۸** در حصول عزت و عظمت و ظهور رفع و نصرت
العزیز الجبار المتکبر صاحب شمس المعارف گوید که این اسماء بزرگوار را بتوحال ملوکست و هر که مستدام بر ان عزت و عظمت افزاید و رفع و نصرت
عطا کند و اگر حروف این را تکسیر کرده در ربع درج کند و بر صدر ران یمنا فتحنا لک فتحا مبینا را بنویسد در روز سه شنبه ساعت عطارد اگر طالع
وقت کما تحل یعلمون و در همین عمل مخور کند به سراج که دارد و مرد وقت پس چون این لوح با سر الطین تمام شود و پادشاه با خود نگاهدارد
و بجز دشمن رفع البته فتح و ظفر در جانب وی بود و هر که از لشکر دشمن چشم بروی افتاده بر سبیل عجز و خوف در دلش مانند کرده و کم مجال
مقاومت ندانسته بزودی الفور فرار نماید و روی بهزیمت نهد و صاحب جوالسطیم اورده که این اسماء بلیغه از جلالت اسماء صفات ذاتست و لازم
این اسماء هیبت خوف و دهشت و عظمت و مهابت و جلالت بر دگران مداومت نکنند الا انکه عزیز و رفیع شود و نزد هیچ متکبر نخواند بنا الا انکه خاکسار
شود و هیچ پادشاه متکبر جبار بر ان مداومت ننماید الا انکه در نفس خود انکساری و شکستگی مشاهده نماید و هر بار که بر این اسم و ذکر اقدام نماید
باید که زمانی مشغول گردد از تفکر عظمت حق سبحانه و تعالی هر چند زیاد مشغول شود بهتر بود تا اثر رو مهابت این اسماء ظهور کرده خواص اعنای خصوصا که بر مداومت و عامل
هر چند در حضور قلب و صفای نیت و تصحیح عزیمت اهتمام زیادت نماید فایده و منفعت زیادتر مشاهده نماید **فصل ۹** در تسکین دادن
خاطر از شهوات حسبا و العلیم الحکیم العظیم در کتاب جوالسطیم اورده که هر که این اسماء بزرگوار را تکتب بنظر خسیس بازجاجی و آب ذهب

محو کرده بنا شنا بیاشامد حق تعالی خاطر و ضمیر او را مستکین گرداند از وعذغه شهوات جسمانی و هم صاحب ذی السطیم آورده که اربابان سه اسم شریف بعض دیگر اسماء الهی را که در وسط ان حرف یاست ضم کند و هم را بر ظرف حریر کتابت بکنند و بآب پاکیزه محو کرده و بر نهار بیاشامد و بالجمله مطلوب اوست ابلغ و افضل بر مجموع اسمائی که در قرآن واقعست و در وسط الحرف یاست و هشت و ان اینست البدیع البصیر الجلیل الحفیظ المجیب الحکیم الحلیم العلیم الحمید الخبیر الرحیم الرشید الرقیب السریع السمیع السدید الشهید الغریب العظیم القائم القدیر القریب القیوم الکبیر الکریم اللطیف المبین المتین المجیب المحیی المحیط المعید المقیت المهیمن النصیر الوکیل [illegible] در ظهور اشخاص و حصول مقاصد از ان السریع الرقیب المقتدر را قبل از خواب و فی الحال صد بار و الدعلیه الرحمه دیده که از کتب معتبره نقل کرده که هر که این اسماء شریفه را تکرار کند بر سر هر یک از ان هفت بار قل اللهم مالک الملک الی قوله تعالی بغیر حساب بنفس کند مستجاب و مقصود مهمی بر او مشکل نشود و او را بر صفحه زهره با قمر روز شنبه رسم کنند و بر او این آیه

خواند با سایر شرایط کلام مرتبط و حروف مجلات ذکر و رضای خواندن کتب کند شرایط کتاب باید بگریه و هو الله تعالی شانه من نفس واحده مستفرغ و مشروح
الادیه و برخور للتق دشته و رهم بجد و با خفه لکنا هذا الصابلغ و ادخل هنر در حصول نتیجه و ظهور آنچه مقصود است از مکونات و مخزونات باب ۴
در خواص اسما ارباعیات و ما فوق آن چهل اسم و زیاده نیز که هر فقره از آن اسما معاونت و موافقت یکدیگر دارد اعطا اموال و افاده عطیات میکنند مشتمل
بر دوازده فصل فصل ۱ در حفظ مال و جاه و دفع فقر و فاقه و ایمن در سفر و دریا فصل ۲ در دفع کرب و الام و خواطر و وساوس و رفع اثقال و تسهیل
امور صعبه فصل ۳ در تسهیل امور و تحصیل علوم و تسخیر نفوس و تعرف ملک و ملکوت فصل ۴ در دفع وساوس و شهوات و کفایت امور
عظیم و امان مخافیه و انس متوحشین و اطلاق مسجونین فصل ۵ در طلب اسباب رزق و مبات و نعمت و حصول مطالب و مسائل و عجایب عالم
علوی و سفلی فصل ۶ در حصول قوت تعرف در عالم و رفع امراض و خلاص از حزن و حبس فصل ۷ در اطلاع بر اسباب غیبه و حصول مرادات
کلیه فصل ۸ در زجر اعدا و استیلا بر اهل خصومت و ازدیار سکونت فصل ۹ در دفع ذلت و قوت و ابراء اعدا و تسخیر قلوب قاسیه و حفظ علوم
علمه و کشف امور غیبیه فصل ۱۰ در تحصیل علو همت و قوت باطنی و تسخیر نفوس و ابطال سحر کلیه فصل ۱۱ در ظهور روح و مخرج از ضیق و حصول
اسانی بعد از دشواری و حفظ بلاد و قلاع و منازل فصل ۱۲ در خلاص از علایق عالم و کثرت ظهور انوار عالم معرفت فصل ۱

در حفظ مال و جاه و دفع فقر و فاقه و ایمن در سفر و دریا الداعی الدایم الدلیل الدیان شیخ ابو عبد الله مغربی در کتاب تسهیل المطالب و تبیان الغرائب در ذکر اسمی که
که چون این چهار اسم را در مربع چهار در چهار و ضع کنند برای بقای ملک و بنای سلطنت بسیار موثر است و این مربع مناسب حال طایفه ایست از ارباب
ثروت و اصحاب مروت که مال و منال دارند و هر آن از ترسان و هراسان می باشند پس چون این مربع را با خود نگاه دارد از آفات بردو ام و صون و تنظیف
لباس باشند مال و متاع ایشان از حوادث و آفات مصون و محفوظ ماند الکاتی الفنی الفتاح الوزاق صاحب العظیم آورده که بعضی از عارفان محقق
فرموده اند که چون این چهار اسم یکدیگر متفق شوند تا در الواح و نقوش جمع کردند رفع فقر و فاقه و توسیع رزق و سر معیشت بغایت موثر بود و ذکر این اسما
ذو و عبقسود و اصل کرد و العلیم الحکیم العلی العظیم صاحب العظیم فرموده که چون کسی خواهد بر دریا نشیند باید که توسل باین چهار اسم بزرگوار جسته
بعنوان حفظ بگوید یا علیم یا حکیم یا علی یا عظیم اجبنا و اکرمنا بعد بعد و مجمل یا مفصل الزمان گوید بغایت نافع بعد البته بسلامت و عافیت بکنار آید
باذن الله تعالی منقولست که علما خزر چون خواهند که بدریا نشینند اول دو رکعت نماز گذارند و در سر این اسما را بطریق خطاب خواندی و بهیبه بسلامت
بیرون آمدی فصل ۲ در دفع کرب و الام خواطر و وساوس و دفع اثقال و تسهیل امور صعبه آورده اللطیف الواسع النهیل صاحب
العظیم آورده که این چهار اسم در تفریج کروب و ازاله الام نافعند خصوصا اسم اللطیف که بغایت سریع الاجابه است و اثرش در ازاله کروب و هموم
دارد و قسمی که نماید و نقاب هموم کرده بسر و چون کسی بر این اسما مداومت نماید اثار عجیبه از ایشان مشاهده نماید و هیچ ملالی و ملالی بروی راه نیابد
اسما مداومت نکند الا انکه حق سبحانه و تعالی ملال و الم را از وی زایل گرداند هم در اثنای ذکر و در این اسما اسرار بدیعه و انوار جلیله ایست که بر
عامل صادق در اثنای سایر نیشود الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر هم صاحب العظیم گوید که در بعضی از کلمات قدسیه شیخ عارف ابو الحسن شاذلی

دیده ام که هرکه بوسا وس و خواطر ردیه مبتلا شود و خواهد که از ان وسوسه خلاص یابد باید که دست بر دل خود نهد و هفت بار بگوید سبحان
الملک القدوس الخلاق المصور العزیز الجبار المتکبر و از عقب ان هر بار این آیه بخواند که ان یشا یذهبکم و یات بخلق جدید و ما ذلک علی الله بعزیز چون حق تعالی
دل وی را از هر وسوسه و خاطر پریشان فکر خواهد پاک و صافی گرداند الفاضل المقتدر الشهیر القایم مقام صاحب السعید اورده
که شیخ ابو الحسن بساوی فرموده که این اسماء مناسب حال اصحاب اعراض و انفعالست چون هر ان اسماء مداومت کند هر ثقیلی و تعبیر که در نفس بعضی متمکن
شود و هر که این وسوسه اسماء را بر خاطر نفس کند و بان تخیم نکند فی الحال از هر کراهه که داشته بیرسبک بار شود چنانچه در خود احساس هیچ ثقلی
نکند و هر که ضعیف بود چون ایام لا از وی باز پرند قوت گیرد و صاحب السعید اورده که اگر کسی حروف ابجد این اسماء را که ق م ق ق
صد بار کتابت کند روز پنجشنبه اول ساعت ان نوشته را در زیر خاتم خود نهد و چون بر تختم ان مداومت کند از هر الم و خاطر پریشان و فکر پنجشنبه بر
خلاص شود و اگر خاتم لا زمانی در اب نهد و ان اب را مریض را بدهد باذن الله تعالی و اگر کسی به نیت هلاک ظالمی قهار
یا لعنه بار این حروف را کتابت کند حق سبحانه و تعالی او را هلاک سازد و سر او را کفایت کند و هر که صد بار این حروف را بر ورق آهو بنویسد و انرا
در میان دو غربت بگوساند بعد ازان در قفلوج مالدار نرود و اگر در سر وری کسی مالد که نزلات بر ان مالد مفید بود و هر که از فولاد لوحی
سازد و اول ساعت از روز پنجشنبه این حروف را بر وی نقش کند چهار بار و ان لوح را در میان عمامه خود بین العینین و منع کند حق سبحانه و تعالی
هیبت و مهابت وی در دلها افکند و اگر از پیش سینه خود محازی قلب صنوبری بیاویزد هر چه از روی وی بود حاصل شود و فکرهای وحشی از وی
دور گرداند و ما الجمله که معمول را دایم با خود دارد بلکه چون نزد صاحب جاهی و مهمی برود با خود دارد و هر که با خود دارد با وضو و طهارت
کامله بر و لباس لطیف طاهر پوشد تا فایده تمام یابد **حصن نهم** در تسهیل امور و تحصیل علوم و تسخیر نفوس و تعرف ملک و ملکوت القوی
العزیز العلیم القدیر السمیع العلیم البصیر صاحب السعید از عارف محقق ابو الحسن الشاذلی نقل کرده که او فرموده که چون متوجه سفری یا امری
از امور دنیا و آخرت باشی این شش اسم را بر وجه خطاب بگوید که یا حی یا قیوم یا علیم یا قدیر یا سمیع یا بصیر بر تو ان امر هر چند مشکل هم
اسان گردد العظیم العلیم الخبیر اللطیف الهادی علام الغیوب هم صاحب السعید و لطیفه ما نیز از لطایف این کتاب اورده که
هر که عمل کند با این شش اسم بزرگوار و انرا ورد خود سازد ظاهر شود بروی علوم جمله و لطایف جلیله و حقیقه و تعالی بر او فتوح کرداند
منابع حکمت بروی روان گرداند بروی مبارک و میمنت و مسخری کرداند اهل علم و فضل را و بسبب مواظبت بر این اسماء حاصل شود بر او کشف تام
الجاعل الجواد الجلیل الخالق البارئ المصور الجامع عیسی را علیه السلام و فرموده که این همه اسم هست از اسماء که تعلق بحق دارد و علم ان در سموات سبع
جاریست پس هر طالبی که تبرکا باین اسم مداومت نماید چندانکه اثر و عاینت این فی الظهور آید و رانی بقوت و مدد ارواح ایشان و تعرف
کلی در ملک و ملکوت میسر گردد **حصن دهم** در دفع وساوس و شهوات و کفایت امور عظیمه و امان خائفین و انس مستوحشین و اطلاق
المالک العلی العظیم الغنی المتعال ذو الجلال المهیمن الکبیر صاحب السعید اورده که این اسماء ثمانیه مرکبات از اسم اعظم که مکنون و مخزونست

وکسیکه بر دوام ان مداومت نماید از وساوس و غلبه شهوات خلاص یابد و اگر در دولتی عظیم و دشمنی بزرگ رفع شود و وقت این ذکر سحر هر روز که بر دوام و این بقایت نافع است و اگر کسی این اسماء بزرگوار را بر خاتم نقش کند و در حین ذکر بان ختم کند در ساعت اجابت اثر عظیم و الله الرحمن الرحیم الرؤف العفو المنان الکریم ذو الطول و الجلال و الاکرام صاحب العظیم و لطیفها و از ان کتاب اورده که هر طالبی که بر این اسماء مداومت کند این شغل و هر موکلی که بر دوام این اسماء مواظبت نماید وحشت وی با انس مبدل شود و هرگز اذکه بر کناران ان دوام نماید بر دوی از بند و رستگاری خلاصی یابد و اگر کسی این اسماء البرایه کتابت کند و بر خاتم نقش و وقت ذکر و تکرار بان ختم نماید در ظهور رستگاری و حصول فوایدتام و اکمل بعد [illegible] و در طلب اسباب رزقا و ثبات قوت و حصول مطالب و مساعده عجایب علوی و سفلی التواب الغافر الحسیب الوکیل الکافی الرزاق السلام المؤمن البدیع صاحب العظیم و لطیفه ثمانیه از ان کتاب اورده که این اسماء الحسنی را تاثیر شگرف نیست در طلب اسباب و ایجاد سبب و تسهیل رزق و اقبال وجوه معاملات و تسخیر نفوس و برکت در کسب و مال و اثمار ان قویست و هنگامیکه بر این طریق ذکر و اذکار ان قیام نماید و خصوصا که این اسماء صالح است بغایت برای اهل هر ایالتی و اگر عالم این اسماء را بر خاتم نقش کند و با خود نگاه دارد الله و ربا شگرف و اصل او قریب و اگر تکثیر کند در ربع وقتی درج کند هم بر قسم عرف و هم بر قسم جفر در ترتیب نتیجه ابلغ و افضل بود الحفیظ العالم الرب السمیع المجیب الغفار الخلاق البارئ المصور صاحب العظیم و لطیفه خامسه از ان کتاب اورده که در این اسماء اسم اعظم الله تعالی چون بوی دعا کنند باجابت مقرون شود و چون توسل جویند عطا مرتب شود و این اسماء از اعظم اذکار ست و هیچکس بر این طریق بدوام مداومت نکند الا انکه مقاصد کلیه بروی کشف شود و هر مطلبی که [illegible] و دشمنی مقهور گردد و هر که در دل شبها بذکر این اسماء قیام نماید عجایب علویات و سفلیات مشاهده کند و مداومت بر این اذکار موجب فتح اسرار و مکونات بود و در بیان ذکر ست حفظ نفس و جسم و دفع الام و قهر اعداء و این از جمله اسماء مکنونه ست و بهیچ احدی بر دوام ان مداومت نکند الا برانکه به بیند چیزها از امور عالم علوی و فهم کند از اسرار عالم کون و اگر بر این طریق ان کما ینبغی بجا اورده بتمامی کشف هر عالم باذن الله تعالی [illegible] در تحصیل تعرف در عالم و رفع امراض و خلاص از حزن و حبس البدیع البصیر الباری السمیع الباطن الباعث الباقی جامع امره صاحب سمس المعارف اورده که مداومت بر ذکر این اسماء الحسنی موجب حصول مقاصد و وصول بر مطالبست و صاحب تیسیر المطالب در بیان حروف با اورده که این اسم شریف اذا سماکه تعلق بحرف با دارد و اثر او در ان عالم تصاریف جلیله ست و در این اسماء تصاریف تقرفات عظیمه حاصلست پس باید که عامل این اسماء را تکثیر کند و بر یمین و خمی در اورد و با خود نگاه دارد پس تکرار و تذکار ان شغل کند بعد و مجل اکثر اوقات و فا کند و متوجه روحانیت این اسماء شود و چندانکه تکرار کند که انوار ان ظاهر شود بعد از ظهور اثر عامل را قوی حاصل گردد هر چه از امور ایشان اراده کند بروجه اکمل و اسهل گردد و الحسیب المحیط الحی الحکیم الحلیم الحنان المنان و صاحب تیسیر المطالب در بیان حروف اورده که این نه اسمست که تعلق بحرف خاص دارد و اثر این اسماء منحصر بر شریف نیست بلکه منسوبست بانبیاء الحلیم ابراهیم را الحفیظ ارونا الحکیم موسی را الحی ادریس را الحسیب یوسف را الحکیم عیسی را صلوات الله علیهم و اگر کسی خواهد که بر این اسماء مداومت نماید از ربع مسخر و منع نماید وحی الجای حنان باید نهاد و چون این لوح البرایه تمام

یا بر حامل آن از جمیع امراض محفوظ ماند و هر کس که آنرا با خود دارد از هر مرض که دائمه بیش نبود و از وی زایل شود خصوصا امراض حاره و حمیات محرقه و اگر با وجود انواع تبها از این اسماء دایم تشغل کند خصوصا اسم بزرگوار الحی هرگز مرض عطشی مبتلا نگردد و حرارت هوا در وی اثر نکند و سموم حاره قبالة و نهشی قاتلی بانافع نبود و بعضی از خواص این اسماء بتفریق عرض صادر فصل پنجم از باب اول از مقاله ثانیه ایراد یافته **فصل ۷** در اطلاع بر اسرار غیبیه و حصول مرادات کلیه العلیم العلام علام الغیوب بالاسم الحکیم الجفیر الحافظ الرقیب المبین الهادی پوشیده نماند که در کتب علماء اهل خاصیت این اسماء عشره مذکار جبرئیل کوشیده و خواص و آثار بیشمار بهت صاحب شمس المعارف ایراد نموده که این ده اسم از جمله اسماء ذاتیت و اذکار جبرئیل علیه السلام هر که خواهد که مطلع شود بر اسرار غیبیه و علوم دینیه باید که بر تلاوت و قرائت این اسماء بزرگوار مداومت نماید و سعی در آن کند که تخلق و تصف بان اسماء تحقق تا بواسطه تخلق و تعلق بان اسماء مناسبت تمام با رواح ایشان پیدا کند از این مرفیوضات و تجلیات بر دل وی لایح و ساطع شود و مقاصد کلیه در ضمن آن حاصل گردد که هرگز در ضمیر وی نگذشته نبود و بر خاطر هیچ کس خطور نکرده بنوعی که اگر کسی این اسماء را تکثیر کرده در مرایای ارواح وقتی بر قوم حرفی یا عددی یا هر حرفی زنده و ماحق نگاهدارد و دایم بر زبان و دل بذکر آن قیام نماید بر مراد ات جمله و مدعیات کلیه فایز گردد **فصل ۸** در رفع و فرت براعداء و مسخ قلوب قاسیه و حفظ علوم جلیله و کشف امور غیبیه العزیز القادر القوی الواقی المتین المقتدر الجبار المتکبر الشدید القاهر صاحب السطیم در لطیفه را بعد از کتاب حفظ آورده که این اسماء عشره از براهین بینات و محاربات عظیمه است و در میان این اسماء است سطری از اسم مکنون باین اسماء توفیق جمع و جمع فرقه میسر شود کسی را که بر این مداومت کند و هر مرض که عارض شود حق تعالی بر کت این اسماء دفع آن کند بتوسط این اسماء بر کافه اعیان ظفر یابد و کسی که نزد جبار عنید است که این اسماء را ورد ساند تا از شر او این بنده از قهر و غضب وی سالم ماند بلکه بالطاف و انعام وی مخصوص شود و بهره وافر از حسنات و براءت حاصل کرده و قلوب قاسیه او براسخ شوند و هم در آن کتاب آورده که چهار اسم از این اسماء عشره که الشدید و القوی القاهر المقتدر است اسماء قهر و استیلا و غلبه است و هیچ ضعیف بروی مداومت نکند الا آنکه قوی همت شود و اگر برای استیصال ظالمی در ساعت هفتم از شب چهارشنبه بیتی بهتر در ساعت هشتم در خانه تاریک نشیند برزمینی که هیچ فرش نداشته بیتی و بعدد و محمل این اسماء تکرار مشغول شود و هر صد بار بگوید یا شدید خذ فلانا بحق من لا یموت و برای وی هیچ عقوبتی مقرر نکند بحق تعالی و اگذارد تا انچه سزاوار جزای او بیند بوی رساند و هم صاحب السطیم که پیر بزرگ و مسیح القول که مرا بر سخن وی اعتماد تمام بود عن گفت که هر مظلومی که از حق تعالی عاجز خواهد و متوسل باین اسماء شود بر این اجابت در زمرع اوقات بروی روشن گردد و اینجز بزرگ از تجربه استماره افتاده و به تجربه پیوسته که هر که این اسماء را بر خاتمی نقش کند و بان متختم شود مهابتی از نفس خود در یابد و دیگران از وی شاخه دار بر گفتهای وی نتوانند و مادام که صاحب خاتم در نظر ان جبار عنید حال این بود و هم در آن کتاب آورده که از شرایط ابتدعا آنست که بر ان ظالم زبانه از ظلم وی دعا کند که بغایت سریع الاجابه است و هم در آن کتاب فرموده که هر که حروف اسم ذوالقوة را از میان اسماء شریفه شش کرت کتابت کند بر نهصورت ذوال فسوت و بار را از میان حروف ثانی و سادس را که حرف واو است شش بار کتابت کند در ساعت پنجم از روز جمعه و از طرف بیاورد که صاحب صداع بالبس بود

شفا یابد و اگر بر نگاین نقره در ساعت مذکور نقش کند و در دهان گیرد بلغم و رطوبت در کم شود و هر صاحب نسیان که ان خاتم را حامل شود انعلت از وی زایل
شها البدیع الباطن الحفیظ الکامل المبدئ المعید المغیث المجید الصادق الواسع و بهم صاحب جوار السطیم و در لطیفه سادسه از ان کتاب اورده
که این دو اسم را خاصیتی است در حفظ علوم جلیله و اصحاب تقوی و اهل معرفت را مداومت مناسب است و این اسما برای تظهیر قلب لایق است الوصاب
الباسط الحی القیوم الفتاح البصیر العزیز الودود السمیع و بهم صاحب جوار السطیم و در لطیفه سابعه از ان آورده که هر اسم از اعظم ادکار است و مداومت
بر ذکر ان موجب کشف عظیم بعد و اگر شرایط قرات کما ینبغی عمل کرده بنزد و در این اذکار اسم اعظم الله تعالی است و از شرایط کلیه او یکی انست که در
نصف شبها بذکر وی قیام نماید تا فیاضان غیبی بر او بگشایند و اگر بر کسی کیفیت اقسام این اسما ظاهر شود تعالی ابدی مستغنی گردد و وسیله قرب صحیح
و تعالی مستفید و اگر این اسما بر لوح فضه نقش کنند و در وقت ذکر ان عامل ان کرد و خواص و اثار ان قوی ظاهر گردد و اگر تکسیر کنند در ربع وقی دفع کنند و
باحفظ الله و در حصن حکم ان اثر تام و اکمل و اتم بعد باذن الله تعالی **فصل ۹** در ذکر اسما و اشیا بر اهل صموت و از دیاد سکوت
وحشت القابض قابل التوب القادر القاهر القابل القایم القدوس المقدر القریب القهار القوی القیوم صاحب تیسیر المطالب ذکر حروف قاف
اورده که هر کدام این دوازده اسم را که از اسمای حروف قاف بشرایط کما ینبغی کتابت کنند بنهاد به که انرا یا ستعریج خوانند و ذکر ان در فصل اول از باب
دوم از مقاله رابعه که در خواص ایات قرانیه ایراد خواهد یافت پس از ان مکتوب را با حفظ الله و براقوی و قدرتی بر اعدا غالب شود که هم غالبت
مشهور کردند و شرح ان کما هی شوله الواحد الاحد الوتر الواسع الوافی الوالی الوتر الودود الوفی الوکیل الولی الوهاب صاحب تیسیر
المطالب در بیان حروف هاء و او اورده که چون کسی از این دوازده اسم را که اسماء حروف واو است اختیار کرده در لوح دوانج در دوانج وضع کند اگر
سلاطین باحفظ دارند عظمت و سوکت و عزت ایشان زیاد گردد و مملکت بفزاید و اگر امرا و حکام حامل ان شوند قدر و منزلت ایشان نزد پادشاه
بسیار شود و هر حاجت که حامل این لوح از حق تعالی طلبد بزاجابت مقرون گردد و اشغال و مهمات بیابد کما قتاب در عین شرف هم **فصل ۱۰**
در تحصیل علوم است تسخیر نفوس و امیز از سر رفته المجیب الحمید الحافظ الباعث الوارث الباقی البر الاحد الظاهر الباطن القدوس الصمد الذی لم یلد و لم یولد
و لم یکن له کفوا احد صاحب جوار السطیم و در لطیفه سابعه از ان کتاب اورده که هر که بر کرات و مرات کما ینبغی این پانزده اسم بزرگوار را مداومت نماید در حالی قلیل
مفتوح و سایر شرایط کلامی را رعایت کند در نفس خود علوم بسیار مشاهده نماید و در باطن خود فتحی و نوری بیابد که هر که الخالق را در خود نیافته بیند
و از جمله نفوس را بوی اقبال تمام بیاید و قلوب خلق از وی منفعل بالتعالی الطیف شود و اگر حامل باطوفا و سر بزیر از جانبی این شعبه دل خلق
مطمئن گردد و اگر کسی نسبت بوی ظلمی و ستمی کند یا مال و حیله از دست او مال و کمال او بهم بوی باز گردد و حامل را سلامت و عافیت باز ماند و اگر این اسما
بر خاتم نقش کند یا تکسیر نموده در لوح چیز وضع کنند و در حین ذکر بان تختم کنند یا باحفظ الله از وی خاصیت اقتضا نماید و شرح کلی آن
در ظهور فرج و مخرج از هر ضیقه و حصول اسباب بعد از دشواری و حط قلاع و سازل الباعث البدیع الجامع الرافع السمیع السریع العلی العزیز العلیم
المعز العلام العلی العظیم المتعال الواسع المانع المقال المعز المعلی الصمد النافع للولی النعم النفیر بیت و به بهتر از اسماء حسنی که در هر اسمی از حروف

اسم اعظم بعرفه معرفت حق و بعد از ان در فصل چهارم از باب پنجم اشاره بان خواهد رفت و المعروف بین هستند صاحب الاسم العظیم آورده که هر که بر
تکرار این اسما مداومت کند بعنایت الهی و تعالی معیشت او براید گردانند و ابواب رزق بروی کشاده سازد و هم غموم و هموم را از دل وی زایل
گرداند و هم دشواریهای او براسانی برآرد و هر که این اسما را نقش کند یا کتابت فرماید بر فصیل شهر یا باروی حصار یا دیوار باغی در نود و
چهار موضع از ان فصیل یا بارو یا دیوار و این کتابت در روز جمعه کند و انچه در وقت خطبه خواندن خطیب خوانند تعویذ بنابت عظیم التاثیر بتوفیق الله تعالی
ببرکت این اسما ان شهر و حصار و باغ را از همه افات و عاهات و مخافات و بلیات در حفظ و صیانت و پناه و حمایت حفظ الله تعالی و مادام که
این اسما بموضع مکتوب مرقوم بود از جمیع حوادث و نوایب محروس و مصون ماند و هیچ دشمن و دزد را دست تعرض نباشد بعنایت الله تعالی

فصل ۲ در خلاصی از علایق عالم کثرت و ظهور انوار عالم وحدت پوشیده نماند که جمل و چهار اسم است که مرکب شده است از حروف
سواء غیر مرکبه که نقطه ندارد و حروف که نقطه دارد بغایت قدس و نهایت تنزه است از ذکر ایشان و فصل سیم از مقاله ثانیه
ایراد یافته صاحب شمس المعارف آورده که هر که این اسما را در ربع جمل و چهار در جمل و چهار وضع کند و عامل و ذاکر ان شود بر جمل و ذکر ان مداومت
و مواظبت نماید و ضلع و باطن وی از همه علایق و عوایق عالم کثرت و ترکیب خلاص شود و بعالم مجردان بسایط متوجه گردد و بقدر مناسبت الفت
با ایشان و انقطاع و تجرد از این عالم مستفیض و مستفید گردد و اسما این است هو الله لا اله الا هو هو اول الواحد الفرد الصمد مالک الملک السلام المؤمن
المکرم المنعم المطاع اللهم العاصم المسلم المصور الحکیم العالم العلام المعلم السامع المسمع الواسع الودود الراحم المهیمن العزیز الجبار المتکبر
العادل الحکم القدوس المومن الطاهر الظاهر الاول الاخر الباطن المتعال الباقی الاکرم المحمود **فصل ۵** در بیان اسم اعظم و اختلاف که علما
در خصوصیت کرده اند و ایراد بعض از خواص و آثار ان و ذکر دعای که جامع اسم اعظم است بعون الله تعالی بعضی از اهل تحقیق مسلم بر جوانع فصل

فصل ۱ در تحقیق تعیین و عدم تعیین ان **فصل ۳** در ذکر بعض اسما و کلمات که اکابر انرا اسم اعظم گفته اند و
برهان دلایل اقامت کرده اند **فصل ۴** در بیان انکه اسم اعظم تحقیق لفظ مبارک آنست **فصل ۵** در کیفیت و فواید بر این اسم
بزرگوار و طریق ذکر ان بدل و زبان و ذکر یا حی که بر ان تکرار مرتب میشود **فصل ۶** در خواص اسم اعظم الله تعالی **فصل ۷**
در ذکر دعوات مستجابه که مشتمل بر اسم اعظم است یا بر قول بعض اکابر و مرادات حاصل است **فصل ۸** در دعوات دیگر که جامع اسم اعظم است
بقول بعض منتج مرادات و مطالبات و دافع شوم و هموم **فصل ۹** در ذکر دعایی که شامل اسما و تنزیهات و بقول بعض اسم اعظم در ان میباشد و بیان
خواص و اثار **فصل ۱۰** در دعایی دیگر از مشتمل بر اسما بسیار که نزد فرقه اکابر اسم اعظم در میباشد **فصل ۱۱** در ذکر دعای که موسوم بکافی تمام
و بسیاری از اهل تحقیق اسم اعظم بان قائم است **فصل ۱۲** در ذکر دعای شریف مشتمل بر اسما و حروف که نزد جمعی کثیر از علما بهر یک از ان اسما و صفت
از حروف اسم اعظم **فصل ۱۳** در ذکر دعای جامع که شامل جمیع اسماء اعظم است که در حصول این باب ابراد یافته بشرط و طریق مقرر مذکور که بر ان مداومت نماید
فصل ۱۴ در تحقیق اسم اعظم و تعیین ان و بیان انکه اسم اعظم نسبت بهر فردی علیحده است شیخ فرید الدین در کتاب لوامع البینات آورده که در تعیین اسم اعظم

حق تعالی علما را اختلاف است بعضی بر انند که هر اسمی که بنده حسبی انه و تعالی را بان یاد کند و قتی که مستغرق معرفت و یاد کردن وی بود از جمله ما سوی محجوب گردد و عقل و خیال منقطع گشته بنابر ان اسم اسم اعظم است و بر ان قول دلایل بسیار اقامه فرموده اند و بعضی از ان در لوامع الانوار مذکور است و طایفه دیگر گویند که ان اسمی معین است و معلوم است و طایفه حق فرقه اند اول انکه میگویند ان اسم معلوم معین و معلوم است چنانکه در صفوان آیه و اشعار بان خواهد شد و فرقه دوم انها اند که میگویند اگرچه ان اسم معین است اما بهیچ کس را بان اعلام نیست و در میان اسماء الهی نهانست چون تبعقد و ساعات اجابت دعوات از روز جمعه که در میان لیالی و ساعات مخفی است مگر انکه حسبی انه و تعالی عنایت کرده یکی از بندگان خاص خود را به تعلیم ان مشرف گردانند و بر ینقول دلایل کفته اند و بعضی از ان در لوامع مذکور است و مروی است که جبرئیل علیه السلام اسم اعظم را از برای حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرود آورد و در میان درهای از اوراق بهشت پیچیده و مهری از مشک انفر بر ان نهاده و بر ان ورق نوشته که اللهم انی اسئلک باسمک المکنون الطاهر الطهر القدوس الحی القیوم الرحمن الرحیم ذو الجلال والاکرام و مروی است که زمانی پیش حضرت پیغمبر صلعم امده و گفت یا رسول الله بیا موز مرا اسم اعظم الهی فرمود که مرا منع کرده اند که تعلیم دهم زنهار او کوه کانرا و اکابر کفته اند که اسم اعظم در میان اسماء الهی سبب است که جمله یاد کنند بان حق را سبحانه هر دعا که بان خلق شده بغرا جابت اقران یابد چنانچه در بعضی دعوات مانوره واقع شده که بعضی سند کانرا نوشته فرموده انه اللهم انی اسئلک باسمک الاعظم الذی اذا دعیت به اجبت و نزد ارباب تحقیق از صوفیه اسم اعظم نسبت بهر فردی از افراد انسان ان اسمی است که در حضرت آلهیت مرجع او است و واسطه استفاضه او از مبدا فیاض و مرجع او است بعد از انقطاع روح از بدن تحقیق این مجمل مناسب این مقام نیست مذهب الدر علیه الرحمه در کتاب جواهر التفسیر او ورده محققان گویند که خدا را اسم اعظم بدان معنی که ثابت شده بنی اعظم است او بدلالت بر مخصوص ذات او لا بر مطابق معنی بسیط که باشد او را در مراتب افعال او صفات و نسب و اضافات و احکام الوهیت که عبارت از اعتبارات اسماء اعظم بهما اسم الله بهت و شیخ صدر الدین محمد قونوی در شرح احادیث اورده که اعظم بهت اسماء توقیفیه و الا بتسمیه اسم را از سمع کرفته اند که بعض غلاة متاخرین بر حسب تقدیر هر اسمی موهت اسمی لوح پس هر کدام از ان که تضمن تعریف بهتری اسم دیگر و اعظم باشد به نسبت ان اسم که تعریف او در تمامت مبدا مرجع نیست و ازانجا معلوم شد که اسماء حسبی انه و تعالی همه اعظم اند باعتبار کبیر ابو یزید بسطامی را از اسم اعظم پرسیدند فرمود که شما اصغر من اسمید تا من اعظم بشما نمایم کدام نام هستکه نه در غلط تمام هست حق قطره در نظر ایه نه از بحر محیط بزرگتر ایه هر سخن در جای خود نیکو است

دریای حیرانست و در اکثر این معانی زبان نارسا و صاحب مجد العظم اورده که هکاتب کرد یکی از اصحاب ما از مشایخ ما که شیخ عبد القادر جیلانی قدس سره العزیز فرموده که هر که یکبر در عدد حروف اسم جلاله تفکر کند و اسماء الهی که با ان عدد هستیا نه اکر یاز یابد مراد او از اسم یا سه اسم یا چهار طلب کند نه نسب بوی. اسم اعظم ان بود مثلا اسم محمد بود و بهت نظر کردم که موافق این اسم بیچ اسم از اسماء الهی نیافتم اما در حرا اسم یافتم دانا اول و دایم اسم و در سه اسم یافتم اما در چهار اسم یافتم دانی حی ما نب و احد و ولی پس فرمود که بعد از یافتن فاتحه را نده و چهار تلاوت کند بعد اسم محمد و هم چنین صورت عالم تشریح و تبیین عدد اربعه را مکرر نمایه و اشغال و فکر کند هر چه در خاطر او مستحضر کرده شود و بعد از اتمام ان ذکر بکوید که یا حی یا قیوم کرم و رزق و قلبی

وانچه مراد او بود بنام بردس یکوید یا اجاب بیطلب کذا و کذا و هرچه مقصود او بود از حسبانه و تعالی طلب نماید و ان نامها کذا نوشته در لوحی از الواح و نقش و درج کند چنانکه شیخ شرف الدین بوصیری فرموده و در یکی اسم جواد را درج نمود و در یکی اسم واحد را و عامل باید که در تلاوت تکرار اسماء عامل این دو لوح باشد

لوح اول ۹۷			
حیّ	واحد	وهاب	ولیّ
ولیّ	وهاب	واحد	حیّ
واحد	حیّ	ولیّ	وهاب
وهاب	ولیّ	حیّ	واحد

لوح دوم ۹۴			
حیّ	وهاب	ولیّ	جواد
جواد	جواد	وهاب	حیّ
وهاب	حیّ	جواد	ولیّ
ولیّ	جواد	حیّ	وهاب

فصل ۳ در ذکر بعض اسماء و کلمات که اکابر را از اسم اعظم گفته اند و دلایلی بران اقامت کرده اند صاحب الجواهر الطیم اورده که بعضی از اکابر گفته اند که اسم الرحمن بهت و این کلمات مرکب از حروف مقطعه قرآنی کاف سبحانه الرحمن الخ و ذکر این اسم و خواص وی در فصل نهم از باب اول این مقاله ایراد یافته و بعضی گفته اند که اسم البدیع بهت و ذکر آن در فصل یازدهم از باب اول گذشته و بعضی دیگر از حضرت مقدس مرتضی علیه السلام روایت کرده اند که اسم اعظم الظاهر بهت و ذکر آن در فصل دوازدهم از باب اول گذشته و بعضی گفته اند که اسم القهار بهت و بعضی بران که اسم القریب بهت و ذکر آن در فصل یازدهم از باب اول گذشته و از ابن عباس رض مرویست که فرموده که اسم اعظم یا قیوم بهت و بعضی گفته اند که اسم الحی است و ذکر آن در فصل سیم از باب اول گذشته و بعضی دیگر از اهل تحقیق بر انند که لفظ اسم اعظم بهت و بر این دعوی دلایل و شواهد اقامت کرده اند و شمه ازان در فصل یازدهم از باب سیم مقاله ایراد یافته و بعضی از خواص وی در فصل چهارم از باب اول این مقاله مذکور شده و بعضی دیگر از اکابر بران رفته اند که اسم اعظم لفظ تبارک الله بهت و بنا بعنوان اکثر دعوات ماثوره بعنوان تبارک الله کلمه بهت و خذ متوالیا این ضعیف در کتاب جواهر التفسیر در ذکر آیه قل اللهم مالک الملک اورده که از ابن عباس نقل میکنند که فرمود که من از حضرت رسالت صلعم شنیدم که اسم اعظم در سوره آل عمرانست در آیه الملک و ابو حامد عطار فرموده که هشتاد نام از نامهای حسنی الله تعالی در حرف میم اللهم نهفته بهت و از تقریب بهتمل نقل کرده اند که هر که گوید اللهم صل علی محمد بهمه نامها خوانده بیش و چندان ثواب یابد که حد و شمار بر و از کثرت فضیلت بهت که نام اسم شریف گفته اند و بعضی بران رفته اند که اسم اعظم لفظ بهت بهت و هم در جواهر التفسیر اورده که در تفسیر از ابن عباس و ابو درداء نقل میکنند که رب اسم اعظم بهت بدانکه بعضی از اسماء الهی که مقلوب کردانند باطلاق ان بر جا پذیرد و اسم را چون مقلوب سازند برسود و ان نیز از اسماء حسنی بهت کما قال سبحانه هو الرحیم و هم در تفسیر اورده که خضر ع در حرم محترم مسجد حرام در ابتدای حکایت ساده فرموده که رب اسم اعظم بهت و در تفسیر قرطبی آمده که کثرت دعوات و اعیان بر این اسم دلیل اعظمیت وی بهت چه انبیا و اولیا و غیرایشان در وقت دعا حق را بدین نام خوانده اند و در جواهر التفسیر بتفصیل ان مذکور بهت و نکته دیگر در خصوصیت این اسم بدعا و اجابت آنست که در زمان اخر بدعوت اذ جمیع اسماء بهین اسم مذکور بهت شده کما قال سبحانه ادعوا ربکم

تضرعا وخفية وقال ادعوني استجب لكم ودر وقت بشارت استجابت بهين نام وقوع يافته كقوله تعالى فاستجبنا له ويهم وبعد از اسم الله در قرآن
هيچ نامى ديگر اينقدر مذكور نشده ودر نود وچهار سوره از سور قرآن اين اسم واقعست وبعضى ديگر گفته اند كه اسم اعظم حيى القيوم است و
در دعاى حضرت زكريا عليه السلام واقع شده بعضى ديگر گفته اند كه اسم اعظم جميع الدعوات است ودليل اين دعاى حضرت زكريا عليه السلام است كه قال
سبحانه حكايت دعاى زكريا ربه قال رب هب لى من لدنك ذرية طيبة انك سميع الدعاء پس زكريا كه نبى بود وصبى نبود وهم او بوجود كبر سن وعقم زوجه
حسبة ان الله سميع مجيب الاية وبسيارى از كبار اهل تحقيق برانند كه اسم اعظم الحى القيوم است وبراهين وادلة بسيار است كه تمامى آن
در فصل يازدهم از باب چهارم سمت ايراد يافته وبعضى ديگر گفته اند كه اسم اعظم سلام است از آن جهت كه در سوره يس وان ربكم اله واحد است
كه در فصل يازدهم از باب اول مذكور شده وبعضى از علما گفته اند كه اسم اعظم الله الا هو الصمد است وذكر آن در فصل يازدهم از باب چهارم مذكور
شده وبعضى از علما گفته اند كه اسم اعظم السميع العليم است وذكر بعضى از خواص او در فصل يازدهم از باب چهارم سمت وقوع يافته ودليل آنها كه
بر عظمت اين اسم شريف يانند آيه است كه رب انى نذرت لك ما فى بطنى محررا فتقبل منى انك انت السميع العليم ودر تفاسير مذكور است
كه حنه ماد مريم چون بوى حامله شد گفت بار خدايا نذر كردم براى تو آنچه در شكم منست آزاد كردانم هيچ از قيد تعلقات دنيا آزاد
تمام پرستد وخدمت بيت المقدس كند وهم در آن زمان مردم فرزندان را نذر خانه خدا ميكردند وكذلك كانه باز ميد شد حسبما مذكور شد
پدر مريم در دعاى توسل باين اسم بزرگوار چنين گفت فتقبلها ربها بقبول حسن وانبتها نباتا حسنا وبعضى ديگر از اكابر گفته اند
كه اسم اعظم حسبنا الله ونعم الوكيل است چه اين كلمات مشتمل بر اعظم اسمهاست واسم مبارك الله است واثبات آن در فصل سيم خواهد آمد وبعضى گفته اند
اسم اعظم لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين است ودليل اين آن قول حضرت يونس عليه السلام فنادى فى الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك
انى كنت من الظالمين فاستجبنا له ودر كتاب جلاء العيون مذكور است كه حضرت امير عليه السلام فرموده است كه اسم اعظم در حروف
مقطعه اول سوره مسمى الم وكهيعص وحم عسق بنحوى مستور است كه جز راسخين از علماء بالله بر آن مطلع نميشوند ودر دعاى حضرت امير المومنين عليه السلام روايت شده
ياكهيعص ياحم عسق وازين جا خطاب معلوم ميشود وايضا كلمه يا كه از جمله اسماء مكنون است وبعضى گفته اند كه اسم اعظم در ضمن اشكال سبعه است
كه در فصل دوازدهم از باب سيم از مقاله چهارم يافته ودر كتاب جلاء العيون بعضى از وفق اشكال آورده وشيخ بهائى از كتاب ابو الحسن سماوى نقل كرده كه
اشياى فرموده اند كه تا بعيت شهور نزد بعضى از ايشان مطابقه كرده اشكال اسم اعظم است وذكر آن در ذيل اشكال سبعه گذشته وبعضى گفته اند
كه اسم اعظم لا اله الا هو است ودر كتاب جلاء العيون آورده كه بيكى از صحابه رواية كرده اند كه از حضرت پيغمبر صلى الله عليه وآله شنيدم كه
فرمود اسم اعظم در سه آيه است اول والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم ودوم الم الله لا اله الا هو الحى القيوم وسوم آيه اول الحى القيوم
ثابت وبنا بر اين ثابت معلوم ميشود كه اسم اعظم لا اله الا هو باشد نه الحى القيوم چنانچه در اين دو آيه مذكور شده لا اله الا هو است وصاحب جلاء العيون
آورده كه موبدانى گفته اند آنچه در موطا مالك از صحابه از حضرت پيغمبر صلعم روايت كرده كه آن حضرت فرموده فاضلترين كلمه كه من گفتم وساير انبياء پيش از من

گفته اند لا الا الله است و بعضی گفته اند لیل کس است که الله را اسم اعظم گوید لیکن چون صاحب حدیقه السطیم ایراد نموده بزرگان اعتماد رفته است
و بعضی دیگر گفته اند که اسم اعظم ذو الجلال والاکرام است و در کتاب سواطع البینات آورده که دلیل اینطایفه حدیثی است که ذو الجلال والاکرام است
و در کتاب بواضع البینات و ینابیع العلوم آورده که الظوا بیا ذو الجلال والاکرام یعنی ملازم باشید بگفتن او را بسیار و در دعاها و اذکار و لغت
الحاح و اکوشید و دلیل آنان این است که دلالت بر جمیع اسماء قهریه و لطیفه الهیه دارد به اسماء قهریه لفظ الجلالت و الیه شامل است اسماء لطیفه کلمه
کرامت او جامع صفات تنزیه است و جمیع صفات ثبوتیه هم مقدس از غایات عقول و نهایات اوهام و این مشروط است بکمال تعدد هم متصف
به نعوت رحمت و احسان و این مبنی است و رهنایت قرب لیس این اسم اشاره بلکه هم قریب است و هم بعید و هم ظاهر است و هم باطن صاحب
حدیقه السطیم از بعضی نقل فرموده که اسم اعظم الله تعالی ذو الجلال والاکرام است چون او را دعا کنند اجابت کند و چون بوی سوال کنند عطا فرماید و بعضی دیگر
از اکابر گفته اند که اسم اعظم ارحم الراحمین است و مستدل آنان قول حضرت ایوب است که فرموده انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین فاستجاب له و در کتاب حدیقه السطیم از ابن لبابه بن هشام نقل کرده که مختار وی گفته است که چنین بمن رسیده که زید بن حارث سری از کسی بزاویه گرفت که بطاق افتد و دوان بکاری شروع کرد که هر جا که بیرم فرود آی زید قبول کرد و روانه شد تا بجزیره اسید ندانکاری میل فرو برده کرد زید گفت فرود آی زید فرود آمده سر دران خرابه کرد گشته بسیار دید و بکاری تیغ کشیده قصد کشتن وی کرد زید گفت مرا چنان داده که هر رکعت نماز گذارم پیش از توای کرده گذارد مرا و نفس بر سپه زید گوید که هر رکعت نماز گذاردم و این آیه گفتم یا ارحم الراحمین ناگاه مازیار بن قارن را دیدم که شمشیر میکوبید و بکاری از خرابه بیرون آوید که تا به بیند چه کس است که این سخن گفت کسی را ندیده باز بر سر زید آمد و خواست که تیغ بر اندازد ناگاه سوار دران خرابه دیده و بر ایک حربه بدست و بر ایک حربه کشت

فصل سیم در اثبات اسم اعظم حق سبحانه و تعالی بطریق تحقیق لفظ
مبارک الله است صاحب شمس المعارف آورده که اکثر علما و ارباب تحقیق اسم اعظم لفظ مبارک الله و نزدیک است که بر این معنی اجماع منعقد شود و در کتاب
سواطع البینات مذکور است که اکثر علما بر انند که اسم اعظم کلمه الله است و بر این سیر و دلایل و براهین لبیار گفته اند از جمله آنکه این اسم را خصوصیت است
که در هیچ اسم دیگر یافت نشود و آن آنست که هر حرف را که از وی اسقاط کنند آنچه باقی ماند صفتی نیز از صفات حضرت سبحانه و تعالی مثلا چون همزه را اسقاط
کنند باقی ماند و آن از جمله صفات الهیت که لله ملک السموات والارض و لله خزائن السموات والارض که الخلق و الامر و الکرام تا ذات حق بر جا
باقی ماند و آن نیز از صفات الهیت که قل هو الله احد هو الحی القیوم لا الله الا هو و قال تعالی هو یحیی و یمیت و مثل این بسیار است پس شاید که
بدین کلمه اشاره و بجمیع صفات کند و جمله صفات نیز بدین حکم دارد اما چون کلمه لا الله الا الله بگوید حکم بسلام وی کنیم و از جهت حضرت پیغمبر صلعم فرموده
که امرت ان اقاتل الناس حتی یقولوا لا الله الا الله فاذا قالوها عصموا منی دماءهم و اموالهم صاحب حدیقه السطیم او هم گفته اعظم علما بر انند که اسم
اعظم کلمه الله است و نه بر مبنی که اخص مشتق است از رحمت و رب مشتق از ربوبیت است و الله مشتق نیست از جمیع لفظ و بدین علت گوید که از سهل
بن عبد الله تستری سوال کردم که اسم اعظم کدام است گفت الله گفتم که علما گفته اند که چون نام اعظم دعا کنند دعا مستجاب شود و من لبیار بدین اسم

توسل جستم و از حضرتش سوال کردم و او بمن موهبت و عطیت نمود سهل گفت که اگر سوال از وی در حالتی کردی تو فارغ نبشتی از همه چیزها الا در مناجات او و ای اجابت مقرون تقصد از عبد الله بن مبارک منقولست که گفت اسم اعظم کلمه الله هست زیرا که جمیع اسماء الله بوی مضاف شود و وی بهیچ اسمی مضاف نشود و در جامع ابن وهب آورده دلیل بر آنکه اسم اعظم الله هست آنست که جمیع اسماء را بوی اضافه کنند مثل آنکه گویند غفار اسمی هست از اسماء الله و نگویند که الله اسمی هست از اسماء غفار و علما را دلیل بر آنکه الله اسم اعظم هست پیش از آنست که این نسخه کنجاش تفصیل آن نداشته بنویسم و صاحب جواهر التنظیم گوید که ابن الطیب در کتاب تقنع آورده که لشکریان از اهل بابل برانند که هاروت و ماروت بدان صعود میکردند و بر آسمان میرفتند و از زهره که از اجرام آسمانست بدان صعود کرده بر آسمان دوم حق سبحانه و تعالی و بر الصورت که کبریت احمر دانیده و در تفسیر آیه و ما انزل علی الملکین ببابل هاروت و ماروت میگوید که حضرت امیر علیه السلام و ابن عباس و قتاده و سدی و کلبی روایت کرده اند که هاروت و ماروت فرشتگان بودند که در میان اهل بابل بر قضا منسوب بودند و روز فصل خصومات میکردند و ستاره بدان میرفتند نام زهره نام کاجل بنا ان بابلیان بود نسبت الملوک فارس داشت و ملکه اندیار بعد از ایشان بهل آمد و ایشان مفتون او شدند و بر انجذاد دعوت کردند و وی از قبول ایشان ابا نمود گفت شما از من بهره نیابید مگر وقتی که در اموزید مرا از اسمی که بدان صعود بر آسمان شما را میسر است ایشان گفتند که آن اسمیست بسم الله الاکبر و زهره بدان تعلم بدان تکلم کرد و بر آسمان بالا رفت سبحانه و تعالی و بر الصورت که گفتیم مسخ کردانیده و این زهره که مشهور است بر فلک اوست و حضرت والد علیه الرحمه در جواهر التنظیم آورده که اگر بحملها بر بندد که مسخ شدن او تواند مستبعد نیست اما بنقول که او زهره مشهور باشد ضعیف بود و در تفسیر آورده که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که آسمانها را آفرید کوکبها را نیز در آن آفرید و زهره یکی از سبعه سیاره است و روشن کوکبی از نفسه مخیره که خدای تعالی بایشان قسم یاد میکند حیث قال فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس بلکه خدای تعالی انها مسخ گردانیده بصورت ستاره و در آسمان فرستاده باجون سایر موقوفات رجوع او باتش دوزخ شده و انچه روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر گاه که زهره دیدی فرمودی لعن الله زهره فانها فتنت ملکین بجهت توافق اسمیت **فصل ۴** در کیفیت اصل فواید اسامی اسم بزرگوار مطرق بیاران اهل زبان و ذکر شایخی که بران اسم تصرف میکرده صاحب کتاب جواهر التنظیم اورده که بعضی از علما در وقت دعا و قسم یا الله و بطریق اختصار کرده اند جعل یا الله یا الله میکوبند بطریق ندا و بعد حذف مکتوب بر آن شکل است بحرف ندا هفتاد و هشت بار حرف ندا یا بعد حروف مبسوطه دو بست و پنجاه و نه بار حرف ندا و سعید و هشتاد و یکبار حرف ندا و بعضی الله میکوبند در نفسی سه بار بعد از جمل و بر این دو وجه یاد کرده اند انار و خواص کلی مرتب شده و بعضی از آنرا کفته اند که هر که مرتکب شود ریاضات طاهره و خلاص یابد از کشاکش غضب و شهوت و سایر اخلاق رذیله و او صاف ذمیمه و در رحمانی نبشته اند و قتی خواص را خصه مسدود کردانند و سمع و بصر باطنی را مفتوح ساند و بر سبیل دوام الله الله بکوبد بدل نه بنزاله تا وقتی که چنان شود که ما سوی الله اعظم که نه از خصه خبر و نه از غیر خصه و بخواند لیله الله و بر زبان وی نکذرد و بعد از ینجا مام شرایط عمل چنانچه علی و قیام نماید نور رب نهایت بر دل وی بتجلی کند چنان مستولی شود که از دل وی بر تو بر روها زند چنان که حواس ظاهری نماند و در حاسه قوتی دیگر پدید آید و نوری

درحس بعرش نیز ایده و آنچه در خواب بیند از عجایب و غرایب عالم مثل آن در بیداری نیز مشاهده نماید و اورا روی ملکه و صور جمله لطیفه ظاهر شود گیرد
و ملکوت آسمانها و زمینها بروی آشکارا شود و چیزی مشاهده کند که هیچ کوش نشنیده و هیچ دیده ندیده و بدل هیچ بشری خطور نکرده و از
یکی از کبار منقولست که یکی از عارفان صادق الاخلاص را گفت بخواهم که بیاموزم ترا چیزی که بتجارب معتقد گردانند که مداومت بران ترا بدرجه رساند
که فوقان معشوق رنبود الطالب تواضع و نیاز مندی تمام لمعدان نزدک فرمود که الله الله میکوید در یک نفس کمتر از سه کرت نگوید و هر چند زیاده گوید
عجب نبود باید که الله بشرط اظهار همزه گوید و سکون نا و غیر از این لفظی بر زبان نراند و چیزی دیگر بدل نگذراند و با هیچ فرد سخن نگوید نه بضرورت
و نه بغیر ضرورت تا هفت روز بگذرد و در این ایام بروزه باشد و بطعام حلال افطار کند و در لیالی این خواب نکند الا در حین غلبه که باختیار نشود
و در ان بیداری بر تکرار اسم باز نماید و در شب بکرات بسیار گوید که تاثیر ذکر تست خصوصا در نصف شب تا طلوع آفتاب اتم و اکمل بعد چون هفته
بر منوال بگذرد ظاهر شود بر تو عجایب ملکوت اعلی و چون این را بدین هر نوعه تمام شود ترا کرامات غریبه
و مقامات رفیعه بوجه تمام دهد و در مملکت وجود قوت تصرف و تاثیر کرامت نماید و بعضی از اکابر در شرح اسم یا رب گوار چنین فرموده اند که هر که هر
روز هزار بار این اسم را مداومت نماید و حضور بر زبان او را نیز موافقت کند ولی بزودی صاحب یقین شود و از ارباب تمکین گردد **مقصد ۵** در خواص حروف اسم اعظم
الله تعالی صاحب شمس المعارف آورده حروف اسم اعظم چهار بهت ا ل ه م و هم چنین طبایع چهار است حرارت و رطوبت و یبوست و برودت و
اقطار چهار بهت مشرق و مغرب و جنوب و شمال و ملکه حق و عقد چهار از مقربین چهار بهت که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل اند و ایشان ملک
مقرب را چهار روز بهت که مخصوص اویانست اما جبرئیل را روز چهارشنبه بهت و او بارد و رطب بهت و اسرافیل را روز پنجشنبه بهت و او را حار و رطب
و عزرائیل را روز سه شنبه بهت و او بارد و یابس بهت و میکائیل را روز چهارشنبه بهت و طبایع اربعه در وی ممزوجست و ایشان فرشته را چهار خاتم است
یکی مسبع یعنی لوحی نه در به و ان تعلق به جبرئیل دارد و هم خاتم مربع یعنی لوحی چهار در چهار و ان تعلق با سرافیل دارد سیم خاتم مثلث یعنی لوحی سه در سه و ان
تعلق بعزرائیل دارد و چهارم خاتم مثمن یعنی لوحی هشت در هشت و ان تعلق بمیکائیل دارد پس چون طالب داعیه کند بر حروف اسم اعظم باید که مناسب
افعال در خیر و شر و لطف و قهر و ملاحظه طبایع و اقطار ملکیه و خواتم اثبات کند چون عملی در خیرات و لطیفات خواهد بحروف چهارگانه
بدگونه را در خاتم متسع یا ثمن رقم زند و قرد مان ساعین را بیالنور بالشند و در شرف او یا بعد او بسعود و مناظره باشد و از نحوس معرف و اگر
عملی در معصیت بنمود باید مهاجر و مان و خسران و عدم اجابت متوجه بود اما اگر از برای دفع شر ظالمی و قاطع عمل کند و غرض وی خلاص و
نجات مضطر باشد باید که ابجد حروف اربعه را بنام ان ظالم بر خاتم مثلث یا مربع نقش کند و خاتم مثلث را بعد و این رقم و قتر باید که قرد رحی قیوم
متصل بزحل یا حریق و باید که در اعمال خیر کمتر بسیوهای خوش کند مثل عود و عنبر و در اعمال شر بعکس ان عمل کند و مسند روس را گرد
عابن عمل قرد بر چهار ناری بعد و معمول را از بالای آتشکده در او یزد و اگر در برج هوایی بعد از مهیب یا ح در او یزد و اگر در برج مائی یا بابک

نهد بار با چوخ نزد کسی باب در او بزند و اگر برج ترا بعد در زیر بهمانه سرای خفد و اگر در امور خیریت یاد رنسزل خفد یا بطلبد هر جا که فرا
نشر طرف اگر انزل باب بود و در زیر بهمانه خصم اگر در امور سرایت دفن کند تا مقاصد حاصل شفد و لوح مسبع و مثمن و مربع و مثلث در کتب اعداد دفق
بسیارت هر کدام را فراگیرد و بحروف چهار گانه را بطریق تکسیر بیان ارقام در آرد بزاد حاصل شفد صاحب (ملکون) بزار حروف اول و اواخر اسم اعظم
او جهت خواص و منافع بیان کرده و قرمود که اگر کسی را در عضوی از اعضا مرض بشر مثل مد یا صداع یا غیران باید که حروف اسم عربان عضو را
بگیرد و مابین او چهار رقم زند مثلا اگر برای وجع العین بگیرد حرف عین را در میان الف و ها بطریق اتصال و انفصال رقم زند اول بر نهج ا ع ا ه
ایرانه چوبم بر نهج اع ای اه اف چ پس نوشته را از خفد بیاویزد چنانچه نوشته بران عضو نزدیک بشر مرض وی فود زایل شفد و طریق
دیگر در امتزاج ان حروف اینست که هر حرفی را از حروف ان عضو بعد از الف و با رقم زند بطریق اتصالی یا انفصال اول بر نهج اصح ای اص چوبم
بر نهج اع ای اه ان اچ و هر دو امتزاج صحیح است و در ترتیب نتیجه اثر تمام دارد **فصل ع** در ذکر دعوات متبرکه که مشتمل اسم
اعظم است بنا بر قول اکابر و مرادات بوی حاصل شفد صاحب جواهر النظیم راویست که زهری رحمه الله فرموده که اند علیل که عنده ام الکتاب صفت او
است یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام و بهم

از براى اجابت دعوات مقرر است **فصل** در دعوات سبز ذكر كرده كه جامع اسم اعظم است بقول بعضى و فتح مرادات و حاجات و دافع هموم
وغموم است و در سند اول رود مذكور است كه حضرت سيد رضى الله عنه شنيد از مردى كه ميگويد اللهم انى اسئلك بانك الحمد لا اله الا انت المنان
بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام پس حضرت فرمود كه اى مرد خدا را باسم اعظم او ياد كرد و صاحب جوشن كبير در شرح اسماء دعا و جميع
كه هيچ اله حى و قيوم حى صفت تا بتو اسم اعظم را كه ستم ذكر وى ميكنند اسم منان ذو الجلال والاكرام نيز كه در اين دعا واقع شده
از اين قبيل است و هم در سند اول داود آورده كه يحيى كه از جمله ثقات اصحاب حضرت است روايت كرد از مالك و وى از عبد الله بريده
كه حضرت سيد رضى الله عنه از مردى شنيد كه ميگفت اللهم انى اسئلك بانك انت الله الذى لا اله الا انت الاحد الصمد الذى لم يلد ولم يكن له كفوا احد
الحضرت فرمود كه سوال كرد از خدا تعالى كه چون سوال كند از وى بآن عطا كند و چون دعا كند اجابت فرمايد و در حديث ديگر بروايتى ديگر ثابت
شده كه الحضرت ديدار فرمود كه سوال كرد از خداى تعالى باسم اعظم و صاحب جوشن الكبير ميگويد كه در هر دعا كه الله الصمد يا ذا الجلال
ميگويد كه بسرا راه اولياء الله است و از دلالات آيات آن كه فرموده اند كه هر كسى را كه غم و الم روى نمايد و كربى و تعبيرى بدو راه يابد و ديانا بايد كه
در شب جمعه طهارت كامل ساخته و جامه نظيف پوشيده و با هيچكس سخن نگويد تا وقتى كه نماز خفتن بگذارد و در سجده اخير از نماز وتيره بگويد
يا الله يا رحمن يا حى يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام بحق اسمك العظيم الذى اذا دعيت به اجبت و اذا سئلت به اعطيت و اذا استغيث به اغاثنى
كه تا بتحقيق اين دعا را ضرر و شر عظيم است **فصل** در ذكر دعايى كه متضمن اسماء شريفه است بقول بعض اسم اعظم و آن اين است و خواص
و آثار آن مقاتل بن حيان و ضع كرده كه هر كرا حاضر شود بايد كه بعد از فريضه بامداد پيش از آنكه از جاى خود برخيزد و با كسى سخن گويد صد بار اين دعا
بخواند البته مستجاب شود و دعا اينست بسم الله الرحمن الرحيم و احول و لا قوة الا بالله العلى العظيم يا قديم يا دايم يا فرد يا وتر يا واحد
يا احد يا صمد يا حى يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام مقاتل گفته است كه هر كسى اين دعا را به نيت خالص و اخلاص تمام بخواند و آثار ظاهر نشود
كه بر مقاتل بن حيان لعنت كند اگر زنده بيند و اگر مرده و هم از وى منقول است كه چهل سال اين اسماء كه حضرت عيسى عليه السلام بآن مرده را زنده ميكرد تا آنكه
يافتم اثنا عشر ذلعبر از محققين علماء و آن اسماء اينست يا قديم يا فرد يا وتر يا واحد يا احد يا صمد و در هر دعا كه اين هفت اسم را ذكر كند بايد كه
بفرون هر دو تغيير صاحب تيسير و ديگر كه حضرت عيسى عليه السلام احياء موتى بآن هفت اسم ميكرد يا حى يا قايم يا دايم يا فرد يا وتر يا احد يا صمد و صاحب
شمس المعارف آورده كه اين هفت اسم هفت از اسماء بزرگوار حق سبحانه و تعالى كه حضرت عيسى بآن مرده را زنده ميكرد و شيخ ابن عربى گويد كه
كبار از اين فن گفته اند كه هر كه هفت سال اسم اعظم را طلب كند و نيافتم مگر در واو اسم حى قيوم نزديكتر كه بقلم جهر نوشته بعد تا كسى ندانند
و آن اسماء مذكوره هستند اگر طالب سه روز روزه دارد و هر روز بآن اسماء را بر ورق آهوى سفيد بنويسد مشك و زعفران و گلاب بر آنرا
در ريض بيالايد و بعد از آن شربت هر شب و بر خود مرضى را زايل كرده و با هر كه اين نوشته همراه بيند چشم بر وى كار نكند و اگر خواهد كه
براى القاء محبت در دل او كتابت كند بايد كه روز دوشنبه روزه دارد پس اين اسماء را بر ورق آهو بره بنويسد و قرص كه مجرد بمنزل سعد

با دیگر حرف یا طاء خط به سعود ناظر و از کوس تمام ساقط و اگر خواهد که برای عداوت اثر اکتساب کند باید که قرد رستن الحسن بنزیا و بان و هبوط
به کوس ناظر و از سعود بالتمام ساقط تا مقصود بزود و زود حاصل شود **فصل ۹** در دعای سیار که نزد فرقه از کبار باسم اعظم دران میانست صاحب
شمس المعارف آورده کابن اسم چنین بست که هر که حافظان شود و بر قراءت آن مداومت نماید اخلاق وی مکرم شود و کرم وی زیاده شود و مهربانی وی
بر خلق زیاده شود و خلق بروی اقدام تمام نمایند و لطف بوی در مقام لطف و احسان بنزند و از وی جمله لطیفه غریبه سرزند که موجب توهم
خلق و جذب قلوب گردد و ویرا به حسب ظاهر و باطن قبول بسیار شود و در بیان این اسم بست اند اسم اعظم که چون بوی توسل جویند دعا اجابت شود
و چون سوال کنند عطا تفویض کرده و وی را اعظم اذکار بست از روی شرف و عزت بیچکس بجز این اذکار رجوع نکنند مگر انکه جمیع مکروهات و بلیات
و هموم و غموم زایل گردد از وی هر مطلوبی که خواهد بر سبیل سهولت میسر گردد و در رزق مرغوب بر او فراوان شود و هر که عادت کند که در هر نصف شب
ابیات احقاف الجوانه عجایب و غرایب عالم و بر او ظاهر شود بالتمام و مواظبت نماید بر ذکر موجب تکوین اذکار بکنوز و معادن فرو نه کرده و اطوار
عالم علوی و سفلی بر او منکشف گردد و نام اسرار غیب و رموز بدون اظهار کند و بهر عالم علوی و سفلی از ملک و جن و انس و وحش و طیر مسخر او شوند و این اسم بست
کلمات و رویت به ابیاع اسرار و غرایب اطوار نسبت داده ان ابتدا بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک باسمک الحسنی کلها الخبیئة المخزونة التی
اذا وقعت علی شیء آلها و اذا طلبت بها الحسنا ادرکت و اذا مرقت بها السبا اخترقت و کلماتک التامات التی لو ان ما فی الارض من شجرة
اقلام و البحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم یا کافی یا ولی یا معز یا غفور یا رؤف یا لطیف یا رزاق یا ودود
یا فتاح یا واسع یا کریم یا وهاب یا باسط یا ذا الطول یا معطی یا غنی یا رحمن یا رحیم یا مبین یا رقیب یا سبحان الله و الا هو الجلیل
الرحمن الرحیم اللطیف العلیم الرؤف المنعم الغفور المؤنس المجیب القریب البدیع الکریم ذو الجلال و الاکرام ذو الطول المنان
یا ارحم الراحمین **فصل ۱۰** در دعای که موسوم ست بخاتم مکرم و منزل بسیار از اهل تحقیق کاسم اعظم باز خاتم بست صاحب شمس المعارف
آورده کابن خاتم مکرم دایره ایست مشتمل بر اسما بزرگوار مکتوب بر قوایه و خواص بسیار هم بحسب تلاوت و هم بحسب کتابت اما طریق تلاوت
بدانکه جمیع امر از امور دین و دنیوی و مهمات و معضلات نبست الا انکه بواسطه خواندن این اسما ساخته و پرداخته شود پس چون خواهد که طلب
حاجت کند طهارت کامل ساخته روی بقبله آورد و چوکعت نماز کند و در حالیکه از ملوث جوارح بشر در نصف شب از روی حضور باطن خواند هر تا هم
این اسما را خواندن گیرد و باید که هیچ فکر و خواطر و خیالات در این میان مزاحم و فتوری نشود تا هزار و شصد و نود و سه بار نخواند و اگر
وقت وفا نکند صد و هشتاد بار بخواند و بعد از ان حاجت خواهد تا مقصود میسر گردد بر وجه اسهل خصوصا ان مقصود که در تحصیل علوم بشری
پس حضرت صمدی تعالی از مرات اسم اعظم که در ضمن اسما مندرج ست تجلی بروی بگشاید که بسی عجایب و غرایب مشاهده کند و امری چند
ظاهر شود که زبان از ادای ان عاجز شود و هر که این اسما را هر روز بعد از فریضه بامداد هفتاد و هفت بار و بقولی هشتاد و نه بار بخواند خیر
و برکت از حد درگذرد و اغراض بسیار از بدو و در نفس خود و او صاف عجیبه و غریبه مشاهده کند تا غایتیکه همت خود را از خلق منقطع یابد و به حق

سخن فرمان خدا بشنو واگر جبار سر و سنگ کرده بشنو این اسماء را بطریق خطاب یکبار مقبل بخواند و از ابتداء قرارت از ساعت اول روز شنبه
کند و هر روز همان عدد که اول گذشت بخواند و مجانب او ظالم نفت کند پس از انقضای اسبوع ان ظالم ماخوذ و مقهور گردد اما طریق کتابت
بدانکه هر کدام این خاتم را بر ابریشم تمام کند و مکتوب بلد رمان ختم بازو بندد خواه در سفر و خواه در حضر محروس و محفوظ بود و از
قطاع الطریق و سایر دزدان منقطع بود و اگر بر بازوی زن بندد و بیان اعداء و رابد از ضرر ایشان ایمن شود و همه پیش وی
ذلیل و حقیر شوند و اگر بر پادشاه هر جا بر قمار یا حاکم ظالم خونخواره در اید از شر غضب و سیاست وی مصون و محفوظ ماند بلکه بروی
منفور و مهر باب شود و بر سر لطف و احسان آید و کسی که بر سبیل حرام با طهارت کامله و لطافت لباس حامل این خاتم مکرم بشد بروی امور مجسمه
و احوال غریبه منکشف شود و اگر ازا بر ظرف چینی پاک بنویسد بعد روز عنبر ان گلاب و کافور و باب طهور محو سازند و مایعین ازا برای امراض
خواه امراض باطنی بشد و خواه ظاهری شفا یابد و اگر بدخوی بعد اخلاق وی نیک گردد هیبت و محبت و مهابت کسی که شارب این اب معمول بود در دلها حاصل شود و خواص بخاتم لبیار بهت و انا ران پشما ساز خوف تطویل بر انچه راقصار مینماید و صوت خاتم این است

فصل ۱۱

در ذکر دعای شریف مشتمل بر اسمای نورانی که نزد جمعی کثیر از علمای ما که

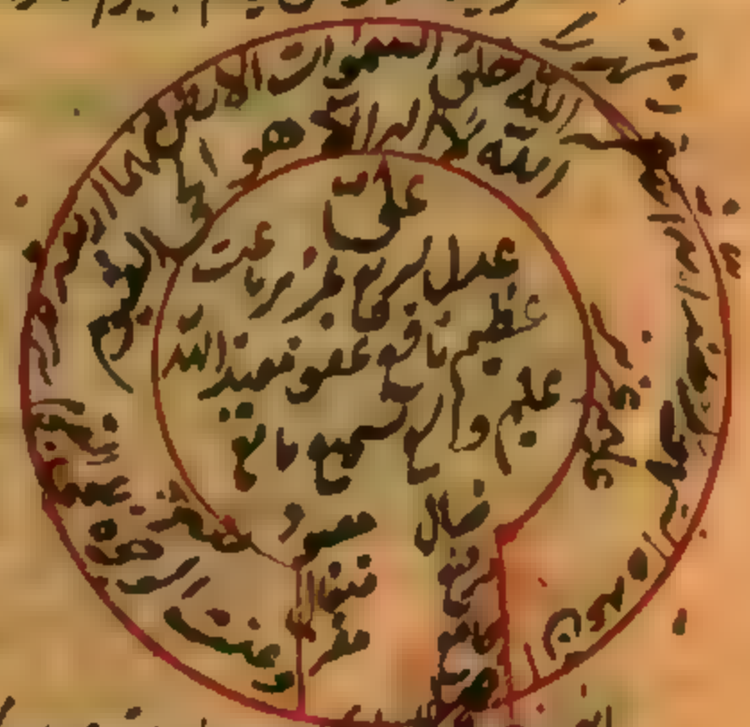

یکی از ان اسماء مرفوعست از حروف نورانی اسم اعظم صاحب السیف آورده و در کتاب خود از کتابی
که بیان فضل اسماء الله کرده که تعلق بحروف ثمانیه و عشرین دارد و در اخر ان مجلد فرموده
که مختار را از این اسماء دعا کردنست بان اسم حسن الله که در اوایل اب نور انی بهست
و ان حروف عبارتند از حروف مقطعات اوایل سور قرانیست که بعد از حذف مکررات چهارده
حرف میشود چنانچه در فصل اول از باب سیم از مقاله حروم که مشتمل بر خواص و وفق ایراد یافته
و بدانجا جمعی کثیر از اکابر سادات صحابه کرام و اولاد ائمه حضرت شاه ولایت مرتضوی دستگاه جناب مقدس علی مرتضی علیه التحیه والثنا
و دیگر عبد الله بن عباس و عبد الله بن سلام نیز فرموده اند که ان اسما بزرگوار تر است از قبیل اسم اعظم بهت انیستم بسم الله الرحمن الرحیم
یا الله یا احد یا اول یا اخی یا لطیف یا مالک یوم الدین یا مالک الملک یا ملک الملک یحیی یا میت یا صمد یا رب یا رب یا رب یا رحمن
یا رحیم یا کریم یا حی یا من کان من قبل الملائکة و الانس و الجان یا من هو کائن بعد فناء خلقه یا علی یا عظیم یا حفیظ یا طالب یا طاهر یا سمیع
یا سبوح یا حی یا قیوم یا من به قوام السموات و الارض و نور السموات و الارض و ما فیهما و ما بینهما و ما تحتهما یا ناصح یا نصیر اسئلک الهدی و التقی و العفاف
و الغنی و اسئلک الیقین و العافیه و اسئلک رزقا واسعا و علما نافعا و عملا بارا و الحاقا بعبادک الصالحین و اسئلک ان تصلی علی
سیدنا محمد نبیک و رسولک و علی سیدنا ابرهیم خلیلک و ان تسلم علیهما و علی الهما و علی الانبیاء و المرسلین و الشهداء و الصالحین و ان
تعطینی سؤلی من خیر الدنیا و الاخرة ما تعلم انک و انت علی کل شیء قدیر و جمیع المسلمین و المسلمات انک سمیع الدعوات و قضاء الحاجات برکات دیگر از این اسما

جمیع مقاصد صوری و معنوی و مرادات دنیوی و اخروی میسر میشود و فقیر که اسرار الکلام را بپیوند عمل نماید و الله الموفق **فصل ۱۲** در ذکر دعای
شامل جامع که حاوی جمیع اسماء اعظم است که در حصول این باب بسمت ایراد یافته شرط صدق ملکات دعای که مراد ان ضرور است پوشیده نماند
که این دعا بیست و پنج اسم است که علماء دین و کبار متحققین علی اختلاف مذاهبهم انرا اسم اعظم گفته اند و هریک بر قول خود دلایل و شواهد
اقامت کرده اند ما بعضی دیگر از اسماء فقرات که در الجامع مرات و اجابت دعوات انرا مدخل تمام است و هر حاضر و مستعرض که در دعوات سابقه
مذکور شده اینده عای شریف که در عنایت فرصت و فقاست بهت شامل و جامع است بلکه از جهت خاصیه و شمول اسماء عظام با ضعاف مضاعفه
فواید و عواید این زیاده از مجموع ان دعوات و بهدیت از ضرر و شر و نفع و ضرر که انرا اسرار الکلام مقرات گفته اند و کلمات و کر که صدور و اشارات
مقصود بروجه احسن میسر گردد اگر اینده عا را که اشرف دعوات است اسرار الکلام بر رقم زنند با وجود فقرات بجمل ان قیام نمایند با اظهار تمام و لطافت
لباس و حصول نتیجه بالغ و داخل شوند و انا رجیه و خواص صبیه در اقل اوقات و اسرع ساعات مترتب گردد چون فواید و منافع اینده عای بزرگوار زیاده
از انست که در حیز تحریر و حیطه تقریر گنجد لزوم به تفصیل اقدام منفعت و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن
و هو بکل شیء علیم هو الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انی اسئلک بان لک الحمد لا اله الا انت یا حنان یا منان
یا بدیع السموات و الارض یا ذا الطول و الاکرام اللهم انی اشهد انک انت الله الواحد الاحد الصمد الفرد الوتر الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
یا قدیم الاحسان یا دایم المعروف یا نور السموات و الارض نورها کلما یا دیان الدین یا رب العالمین و الهها و الله کل شیء و الهها و احدها لا اله الا انت سبحانک انی کنت
من الظالمین ربنا ربنا ربنا اتنا فی الدنیا حسنة و فی الاخرة حسنة و هبلنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب و اغفرلنا بغفرة من عندک و ارحمنا
انک انت الغفور الرحیم و اعوذ به برحمتک یا مغیث اغثنی یحق الم الص الر المر کهیعص حم عسق ق ن یا دفیع الدعوات
یا مجیب الدعوات یا سمیع الدعایا یا رب العالمین یا خیر الناصرین یا ارحم الراحمین یا قریب یا لطیف انت حسبی و نعم الوکیل **مقالم عم** در خواص ایات
قرانی مشتمل بر پنج باب **باب ۱** در قبول نظر سلاطین و حکام و امانت ای و اصفاد غضب ظالمان و ایمن از جمله افات و حصول جاه و رفعت
و حشمت و قبول قلوب خاص و عام و تسخیر نفوس کافه انام مشتمل بر دوازده فصل **فصل ۱** در قبول نظر سلاطین و حکام و نفاذ حکم نزد ایشان
فصل ۲ در امانت رانی نزد سلاطین و ظلمه قتلان **فصل ۳** در اطفاء غضب سلاطین و حکام ظالم و تسکین خشم خصم
غیر خود **فصل ۴** در دفع خوف از سلاطین و ظلمه **فصل ۵** در کفایت شر ظالمان و خلاص محبوسان و ایمن از زبان بدگویان
فصل ۶ در ایمن و سلامتی از جمیع افات و فی افات **فصل ۷** در رفعت شان و حصول جاه و حولت و نصب معزولان **فصل ۸**
در تحصیل محبت و مهابت در نظر خلق و غلبه اعادی **فصل ۹** در قبول قلوب و اطاعت خواص و عوام **فصل ۱۰** در القای محبت و مودت در قلوب خلق
فصل ۱۱ در تسخیر نفوس خلق و تالیف قلوب ایشان **فصل ۱۲** در تسخیر مرغ و ماهی و غیران و تسهیل صید ایشان **فصل ۱**
در قبول نظر سلاطین و حکام و نفاذ قبول نزد ایشان شیخ محمد بن ابراهیم تمیمی در کتاب جواهر القرآن آورده که هر که با سیدی و حاجتی نزد پادشاهان

با یه که طهارت کامل بجای اورد جامه پاک در پوشد و رکعت نماز بگذارد و بعد از انکه سلام داد و ما نماز تلاوت این ایه کند قل رب ادخلنی مدخل صدق
و اخرجنی مخرج صدق الی قوله نصیرا زهوتا در سوره اسری بخواند لا نقطع تا وقتی که سطر پادشاه و ایه چون چشم پادشاه بروی افتد و پیاده شود
و هر حاجتی که داشته بیرد بجا حسن برآید و باکرام و انعام تمام و بر الخصوص کرداند و هم در خواص وی مذکور است که هر کرا ایه الذین قال لهم الناس
ان الناس الی قوله ذو الفضل العظیم از سوره ال عمران بر رقعه پاک نویسد و در زیر نگین انگشتری بندد و بر طهارت کامل بر نظر پادشاه رود هر

فصل ۲

حاجتی که داشته بیرد روا کند و هر سخنی که گوید قبول نماید و اگر بروی خشمناک بود مشفق و مهربان کرداند باذن الله تعالی
در اصابت رای نزد سلاطین و طلاقت لسان در خواص این تمیمه اورده که هر کرا ایت و کذلک نری ابراهیم را الی قوله تعالی المسومین از سوره انعام بکلک
و زعفران و کلاب بر ظرف خیر بنویسد و باب صاف عذب که از نهر عظیم اورده بشوید آنرا بخواهد ساخته بیاشامد رای تدبیر وی در ملازمت سلاطین و ارباب
اقتدار بیفزاید و هیچ امری از امور ملکی خطا نکند و در ورطه غلط نیفتد و اگر همین ایه را بگلاب و زعفران بر انار خیر بنویسد و نوشته را بعد صاف کردن
و قدری سرمه اصفهانی با آن آمیخته صلایه کند هر گاه خواهد نزد پادشاه یا عالم رود قدری از آن سرمه در چشم کند محبوب قلوب یاران شود و بهجت و سرور
در دل وی بیفزاید و همه را بر وی مایل شود و سخن وی نزد هیچ کس رد نیابد و کسی را مجال مخالفت وی نباشد و اگر کسی خواهد که بر کتب و دلیل بر خصم غلبه کند
و بتوه فصاحت و طلاقت لسان و بر اغلب گردد همین ایه را بر زعفران بنویسد بر انار پاک و باب که انبوه در وی جوشانیده باشند و بر اغلب
کرداند همین ایه را بر زعفران بنویسد بر انار پاک از درخت سانده در ساعتی از روز چهارشنبه در سه هفته پیاپی اشتغال بجای اورد فصاحت و طلاقت

فصل ۳

لسان وی نزد سلاطین و ارباب اعتبار بیفزاید و کسی بزبان آوری او و بلیغ نباشد در اطفاء غضب سلاطین و حکام و تسکین
خشم خود و غیر خود در خواص این تمیمه اورده که هر کرا ایت الذین ینفقون فی السراء و الضراء الی قوله رب العالمین در سوره ال عمران در شب جمعه بعد از نماز
خفتن بر کاغذ پاک بنویسد و با خود نگاه دارد تا صبح نشود بعد از آن بر پادشاه متغضب یا حاکم قاهر رود و ایه چون چشم ایشان بروی افتد غضب
و سرفرو نشیند و مشفق و مهربان گردد و آثار عنایت و محبت از وی ظاهر و پدید آید و هم در خواص وی مذکور است که هر کرا ایه لا یحب الله الجهر بالسوء الی قوله تعالی
قدیرا از سوره نساء بر طهارت کامل کتابت کند و جامه پاک خوشبوی پوشیده آن مکتوب را با خود نگاه دارد یا بعد از آن بر پادشاه متغضب یا حاکم قاهر
و رایره چون چشم پادشاه و حاکم بروی افتد آتش غضب ایشان فرو نشیند و مشفق و مهربان گردند یا آنکه بار عایا داعیه ظلم و تعدی و قتل در سر پیدا کنند
یا به که ایه تم قست قلوبکم الی قوله تعالی تعملون در سوره البقره بر کاغذ پاک نویسد و نام پادشاه و ما در وی را بر آن کاغذ رقم زند و بر قله کوهی
که در آن دیار از آن بلند تر کوهی نباشد دفن کند غضب پادشاه فرو نشیند و از آن تغیر طوعا و تعدی بر خلق کره و ترک ظلم و پیدا کند و حال
وی بصلاح آید و صاحب حل العظیم اورده که هر کرا ایه سبحان الله و تعالی عما یشرکون الی قوله تعالی ترجمون از سوره قصص بهفت پاره کاغذ پاک
کند و بر پادشاه و حاکم دراید در حال از غضب وی ترسان همچو سپند بر آتش بیرون آید و الله غالب علی امره و هذان تمت عامل را از شر و زیان نگاه دارد
و والله اعلم و فائز و الحمد علیه الهم استماع و الله اعلم از بعضی اکابر نقل کرده که هر که بر پادشاه قهار و حاکم ظالم در ایه و از قهر و غضب وی خاید

یا از همه دیگر خوفی و غمی داشته بیش یازده بار بگوید یا مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین و از آن پادشاه ظالم و حاکم قهار هیچ اندیشه بخود راه ندهد و از آن ترس و بیم که داشته بیرون آید و مطمئن گردد و اگر در سفر قافله دزدان سبق بروی سر راه گیرد چون بعد دهم ذکور بخواند دزدان از سر راه برخیزد و سلامت بگذرد و مجرب است که این بیت بکرات و مرات بتجربه رسیده و بصحت پیوسته و در کتاب بحر السطیم آورده که هر که خواهد خصم نفس خود یا غیر خود فرو نشاند پس باید که آن شخص را از خود احساس کند باید که اگر ایستاده بیش به نشیند و اگر نشسته بیش برخیزد و به تلاوت آید ایه ولله ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم از سوره انعام تا دمان نماید آن شخص زایل گردد و خصم در دفع خوف از سلاطین و ظلم صاحب بحر السطیم فرموده که چون کسی در نصف شب بیدار شود و بقول این فقیر شب شنبه طهارت کامل کند و لباس لطیف بپوشد و ایه از سمت ظالمین را الی قوله تعالی العزیز الحکیم از سوره آل عمران کتابت کند و آن کتابت را نزد خود نهاده بعد از آنکه فریضه بامداد ادا کند بر جای نماز بنشیند و تا وقت اشراق به تسبیح و ذکر مشغول باشد و چون آفتاب بلند شود دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از فاتحه آیه الکرسی بخواند و در رکعت دوم بعد از فاتحه آیه آمن الرسول تا آخر سوره بخواند پس صد بار استغفار کند و بگوید حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم آنگاه بخوابد و صبح کند و آن نوشته را بر بازوی راست ببندد و پیش پادشاه جبار و حاکم قهار و ظالم غدار و خوف و رعب آن در دل وی زایل گردد و در کتاب سر الآیات آورده که مردی نزد عبد الله بن عباس آمد و گفت من از بیداد شاه زمان در رنج و بیم و اندوهم و از ملازمت او بجان آمده ام مرا چیزی در آموز تا از غضب و ستم او ایمن باشم فرمود که بر این کلمات قرآنی مداومت نمای به تخصیص و قتی که سوی ملازمت او روی باشد و آن کلمات کرامت آیات اینست احول ما قوتنا الا بالله العلی العظیم الذی سلیمان و اند لسم الله الرحمن الرحیم لم تعلوا علی و اتونی مسلمین و در کتاب بحر السطیم آورده که چون کسی از جبار ظالم ترسان بود بر تلاوت ایه و لما فتح ما ملین الی قوله تعالم الظالمین از سوره قصص مداومت نماید از غضب او در پناه آید و از شر وی محفوظ ماند **فصل ۵** در کتابت سر ظالمان و خلاصی محبوسان و امیر ازدست و زبان بدگویان صاحب بحر السطیم آورده که جهت دفع شر ظالمان ایه سبحان الله و تعالی عما یشرکون را تقریر کرده چنانچه در فصل سیم گذشت و محتاج تکرار نیست و هم در کتاب بحر السطیم در خواص آن تصریح مذکور است که چون مکتوب در زندان خورد و آن را شسته و وی رد ظلوم بدو باید که ایه فلما دخلوا علی یوسف الی قوله تعالم العلیم الحکیم از سوره یوسف کتابت کند بر ابریق مقور و بر بازوی راست ببندد و در تلاوت این آیات نیز مداومت کند بزودی از آن بند و قید رهایی یابد و قدوة العلما امیر حسین پندی در شرح دیوان حضرت مقدس مرتضوی علیه السلام آنجا که ترجمه این مکتوب است بدان اما لهب و تب بدان اما لهب و منجنیق نبت الحرب حالة الحطب آورده که در تفسیر نظام الدین از اسماء نبت عمیس روایت کرده که چون سوره تبت یدا ابی لهب نازل شد منجنیق زوجه ابی لهب که او را ام جمیل میگفتند در قرآن بحالة الحطب ملقب شده بمسجد الحرام آمد و سنگی در دست و تهمت و حضرت پیغمبر صلعم با یکی از کبار صحابه در مسجد نشسته بود و میگفت مذ ما قلبانی و دینه هیب و حکمه عصیانی ابوبکر صحابه حضرت را گفت قد اقبلت الیک و الحضرت گفت تنها لا ترانی و ایه و اذا قرات القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالاخرة حجابا مستورا از سوره اسری بخواند

وازنظرام جبل پوشیده ماند ستام جبل امد و به بزرگ صحابه کنت قد ذکرنا از صاحب عجائی و وی گفت از وب الکعبه فلجاک و بعد گفتند از ضد ابجواو کرده بحضرت سفیر صد و بعضی گویند اعتماد نهت که قرآنرا بجو خواند و الان نقل معلوم شد که هر که بوقت حاجة بران ایه مداومت نماید از نظر دشمنان و بدگویان مستور ماند و از سم و حیات ان محفوظ ماند **حضرع** و از بیم و سلامتی از جمیع آفات و مخافات در کتاب صور العظیم او رده که هر که مداومت کند بدایه الله الذی خلق السموات والارض الی قوله فلا یومنون کفایت از سوره ابراهیم هر صباح و مساو در وقت خواب و دخول بر اهل و عیال و جیران خود از همه حوادث زمان در امان بود و در سفر و حضر مال و منال و زرع و دواب وی محروس و محفوظ ماند از انچه ترسان و هراسان بود خدای تعالی سرا و را کفایت کند و خیر و برکت و سعادت دو جهان روزی گرداند و حاجت تمام روا نماید و هم در ان کتاب اورده که هر که ترسان بود از چیزی که ادمی از ان حذر کند باید در وقت خواب کردن بیدار شدن مداومت کند بر تلاوت این ایه که انی توکلت علی الله ربی و ربکم ما من دابة الی قوله تعالی حفیظ از سوره هود حق سبحانه و تعالی از جمله بلیات و آفات و بیرا نگاه دارد و هیچ ضرر و زیان از هیچ حیوانی نرسد و هم در ان کتاب است که در صباح و مساهنت بار بار ایه ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض را از سوره انعام قرائت کند و بر کف دست خود نفث کند بر هر اعضا که دارد از جمیع بلیات و اوجاع مامون و محفوظ گردد **حضرع** ۷ در رفعت و شان و حصول جاه و دولت و نصب عزولان در کتاب صور العظیم اورده که هر که خواهد که شان وی رفیع شود و مکان وی عالی گردد و نزد سلاطین و حکام و خواص و عوام قبول تمام پیدا کند باید که ایه و ذکرنا الکتاب ادریس الی قوله تعالی مکانا علیا از سوره مریم کتابت کند بر قطعه حریر زرد بزعفران که انرا قبل تحصیل حاصل کرده بشند و بعد از اتمام کتابت صوم دائم الصمت بیان خیر کرده بندقها سانده بعد از تجفیف ان تبخیر کند و بعد از انکه مکتوب برابر بخود داشته بلزم در هم بچسبد و با خود نگاه دارد ان الله مقصود حاصل شود و دولتها روی نماید و هم صاحب العظیم اورده که چون کسی از منصب خود معزول شود خواهد که باز بمحل خود رود باید که روز پنجشنبه وجه از اول ماه روزه دارد پس در شب جمعه سوره یوسف را وقت که در فراش میرود بخواند و روز جمعه نیز بعد الصلوتین تلاوت کند پس ایه و قال الملک ائتونی به را الی قوله تعالی الحسنین از ان سوزه با شرایط کتابت بنویسد و چون افطار کند دیگر باره سوره را قرائت کند و چون غبر شود رایه با نگوانصد بار لا اله الا الله و صد بار الله اکبر و صد بار سبحان الله و صد بار استغفر الله و صد بار صلوات فرستد پس ان نوشته را در زیر بالین نهاده خواب کند چون صبح شود به نیت صادق و عزیمت صحیح کند که هرگز بر کسی ظلم و تعدی روا ندارد و از حق تجاوز نکند و بباطل رضا ندهد و از اعانت ظالمان اجتناب کند و بر امداد مظلومان اقدام نماید پس نماز صبح ادا کند و ان نوشته را بر در سرای خود جای بلند بیاویزد و بزود در زیر سر عمل اید و صاحب تقرب و شود **حضرع** ۸ در تحصیل هیبت و مهابت در نظر اعدا صاحب العظم اورده که هر که ایه فالق الاصباح را الی قوله تعالی مبلوده از سوره انعام بر نگین عقیق حاتم لاجورد نقش کند در ساعت سیم از روز پنجشنبه و ان خاتم را در انگشت کند هیبت و مهابت وی در دل خلایق بسیار شود و مقبول قلوب گردد و در نظر خلق عزیز و مکرم شود و حاجات وی بزود روا گردد و هم وی فرموده که هر که ایه یرید و ده لیطفئوا نور الله با فواههم الی قوله

للی مذنب از سوره هفت کتابت کند بر حریر سفید بمشک و زعفران و آب گل نسرین معطر کند و انرا در روی چراغی روغن بهی و دود بهر کران بهرا بهی
تا بپوشد مهابت وی در دلها پیدا شود و هیبت قبول و طاعت خلق و نصرت برامدا حاصل کرده و بر دشمنان غالب شود و هم وی فرمود که هر که جامه را پوشد
که در او این هفت اسم مبارک الی قوله المجذابین کتابت کرده بتن و تبر انطبق و بر اهیبت و قبول روزی شود و بر هر که در این از بیم شاه و عالم و
غیر آن بیمی مقرر و مکرم گردد و حاجات از آن بی سهولت روا شود **فصل ۹** در قبول قلوب و طاعت خاص و عام صاحب العظیم او آورده
که هر که خواهد که مقبول و مطاع بتی نزد اکابر و اصاغر باشد کاین ولقد جعلنا فی السماء بروجا و زینا ها للناظرین و حفظناها من کل شیطان
رجیم را از سوره حجر بر نگین نقش کند یا بر ورق پاک نویسد و اگر ورق با بود بعد معبر و بر کجور لایق دهنه بتی ما خذ نگاه دارد هر جا را الخود
مایل و متوجه یابد و سخن وی هر جا مقبول و مسموع بود و هر طلبی مطیع و فرمان بردار وی شوند و هم وی فرمود که هر که این لطفوا
نور الله الی قوله تعالی مع المتقین از سوره توبه کتابت کند بر جام نوز جاجی با زعفران پس بعود عبر بخور کند پس این را با روغن خیری خالص
سا نوده در شیشه سبز نگاه دارد و چون نزدیک بکی از اکابر برود از ان روغن مقدار در پیش او خود مالد و بر افسون تمام در نظران بزرگ
و سایر مردمان پیدا شود و نور جاه در وی در میان خلق زیاده کرده باذن الله تعالی **فصل ۱۰** در القای محبت و محبوب خلق از
خواص این نمی آورده که هر که این واعتصموا بحبل الله جمیعا الی قوله تعالی المفلحون از سوره ال عمران بر ورق نو بنویسد روز چهارشنبه وقتی که قمر
در کمال فورانیت بتی بمشک و گلاب و زعفران نام خود و مادر خود را اول و آخر این رقم زند و بر کجور لایقه و بعد در هم بپیچد و جایی پاکیزه مخفوظ
گرداند و اگر حامل این شخص شرط طهارت بدن و نظافت لباس هم شایسته همه دلها متوجه او گردد و بر اهر شکیر نرود و نشاط شود و در کتاب
سر الایات مذکور است که مردی از ابن عباس دعای طلبید که موجب جذب قلوب و توجه نفوس بتی فرمود و کتابت این آیه و القیت علیک محبة
منی الی قوله تعالی صنعا از سوره طه مداومت نماید و صاحب العظیم او آورده که هر که این واعتصموا بحبل الله که در اول فصل گذشت با سفرصاد بنویسد
و در آخر این رقم زند که یا مقلب القلوب الف بین قلوبنا و قلوب الذین تابوا و اتبعوا سبیلک پس این نوشته را بر معمول بنده اگر دشمن
غضبان بود محب و مهربان گردد و اگر از جمله دوستان بود محبت و چندان تعصب اگر این نوشته را و اعطی ما فیها بهم بتی در ما خذ نگاه دارد قول
وی در دلها اثر کند و در بعضی کتب خواص نوشته اند که اگر کسی این قال من یحیی العظام و هی رمیم تا یوقنون از سوره یس بر هفت قطعه نمک خواند
و بر هر قطعه یکبار نفث کند و هر بار بعد از قرات این بگوید باسم فلان بن فلان پس یکیک را در آتش اندازد و معمول بر در محبت عامل بیقرار
و ارام نشود و در بعضی از رسایل این فایده اورده اند که اگر کسی بام شخص و مادر شخص این ولقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم
بالمومنین رئوف رحیم از سوره توبه بر پنجه دجاج که و یرا تبک گسسته نبشند بنویسد و در ظرف نهفته در زیر آتش او فرو کند چنانچه حرارت
آتش بوی بر سد شخص در محبت عیال به اضطراب و بیقراری گردد که تا خود را عیال نرساند ارام نیابد و در بعضی ملاحظه ساعات
و نظرات تابیر کرده و در رعایت شرایط کتابت کما ینبغی بکار باید او نه تا شیخ نجوم بر هم اتم نظر دارد **فصل ۱۱** در تسخیر نفوس خلق و تالیف قلوب الناس

صاحب

صاحب جد السطیم او هم که هر که خاتم سازد از نقره و نقش کند آفتاب در برج اسد بنویسد و این آیه والهکم الٰه واحد لا الٰه الا هو الرحمٰن الرحیم از سوره بقره
بر انگشتی کند و بر خود ان مداومت نماید همه ظالمان مطیع و مسخر و منقاد وی شوند و هیچ کس بر وی غالب نیاید و هم در فرموده که هر که این
و آن بر بیدوا ان بخدعوک حسبک الله الی قوله تعالی عزیز حکیم را بالتمام در روز جمعه اول ماه رمضان میان ظهر و عصر بر طهارت کامل
کتابت کند و بر خرقه صوف یا حریری که رنگ او سبز باشد یا زرد یا سرخ یا سبز و از ان خرقه طاقیه سازد و در ایام نوروز های پاکیزه می
فاید تا بوقت حاجت پس هر گاه که بخواهد که پیش پادشاه اعاظم و اکابر رود این طاقیه را بر سر نهد مسخر و منقاد وی شود و محبوب و تابع گردد
و هیبت و مهابت وی بر دلها غلبه کند و خاطر الجانب وی مجذوب گردد

فصل ۱۲ در تسخیر مرغ و ماهی و غیران و تسهیل صید ایشان

در خواص این تعویذ آورده که از چوب زیتون لوحی سازد و از نحاس احمر لوحی و از عظم کتف لوحی و چون بعد از عظم تعویذ را آغاز در روز سه شنبه کند
و جام پاک پوشد بر طهارت کامل بنشیند بر یک روی لوح زیتون این آیه یا ایها الذین امنوا لیبلونکم الله الی قوله تعالی علیکم از سوره مائده نقش کند
و بر روی دیگر لوح این آیه والطیر محشورة کل له اواب از سوره ص و بر یکروی نحاس نیز این آیات را نقش کند و بر یکروی دیگر ان لوح نقش کند
احل لکم صید البحر الی قوله تحشرون از سوره مائده که بر لوح عظم همان آیه اول نقش کند و بر یکروی دیگر ان مع العسر یسرا از سوره الم نشرح
بعدد بار بنویسد پس لوح چوب زیتون از برای صید مرغان هستجون صیاد خواهد که بصید پرون رود لوح را از کردن خود بیاویزد و لوح
نحاس از برای صید ماهی است صیاد باید که بوقت شغل از ان نکند بلکه بر لوح عظم از برای صید وحوش صحرا بیت صیاد باید که بوقت صید
این را از کردن خود بیاویزد و باید هر لوحی از ان الواح ثلثه در مدت یکماه ساخته و پرداخته کرده که مجموع در مدت سه ماه متوالیا تمام شود زیرا که
از یک وقوف بلا در حصول نتیجه مدخل عظیم هست و هم در خواص این تعویذ هست که هر که قطعه از رصاص که در سفره ام صیادان سر بسته کرده و
از ان لوح نیک سازد و فکر کند در منزلی موخر بنزل از منازل بیت و هشتگانه فلک البروج و این آیه وسخر لکم را الی قوله تعالی تشکرون از سوره ابراهیم
بر ان نقش کند و در ریم سجد بر شبکه نهد و هر گاه که ان شبکه را بدریا فرو کند از وماهی و حیوانات دریای فراوان بر ان شبکه در آید و از وما
کنجایش آن را بسهولت تواند گرفت و اگر کسی این آیه بر چوب نقش کند و بر دام صیاد مرغان بندد و مرغ بسیاری اختیار بدام آید باذن الله

باب ۳ در تحصیل فتح و نصرت بر معاندان و تفریق فاسقان و تخریب بیوت ظالمان و دفع موذیات و اطفای سیل حرارت

و ان مشتمل است بر دو انواع فصل

فصل ۱ در تحصیل فتح و ظفر بر دشمن — فصل ۲ در القای خوف و رعب در قلوب دشمنان
و هزیمت ایشان — فصل ۳ در هلاک اعداء و نکبت ایشان — فصل ۴ در نکبت و خواری اعداء و فساد حال ایشان
فصل ۵ در تبلید ذهن عدو و تشویش بر جمعیت وی — فصل ۶ در تفریق اسرار و فساد امر ظلم — فصل ۷
در فساد حال ظالمان و تفریق و تخریب ایشان — فصل ۸ در تخریب بیوت و منازل قلعه و خانه — فصل ۹ در ملک دشمنان
در بند و زندان — فصل ۱۰ در دفع و طرد موذیات از جن و انس و حیوانات السموم و غیر ایشان — فصل ۱۱ در دفع هوا و بخارها

وجشم بد **فصل ۱۲** در الطاف سحر ساحران و تضیع اعمال ایشان **فصل ۱** در تحصیل فتح و ظفر بر هر نشر صاحب کتاب الشتیم اورده
که ابو حامد محمد غزالی نقل کرده که در قرآن العظیم چهار آیتست در چهار سوره بزرگ که در هر ایتی ده قاف و انرا یاسر و کویند و عجایب
از ظفر و قهرتست بر اعداد القاء رعب در قلوب ایشان چون انرا بر علم لشکر نویسند در هر سیاه که ان علم را نصب کنند فتح و ظفر از جانب خود و اکر
کسی این ایات را بنویسد و در سرد سیار نهد و بر پادشاه جبور و حاکم منزور در ایه با لجشم قوی ملاقات کند هیبت و مهابت وی بر دل ان
استیلا یابد و دشمن زبون شود ایه اول از سوره البقره ات تا قوله تعالی الم تر الی الملا من بنی اسرائیل و ایه چهارم از سوره ال عمران قوله تعالی
لقد سمع الله قول الذین و ایه سوره نسا قوله تعالی الم تر الی الذین قیل لهم کفوا و ایه چهارم در سوره مایده قوله واتل علیهم نبا بنی ادم بالحق
و بعضی کفته اند که یک ایه دیکر بران باید افزود از سوره رعد قوله تعالی قل من رب السموات والارض الی قوله تعالی القهار و چون سپاه سالار
این ایات بر شقه علم نویسد باید که لخت هر قافی که در ضمن کلمات است علیحده بکاغذ بنویسد و در لخت الحرف بر قم هندی عدد رصد نیز رقم
زند بر صفحه قاف زیرا که الحروف ارقام و حصول مقصد و مرام دخل تمام دارد و در خواص این نمی اورده که اکر کسی ایه ان یغلبوکم از قوله
تعالی از سوره ال عمران بر قطعه شمیز نقش کند یا بر سنان نیزه یا بر شمشیر در روز دوشنبه و بعضی کویند در ساعت هفتم روز یکشنبه و نقش و رقت
نقش کردن صایم و طاهر البدن و نظیف اللباس بشرط بر که با ان آلت روی بجرب دشمن آورد غالب کردد و شکست بر خصم افتد و هم این نمی کفته
که هر کرا به اول ایات قاف را الی قوله تعالی جاعلها در ساعت اول از روز یکشنبه با ساعت هشتم بر قطعه کاغذ اصفر مدور نقش کند و فرکه محرز اید النور بیند
و ان قطعه را در میان سر تعبیه کند و قصد کار به ان سر و قایه بیند و از همه افات و اصفه صحیح السالم به بوی رسد و هم وی کوید که چون کسی ایه و ما جعلناه
الا بشری لکم الی قوله تعالی حکیم از سوره انفال در بیست و هشتم ماه رمضان المبارک بمشک و زعفران و کلاب بنویسد و در زیر نکین خاتم نهد هر کاه
خاتم را در میان محاربه در انکشت کند از همه افات حرب ایمن بود و هر اعدا خطر و نصور نشود و صاحب خاتم همیشه منتهی و مسرور بود **فصل ۲**
در القای خوف و رعب قلوب دشمنان و هزیمتیان در کتاب شمس المعارف آورده که اکر خواهی که لشکری را شکسته بکریخته خاکی از میان
میان محاربه و این ایات بر ورخوان که بسیار مجرب و موقف الاجابه قوله تعالی اذهبا مرا از سوره طه و ان شئت خاکی بطرف دشمنان
بریز و اکر دران محل باد بطرف دشمن نزود بنابت مناسبت و در حین خاک پاشیدن کجانب دشمن بکوی شاهت الوجوه ان لشکر بفرمان خدای تعالی بکشند
و رعب بر ایشان کاشته شود که یکی نایستد و تمام فرار نمایند و در کتاب روضة الاحباب اورده که بروایت صحیح وارد شده که چون در غزوه
حنین اول شکست بر لشکر اسلام افتاد حضرت پیغمبر صلعم با معدود چند بماند و لشکر هوازن و ثقیف متوجه حرب کشتند کویند آنحضرت سنکریزها
از اسمان فرود آمده و شت خاکی بر کرفت و بر طرف دشمنان پاشید و کفت شاهت الوجوه و بعد ازان سوار نشدند هیچ نماند از هوازن و ثقیف الا که
چشم و دهان ایشان پر سنکریزه و خاک و جلکی یکبار روی بفرار نهادند و روایتی دیکر انکه سوار نبودند مشت خاکی و سنکریزه از شاه ولایت
پناه حضرت مرتضی علیه السلام طلبیده و بجانب دشمنان انداخت و خبر صدق که از مواقف حرب محمد و در بعضی روایات آمده که ان مشت سنکریزه از عباس طلبیده

روایتی

و روایتی این را خواند که اللهم لك الحمد و الیك المشتکی و انت المستعان و جبرئیل هم با حضرت کفتار محمد ملقن کردند تا کلمات که بموسی علیه السلام ملقن کرده بود در روز که دریای نیل برای بنی اسرائیل شکافته شد و قرآن مجید بعد ازان امر بر نهج دیگر واقع شده که و ما رمیت اذ رمیت لکن الله رمی الایه پس اگر صاحب تسخیر برای دفع دشمن توسل جوید باقوال و افعال حضرت پیغمبر صلعم و به سبب الحضرت عمل کند هر آینه فتح و نصرت بیابد ببرکت متابعت الحضرت و در خواص این تسخیر مذکور است که چون کسی وقت مقابله و مقاتله دشمن التسخیر و التجلات کوید الله الغالب الله القاهر الملك الکل جبار عنید قاصم الجبابرة کان به الحول و القوة پس این ایه را خواند که ان کانت الا صیحة واحدة فاذا هم خامدون از سوره یس چنان رعبی بر دل دشمن غلبه کند که بی اختیار فرار کرده روی بهزیمت نهند. **فصل ۳** در اهلاک عدو و تعکیس امر ایشان صاحب جواهر السطیم اورده که چون کسی خواهد که دشمن ظالم را هلاک سازد و حوله ای بنکبت مبدل کند باید که بیست و هشتم هر ماه روزه گیرد و آن روز شنبه نباشد پس شب آن چون هلال اظهار کند و در نصف شب که غایت ظلمت و تاریکی بود پیام سرای خود برابر تنها بی محبس لها باب و سقف روشن کند و ایه الذین لم یستجیبوا الی قوله تعالی للهادا رسوره رعد و ایه والذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه الی قوله تعالی سوء الدار زهمایی سوره هفتاد بار تلاوت کند بسر لطیف پس بکوید که اللهم علیك بفلان بن فلان اللهم اعکس امره و اخذل نصره و اشغله بما ذللت به کل جبار عنید حسبی الله و کفی ان دشمن لا تعزق حال و مخذول و منکوب سازد و بر هلاک مشرف کرداند و هم وی فرموده که چون کسی هلاک دشمن اراده کند و خواهد که امر وی منعکس کردد و حال وی بغایت اجامد باید که از درخت عناب یکرد هفت برک بر نویسد که هر روز پیش از طلوع آفتاب یکیرک بکند ابتدا روز شنبه طرح کند و بر پشت و روی ان برکها بنویسد از انکه خشک شود ایه ثم اختلف الذین کفروا الی کیف کان را الی قوله تعالی بذات الصدور از سوره فاطر بنویسد و برکها را در سایه خشک سازد چنانچه اصلا شعاع آفتاب بر وی نیفتد و بعد از خشک شدن مجموع انرا بکوبد و در وقت کوفتن بکوید باسم فلان بن فلان پس از مدقوق مقدار یك درمنزل دشمن بپاشد مقصود بر وفور حاصل شود و در خواص این تسخیر آورده که بکیرد از پیرامن در و نی دشمن رقعه که عرق وی بان رسیده بنویسد نام وی و مادرش بران بنویسد و بر کردان هفت دایره بنویسد و بالای دایره اخرین ایه اولئك الذین اشتروا الضلالة بالهدی الی قوله تعالی باکلها خزین از سوره بقره بنویسد و هفت بار بکوید ذلك لفلان بن فلان و بر کردان ایه سه دایره بکشد و اشغل در روز شنبه پس ان رقعه را در هم پیچد و در کوزه نو فخار نهد و سر انرا محکم کرده در منزل دشمن هر جا میسر کردد دفن کند و هر چند غضب وی نزدیک بود بتبدیل بود فوران دشمن خوار و نکون سار کرد و دمار از خاندان او برآید و اشغل بغایت خطیرت و اکر عامل مظلوم نبود بیم هیبت بود و نتیجه تعکیس دهد. **فصل چهارم** در نکبت و خواری اعدا و فنای حال ایشان صاحب جواهر السطیم اورده که هر که خواهد که دشمن وی خوار و نکون سار کردد و عیش و روزکار بر او تاکوار کند باید که شنبه اول محرم پیش از طلوع آفتاب بهفت قبضه خاک از هفت موضع فراکیرد اول مسجد ویران قدیم و یرانه حمام سیم سرای خراب شده و بران کشنه چهارم حمام ویران پنجم دکانخانه ویران ششم خانه که جنازه الجا نرفته

هفتم میان چهار راه بعد از آن بر کف خاک هفت بار این آیه را بخواند که وننجی الذین اتقوا الله و لذا الی قوله تعالی جزا از سوره کهف
و نفث کند و بگوید بفلان بن فلان و جمیع ما له من خرکند و سگوزن و قوای و محمل و مال و زرع و ماشیته اللهم اجعل ذلک فی وبال فعله
و نکال حیاته و امره پس از خاکها را تمام در هم اندود و از انجله هفت قبضه خاک در سر زرعه و کاریز و مواضعی که تعلق بظالم داشته
بپاشد تا عجایب بیند و هم وی فرموده که جون کسی خواهد که دشمن ظالم فاسق را خذول گرداند و ضیاع و عقار و مال و منال و عیال و اطفال
ویرا ضایع گرداند بگیرد منقل خام آبنا رسیده در روز شنبه و قدری خاک از گور مجهول برداند و هم در آنروز قدری خاک از سر آن
ویران یا از سرای خالی که صاحب از غربت مرده باز آید و این یا ایها الذین امنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن والاذی را الی قوله تعالی الکافرین
از سوره البقره بدان بسفالی نو لیسد پس این را نرم بکوبد و با آن جو قبضه خاک یاد شده پس مجموع این خاکها را در سرای و مواضع دشمن بپاشد
و این باید در روز شنبه باید در ساعت اول یا دوم و بعضی نویسند در ساعت هشتم از روز شنبه تا نکبت و خذلان از دشمن
مشاهده کند **فصل ۵** در تبلید دشمن عدو و تسوید وجه وی در کتاب جر النظیم آورده که هر که خواهد که دشمن وی مهموم و
منکوب و مخذول و سیاه روی گردد باید که از دشمن ظالم فاسق نفس الامر بخواهد و بر عامل ظلم عظیم کرده بود از خدا و رسول شرمسار شود و فعل و قول
وی موافق آید و وی موجب ایذا رسیدن بر مسلمین هر گاه عامل الا انچنین دشمنی باید در روز پنجشنبه روزه بگیرد و چون نماز شام و خفتن بگذارد
در خلوت خاص بنشیند و از روی عجز و زاری بگوید یا قدیم الاول یا ادنی لم یزل یا من لا یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور علیک بفلان
فلان خذه اخذ عزیز مقتدر و سه بار این دعا بخواند پس این آیه قل یا اهل الکتاب هلم یتیمون را الی قوله تعالی سواء السبیل از سوره مائده سه بار بر
کف خاکی که از سرای وقف قدیم و بران گرفته بشنجوانده و نفث کند بعد از آن از قبضه خاک را در سر ایوان ظالم بپاشد تا عجایب العجایب مشاهده
نماید **فصل ۶** در تبوقی اسرار و افشار حال ایشان در کتاب جر النظیم آورده که هر که ستم ظالمی بیند و بیازگشد از جور و تعدی
باید باوی مشاهده بگوید یا پیغام فرستد که از این جور و ستم باز گرد و از این ایذا و آزار باز گرد و الا بلای عظیم بر تو نازل خواهد شد
هم چنین سه بار انصراف را استماع وی کند اگر متنبه نشود از نظر قبول بگذرد سعیها و الا اگر از طرف خدا و رسول نکند و سر و فساد وی بر قرار بود
و تعدی و تعنت وی زیاده شود چاه کاریزی معطل بغیر باز بیند کنند که آب وی از جانب مشرق آید و اثر ما لکی نیز ظاهر و از آن چاه بقدر
آب بر آید و آیه لئن لم ینته المنافقون تا بر سول از سوره احزاب بر ورقها بنویسد یا بر ورق بهوا نیز ما آب تا از آن محو کند و اثر
در منزل ظالم بپاشد بمراد رسد و اگر عامل مظلوم و منتخی نیست در شغل و سایر اعمال قهر و خوف و هیبت بود **فصل ۷** در فساد حال
کاموفاق و تخریب اساس و منازل ایشان در کتاب جر النظیم آورده که چون کسی فساد حال ظالمی و فاسقی اراده کند و خواهد که سلسله منتظم
وی از نظام افتد و در هم رود و جمعیت وی روی بپریشانی آورد کار به بیچارگی و اوارگی کشد باید که این یا ایها الناس ضرب
المثل را الی قوله تعالی عمیق از سوره حج بر ورقهای که از چوب غرنوب تراشیده بشنند و اگر میسر نشود چوب کرنا یی که تسبیح در وی کداخته بشنند

کتابت کند روز شنبه پیش از طلوع آفتاب پس از نوشتن بالا باید چاهی که معطل نشده باشد و مالکی ندارد بیابد پس در موضعی که اطلاع فاسق و ظالم نباشد و امر و نهی نکند بیاشامند مقصود حاصل شود و دشمن خوار و نگونسار شود و هم در کتاب جواهر السلیم آورده که چون کسی خواهد که دست ظالمی از او و مال او کوتاه کند باید رو بویرانی کند باید که یکبرگ سه برگ از درخت بید پیش از طلوع آفتاب روز یکشنبه چنانچه هیچکس بر آن اطلاع نیابد و بر یکبرگ روی هر برگ این دو توی از الظالمون فی غمرات الموت را الی قوله تعالی تزعمون از سوره انعام بنویسد و بر روی دیگر هر برگ اسم الظالم و مادرش قلم زند و این عمل بروجهی باید کرد که هیچ مردم بر آن وقوف نیابد و بعد از اتمام عمل آن برگ را باد ببرد که اثر ظالم از آن بیاشامد و بعضی گویند آن برادر منزل وی دفن کند و اول اولی تر است و اگر هر دو بیرند زودتر حاصل شود و هم در آن کتاب آورده که چون کسی خواهد شمل و حال ظالم پریشان کند از او و نسل وی منقطع ساند باید که یکبرگ پاره از انجوان شهر که کهنه و فرسوده و سفید بود پس آنرا پاک بشوید و این قل یا ایها الکافرون را الی قوله تعالی لکم دینکم و لی دین از سوره انعام بر آن بنویسد و در سر راه الظالم اندازد مراد حاصل شود و الظالم آواره گردد و سلسله و نظام نابود شود

فصل ۸ در تخریب منازل و بیوت قسمه و فخره در کتاب جواهر السلیم آورده که چون کسی خواهد که سرای ظالمی فاسقی خراب شود و باغ و بستان و ضیاع و عقار وی ضایع گردد و مستغلات وی از بها و حام و دکان الامثال آن روی بویرانی نهد باید که روز یکشنبه و چهارشنبه روزه دارد و چون شب یکشنبه به نیمه رسد یا فالق صاحبه را الی قوله تعالی احد از سوره الکهف بر سنگ سرزنان که گنبد بشود و در مزبله افتاده و در خانه نگسسته بنویسد آنگاه این نبشته را بشوید و پاک بشوید و آن را در حفره بچد که از چهار بنه تر باشد یا جوی روان گرفته بشود و در سر راه الظالم دفن کند تا عجایب مشاهده نماید

فصل ۹ در مکتوب دشمنان در بند و زندان و در کتاب جواهر السلیم آورده که چون در بند و زندان محبوس شود و خواهد که در آن حبس بسیار نماند باید که این دو توی از الم تر الی قوله تعالی تفلحون از سوره اعراف بر پوست بز غاله که سرخ و باغ نیافته بنویسد نام محبوس و مادرش را در ذیل این کتابت بنویسد بعد از آن بنویسد مکتوب مکتوب بطاوقع شده پس این نوشته را در زیر بنا نه خانه محبوس که آنجا می باشد مدفون سازد مادام که این نوشته آنجا خفته بود آن محبوس در حبس مبتلا بود

فصل ۱۰ در رفع وطرد موذیات از جنوع ذوات السموم و غیر آن در جواهر این تمیم آورده که بداوت بر تلاوت آیه الکرسی الی قوله تعالی خالدون موجب دفع وساوس شیطان و حوادث دیوان بوده و مانع تعرض ایشان و والدایی فیقرد جواهر التمیز آورده که ابی من کعب گوید که یکی از جنیان را دیدم گفتم چه چیز مرا از تعرض شما از نهار ربیعه بردارد شر و ضرر شما محفوظ میماند جواب داد که تلاوت آیه الکرسی است بعد از هر نماز مکتوب بر پوست صم رسانیده عزم صعود کند که رهنگشته و هم در جواهر این تمیم آورده و مذکور است که هر که این مستجلون الخ را الی قوله تعالی اهلنا از سوره نسا بر طشتی که نو قلمی کرده باشند و پاک و پاکیزه باشد کتابت کند بعد از بیرون نبشته را باب مطهر طاهر بشوید و بر دیواری سرای خویش سر کند هر موذی که در آن موضع بعد از حبس جنوع هوام جمله فرار نماید و اثری از آن زوان نماند و در کتاب جواهر السلیم آورده که هر که این اهل القری ان یاتیهم را الی قوله تعالی الخاسرون از سوره اعراف

روز اول روز از ماه محرم بر کاغذ نویسد و آن را باب طاهر بنویسد و آن را برادر کوشه خانه و سرا و دیوار میان منزل خود بیاشد آن سرا و منزل از مار و کژدم و سایر موذیات مثل کیک و پشه و مگس پاک شود و هرگز نه که آنجا بماند زود بمیرد و هم دران کتابت آورده که هر که این آیه الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم را از سوره بقره بر طشتی پاک بداد بنویسد پس این عبارت بر حرف محو کند و بشوید عبارت بر کژ زیتون بنویسد و بدهد تا فارسی کند مار و کژدم و کیک و پشه از آن موضع کم شود بروجهی که هیچ اثر از آنها نماند و اگر بعضی از آنها بماند زود بمیرند و سحر روز پنجشنبه همین آیه را بر چهار برگ زیتون بنویسد و هر یک را در یکی از خانه دفن کند هیچ کیک در آن خانه باقی نماند و صاحب جوالنیطم آورده که چنین شنیده ام که برای کیک بر برگ زیتون باید نوشت از آن جمله از ماه رجب و در وقت دفن کردن این رقعه را که در آمدن از جانب دهلیز خانه باید که گذاشت برای دفع کیک بعد از کتابت این و بران هر برگ کاغذ این کلمات باید نوشت که عطلس و خل البق عطلس خرج البق عطلس ما فیه بالله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم **فصل ۱۱** در دفع سهام و سحر و چشم بد در کتاب جوالنیطم آورده که هر که آیت بزادم خذوا زینتکم را الی قوله تعالی یعلمون از سوره اعراف بر اندام سبز تو جاء الغیث را بیض که تازه کرفته باشند و تغیر بروی راه نیافته باشد بر غزان بیض کتابت کند و نوشته را کلاب یا آب عذب که خشک و پاک بود محو سازد و بیاشامد یا در طعام کرده تناول نماید از ضرر آن ایمن بود و چون زخم بدن را بآن معمول بنویسد و بآن غسل کند اگر نسبت بوی سحر کرده باشند باطل شود و اگر اجسام بیاثر رسیده بتری زایل شود **فصل ۱۲** در ابطال سحر ساحران و تتبع عمل آن صاحب جوالنیطم آورده که چون کسی را سحر کرده باشند و خواهد که آنرا باطل کند بگیرد و مقدار رب آب باران که در کوه ساران جمع شده بتری چنانچه هیچ اصل بران اطلاع نیافته بتری و مقدار رزا از ماه معطل بیاویزد و برگها را در آب ریزد و بعد از زمان آن آب را علی ما جاء السحرة را الی قوله تعالی سعد یعنی از سوره یونس بر طاس نویسد و آن نوشته را بآب آب محو کند سحور بآن آب غسل کند و در دل شب بر کنار دریا یا نهر نزدیک و بآب کلاب بر هم اعضای وی برسد بلکه جریان کند تا سحر باطل شود باذن الله تعالی **باب ۲** در توسیع رزق و روزی و نیل خیرات و برکات و ایمن در سفر بر و بحر و رجوع آبق و سارق مشتمل بر دو انواع فصل **فصل ۱** در فتح ابواب در رزق و تسهیل اسباب آن **فصل ۲** در توسیع رزق و ادای دین **فصل سیم** در نیل خیرات و برکات **فصل ۴** در وقایه آنچه ره انتشار و ذروع **فصل ۵** در حصول برکت و ربح در مال تجارت و حفظان از خسارت **فصل ۶** در دفع آفات سفر دریا و سلامتی کشتی از کرد و غرق باذن الله تعالی **فصل ۷** در سلامتی کشتی و ایمن از غرق **فصل ۸** در دفع آفات و مخافات سفر خشکی **فصل ۹** در قطع قطاع الطریق و ایمن از ان بحر **فصل ۱۰** در دفع سباع و حیوانات موذیات السموم در غر **فصل ۱۱** در رجوع آبق و سارق و رجوع ابن ناخیار **فصل ۱۲** در فتح ابواب رزق و تسهیل اسباب آن صاحب جوالنیطم مقدرا که چون کسی را معیشت روزی به تنگی و عسرت سخن پیش آید باید که اول توبه نصوح کند از جمیع منهیات و پنهان خیرات در دل خود بسیار دهد و صدقه پنهانی بکار دارد و تسبیحه چون به نیمه رسد برخیزد و صد بار استغفار کند و صد بار صلوات فرستد پس این قدر علیه و رزقه فلینفق را الی قوله

بسیار از سوره طلاق بخواند بعد از آن صد بار دیگر صلوات فرستد و چون بخواب کند در خواب کیفیت خلاص از ضیق معیشت بروی ظاهر
شود و ابواب رزق بروی مفتوح گردد و اسباب آن بسهولت میسر گردد و هم وی فرموده که هر که این قل من یرزقکم من السماء والارض
تا آخر قوله تعالی مفتوحة از سوره یونس بر ورق نویسد و او را در حرز کبود بندد و بر بازوی راست بندد اسباب رزق بروی آسان شود
و ابواب روزی بروی باز شود و هم وی فرموده که هر که تلاوت کند قل اللهم مالک الملک الی قوله تعالی بغیر حساب از سوره آل عمران مواظبت نماید
از عقب هر نماز فریضه و سنن و نوافل وقت خواب و غیران حسبما نه و تعالی روزی بروی گشاده شود و فقر و فاقه از وی دور باشد
و برکت لباس و بدن و مسکن او شود و محتاج خلق نگردد و والد این فقیر در جواهر التفسیر آورده که خبر داد ما را ابن عباس که معاذ بن جبل
در ملازمت مجلس حضرت رسول بود از مسجد باز ماند الحضرت او را در راه دید پرسید که یا معاذ چرا از مسجد باز مانده و بصحبت ما نیامدی گفت یا رسول الله
بوضاء نهو و برابر شدن دینی مناسبت و مرا ناداران حاجتمند او بتقاضا آمده بر سر راه مسجد مترصد می نشستند و میترسیدم که اگر را بیند خجالت کشند
و آبشار سائل الحضرت فرو ماند یا معاذ هر که را بالعالمین دام ترا بگذارد و کار فروبسته تو نگذارد قل اللهم مالک الملک را تا آخر خواند یا معاذ گفت
بر خواندن این آیه مواظبت نمودم باندک زمانی دین من ادا شد و کار من روی بجمعیت آورد و در روایت آمده است که با آخر
آیتان هر بار که تلاوت کند گوید که رحمن الدنیا والاخرة و رحیمهما تعطی منهما من تشاء و تمنع منهما ما تشاء ارحمنی رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک
در ترویج رزق و ادای دین صاحب التنظیم آورده که هر که خواهد که رزق بروی فراخ گردد و خیر و برکت و جمعیت
زیادت شود باید که اذکار الخواص بود یا عیسی بن مریم را الی قوله تعالی خیر الوارثین از سوره مائده برانای که از جو بسازند بنویسد
و بشوید کتابت کند و در اول نیسان ماه قبل کار از نقره ساخته باشند و ظرف را بماء باران کرده نوشته را با آن آب محو ساخته و آن را در
منازل و مواضع و مزارع خود دش کند و رش کرده آب در صباح دو رجبه باشد پیش از طلوع آفتاب اگر سر و زیانی نان آب
قدری باشد ضرر و برکت و رفاهیت در جمیع احوال و شئون او پیدا شود و روزی بروی گشاده شود و ابن نعیم آورده که هر که بر تلاوت
آیة الکرسی اما قوله تعالی لا یؤده حافظهما و تلاوت مائة بعد از عقب هر نماز خواه فرض و خواه نفل و در غیر اوقات نماز نیز بخواند دایم روزی بروی
گشاده شود و در رفاهیت زندگانی از جایی برسد که متوقع نبوده هیثم فرموده که هر که تلاوت کند بعد از سلام اول آخر سوره مواظبت نماید
فرض فی یوم یرزق ما شاء الله و فارغ البال گردد و در تیسیر خیرات و برکات و تضاعف عمارات ابن نعیم در خواص القرآن گفته که اوزه
که هر که از اول سوره الکهف الی قوله تعالی ابدا هر سر ماه بر اناء پاکیزه بنویسد و نوشته را با آب باران محو سازد و آن آب را بر دیوار سرای
خود و بر زمین وی هر جا که مرتبا شده بپاشد برکت در منزل وی پیدا شود و هم وی فرموده که هر که آیت او کان من عجلة
قدیما را الی قوله تعالی قدیرا از سوره البقره بر ورقا بموفق نویسد به سیاهی از دوات خطا طی گرفته بخرد در ساعت سعد از روز پنجشنبه پیش از آنکه
نوشته را بر نخورد دارد و بر هم بچیده در حرز پاکیزه دوزده و در گوزه نو نگاه دارد و در زیر زمین دفن کند امور مجبه حسابه کند در معمور

ان تبعه و در کتاب سیر الایات آورده که مردی نزد ابن عباس آمد و گفت من تیر سم از آنکه سرای من خراب شود فرمود این آیه را از سوره فاطر بخوان
بسیار و تلاوت کن که ان الله یمسک السموات والارض الایه فصل ۳ در وقایت آبخار و آنار و مزروع صاحب جر السطیم آورده که هر که
خواهد که مزارع و حدایق وی را آفات از خرمن و ثمار و میوه و دانه نرسد و حق سبحانه خیر و برکت برای او بفرماید باید که طلسمات
کامل کند در روز پنجشنبه جمعه روزه دارد و روز جمعه پیرون آید و در چهار رکنج باغ و مزرعه در هر رکعت چهار رکعت نماز بگذارد و در رکعت
اول بعد از فاتحه والتین بخواند و در ثانیه بعد از فاتحه الم ترکیف و لایلاف بخواند و در میان هر دو رکعت هیچ کلمه از قول و فعل هیچ فاصله
در نیاورد و بعد از آن در وسط آن باغ و مزرعه چهار رکعت نماز دیگر بگذارد پس قفل از چوب پنبه تهیه شده و این یا ایها الناس
اعبدوا ربکم الذی خلقکم الی قوله تعالون از سوره بقره بر شعرانی و کلاب کتابت کند بر برگ سبز از درخت که در آن موضع نبود بود
خوشبوی بخور کند و در محراب که بباغ و مزرعه می آید دفن کند چنانچه آب از بالای آن گذرد و بهمین دستور دیگر کتابت کند و در پایان آب
انموضع دفن کند و بهمین قاعده دیگری نویسد و در آدیم گرفته از بالای درختی که بلند تر بود یا در زیر آن که در مزرعه درخت
نبود خوب بلند نصب کند و از سر آن چوب دیگر بر آن چوب و بزد جمیع نباتات و آفات سماوی و ارضی از آن باغات و مزارع دور شود و هیچ آسیب نرسد ۵
فصل ۴ در حصول برکت و ربح در مال تجارت و حفظ آن از هر آفت صاحب جر السطیم آورده که هر که این فصل الله یوتیه
من یشاء والله ذو الفضل العظیم از سوره جمعه نقش کند بر قطعه صدف در روز جمعه پس آنرا در میان مال و متاع خود نهد برکت در اموال
و متاع پیدا شود و از جمیع آفات سفر و حضر محفوظ ماند و ابن تمیم در خواص خود آورده که پنج ورقه عام تمام در صدف نقش کند آنرا در خانه
وی نباتی قوی بود و بیم وی از وی که هر که این الذین تتلون کتاب الله و اقاموا الصلوة تعالی شکوها را از سوره فاطر بر چهار ورقه که از چوب نو
ساخته باشند بنویسند و آن ورقها را متفرق در میان مال تجارت نهند و آن سفر آن متاع سود بسیار پیدا کند و از نقصان و زیان ایمن و
محفوظ ماند فصل ۵ در دفع آفات سفر دریا و سلامتی از کشتی و غرق ابن تمیم در خواص خود آورده که هر که در روز جمعه بر لوح
چوب ساج یا تمره این فالق الاصباح را الی قوله تعالی یعلمون از سوره انعام نقش کند و بر جلو کشتی نهد و اگر موجی بر کشتی نهد صلی الله وحی دیگر نقش
کند او را بلعد و چون اسفل کار او شد آن کشتی از زلزله شکستن ایمن ماند و بهم ورآورده که بحر هیاو مرهیا الی قوله تعالی رحیم از سوره یونس
نیز همین حاصل آید و بهمین عمل باید و در کتاب جر السطیم آورده که چون در بحر باد مخالف بر خیزد و امواج مثل طود شود قل من ینجیکم الی قوله تعالی
تشرکون از سوره انعام بر کاغذ بنویسد و آن نوشته را در بحر افکند فی الحال طوفان فرو نشیند و متابعه بر طرف شود فصل ۶ در سلامتی
کشتی و امیر وی از غرق صاحب جر السطیم آورده که هر که در سفر دریا اختیار کند و بر تلاوت دائم قل ان توکلت علی الله ربی و ربکم الی قوله تعالی
حفیظ از سوره هود مداومت نماید و دایم الاوقات بر قرات آن مواظبت نماید از بهر آفات دریا ایمن و مطمئن گردد و از سلامت و عافیت
و غنیمت کنار باید و در کتاب بانیس السنی که از جمله مخزومان برکت آورده که حضرت امام حسن بن علی علیه السلام روایت کرده است که حضرت

سوال هم فرمود که امانت است مرا از غرق شدن چون بر کشتی سوار شوند اگر بگویند بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم و ما قدروا الله حق قدره الی قوله الی سبحانه از سوره زمر و هم که ایه الم تر الی الفلک المشحون را تا شکورا از سوره لقمان بر هفت ورق بنویسد و یکیک را از جانب کشتی بگذارد و انداخته در آب از طوفان و طغیان فرو نشیند و کشتی بسلامت بگذرد و مداومت بر تلاوت این آیه الا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار و هو اللطیف الخبیر از سوره انعام تسکین بلای مخالف و هر چه در بحر و چه در بر

فصل ۹ در دفع آفات و مخافات سفر خشکی این تعویذ و خواص خداوندی که هر که بر تلاوت آیه ان الله الذی خلق السموات و الارض الی قوله ثم کفار از سوره ابراهیم مواظبت نماید صبح و شام بر قرارت آن مداومت نماید و هر سفر که بنیت خواه خشکی و خواه تری از جمیع آفات و بلیات محروس بنیت و به متعلقان و همسفران ایمن و سالم مانند و مال و منال وی از قطاع الطریق بسلامت ماند و هم در آویزد که هر که آیه و اذ سلطتم الی قوله تم منقلبون از سوره زخرف بر حریر سفید بنویسد و در طاقیه مضبوط کند و در هیچ سفری راه گم نکند و اگر طاقیه بیوفتد در راه گم نخود و چون طاقیه را بر سر نهد راه باز یابد و هیچ بلا و هیچ آفت بدان سفر بوی نرسد

فصل ۹ در دفع قطاع طریق ایمن از دزدان صحرا در سیر الایات آورده که مردی نزد ابن عباس آمده شکایت کرد از قطاع الطریق و گفت مرا خوف و هراس بسیار است از ایشان فرمود که بر تلاوت این آیه از سوره اعراف و متاعی کذلک ولی الله الذی نزل الکتاب الی قوله تعالی سمیع العلیم در خواص این تعویذ آورده که چون کسی بار من سفر بندد یعنی زمینی که در آن رنده بسیار می باشند مثل شیر و پلنگ و غیران باید که آیه انی توکلت علی الله که در فصل ششم گذشت بسیار بخواند تا بسلامت از آن زمین بگذرد و اگر قافله بر سر

فصل ۱۰ در رجوع آبق و سارق و اگر آبق را طلب کند در کتاب جمع النظیم آورده که هر که آیه ولو اردوا الخروج لاعدوا الی قوله تم مع القاعدین از سوره توبه بر رقعه مدور و از گریبان جامه کتان کوتاه کتابت کند در آن ماه و در گردان آیه بنویسد که باسم فلان بن فلان و آن نوشته را از خانه بیرون آرند و در مکانی که هیچ دیده بر آن نیفتد بر زمین نهند و بخار از مدینه بر وسط رقعه مدور سفر و کوبه و روی را از خاک پاک بپوشند آن بنده گریخته و زود اختیار باز آید و در کتاب لطائف آورده که هر که آیه و کلم موسی تکلیما الی قوله تعالی قدیرا از سوره البقره بر رقعه مدور که از گریبان جامه نو گرفته باشند اسم گریخته یاد زد را بر آن قلم زند و در آن موضع که در زد بایستاده از آنجا فرار نماید رقعه را بیخ آهنین نو بایه زده روی او را بپوشد مستر بپاشان گریخته مخیر و سرگردان اختیار برگردد و بزودی باز آید و در کتاب سیر الایات آورده که مردی نزد ابن عباس آمد که غلام من گریخته چه چاره کنم فرمود که بر تلاوت این آیه او کظلمات فی بحر لجی را الی قوله تعالی من نور از سوره نور مواظبت نماید و بعضی از رقعه را بر رقعه مدور بصورت دایره کتابت کند و نام آبق و سارق را در وسط رقعه نویسد و بطریق عمل سابق مضبوط کند بهمین کار اکند

فصل ۱۱ در جبر و سرکشی آبق و سارق و رجوع او بی اختیار در کتاب جمع النظیم آورده که هر که آیه قل ادعوا من دون الله را الی قوله تعالی لما یشاء از سوره انعام بر رقعه از پوست شکار بخورده بنویسد بعد از آنکه به پرکار دایره میان پوست رسم کرده بیرون باید که آن پوره را در وسط دایره نوشته شده و در بعضی نسخها آورده که آیه مذکوره را بر پوست که وی خشک نویسد پس از در

بیرون آید چنانچه هیچ آدمی را چشم بران نیفتد و بر خارج دایره نام کرکنیه و مادرش بنویسد و رقعه را که قدم مردم الجا نگیرند دفن کند
از کرکنیه متحیر گردد و سرگردان شده بی اختیار و بیطاقت مراجعت نماید **باب چهارم** در دفع امراض ماغ و امراض بدنی و حفظ حوامل
و تسهیل ولادت و تعویذ اطفال مشتمل بر دو و انهم فصل **فصل ۱** در تقویت حافظه و دفع نسیان و وسوسه **فصل ۲** در دفع صداع
و تسکین او جاع **فصل ۳** در دفع امراض عین و ازاله رمد و وجع ان **فصل ۴** در دفع امراض و اوجاع دست و پا و سایر اعضا
فصل ۵ در دفع وجع معده و جگر و دل و پهلو و خفقان و سایر امراض درونی **فصل ۶** در دفع حیات و تخفیف اثقال
فصل ۷ در دفع قروح و دمامل و لعوه و قوابی و بواسیر و ترخ الدم **فصل ۸** در بازگرفتن زنان غیر حامل **فصل ۹**
در حمل نسوان و حفظ جنین در بطن ایشان **فصل ۱۰** در تسهیل ولادت و ازاله عسره **فصل ۱۱** در حفظ حامله و مولود و دفع
بکا و فزع وی و کثرت شیر مرضعه **فصل ۱۲** در تعویذ اطفال از عرام الصبیان و سیاطین و جن و انس **فصل ۱۳** در تقویت و دفع
نسیان و وسوسه صاحب التنظیم اورده که هر که این هوالذی انزل علیک الکتاب الی قوله تعالی المیعاد از سوره القصص در ساعت ششم
از روز جمعه بر صفحه کاغذ نویسد بگلاب و زعفران و باب عذب که از زر جاری گرفته باشد بنویسد و بر ناشتا بشکم خالی جمعه بیابد پیش
از طلوع آفتاب بیاشامد و در انروز چیزی نخورد و نیاشامد که در ان شبانروز بعد از خوردن حیوانات خاصه حیوانات سر ابله و اعمال سایر
دواب که در مقابله او واقع نشده باشند حسبما نه وتعالی قوه حافظه و بر اسپزاید و مدت فهم و جودت ذهن روز بروز زیاده گردد از
سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کرده که حضرت رسول صلعم فرمود که هر که این کلمات را بر زعفران برگند و تعاهد خط بنویسد و هر بار که این را بنویسد
هرگز هیچ چیز را فراموش نکند و ملائکه برای او استغفار کنند و هم در الکتاب آمده که هر که این آیه را که انما ینزغنک من الشیطان الی قوله تعالی سمیع علیم
از آخر سوره اعراف روز جمعه وقت طلوع آفتاب بر زعفران و گلاب کتابت کند بر هفت ورقه هر روز یک ورقه بلیغ کند و دست فرو برد
و بر بالای هر ورقه که فرو میبرد یکبار تسبیح بگوید و بعد از اتمام این عمل حسبما نه وتعالی وسوسه فزع و مدت النفس و خیالات فاسده مداومه
را از دماغ وی بیرون برد و هرخوف و رعبی که از مرور سنه بسبب تمام از وی زایل کرده باذن الله تعالی **فصل ۲** در دفع تسکین او جاع
صاحب النظم اورده که صاحب کتاب الشفاء الصدور و الادبان فی سر منافع القرآن در علاج صداع و تسکین او جاع او چنین گفته است
که هر که این آیه تکوین من الظل الی قوله ثم دلیلا از سوره فرقان و آیه وله ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم از سوره انعام بر قطعه
کاغذ بنویسد و در ذیل ان رقعه بنویسد کما بها الملک قابیل و انت یا صرفیا ئیل سمیته الله علی النصر و النفقه و الحیده اج حج طل م ت ع ق
س ص ه ی اسکنوهم من حیث سکنت علیه هذه الاسماء الحق هذه الاسماء الله الشافی الله المعافی الله الکافی فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس ان نوشته را بر پیشانی ببندد و هفت بار این آیه انا انزلناه قرآنا عربیا تا آخر سوره زخرف بر وی خواند در دسر
و تهرک از وی تسکین گیرد و این عمل بحد رسیده تجربه پیوسته و هم وی گوید که خاصیت دیگر از این آیه انا انزلناه تا آخر سوره مسکن هم مزاج و اوجاع

که در اعضا حادث شوند وچون آن را بروغن کامل وطهارت لباس بر عضو دردناک بخواند شفا یابد **فصل ۳** در دفع امراض عین وازاله رمد ووجع از آن صاحب جامع العظیم آورده که بگیرد از سرمه اصفهانی وجزو از صبر ومرجان وزعفران وهمیران وزبد الحجر وسعد نیز نصف اخرا بیاید وبدو آب باران اول فرو ریخته وآب سیر بن صاف از جوی بزرگ یا چشمه زلال سیر بن روز سه شنبه اول ماه کانون الاول پیش از طلوع آفتاب ودر بعض نسخها آب کانون ثانی پس هر یک از ادویه مذکوره را علیحده صلایه کند ودر هاون آهنین بار دیگر در صلایه کند باب آبی که سرد شده بود ودر بعض نسخها باب برگ درخت که همیشه سبز میباشد مثل لیمو ونارنج واین اولیتر بعد از آن صلایه کند باب باران کانون اول یا ثانی وبار خشک سازد پس این قوله تعالی انه لقرآن کریم الی قوله تعالی اجمعین از سوره یوسف بر جام زجاج بزعفران بنویسد ونوشته را با آب باران ثانی محو سازد واز ادویه مسحوقه با التمام با این آب مذکوره صلایه کند وخشک سازد وبعد از خشک شدن صلایه کند تا قابل اکتحال شود برای صداع وسیلان رطوبات عین موافق بود واکتحال آن موجب شفا است از این امراض وهم وی فرموده که هر که این قل هو الله احد الی قوله تعالی ویتبتل از سوره یونس با آب کند تا کفایت کند بر پیاله نقره وباب غسل از سموم صدا کرده محو سازد پس معمول دارد تا جوشش نماند وبر سوراخ گوش قطور کند موجب ازاله شود باذن الله تعالی **فصل ۴** در دفع امراض اوجاع دست وپا وسایر اعضا صاحب جامع العظیم آورده که هر گاه این وما لنا الا نتوکل را الی قوله تعالی المتوکلون از سوره ابراهیم کتابت کند بر اطیش وازهر دو بازو او را بیاویزد حسبما نه وتعالی در دستهای وی زایل کند واگر این از مس الانسان الی قوله تعالی یعلمون از سوره یونس بر ظرف پاک مسفالین بنویسد بسیار هر وا نرا بر از روغن زیتون کند واگر نتواند روغن کنجد با روغن این نوشته را تحمیر کند وبر آن نرم جوشی دهند پس با آن روغن پای دردمند را چرب کند شفا یابد وبر عضو دردمند که بالتمام از عضو زایل کرده واگر در پهلو عارض شده بر بالین از روغن فایده تمام دهد واگر این یمسسک الله بضر الی قوله تعالی الخبیر از سوره انعام بر کاغذی بنویسد وقت سحر واز مریض بیاویزد که در پهلو ودر دست او نافع ونفع بلیغ دهد واگر عمی وهمی را زایل کرده **فصل ۵** در دفع وجع معده وجگر ودل وسپرز وخفقان وسایر امراض درونی در کتاب سیر الاباب آورده که مردی نزد ابن عباس آمد واز درد شکم بنالید وشکایت کرد فرمود که این الکلس را بگلاب وزعفران بنویس ونوشته را با آب سیر بن بخورانند وبخور را نزد عمل کرد واز درد شکم خلاصی یافت ودر کتاب جامع العظیم آورده که هر گاه این قل هو الله احد الی قوله تعالی ویتبتل از سوره انعام بر کاغذ چنبر بنویسد که قلم از چوب کنز تراشیده بدهند ونوشته را با آب سیر بن محو سازند وبیاشامند از بهر دردهای درونی مثل معده وجگر وغیره خلاص شود وهم در کتاب ابن غنیم آورده که هر گاه این افغیر دین الله ابغی الی قوله تعالی یرجعون از سوره آل عمران بر سفال آبنا رسیده نو بنویسد وبدهند تا از آن آب بیاشامد از بهر درد شکم ومغص وقولنج وباد در

در حیاة الحیوان در کتاب جامع العظیم آورده که ابو هاتم رازی گوید که عجیب از ابن ماذ حکیم بن نافع الصفار شنیدم گفت بازرگانی را دیدم

مراتب گرفته دران شاالیمان پیرون آمده و مرا دید الحال پرسید که این مرد چه کس است و چه حال دارد نام من برده بودند گفته تب کرده است سر
بالین من آمد و گفت چه قصد دارید گفتم یا ابا الیمان تب کرده ام گفت مگر خبر نداری از طلسم تب گفتم نمیدانم پس پرورقه نوشت این صورت را
در زیر سر من نهاد چون وی برخواست و برفت الحال تب از من زایل شد پس من آن نوشته را برداشتم و این صورت را بروی مرقوم دیدم بعد از
ساعتی ابو الیمان نزد من آمد و گفت چه حال دارید گفتم در حال عافیتم و صحت پس مرا گفتا این نوشته را نگاه دار و مرد مانرا بیاموز که نافع خواهد بود
و این صورت اینست و بهم دران کتاب آورده که هر که این آیه را بخواند ان خفف الله عنکم الی قوله تعالی الصابرون از سوره انفال در عقب هر نماز صد بار
روز تلاوت کند و افتتاح از روز جمعه کند تا بوقت نماز جمعه دیگر و وقت فراغت از خواندن نیز بران قرارت مداومت نماید بحسب مجانه و تعالی
ازاله تب کند و از هر چه گران بار تست سبکبار گرداند از نجم الاسلام ابو حامد الغزالی نقل کرده که حسن بصری برای پسران تبهار رقعه می نوشت
و انرا بر محموم می بست تب وی زایل میشد پس وی چون وفات یافت دران رقعه نوشته دیدند که بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الذین آمنوا ان یخفف عنکم ویعلم
ان فیکم ضعفا ربنا اکشف عنا العذاب انا موعدون وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یردک بخیر فلا راد لفضله **فصل**
در دفع قروح و دمامیل و قوبا و قوابی و بواسیر و ترف الدم صاحب جمع السطیم آورده که هر که این آیه ویسئلونک عن الجبال الی قوله تعالی انا از سوره طه
کتابت کند بر اناء پاک بعد از فارسیون نوشته را بروغن بنفشه محو کند و بر عضو مالد که دمل و جراحت داشته بود زایل گردد و هر چه بر ظاهر بدن عارض
شود از جراحات و برات بالید این روغن موجب ازاله آن گردد و بهم وی فرموده که هر که این آیه فاما اعمادیه فاد فاحترقت را از سوره البقره
بر قوباکه تبازی هریون و کریون کوبند و کتابت کند دفع شود و بهم وی فرموده که هر که صاحب لقوه بخواند این آیه قد نری تقلب وجهک فی السماء الی قوله تعالی
یعملون از سوره البقره بر طشت سفید روی که انرا تبازک چون این سه طلا داده باشند کتابت کند بمشک و زعفران و گلاب و نوشته را با آب پاک
محو سازند و روی خود را بآن آب بشوید و بعد از سه ساعت دران طشت طلا داده نظر کند هر وجهی که جسم بروی عکس بندد و اینعمل سه روز پیاپی
بجا آورد انشاء الله تعالی زایل شود و اگر از آن صاحب قوبا بیاشامد و بدنوی نیز بآن بشوید فیض فرموده و بهم وی فرموده که هر که این آیه را از سوره
ابراهیم الم تر کیف ضرب الله مثلا الی قوله تعالی العلیم از سوره البقره کتابت کند بر سنگ بلور بزعفران و گلاب و نوشته را با آب انگور سیاه که تبازک گرفته باشند
و متغیر نشده بنوشاند و امید که از ذکر باو گاو روشکر بآن آب امیزد و بیاشامد بواسیر را بغایت نافع بود و دفع طرف الدم کند که از مرض بواسیر
عارض شده بنوشاند **فصل** در بارگرفتن زنان عقیم صاحب جمع السطیم آورده که هر که خواهد که زوجه وی فرزند آرد باید که زوج و زوجه هر دو
روز جمعه روزه دارند و چون نماز شام بگذارند هر دو بشکر و بادام و نان افطار کنند و اصلا آب نیاشامند و این آیه را از سوره طه الی قوله تعالی
و ایضا از سوره حجر بر جام زجاجی عسل کهنه صاف نموده و آنرا مذیده بشوید و نوشته را با آب شیرین محو سازند و بگیرد از کنوز سفید بالیده دو لیتر
بیست و چهار عدد بر هر عدد یکبار این آیه را بخواند و نفث کند پس آب معمول را در دیگ کرده کنوز را دران آب اندازند و بیار
بجوشانند پس هر دو بر خیزند و نماز خفتن بگذارند و بعد ازان سوره حجر را یکبار تمام تلاوت کنند پس آن کنوز را صاف سازند و قدری آب انگور تازه

جوش داده بان اضافه نایند و نصفی از ان آب مرد بیاشامد و نصفی زن و ساعتی خواب کنند و بعد از ان مباشرت کنند البته حامله شود و اینعمل سبب پسر واقع شود بلوغ و ادخل ابعد در حصول ولد **مفتن** در حل لسوان و حفظ جنین در بطن آب ن صاحب جواهر السلیم اورده که هر که ایه ولقد خلقنا الانسان من سلالة من طین الی قوله تعالی الخالقین از سوره المومنون بر پهنت برگ ریحان زرد نویسد پس بفرماید زن حامله که یکیک از ان برگها را ابتلاع نماید و درستر و برود با انکه کسی راه بان یابد و بر بالای هر برگ که فرو برد یکجرعه شیر گاو زرد بیاشامد و سه روز اینعمل کند بعد از مباشرت البته حامله شود و ان جنین در بطن او محفوظ ماند تا وقتیکه بسلامت بزاید و هم وی فرموده که هر که خواهد که جنین در بطن او محفوظ ماند تا زمان زادن باید که ایه والتی احصنت فرجها را الی قوله تعالی از سوره انبیا بنویسد سبز البطم چون زن حامله شود روی بهند تا مدت چهل روز بعد از ان نوشته را از وی جدا کند و چون بگاه از وقت حمل باقی ماند باز انگشت بر روی بهند تا وقتیکه فرزند مسوله شود بعد از ان نوشته را از گردن مولود بیاویزد تا محفوظ بیند **مفتن** در تسهیل ولادت و ازالهٔ عسرت زادن صاحب کتاب جواهر السلیم اورده که هر که ایه قل من یرزقکم من السماء والارض را الی قوله تم مشقون از سوره یونس کتابت کند بر پوست کدوی سبز بیاشامد و بر بازوی راست زن حامله بندد و قتیکه اثار حمل ظاهر شود و ذو بار نشود و بسهولت خلاص کرده و هم صاحب وی فرموده که چون زنی دشوار زاید باید که ایه اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض الی قوله تم افلا یومنون از سوره انبیا بنویسد و از عنبان کتابت کند که مریم ولادت عیسی بجعل الله بعد عسر یسرا اللهم سعت الارض بالنبات والسماء بالمطر فکذلک تیسیر فلانة الوضع فلینظر الیها انسان الی الطعام انا صببنا الماء صبا وشققنا الارض شقا وان نوشته بروی بندد بسهولت و بسرعت بار نهد و هم وی فرموده که بعضی از فضلا امر کرده اند که ایه اولم یر الذین که پیش ازین در حل وضع حمل نسا مذکور باید خواند و بر تمام اتیان هر بار نفث باید کرد یا بر زیر ناف یا بر ظهر اتیان و این مجرب و بصحت رسیده

در حفظ حامله و مولود و قلت بکاء و قوقرع وی و کثرت شیر مرضعه در کتاب جواهر السلیم اورده که هر که ایه اذ قالت امراة عمران الی قوله تم تحریر حساب از سوره ال عمران کتابت کند بروی بهوره بکلاب و ذعفران و بر کمر زن حامله بندد تا زمان ولادت از جمیع افات و امراض که حاملات را عارض شود و از سقوط جنین ایمن بود و اگر مسک و زعفران کتابت کند و در ماسوره مذکور کرده از گردن مولود بیاویزد مرد عظیم بعود بیاد از گریه کردن و بیخوابی و ترسیدن در خواب بیدار شود باندک شیر کم خورد و سیر شود و اگر شیر مرضعه اندک بود بسیار کرده و طفل از خوردن شیر نشود و نمای تمام یابد و هم وی فرموده که ایه الذی احسن کل شیء خلقه را الی قوله تعالی تشکرون از سوره الم سجده بر جام زجاج نویسد و با باران فرو کند و ان اب را قسم ساخته و یکقسم طعام را بیزد که بخورد دوی سپید هر وقسم دیگر کابی شربت بوی که هم صباح و اینعمل هفت روز متصل بجا اورد و بعد از انکه مدت چهل روز از ولادت او گذشته بنی و چون اینعمل بجا اورد هم در خلق و خلق وی نما و تمام یابد و ذو دنشو و نما کند **مفتن** در تعویذ اطفال از مرض ام الصبیان و شیاطین جن و انس و کتاب جواهر السلیم اورده که هر که ایه واذا قرات القرآن الی قوله تعالی یتوکلون از سوره النحل و ایه اذا قرات القرآن را از سوره بنی اسرائیل بر ورقه صوف کبود نویسد یا بر کاغذ که بران رنگ بنفش و بر بازوی استطفل بندد یا غیر وی از طفل

از عرض ام الصبیان و سر دیوان رمضان و امان ببرد و هیچ افسرد اسپری کامل ان نرسد و نترسد باب ۵۰ در تسخیر کاشفات و علوم و اعمال غریبه
و امور عجیبه از اطلاع بر مخفیات و تسخیر جن مشتمل بر دو نوع فصل ۲ در مدد ارواح علویات فصل ۱ در تحصیل امور
غریبه و علم مجهوله فصل ۲ در تحصیل علم اکسیر و سایر علوم عجیبه فصل ۳ در اطلاع بر کنوز و دفاین و اخراج خبایا و دفاین
در اطلاع بر امور مخفیات و احوال خفیه فصل ۴ در وقوف یافتن بر مخفیات فصل ۵ در احضار ارواح جن فصل ۶ هم در تسخیر مرده جن و عصاة آن و نوع جنیان
فصل ۷ در احضار اقران و روسا آنان فصل ۸ در تسخیر آنان فصل ۹ در احضار ملوک جن و سلاطین
آنان فصل ۱۰ در کاشفات مجده ارواح علویات صاحب دور العظیم اورده که هر که خواهد که مکشوف شود بر وی آنچه بر اکثر خلق
پوشیده است جنی و انسی فرمان بردار وی شوند باید که اول طهارت کامل بجای آورد و اول روز که ماه نو که غره روز نخستین بود روزه گیرد و افطار بیان
و سحر روزه شکر کند و شب بطهارت و ذکر بخواب رود بعد از نیم شب برخیزد و طهارت سازد بعد از نماز تهجد متوجه قبله نشیند و این دعا را بگوید اللهم انی
اسألک بالاسم الذی قامت به السموات و الارض و بالاسم الذی تقوم به الجبال و بالاسم الذی تجری به الفلک و بالاسم الذی تحیی به الموتی و بالاسم الذی
تقوم به الارض و بالاسم الذی تنشق به البحار و بالاسم الذی تنفجر به العیون و بالاسم الذی تنزل به الغیث و بالاسم الذی تکشف به السوء و بالاسم الذی
تجیب به المضطر و بالاسم الذی تغفر به الذنوب و بالاسم الذی تنزل به الرحمة و بالاسم الذی تنزل به البرکة و بالاسم الذی تنزل به الرزق و بالاسم الذی
تنزل به الرحمة و بالاسم الذی تنزل به البرکة و بالاسم الذی تنزل به الرزق و بالاسم الذی تنزل به الرحمة و بالاسم الذی تنزل به البرکة و بالاسم الذی
تنزل به الرزق و بالاسم الذی تنزل به الرحمة و بالاسم الذی تنزل به البرکة و بالاسم الذی تنزل به الرزق و بالاسم الذی تنزل به الرحمة و بالاسم الذی
تنزل به البرکة و بالاسم الذی تنزل به الرزق

مالک الملک را تا بغیر حساب بکتاب کند بزاناء پاکیزه که از زر خالص بود عنبر و کلاب پس از را با آب هلیله زرد و یاسمن و آب باریان سبز تازه و آب عذل زلال
محو کند و بعد ازان بگیرد زهره مرغ سیاه و زهره بط سیاه و پنج شنبان سرمه اصفهانی و سرمه را با آب سحق بلیغ نماید تا وقتی که کحل شود بغایت نرم و ان
را سحق و صلایه درشت کند تا افتاب اصلا بر و نیفتد پس ان کحل چون مهیا شود در ابگینه سبز کند و بعضی گویند در سرمه دان انبوس کند و
میل از انبوس بر گیرد در روز پنجشنبه روزه دارد و چون شب جمعه به نیمه رسد برخیزد و بعد از فاتحه نماز تهجد که گذارد هفتاد بار صلوات فرستد
و ایات مذکوره را هفتاد بار قرات کند بعد ازان هفتاد بار استغفار کند و هفتاد بار صلوات فرستد پس در هر چشم ازان سرمه معمول
میل بکشد و ابتدا از چشم راست کند و در روز پنجشنبه عمل بجای آورد و روزه دارد و در شبهای جمعه انچه مذکور شد تقدیم رساند بعد از اتمام
عمل بروی اشخاص روحانی ظاهر شوند و در شب اول خطاب کنند و انچه مقصود داوست اعلام نمایند و هم وی فرموده که هر که فردوس ابیض فردوس یعنی
سفید خاص را روایه تنزیل من رب العالمین را الی قوله تعالی مبیده از سوره شعرا وقتی که قمر زاید النور بعد کتابت کند بسر ابطش و بر نجور لایق آشته
به پنجه بعده و در میان فرقه پاک نهد کنار زهاره دختر نابالغ گرفته بدست چپ ان طومار را بسوزند و ان فرقه دود بر دماغ ان فردوس سفید ببندد
و در ان مکان که کان دفینه داند سرد بود در وقت زوال روز پنجشنبه ان فردوس با موضع که دفینه بیرون رود و بمقدار وجب فی از زمین را کند ان گردد
و همین طریق اگر سحر کرده باشند و در زمین دفن کرده بسه ان توان ساخت و هم فرموده که از بعض فضلا شنیدم که از برای ازواج دفاین ان آیه
را بنویسد که فاخر جنا به من جنات و عیون و کنوز و مقام کریم هم از سوره شعرا و هم وی فرموده که ایه و اذ قلم ربک موسی ان ایت القوم الظالمین از سوره البقره
کتابت کند بسر ابطش و در کردن فردوس سفید بیاویزد و ان کان دفینه داند سرد بود ان فردوس با موضع دفینه را پیدا کند باذن الله تعالی و علامت
صحت این عمل ان بود که در روز چهارم فردوس بمیرد و در خواص این تعمیه آورده که هر کا یه ان الله یامرکم ان تذبحوا بقرة الی اخرها الی قوله تعالی بصیرا از
سوره نساء در قدح زجاج بنویسد و با باران بشوید و در موضع که کان دفین دارد رشته کند حتمی انه و تعالی بوجه از وجوه و بر ابران
دفینه اطلاع و بدو ان را ظاهر گرداند

در افراح لالا از دریا وصیده را سبکبار صاحب الوسیم اورده که هر که از صدف پاک
سفید روشن لوح سازد و بنشود روی انرا جلا دهد و بر یکروی ان بقلم فولاد ایه و سحرنا کم را الی قوله تعالی تهتدون از سوره نحل نقش کند و بر روی
دیگر صورت ملایکه بکشد و بر اطراف و جوانب ان صورت سبع جیوان دریایی نقش کند و ان لوح را در دریا بیندازد تا فی الحال او را بگیرد و در
در سرطان ببیند یا حوت بغایت مناسب بود پس هر شب ان لوح را بر بالای بلند برد و سر پایه از چوب ان را زیر بینی نصب کرده و ان لوح را بدو ان نخ
متصل بکنار آرد بعد از اتمام عمل ان لوح را در حقه فردوسی که از استخوان ماهی ساخته باشند مضبوط کند و چون خواهد که بعمل شغل کند
ان لوح را در شبکه ابریشمین بسته باشد که صیادان چو نده و انچه میخواهد که از دریا برارد از جنس در و مروارید و مرجان یا ماهی و سایر صیدهای
بحری و قتی که صیدهای بحری وقتی که شبکه بر دریا فرو میکنند تمام انچیز ببرد بر چه مقصود و مطلوب وی بود بدان لوح چسپیده بیرون آید و باشبکه
از دریا برارد و اگر در موضعی که انعمل میکند که صدف پیدا شد احتیاج بغواص نخواهد بود بلکه صدفها بر یکدیگر بر ان لوح چسپیده بیرون

بیرون خواهد آمد باذن الله تعالی و اشغال از اعمال عجیبه و غریبه است و صاحب جوادالسلیم فرموده که این اسرار عظیم است که اخفای آن از واجبات است و افشای آن بر جهال مذموم و از وصیت اکابر است که اشغال و سر سعی بلیغ نمایند و این را از نزدیک بیچ نااهل اطلاع ندهند **فصل ۵**

در اطلاع بر امور خفیه در خواص این تعویذ آورده که چون کسی خواهد که مطلع شود بر مخفیات و احوال پوشیده خلق مثل خبر یافتن مقیم از حال مسافر از عیال و اطفال و دانستن حال مریض که عاقبت وی محمود است یا مرض الموت و وقوف یافتن اکه و رشکم حامله پسر است یا دختر و مطلع شدن بر دفینه و آنچه بدین ماند باید که این آیه یا بنی الی قوله تعالی خبیر از سوره لقمان بسر الطیب در زیر طشت بالین نهد اول شب جمعه ماه شعبان بعد از نماز خفتن و در حال عمل و در وقت خواب کردن باید که متصل بگوید سبحان من لا یخفی علیه خافیة سبحان الذی ظهرت قدرته سبحان الذی ضمایر القلوب بیده والاخواه یا من جون بخواب رود کسی و براد رخواب از آنچه مقصود اوست اخبار کند **فصل ۶** در وقوف یافتن بر مخفیات صاحب جوادالسلیم آورده که هر که خواهد اطلاع یابد بر آنچه در رشکم حامله است از پسر و دختر و دفینه که در زمین پنهانست یا حال غایبی که بسفر رفته یا مریضی که بیماری وی صعبت و امثال اینها باید که طهارت کامل کند و جامه مطهر و معطر پوشیده روزه و شبنه روزه دارد و شب چون بخواهد باید باید که بوضو خواب کند و چون صباح شنبه شود پیش از طلوع آفتاب اللهم اعلم ما تحمل کل انثی را تا متعال از سوره رعد بر فرقه سبز بر عنوان و کلمات کتب کند پس آن فرقه را بر کور عود و عنبر دارد پس در حقه نهد و سر آنرا پوشد بوجهی که هیچکس را چشم بروی نیفتد و آفتاب و ماه بر و نتابد و چون شب چهار شنبه شود بعد از ادای نماز خفتن خواب رفته و آن حقه را در زیر بالین نهد و بگوید یا عالم الخفیات فی الامور یا من هو علی کل شئی قدیر اطلعنی علی کل ما اریده انک علی کل شئی قدیر پس بذکر حسبیمانه و تعالی مشغول باشد تا وقتی که در اثنای ذکر خواب بر او کسی را در خواب بیند که وی را اخبار کند از آنچه مقصود اوست پس اگر در آن شب این امر مشاهده نکند باید که روز پنجشنبه روزه بگیرد و شب جمعه اشغال بکار آورد لا محاله مخبر بیاید و وی را بر آنچه مراد اوست اگاه گرداند **فصل ۷**

در احضار ارواح جن این تعویذ در خواص آورده که هر که خواهد بعضی جنیان را بنزد پیش حضور حاضر گرداند و بر ایشان امر و نهی کند و ایشان مامور و مطیع او شوند باید که این آیه وصرفنا الیک نفرا من الجن تا مبین از سوره احقاف چند بار تلاوت کند بسر الطیب که معین کند و خور للان بکار برد و در سرع اوقات بعضی از ارواح جن حاضر شوند و بهر چه امر نماید قیام نمایند و هم او گوید که این مذکور را از برای سرعت اجابت جن و احضار ایشان مقرر است و بعد از عزایم این سوره را بسیار خواندن مدد عظیم است در احضار جن **فصل ۸** هم در تسخیر بعضی جنیان این تعویذ در خواص خفا آورده که چون کسی خواهد حاضر گرداند بعضی از اکابر قبایل جن را باید که چند بار این آیه وصرفنا الیک را که در فصل سابق گذشت با سر الطیب که در تسخیر جن مقرر کرده مخوانند انگاه سوگند دهد بران دیو یا بعبارت کلا تسئلنی فلان بن فلان فلا اقسم علیک با قسام الخلق بختم ذات الله اعظم منک و اکبر یا نه تنزل و تقهر احضر و لا تنت بما یلقاه البر و بعد ازان بگوید که وقع فی المقصود تا محضر و فا از سوره یس **فصل ۹**

و چون اشغال بسر الطیب و جد کند در سرع اوقات یکی از جنیان حاضر شود بطریق بیمار مبذر پیش و باز و نهی عامل قیام نماید **فصل ۱۰**

در احضار اقویای جن و روسای ایشان صاحب جوادالسلیم آورده که چون یکی از اعاظم جن تمرد نماید و سرکشی اغاز کند و بخواهد که فرمان برد

وکیفیت تسخیر دارد باید که بروز سوگند و بهمان عنوان که در فصل سابق گذشت و قال یا ایها الملا انی القی الی کتاب کریم مسلمان از سوره نمل بسیار تلاوت کند بشرایط و محورالایی بسوزد یا از راه سرعت و تعجیل پیش او حاضر شود و اطاعت کند باذنه تعالی. فصل ۱۰ در تسخیر مرده جن و عصاة ایشان این تسخیر اورده که چون کسی خواهد که یکی از متکبران و سرکشان طبقه جن را مقهور و مسخر خود گرداند تا او را در امور مساعد و معاون خود باید که از نزل خضد پیرون آید در دل شب و جای خالی پیدا کند و باید و بل لکل افاک اثیم را تا غلیم از هم جائیه چند بار تلاوت کند بشرایط مقرره و در آن اثنا بخور لایق بکار برد بعد از آن او را در آتش سوخته سوگند دهد بهمان صفت که در فصل نهم گذشت بعد از اتمام عمل یکی از مرده شیاطین و عصاة ایشان ظاهر شود و تواضع بسیار کند و مطیع و منقاد خود امر و نهی را. فصل ۱۱ در احضار ملوک جن و سلاطین ایشان از کتاب حرز السلیم و خواص القرآن آورده که هر که خواهد که اعاظم و ملوک و سلاطین جن را حاضر گرداند باید که اول بخور کند بعنبر لبان و سندروس و کندر و بعضی ادویه دیگر که در تسخیر جبان مقرر است و آیه اول از سوره والصافات تا انهم لواقب چند بار تلاوت کند بشرایط مقرره بعد از آن بگوید که احضروا فلانا و نام اعلک پیر و اسماء ملوک جن و رؤسای ایشان در کتب اهل تسخیر مسطور و شامل سماکی و شامل طلسمی و غیرهما مذکور است بعد از اتمام عمل یکی از ملوک جن حاضر شود و تمام اطاعت نماید. فصل پنجم در خواص سور قرآنی مشتمل بر پنج باب. باب اول در تحصیل جاه و دولت و تسخیر هر حاجت و قبول نزد سلاطین و خلاص از غضب و حبس حکام و سلامتی از جمیع آفات و تسخیر نفوس جن و انس و سایر حیوانات مشتمل بر دوازده فصل. فصل ۱ در حصول دولت و سعادت و عزت نزد خلایق. فصل ۲ در تسخیر حاجات و حوائج عزت و اقبال. فصل ۳ در قبول و مهابت و قضاء حوائج نزد سلاطین. فصل ۴ در حصول هیبت و مهابت در نظر جمیع خلایق و ظهور مودت و محبت در قلوب ایشان. فصل ۵ در التجاء نمودن به غضب سلاطین و حکام. فصل ۶ در امیر از شر بادیه جابر و عالم ظالم. فصل ۷ در خلاص محبوس و گرفتار قید و سلسله. فصل ۸ در امیر اوقات دین و دنیا و سلامتی از حوادث سبل و نهب و دفع آفات از خان و مان و ایمن از تهمت و بهتان. فصل ۹ در الفاء محبت و قبول قلوب و تسخیر اضداد میان و صدور عداوت و ما بینان. فصل ۱۰ در حصول دولت و سعادت و عزت نزد خلایق صاحب حرز السلیم آورده که هر که وقت نماز جمعه سوره قدر را کتابت کند و در زیر عمامه بر طاقیه خود نهد نزد مردمان عزت و جاه و پیشوایی و امور کلیه بروی آسان و دولت و سعادت بدو روی آورد و هم فرمود که هر که خواهد که در میان قومی ترویج تمام حاصل کند باید که سوره طه را کتابت کند و با خود در حرز تعویذ بجد با خود نگاه دارد تا بر مقصود فایز گردد و در خواص آن نیز آورده که هر که سوره والتین را بر قرطه حریر پاک نویسد و بگردن کلاب در ساعت تعدیل نگاه دارد بعود و عنبر و نوشته را بر خود داشته در هم بجد و در زیر لباس عبق پوشد و با کسی تکلم کند در نظر مردم عزیز گردد و جاه و حرمتی پیدا کند و قبول تمام در نظر خاص و عام پیدا کند و اگر اعمال ثلثه سیفصل جمع کند امان فوق بعد و اگر با وجود عمل سوره ثلثه هر روز بعد از اداء فریضه بامداد بتلاوت قیام نماید فایده مان تمام و اکمل بود. فصل ۱۲ در تسخیر حاجات و حوائج و اقبال صاحب حرز السلیم آورده که هر که طهارت کامل ساخته و جهار رکعت

نماز نافلة الضحى نيت حصول حاجات و در هر رکعت بعد از فاتحه سوره حشر بخواند حق سبحانه و تعالی هر مراد و حاجتی که دارد بر آید و بهم وی فرموده که هر که بر قرأت سوره نوح مداومت نماید هر مقصودی که داشته باشد بر وفق حاصل شود بدانکه اکثر علما بر اند که اسم اعظم در قرآن مجموع آن حواسیم سبعه است که در سوره انعام در آیه اذ جاءوک بهم انه قالوا لن نؤمن حتی یؤتی مثل ما اوتی رسل الله الله اعلم حیث یجعل رسالته و بعضی از اکابر دین و ارباب کشف و یقین که هر که به نیت حصول حاجتی و وصول بمقصدی سوره انعام را تلاوت کند بشرایط کلامی و جمع نماید آیه شریفه رسد و کلمه رسل الله را گوید پیش از آنکه الله اعلم در میان این حواسیم بزرگوار که اسم اعظم کنایه از آنست اشاره علی کند که اللهم من ذا الذی استغاثک فلم تغثه و من ذا الذی استعانک فلم تعنه و من ذا الذی دعاک فلم تجبه و من ذا الذی سالک فلم تعطه و من ذا الذی استجارک فلم تجره و من ذا الذی توکل علیک فلم تکفه و اتاه بک بلی بلی استغیث فاغثنی تا مغیث و اشفنی شفاء عاجلا و فرج عنی فرجا قریبا برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از آن صاحب خود عرض کند یس الله اعلم کفته قرأت کرده و اما بتمام رساند البته البته دعای وی بجواب مقرون شد و این از جمله مجربات صحیحه است و اگر فرضا نتیجه ظاهر نشود تقصیر از عامل است در رعایت مقرره و صاحب جواهر النظیم آورده که از بعضی مشایخ روایت شده که در هیچ تبعه و خانه نبود که سوره ق را هر روز تلاوت کنند الا آنکه صاحب آن خانه و ساکن آن تبعه دایم در دولت عزت و سعادت و کرامت بود و از مکاید و دلت محفوظ و مصون بود

در قبول و مهابت و قضاء حوائج نزد بعضی اهل سلطنت صاحب جواهر النظیم آورده که هر که وقت رفتن سلطان سوره والنازعات غرقا بخواند مراد وی بسهولت برآید و در نظر سلطان بهیبت و مهابت پدید آید و اگر کسی این سوره را در روی شخص تلاوت کند از وی هیچ ضرر نیابد و بکبر و خوی از وی جدا شود و در خواص آن تمیم آورده که چون کسی در ساعت اول روز جمعه سوره فاتحه را با قلم زرین در قدح زرین بنویسد بمشک و کافور پس بشوید تا کلمات محو کند و آن کلمات معمول را در شیشه نگاه دارد هر گاه که بنزد پادشاه جبار و ظالم قهار رود قدری از آن کلمات بر جبین مالد و بدی در اید مقبول و محبوب کرده و محبتی در دل آن بزرگ پیدا شود و از غضب وی ایمن گردد و شیخ شرف الدین یوسف در کتاب ضمان القرآن آورده که هر که سوره حم سجده را متصل صد بار تلاوت کند که در میان آنها فاصله در نیاید از شر پادشاه جابر و حاکم ظالم ایمن و مطمئن گردد و از هر هیچ دشمنی بوی ضرر نرسد

در حصول هیبت و مهابت در نظر جمیع خلائق و ظهور مودت و محبت در قلوب صاحب جواهر النظیم آورده که هر که هم دهانرا کتابت کند و با خود نگاه دارد در نظر خلائق هیبت و مهابت پیدا کند و محبت و در دلها غلبه کند و بهم وی فرموده که هر که سوره یس را بهفت رنگ زعفران هر روز بهفت بار بنویسد و هر روز یکبار آن بهفت بار یس را بگلاب خوشبوی تازه محو کرده آشامد بیاشامد در نظر خلائق بغایت عزیز و مکرم گردد و در مناظره بر خصم غالب آید و بهم وی فرموده که هر که سوره یوسف را بمشک و زعفران و گلاب بر ظرف پاک بنویسد و باب عذب شسته بیاشامد محبوب و مقبول قلوب گردد و آب روی در میان خلق بیفزاید و در بعضی از کتب خواص قرآن مذکور است که اگر کسی بگیرد قدری موی سر مطلوب و سر بار قل یا ایها الکافرون و بهفت بار آیه الکرسی بر آن خواند و نفث کند و چون آب

و را بدا نمویها را در زیر بالین نهد نافعست وی در دل معمول تأثیر کند و اتمام اینعمل بآن بعد که مقدار از موی نامبرده محبوب فراگیرد بشماره حروف
این سوره را بران موی خواند و هر بار نفث کند و بشماره حروف آیة الکرسی نیز بخواند و هر بار بر بر اموی نفث کند و صفت ترتیب اینعمل بجا
آورد و هر شب یا در زیر بالین نهد و در شب هفتم بعد از اتمام اینعمل اموی را بجمر اخگر افروخته نهند در حالی که بعود و عنبر خوشبو کرده باشد
و نام مطلوب و مادرش بر دو طرف عظیم در دل وی شب باطل پیدا شود و هم در بعضی کتب خواص مسطور است که هر که یکبار و چهل و یکدانه
فلفل و در هر یک بکبار سوره فاتحه بخواند و آن فلفلها را در دروی پیاز سفید نهد و سر آنرا هم بران پاره پیاز که برده است محکم کند و سه
روز از جوب انار زیر زمین مدفون شده در میان پیاز خلانیده بعد از آن پیاز را در زیر آتش آهن پز میسوزد نیز اما باید که
نسوزد و الا مکتسب نشود و اثر تحبیب در دل محبوب اثر عظیم کند

در الفاظ نامبرده غضب سلاطین و حکام شیخ شرف الدین یوسف در
کتاب خمسات القرآن آورده که هفتاد بار سوره اقتربت الساعة را متصل تلاوت کند با شرایط کلا مکرر در مقالات این کتاب مسطور بر مانع
از قهر و غضب پادشاه ظالم و فتنه و شر حاکم در ضمان امان خواهد بود در کتاب جواهر السطیم او هم از شیخ ابو الحسن شاذلی منقول و مرقوم و در خواص ابن
سینا او هم که چون کسی بر جبار و قهار و ظالمی خشمناک باشد باید که سوره تبت بخواند از قهر و سیاست ایمن و سالم ماند و در خواص ابن عمیر آورده که چون کسی بر
جبار و قهاری در آید و سوره تبت بخواند از شر وی محفوظ و محروس ماند

در ابطال شر پادشاه جابر و حاکم ظالم صاحب
جواهر السطیم آورده که چون وقت در آمدن بر پادشاه غیور و حاکم غضبان که از قهر او ترسان و هراسان بود سوره اذا زلزلت را هفتاد بار
بخواند از خوف و رعب آن دلی نایل گردد و هیچ اسیب و ضرر سبوی او نتواند کرد و هم در مرقوم که شیخ ابو الحسن شاذلی چنین فرموده
که هر که از پادشاه جابر ترسان و خایف بنی یا ظلمی بغیر حق میکند باید که سوره یس بخواند با شرایط پس بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم
الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم بسم الله لا اله الا هو ذو الجلال و الاکرام بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع
العلیم اللهم انی اعوذ بک من شر فلان بن فلانة بهم وی کفایت شده و صاحب جواهر السطیم آورده و فرموده که هر که سوره نوح را قرائت کند پس کفایت
کند و با حصنکها بهم آشته نزد پادشاه قهار یا حاکم ظالم رود از شر وی ایمن ماند و تلاوت سوره جن همین خاصیت دارد و هر که سوره بنا را
کتابت کند بشرایط و بر بازو ببندد و نزد پادشاه ظالم رفتار شر وی ایمن ماند

در خلاص محبوس و اسیر و رهائی وی از قید مطلق
در کتاب جواهر السطیم آورده که هر محبوس و اسیر که بر قرائت سوره جن بر انتظار مداومت نماید بزودی از قید حبس خلاص یابد و در حفظ و پناه
حضرت حبیبانه و تعالی باشد و اگر زندانی بر قرائت سوره جن بشرایط مقرره مداومت نماید زود از بند و زندان رهائی یابد و اگر اسیر
بهمین عمل مداومت نماید زود بدیار که خلاص گشته بوطن اصلی رسد و اگر کسی بر تلاوت سوره طور ادمان کند حبیبانه و تعالی اسان کند
خروج وی را از زندان و عنقریب خلاصش گرداند و هم صاحب جواهر السطیم آورده در فضایل سوره لیس اخبار و احادیث بسیار وارد است
و از الجمله آنست که هر محبوس که بر خواندن سوره لیس مداومت نماید بزودی از بند و زندان خلاص شود

در نفع مخزن و مطبع سامعین

دشمنی بلا بن تمیمی آورده که مغرور مداوم که بر تلاوت سوره یوسف مواظبت کند نزدیک بر سر عمل باز آید و بمنصب خود باز آید و اهل خود و تفصیل اسمای
برجهارم در فصل هفتم از باب اول از مقاله رابعه گذشته و هم وی گوید که چون معزول شود و دست تصرف او کوتاه شود باید که بر تلاوت
سوره الفاتحه مداومت کند تا زود بمقصود رسد و صاحب حرز العظیم آورده که سوره کهف را صد و هشت بار بشرایط تلاوت کند هم دشمنان
سرکش او مطیع او شوند و دولت و سعادت روز بروز در تزاید بود **فصل** ۲۱ در خلاص از مهالک و ایمن از جمیع زخم و جله
مکروهات تنزیل السجده در کتاب خصائص القرآن آورده که هر که را امر عظیم و مهلکه خطیر پیش آید باید که صد و چهل بار سوره مومنون بر سبیل التماس
تلاوت کند و در بعضی روایت اکل و شرب و طهارت برگیرد و از آن مهلکه سلامت بیرون آید و هیچ مکروهی بدو نرسد و هم وی فرموده که هر که هفتاد
بار سوره حدید را بر سبیل دوام تلاوت کند از هر مهلکه که پیش آمده بود بسلامت بگذرد و بعافیت خلاص یابد و هم وی گوید که هر که بهنگام
خلاص از مهالک سه بار سوره احقاف را بخواند بسلامت و عافیت از آن ورطه بیرون آید و حضرت خاتم محمد بن رسالت در تفسیر سوره والعادیات آورده
که حضرت امام همام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت رسالت صلعم فرموده که سوره والعادیات بران چشم زخم سه بار بخواند و صاحب
حرز العظیم فرموده که هر که سوره والعادیات را بنویسد و با خود نگاه دارد از جمیع آفات و مخافات ایمن ماند و هم وی فرموده که هر که بر قرات سوره
القارعه مداومت نماید همیشه در امان خدا بود **فصل** ۲۲ در ایمن از آفات دنیوی و دنیا و سلامت از حوادث لیل و نهار صاحب حرز العظیم آورده
که هر که بر تلاوت سوره حشر مداومت کند در دین و دنیا ایمن بود و هر که تسبیحات او را کتابت کند و نوشته را با خود نگاه دارد از جمیع
آفات و بلیات محفوظ بود و هم وی فرموده که هر که بهنگام صادق خود گفتار زبذا الله که در هر رکعتی بعد از فاتحه سوره الانعام بخواند نگاه از خدا ایمن
سلامت و عافیت خواهد و در ایام از هر خوف و مرض و الم و آنچه موجب کراهت بود ایمن بود و هر که شبانگاه سوره الانعام تلاوت کند ایمن
از جمیع طوارق و حوادث محفوظ بود و هر که در روز جمعه بعد از نماز سوره اعلی را کتابت کند و با خود نگاه دارد از جمیع آفات در حفظ و پناه حق تعالی
بود و هم وی فرموده که هر که سوره نور را کتابت کند و از خود با خویش دارد از سر درد مان ایمن بود و هر که سوره البروج کتابت کند و تلاوت و فکر که بفراست بر وقت
الشب تا صباح در امان حق تعالی بود و هر که در وقت طلوع فجر سوره فجر را با نزده نوبت بخواند تا طلوع فجر فردا از جمیع بلایا و آفتها ایمن باشد و هر که سوره
ماعون را صد بار پیش از نماز بامداد بخواند تا جمیع دیگر در حفظ حسنی نه و تعالی بود و هم وی فرموده که هر که مداومت کند بر تلاوت سوره قیمه در شب
محفوظ بود از تعرض مردم شیاطین و هر که مواظبت نماید بر قرات این سوره در روز محفوظ بود از شر و جور ظلم ظلمه و سلاطین **فصل** ۲۳
در دفع آفات از خان و مان و مال و ایمن از تهمت و بهتان صاحب حرز العظیم آورده که سوره مریم را کتابت کند در ساعت سعد بر دیوار سرای خود آن
سرا و منزل از جمیع حوادث و نوائل ایمن ماند و هر که با داعیه یا جام زجاجی این سوره را کتابت کند و بخواند و با بیاشامد از بهم خود ها سالم و
ایمن ماند و ابن نمیمی آورده که هر که سوره بروج را حفظ نماید و الله من ورائهم محیط تا آخر هر روز سه نوبت تلاوت کند و هر شب سه بار و بر اهل
و عیال و خان و مان و مال و متاع و عقار و ضیاع و مواشی و امتعه و اولاد و ازواج و هم از آفات و تاراج و حادثات محفوظ و محروس ماند

وهرکه هر روز جمعه یکبار سوره ماعون را بر متاع و مال خواند وقتی که مستقبل قبله بنشیند از شکستن و تلف شدن و منابع گشتن مصون گردد
و در خمسات لویی آورده که هرکه هفتاد و یکبار سوره منافقون را به نیت سفر منافقان و بدگویان و عقد لسان ایشان بخواند زبان همه حاسدان
و بدگویان از اهل غیب و پنهان فرو بسته شود و هم در رخمات آورده که هرکه هفتاد سوره نور را با سرالطیس تلاوت کند از تهمت و افترا و سخن
غمازان و حاسدان محفوظ ماند و زبان دشمنان در بابی بسته شود و هم بعضی گویند که از برای حصول انبساط بروجه کمال هفتاد بار بخواند
و اگر کسی توفیق تحصیل یابد بر اثر و نتیجه وی نعمت عظیم بیابد ذلک فضل الله [illegible] در رای رغبت و قبول خلق و تسخیر آدمیان و صید مرغان و ماهیان
صاحب جوالسلیم آورده که هرکه سوره زمر را کتابت کند با سرالطیس و بر بازوی خود بندد لشکر بوروی زبانها جاری گردد و مهر و محبت وی در دلها
طاری شود و همیشه خلق مطیع و منقاد وی باشند و هم وی فرموده که هرکه سوره فرقان را بر بام زمانی یا فرج چیز نویسد یا بر زعفران و اگر
میسر نشود با برجاه شیر نیاک فحو ساخته بیاشامد نزد همه خلق محبوب و مقبول القول شود و مردمان اطاعت و فرمان برداری وی کنند و هرکه بر
تلاوت سوره ماعون مداومت نماید مطاع و مجاب الدعوة شود و هرکه سوره یوسف با سرالطیس بر طرف کند تب کند و آب دهان باران را اگر بنیلوفر
با آب شیرین بیامیزد از زهر بزرگ ایمن گردد و بیاشامد و یا اقدر عظیم نزد مردمان بهم رساند و هم صاحب جوالسلیم آورده که خط بعضی علما
دیدم که هرکه سوره یوسف را کتابت کند بنام مردی و در دی نبود و زن خود را بجای دوست گیرد چنانچه زیاد بران قصور نتواند کرد و هم وی
فرموده که هرکه سوره انا فتحنا را بر لوح اخلاص نقش کند با سرالطیس که مقرر شد و بر دام صیاد مرغان نبند مرغ بسیار بدام افتد و اگر بر شکم
ماهی گران بندد فوج ماهی بدام آید باذن الله تعالی [illegible] در تسخیر فتح و نصرت و تهمتان و قوق ظالمان و تخریب منازل ایشان و ابطال
سحرها و رفع موذیات از جن و انس و هوام مشتمل بر دو انواع فصل [illegible] در تحصیل ظفر بر هر لشکر [illegible] در حفظ
و صیانت از شر اعدا و نصرت بر ایشان [illegible] در غلبه و استیلا بر لشکر اعدا [illegible] در القای خوف و رعب در قلوب
و تسلط و شکستن ایشان [illegible] در دفع ظالمان و منافقان و غمازان و امیر از گروه ایشان [illegible] در شکست
و زوال ستم ظالم و سلطان جابر [illegible] در تحصیل اعداد و رفع مکر ایشان هم با ایشان [illegible] در تقرب و محبت
و منازل فسقه [illegible] در سلامتی از ضرر جن و انس [illegible] در ایمنی از وساوس جن و انس و ابطال سحرها و دفع جسم زخم
[illegible] در تسکین دروغ ریاح عاصفه و رفع موذیات و طیور و هوام [illegible] در دفع موذیات از ضرر حیات و عقارب
[illegible] در تحصیل فتح و ظفر بر هر لشکر صاحب جوالسلیم آورده که هرکه سوره انا فتحنا را کتابت کند با سرالطیس و با خود نگاه دارد شخص
یونانی مذکور است که هرکه به نیت فتح و نصرت جهل و یکبار انا فتحنا بخواند مراد حاصل شود و اگر جمعی قرا اتفاق کرده به نیت ظفر پادشاه و قت جهل
و یکبار متصل بخواند فتح و نصرت عظیم روی دهد و هم نسخ در رخمات آورده که هرکه سوره طه را پیش و یکبار یس پیوسته بخواند بر همه اعدا ظفر
و مقدر گردد و هم در رخمات مذکور است که هرکس به نیت فتح و ظفر یازده بار سوره یونس بخواند مراد حاصل شود ان شاء الله تعالی و خواص آیه

سوره اذا جاء نصر الله بر شمشیر خود نقش کند شر اعدا دفع شود و بیان دشمن قهر به کند فتح و نصرت و یرا بود و بر همه اعدا غالب آید

در حفظ و صیانت از شر اعدا و نصرت یرا بی صاحب جواهر النظیم از ابن عباس روایت کرده که اسم اعظم حق تعالی در اول سوره حدید است در شش آیه اول پس هر که السوره را لاکتاب کند شر ابلیس و اخفیا و یزد و در صف قتال رود هیچ جارحه از نیزه و شمشیر و تیر بوی نرسد و هیچ اهنی بروی کار نکند و هر که سوره کوثر را شر ابلیس کتابت کند و با خود نگاه دارد از جمیع اعدا محفوظ بود و یرا بی نظیر و منصور شود تا دام که ان نوشته همراه خود دارد هیچ مکر و هیری بوی نرسد و هر که در مقابله دشمن سوره والنازعات بخواند از وی هیچ ضرری نیابد

در غلبه و استیلا بر شر اعدا صاحب جواهر النظیم و ابن تیمی در کتب خود اورده اند که هر که سوره هود را بر ورق نویسد و با خود محاربه با خود نگاه دارد و بر همه اعدا غلبه کند که اگر صد کس یکبار بروی حمله اورند جمله را مغلوب گردانند و هیچ کس بجروی دلیری نکند و صاحب جواهر النظیم اورده که اگر کسی این سوره بر عفران و گلاب کتابت کند و با ماء جبن بآب باران و اگر نباشد اب عذب که از نهر عظیم گرفته باشند بسازد به روز متصل در صبح و شام بیاشامد دل وی تا بیست روز قوی شود بحدیه که اگر جن و انس با وی معارضه و محاربه برخیزند از همه فارغ بال بود و هیچ کس با وی تکلم نکند الا بموافقت و متابعت و وی هم فرمود که هر که سوره والتین را بر ورق اهو بره پاک بنویسد و با خود نگاه دارد استیلای وی بر اعدا قوی شود و هیچ دشمن را بروی قوت نماند و غلبه و نصرت در جانب وی بود باذن الله تعالی

در القاء رعب در دل دشمنان و شکستن ایشان در کتاب جواهر النظیم و خواص ابن تیمی اورده که چون کسی سوره الم ترکیف را در میان هر دو صف لشکر چند بار بخواند خوف و ترس بر لشکر مخالف غلبه کند چنانکه هم بیکبار پشت دهند و روی بگریز اورند و اگر کسی در وقت تقابل و تصادم این سوره را بخواند دشمن مقلوب و منهزم شوند باذن الله تعالی

در دفع ظالمان و منافقان و غمازان و ایمن از کید ایشان و صاحب جواهر النظیم اورده که هر که از ظالم ترسد و سوره قل یا ایها الکافرون را تلاوت کند پس بعد وی را باید از شر او و شر هر شیطان و ظالم ایمن ماند و تلاوت سوره تبت در وقت خوف بر ظالم همین خاصیت دارد و هم وی گوید که هر که سوره عبس را بر قطعه از جامه پاک دختر بکر بنویسد و با خود نگاه دارد البته مکر هیچ مکار بوی نرسد و از شر اهل بغی ایمن بود و بر افعال خیر مطلع شود و کرده های خوب بر او آسان شود

در کتابت و عمل سوختن ظالم و سلطان جابر در کتاب جواهر النظیم اورده که هر که سوره زلزله را بر ظرف بزرگ چینی یا زجاجی بنویسد در شبی که تاریک و مظلم بود و رعد و برق و باران و طوفان عظیم بود و نوشته را در آب باران که در آن شب گرفته بشوید و بیاشامد و این عمل را هم در آن شب بر دیوار خانه آن حاکم و سلطان ظالم بیاشامد و اگر میسر شود در درون خانه وی بریزد و کند او البته پس چون برخیزد از خانه خود قدم بیرون ننهد باز نگردد الا که معزول شود و منکوب گردد و ابو حامد الغزالی قدس سره نقل کرده که هر که این سوره را در شب تاریک بعد از ادای نماز خفتن در برق و آتش کتابت کند و هم در ساعت بر در بارگاه پادشاه جابر رود و در دوران حوالی دفتر بکند و لشکریان وی در هم شکسته و متفرق شده هر کسی روی بدیاری نهاد و دعای وی اجابت

فالدن

مخالفت و نافرمانی کنند و در روی عاصی شوند و سنبه وی تنگ شود و غم و اندوه بر دل وی غلبه کند و سلسله سلطنت وی درهم شکند
در تعریف اعداد و ارقام ملوکانیان هم باب ان در کتاب جر السطیم اورده که هر که سوره روم را کتابت کند و انرا در شیشه زجاجی نو در شیشه
سر تنگ بندد و سر شیشه را سه روز اکرد رمنزل دشمن دفن کند که در انمنزل بعد از دشمن و اولاد و ازواج و اتباع و عبید و دواب وی جمله
بیمار شوند و اکر کسی از غیر اهل انمنزل قدم در انمنزل نهد وی نیز بیمار شود و اکر کسی این سوره را بنویسد و بر آب باران بشوید و در انا دفنی انکاغذ
و الوان آن آب را دشمن که بیاشامد بیمار شود و اکر از آن آب روی دشمن بشوید و چشم وی را مد مالد شود و هم از بعد که کور شود و هر که صبح و شام
سوره واقعه را تلاوت کند همیشه در حفظ خدای تعالی باشد و اکر معاندی نسبت بوی کیاند نیشد ضرر و اثری بوی لاحق نشود باذن الله تعالی
حجل ٦ در تعویذ و کتابت منازل قمر صاحب جر السطیم اورده که سوره حجر را بر انا چینی نویسد پس محو سازند و بین در منزل سلطان
یا بر وی عالم ظالم رئیس کند باسباب عجیب و غریب وی از دست وی مضطر و مضطرب کرد و در رعب و خوف و الم و اندوه بروی غالب شود از ملک و دیار
خود برانکند و سرکشته کرد و هم وی فرموده که چون کسی سوره طلاق را بر انا چینی یا زجاجی کتابت کند یا آب شود و از ملک و دیار خود برانکنده و سرکشته
کرد و هم وی فرموده که چون کسی سوره طلاق را بر انا چینی یا زجاجی کتابت کند با سه سر باشور یا بخ محو ساختان ابرا در موضعی پشت صاحب
ان اواره کرد و ابدا انجا ساکن نشود و اکر ابتدا صاحب انمنزل اواره نشود انجا قتل و فتنه عظیم حادث شود اکر کار بخون و خونخوانی نیانجامد عامل
باید که در این امور حسبی نه و تفاءل به ترسد نسبت بغیر منتهی بعمل انجامی نیاید و الا خوف رعب بود و هر که سوره نحل را بشرایط کتابت بنویسد
و در انا نو نهاد سر انرا محکم سازند و در منزل اهل مجور دفن کند انجماعت تمام متاصل شوند و جمیع امتعه ایشان بر بیابان متبدل کرد و اکر در ملک
قدم دشمن دفن کند سلسله وی از هم فرو ریزد و نسبت نابود شود و اکر انا مسدود الرأس را در بستانی در زیر خاک دفن کند باز بهمانجا
وی فرو ریزد و عاطله باید که در تعمیل ملاحظه کند و جن در مراضع کار نکند و الا خوف رعب بود و موجب وبال و خلل نکال و در خواص
ابن هیثم اورده که هر که کف خاکی از سرای قدیم شده بر داله کف دیکر از خانه کهنه و بران شده و کف دیکر از مسجد قدیم و بران شده و بر هر کف
خاک هفت بار اللهم یا جواد السبیل انخاکرا بهم امیخته وقت سحر در منزل ظالمی و خانه که محروم مردم از ظلم و فتنه وی در تشویش باشند بر چهار طرف منزل
وی بران شود و خود سر کردان و پریشان کرد و وده دلیه که اثر از منزل وی نماند و عامل باید که در تبدیل اسم بنیت صادق و غرض صحیح
شروع کند و از خصومت و نفس بد و نیت بد پاک باشد در سلامتی از ضرر جن و انس صاحب کتاب جر السطیم اورده
که هر که سوره احقاف را کتابت کند بسر السطیم با خود نگاه دارد از شر دیوان ایمن شود و در بیداری و خواب هیچ مکروهی نبیند و اکر کتابت
انرا نوشته در زیر بالین خود نهد از شر جن و انس و هر طارقه و حادثه محروس و محفوظ بود و هر که سوره یونس را بگلاب و زعفران کتابت کند
و با خود نگاه دارد از چشم بد و جن و انس و هر طارقه و هوام و جمله اوجاع و الام ایمن ماند و از ابو الحسن تمار نقل است که چون خواهد که
از بهر اخلاص سلام ما نع بر تلاوت قل اعوذ برب الناس مداومت نماید و در بن سوره افسون بهر درد ساخت و هر مرضی که بر تلاوت

معوذتین ادم ان نماید ذود صحت یابد و هرکه در وقت خواب معوذتین بخواند از جن و وسوسه ایمن ماند این تمیم آورده که هرکه صباح معوذتین بسیار بخواند از سر هر دو بلا سر مندفع شود و هیچ کونه چشم زخم و سحر بروی کار نکند و همیشه محفوظ و مصون بود فصل در وساوس جن و اطفال سحر و دفع چشم زخم این تمیم آورده که هرکه مداومت کند بر معوذتین دفع وسواس و مانع وسوسه شیاطین بود و در خمامات بوجه مذکور است که هرکه سوره لیس را بگلاب و زعفران بر ورق حنا بنویسد و با خود نگاه دارد از تعرض جن ایمن بود و صاحب جواهر السلیم آورده که چون کسی سوره حجرات را بر دیوار خانه خود کتابت کند هیچ شیطانی گردانی نگردد و هرکه سوره همزه را بر کسی خواند که از چشم بد متاثر شده بتر و مریض گشته حقیقانه و تعالی و برا صحت کرامت فرماید و در خمامات بوجه اورده که هرکه سوره طه بنیت دفع سحر بیست و یکبار متصل تلاوت کند السحر تمام باطل گردد فصل در تسکین دادن ریاح عاصفه و دفع موذیات بطرد عوام صاحب جواهر السلیم اورده که در وقت تعادم الریاح و وزیدن عاصفات سوره الم ترکیف را چند بار بخواند باد های عنیف تسکین یابد و هوا ارام گیرد و هر مسافر و مجاوری که برخواند سوره بنا مداومت کند از طوارق و حوادث محفوظ بود و هیچ موذی از هوام ضرری بوی نرساند و چون کسی سوره انشقت را بر دیوار حایط کتابت کند هیچ جانور گزنده بر اس حایط نگردد و اگر در انجا بوده فی الحال فرار نماید و کتابت سوره الرحمن بهمین خاصیت دارد و اگر کسی هر دو سوره را بنویسد نتیجه فوری دهد و خواندن سوره انشقت بر کسی که مار گزیده بتر و برا باکردم یا غیران موجب تسکین اوست در دهنت فصل در دفع مضرحیات و عقارب و سایر موذیات صاحب جواهر السلیم اورده که هرکه سوره سبا را بر کاغذ نو سفید پاک بچید و با خود نگاه دارد از ضرر مار و کژدم و سایر گزندگان ایمن باشد مادام که آن نوشته با وی باشد هیچ افتی لاحق آن نشود و اگر سوره والطور را کتابت کند بظرف چینی یا زجاجی و با آب پاک بشوید و آب را در موضعی رش کند که راه گذر بود گزندگان از انجا فرار نمایند و اگر آن آب قطره بر کژدم برسد بمیرد و همچنین فرموده که سوره فرقان را کتابت کند سه بار و آنرا بر خود بسته به موضعی رود که ماران بسیار و گزندگان موذی بسیار باشند از جنبش و دیدنش هلاک شوند و کژدم و عقربان هیچ ضرری بوی نرساند و ازوی فرار نمایند و در بعض کتب خواص مذکور است که اگر کسی وقت خواب جای خراب کند و بر بالین نهد و سه بار سوره اذا زلزلة بخواند و هر بار بر انجا دمد هر کیک و پشه که در ان حوالی بود خود را در ان جا م آب انداز د فصل در تسهیل و توسیع رزق و دفع فقر و فاقه و اخراج دفاین و رجوع غایب و ابق و نیل خیرات و ضبط مخزونات و امین مسافر در بحر و بر و حفظ مال نگاه دارد از قطاع طریق و باز یافتن راه بعد از سرگشتگی مشتمل بر دو باب و فصل

باب اول در تیسیر و توسیع رزق فصل اول در ادای دین و دفع تنگی معاش و رونق کسب فصل دوم در حصول مدعا و دفع فقر و فاقه فصل سوم در اطلاع بر خزاین و دفاین و وقوف ما فی الضمیر نایم فصل چهارم در رجوع غایب و ابق و ظهور سارق بین الهدایه فصل پنجم در نیل خیرات و ازدیاد برکات فصل ششم در حفظ دفاین و مخزونات فصل هفتم در حفظ انبار حبوبات و حفظ ان از خوره و شپشه و امثال ان فصل هشتم در سلامتی مسافران بر و بحر از افات و رسیدن ایشان

باب سیم

باولاد فصل ۱۰ در ایمن بودن دریا از غرق شدن و کشتی شکستن فصل ۱۱ در ایمن از سفر خشکی از حوادث و نهب سباع و مودیات
فصل ۱۲ در حفظ مال تا ایمن از قطاع الطریق و یارانش در راه بعد از سرکردانی فصل ۱۳ در تیسیر و توسیع رزق صاحب او العظیم او ع
که هر که سوره یوسف را بنویسد یا بنویسد برای او یا بر کشتی بشوید یا او با آب عذب شسته بیاشامد وسعت رزق از حق سبحانه و تعالی طلب کند
عزمود که از بعضی عارفان شنیدم که هر که سوره انا فتحنا را در وقت رویت هلال رمضان در اول هر شب سه بار تلاوت کند حبیبی نه و تعالی
در امثال او رزق و روزی را بروی گشاده گرداند و هر که سوره والعادیات را مداومت کند و با خود نگاه دارد او را در رزق و روزی برکتی کرامت
نیز همین خاصیت دارد و از شیخ ابو الحسن شاذلی منقول است که او گفته اند که اگر خواهد رزق تو با سانی و سهولت میسر گردد سوره الفلق بر خود لازم
گردان که بسیار قرائت کند و صاحب این فقیر در جواهر التفسیر در او تفسیر فاتحه فصلی نوشته اند هر که خاصیت او خواهد از سوره بزرگوار و خاصیت
فراخ گشته از خلق مستغنی گردد فصل ۲ در ادای دین و دفع تنگی معاش و رونق کسب در خاتمات الفوائد شیخ ثروت الله بیارته فرموده که هر که سوره اذا وقعت
را جمعه یکبار ربزه دی گردد و ادا بر او سهل شود و در کتاب در المنظم او هم که هر که سوره یوسف را بنگ و زعفران و گلاب بنویسد و با پاک قمر
ساخته بیاشامد قرض و ام از جای او شود که در گمان او خیال او نگذشته باشد و روزی بروی گشاده گردد و از تنگی معاش خلاص شود و مداومت این
سوره همین خاصیت دارد و هر که بر تلاوت و تعظیم او دوام نماید مطلوب دنیا و عقبی گردد و هر که سوره حجر را بزعفران و گلاب بنویسد
کند و آن نوشته را در جیب خود نگاه دارد هر کسب و روزگار که پیش گیرد تمام بهره کند و با او روی گرم شود و مردم کار و پیشه او را پسندند و تاوان بیش بهیچ سودا نکنند
فصل ۳ در حصول ثروت و دفع فقر و فاقه این تعویذ آورده که هر که در نمازهای خمسه گانه بعقوبی تواند گذارد و در کتاب خصائص
او هم که هر که هفتاد و پنج بار سوره والذاریات متصل بخواند با شرایط تلاوت حبیبی نه و تعالی مال بسیار و روزی گردد و از فقر و فاقه برهاند
و در کتاب بسر الآیات آورده که هر روز شنبه این عباس اند و از تنگی معیشت شکایت نمود و طلب دعا کرد که موجب ثروت و برکت باشد و سبب
خلاص فقر و فاقه شود این عباس فرمود که بر سوره طه مواظبت نمای از در با نیوستب علمنود و او وظیفه را مرعی داشته زود مقصد رسید و در کتاب جواهر
المنظم آورده از عبد الله مسعود روایت کرده که حضرت رسالت پناه صلعم فرمود که هر که سوره الواقعه را هر شب بخواند فقر و فاقه و پیرا در دنیا نبیند هر گز ان
سوره را بامداد بخواند هر گز از فقر نترسد و هم در کتاب جواهر المنظم آورده که هر که قرائت آن سوره را دوشنبه در نمازهای فریضه و نافله بسیار خواند هر گز
فقر و فاقه را در دنیا نبیند و هر که سوره الکهف را بنویسد بشرایط کتابت او در شب سه شنبه سر بخ کند و سر از بسته در منزل خود پاک و پاکیزه نگاه دارد از فقر
و فاقه و ایذا خلق خلاص شود و هر که بهیچکس از اهل دنیا محتاج نشود فصل ۴ در اطلاع بر فرزایش و دفایش و توقف او الغیر نادم در کتاب
جواهر المنظم آورده که هر که در نماز شام سوره اذا زلزلت را بسیار خواند و در فریضه نماز نیز بسیار تلاوت کند بشرایط کلام حق سبحانه و تعالی ما بروفق مراد
زمانه و برا اطلاع بگنج پوشیده از وجوه در خواب بیداری روی هم و در آن کتاب آورده که هر که دفینه نهاده بیش و فراموش کرده بیش گردد و اگر ام جانب است
پدر و اقربا و غیر آن بداند که در چه موضع است بر قرائت سوره والضحی مواظبت نماید بنوعی از انواع ادرا بازیابد و هم در آن کتاب مسطور است که بعضی

عارفان گفته اند که هر که سوره شعرا را با این آیه و اذا قتلتم نفسا فادارأتم فیها ما تعقلون از سوره بقره کتابت کند و مکتوب را از کره آن فرو شوید و با آب مخلوط گرداند و در موضع گنجانیده دفینه ای باشد و بر آن سرو بن افروخته بالای دفینه بالا شده و نشان و چنان از میان برداشته و علامت صحت این عمل آن است که خورشید در روز چهارم این عمل در فصل چهارم از باب پنجم از مقاله رابعه گذشته و فرق میان این عمل آن است که اینجا یک آیه اکتفا نموده و آنجا سوره شعرا را بآن ضم کرده و اما این عمل اتم و اکمل است و در خواص این نیز آورده که چون کسی خواهد که از ضرر نابینا حذر کرده و بر مکنون باطنی وی مطلع شود باید که سوره اذا زلزلت بر حوله از جامه آن نابینا بکر و از عنوان و کلاب بنویسد و در اخراجیم وی و مادر شش رقم زند و بخورد لایقه داشته در هم بچشد و در سیاق پوست به نهند و هم بسازند و بعد ازان بر سینه نابینا نهند و وی را خواب سخن گوید به و از ما فی الضمیر خود خبر دهد بی آنکه بگفته و کوی خود خبر و شعور داشته نیز

فصل ۵ در رجوع غایب و آبق و ظهور سارق بنابر المتهمین صاحب جوالسیطیم اورده که هر که غایبی بیند و خواهد که زود در راحت کند سلامت و غنیمت باخبر کرده بیند و خواهد که زود یابد باید که بر نام وی هفت بار سوره والضحی را بسر ابطیس تلاوت کند و اگر خاطر نشود هفتاد بار بخواند پس بگوید یا صانع العجایب بار اد کل ما یصیبنا جامع الشتات بیننا و بین الاحبة یا مقالب القلوب و الابصار یا عالم الخفیات یا دائم الثبات یا من لا یحتاج الی الاعوان و الانصار بحق اسمائک الحسنی و بحق الدین ان فیها از بعض اکابر نقل کرده که هر که سوره والضحی بر کاغذ سفید نو پسند بسر ابطیس باشد و در ذیل ان نام بنده کرکنه و نام مادر شش رقم زند و بر کرد سوره هفت دایره در روی یکدیگر بکشد و بهر دایره که میکشد یکبار والضحی را بسر ابطیس تلاوت کند و بر کاغذ مذکور نوشته را بر کوره لایق داشته در قوه پاک بچشد و در خانه تاریک در زیر سنگ کران نهان بنده کرکنه سرگشته و حیران شده با اختیار خود بخانه صاحب خود آمده بنده کرکنه بهند و بود و در میان عمل چنان اتفاق افتد که ذکر عمل راجع بعد التوبه برکرده و اگر بنده ترک بعد در وقت عمل مریخ راجع بعد شبهه بنده بار کرده و اگر بهیچکدام اتفاق نیافتد باید که در زمان عمل التوبه صاحب طالع راجع بنده و از رعایت این نکته چاره نیست تا در اسرع اوقات منتزع شده و در کتاب جوالسیطیم اورده که هر که سوره لپس را بر طشت مسی که نو قلعی کرده بنویسد کتابت تمام شده و باب ستوه سر بوشیده مخوناب پس ان مسمول را در ان طشت بجوشاند و قدری از دکنه باسم جبرئیل که بر وی متهم باشند با ب انجیره خیر کنند و بعد دهر فرد قدری از ان جدا کنند پس انجماعت تا خورده ان قطعهای خمیر امر کنند کسی که دزد بیند بر خورد ان خمیر قدرت نیافته بیند و در میان جمع رسوا شده

فصل ۶ در نیل خیرات و ازدیاد برکات صاحب جوالسیطیم اورده که هر که سوره مریم را کتابت کند بسر ابطیس و در منزل خود جای پاک دفن کند بین و برکت و خیر و جمعیت و بسیار شده و انشراح بر ساکنان منزل مبارک و میمون بیند و هر که سوره همزه را در نافله بسیار خواند مال وی بسیار شده و رزق وی بسیار شده و هر که سوره تکاثر را در نماز نافله بسیار تلاوت کند در مال وی خیر و برکت بسیار پیدا شده و روزی بروی گشاده گردد و الله اعلم

فصل ۷ در حفظ غایبان و گمشدگان از ارض و افاقت از کتاب جوالسیطیم از خواص این نیز اورده که هر که دفینه و ذخیره

فراغت یابد بگزاند آن ذخیره در دفینه در حفظ و امان حق سبحانه و تعالی بنهاد و فکر کند صاحب الامر بر سریر ابهت و اکرام بر این سوره را چهار بار بر چهار رقعه بنویسد و در چهار زاویه آن فرو دفن کند ذخیره وی همیشه مصون و محفوظ بنهاد و اگر سوره جن را بر فرزند خواند از هر طارقه و حادثه محفوظ ماند فصل ۹ در حفظ انبار حبوبات و حفظ آن از خوره و پشه و امثال آن صاحب العظیم آورده که هر که سوره الکهف اکتب است کند و در شیشه سر تنگ مضبوط کرده در میان انبار غله نهد از خوره و پشه و امثال آن مصون ماند و هم وی فرموده که هر که سوره مجادله را بنویسد و در میان حبوبات نهد از آفت سالم باند و هیچ دانه از آن انبار غله ضایع نگردد و هم وی فرموده که هر که سوره واللیل را بر فرزند مطلوبات خواند حق سبحانه و تعالی از آفت سیاه شده نشکافد فصل ۱۰ در سلامتی مسافران بر و بحر از آفات

در سیر زبان یاوفان صاحب العظیم آورده که هر که مشوق سفر شود و سوره علق یا البینة نویسد بر خود بندد آن مکتوب او را و قافله باشد هم در سفر برود هم در سفر کرما و فقر و بعضت و غربت بوطن خود باز رسد و هم وی فرموده که هر مسافر که بر تلاوت سوره صف مداومت نماید از هر آفت و بلا یابد که در پیش آید ایمن و سالم بوطن خود باز آید و هم وی فرموده که مواظبت بر سوره والطور بهمین خاصیتی دارد و فرموده که هر که سوره عبس را کتابت کند بر ورق جلد آهو بره و با خود نگاه دارد او و هیچ فرقی دران سفر نتواند و بهیچ ملکوه هیچ کاهل آن مکتوب نرسد و قرائت سوره نساء همین خاصیت دارد و والله اعلم در جواهر التفسیر و زان اصل کرده خاصیت از خواص سوره فاتحه آورده اند چنین فرموده که خاصیت این سوره بزرگوار حفظ و سلامتی است در سفر چنانکه در کتاب سراج من الملک از حضرت مرتضی علیه السلام نقل میکند که چون سفر میکنی نه نوبت فاتحه را بخوان و بگوی اللهم احفظنی او احفظ مالی و سلمنی و سلم مالی و بلغنی و بلغ مالی تا دران سفر محفوظ باشی و بسلامت مقصد رسی و در بعضی روایات آیه الکرسی و سوره اخلاص با فاتحه منضم کرده اند فصل ۱۱ در ایمن شدن از غرق شدن و کشتی شکستن صاحب العظیم آورده که هر مسافر که خواهد بکشتی نشیند باید که اول سوره انا فتحنا را کتابت کند که خواندن این سوره بزرگوار را مانند از غرق شدن کشتی و خواندن سوره لبس همین خاصیت دارد و در صحاح تیغ شرف الدین نوشته آورده که هر که بهنگام رسوه ج بخواند پس بر دریا نشیند سالم بیرون آید و اگر بحار دریا و شکستن کشتی ایمن باشد و هیچ مرزی نیابد فصل ۱۲ در ایمن سفر خشکی از حوادث و دفع سباع و موذیات در کتاب سراج العظیم آورده که هر که بر قرائت سوره مجادله مداومت نماید از همه طوارق و حوادث لیل و نهار در سفر محفوظ ماند و فرموده که چون کسی را داده سفر کند سوره والطور مداومت نماید در آن سفر محفوظ و محروس بود و در راه ایمن و سالم بود از جمیع طوارق و حوادث که در سفرها رسد و فرموده که هر که سوره مل را بر ورقی بهره کتابت کند و او را در میان توشه بیند که در باغستان افتد نبرد و بدان نرسد که هیچ قطعه از وی جدا کرده باشند پس آن نعوذ بالنوف را در صندوق نهند و در سفر و حضر همراه خود دارد از تعرض سباع و جمیع موذیات مثل مار و کژدم و غیران محفوظ و محروس بود و همیشه در حفظ حق سبحانه و تعالی باشد فصل ۱۳ در حفظ مال از قطاع الطریق و باز یافتن راه بعد از سرگردانی در کتاب عثمانیه شیخ بوعلی مذکور است که هر که در ابتدا سفر هفت نوبت سوره فتحنا بخواند مال وی از تعرض دزدان و قاطعان طریق سالم و ایمن ماند و هیچ دزدی

بروی دست یابد و در خواص آن تجربه آورده که هر که سوره جمعه را تمام در روز جمعه مداومت نماید و نقش کند بسر ایلک کتابت و انگشتر را در میان زخوت
واسعه خلق نهد از همه افات راه ایمن بود و دست تعرضات قاطعان طریق ازان کوتاه بود و حق سبحانه خیر و برکت بسیار بر مال و متاع وی
و بهره و بر الصحت و غنیمت بوطن و عیال و اطفال خود رساند و هر که در سفر راه گم کند و جمعه بار سوره والضحی بالاوت کند البته راه بازیابد
و از سر گردانی خلاص شود **باب ۶** در دفع امراض و اوجاع بدنی و تسهیل ولادت حامل و تعویذ اطفال مشتمل بر دوازده فصل
فصل ۱ در دفع امراض و اوجاع **فصل ۲** در دفع صداع شقیقه و صرع و غش و لقوه **فصل ۳** در دفع امراض عین
و اذن **فصل ۴** در دفع انواع حمیات **فصل ۵** در دفع امراض عظمی و جوع و مرض مالیخولیا **فصل ۶** در دفع امراض
در و نزله و اوجاع پهلو **فصل ۷** در دفع یرقان و جراحات و سایل و جوانسرو اورام و دفع امراض دواب **فصل ۸**
در دفع حامل و جنین و تسهیل ولادت و صیانت مولود **فصل ۹** در حصول اولاد ذکور و وقوع ولد نر **فصل ۱۰**
در اوراد لایق مرضعات **فصل ۱۱** در دفع بکا و فزع اطفال و تسهیل فطام و رستن دندان و اخلاق و لسان ایشان **فصل ۱۲**
در تعویذ اطفال از سیاه لب و الس و البرسان از چشم بد و نهش هوام **فصل ۱** در دفع امراض و اوجاع مذمت و الم فقر در حوالی تفسیر
الحمد که اسامی سوره فاتحه را بیان کرده اند و بیست و شش اسم فرموده اند که اسم چهاردهم وی سوره شفاست و شافیه نیز گویند که شفا دارد مر جمیع
از امراض نفسانی و روحانی و دوای هر دردی از داء قلبی و قالبی از و توان یافت و در تفسیر خواجه پارسا مذکور است که السوره بذکر کوارکه بر سر
هر بیمار که بامداد بخواند و اکره را بل و تا فرمود شفا یابد و در شرح السنه حدیثی مرسل آورده است از عبد الله بن عمرو مرسل انرا گویند که یکی از
تابعین نقل کند از حضرت رسالت پناه صلعم بی واسطه صحابه چنانچه در شفیه روایت این عمر روایت کرده که آنحضرت فرموده که فاتحة الکتاب شفا ای
کل داء و همین حدیث بروایت دیگر بن عبد الله آمده و در او اضافه کرده الا السام یعنی فاتحه شفای هر درد است غیر موت که اجل مسمی را چاره
نیست و صاحب جواهر السطیم آورده که حضرت پیغمبر صلعم فرموده که هر که یکبار در آب باران و بروی کواند هفتاد بار فاتحة الکتاب و هفتاد بار آیة الکرسی
و هفتاد بار قل هو الله و هفتاد بار معوذتین سوگند بانخدای که نفس من بدست اوست که جبرئیل آمد مرا خبر داد که هر که ازین آب هفتاد شبانه روز
متصل هر روز سر بر سایا مد صحیح مانند و لقمان هر مرض که در بدن وی بود دفع کند و صحت کامل یابد و هر دو پیروی بردار زعوق و اعصاب و گوشت
و پوست و جمیع اعضای وی اثر مرض او در رضمات القرآن آورده که هر که بنیت شفا سوره فاتحه را بران نویسد و فرض نماید و هفتاد و چهار بار بخواند
بر او عاصل شود و اگر در همین جمادت و قعده هفتاد بار بخواند مجبه از اخراج خون زاید و ابن سنی آورده که هر که سوره فاتحه را کتابت کند
بخرقه طفلی و نوشته را سه بار بر عضو درد مند مالد و هر بار بگوید اللهم استشفا و شفا فانت الشافی اللهم اکفنی فانت الکافی اللهم عافنی
فانت المعافی اندرد و الم بتمام زایل شود و صاحب السطیم آورده که هر که سوره محمد صلعم را کتابت کند و با عذب مجرب سا نفا نگاه بان آب غسل
کند جمیع امراض از بدن وی بیرون رود و فرموده که هر که سوره والذاریات نزد یک مریض تلاوت کند مرض تخفیف یابد و هر که سوره مجادله را نزد یک

و بعضی گویند که از غایت سستی مرض بخواب نرود و تبا به نشکیبد یا به که خواب سه شبانه روز بکرده بوده است سوده شود و قرائت سوره تحریم نیز همین خاصیت دارد
و تلاوت سوره الواقعه نیز همین نتیجه بخشد و فرمود که هر که سوره تبت را بر عضو دردمند بنویسد اندرد فرو نشیند و الم تسکین یابد

فصل ۲

در دفع صداع و شقیقه و مرع و غشی و لقوه صاحب جوامع السطیم آورده که هر که سوره سجده را کتابت کند و از صاحب صداع و شقیقه و مرع بیاویزد
حق سبحانه و تعالی او را از مرض خلاص دهد و فرمود که هر که بعد از نماز خفتن عمر سوره تکاثر را بر سر او صاحب صداع و شقیقه خواند اندرد و الم تسکین
یابد و فرمود که هر که سوره تحریم به نیت دفع مرع تلاوت کند شفا یابد و هر که سوره واللیل را در گوش مصروع و صاحب غش فرو خواند از آن مرض
خلاص شود و فرمود که چون صاحب لقوه بر تلاوت اذا زلزله مداومت نماید از مرض شفا یابد

در دفع امراض عین و اذن صاحب جوامع السطیم آورده که هر که سوره حم سجده را کتابت کند و آن را با آب باران بشوید و به سرمه اصفهانی آنچه صلابه کند و بدان سرمه اکتحال نماید رمد و بیاض
عین و ظفره و سایر امراض عین را نافع بود و اگر چشم را با آن آب بشویند هم نافع بود و هر که سوره الرحمن را کتابت کند و با خود نگاه دارد رمد و سیل
کند و هر که سوره منافقون را بر صاحب رمد خواند شفا یابد و هر که سوره کوثر را بخواند و بر چشمی که ضعیف بود نفث کند قوت یابد و وی نیز زاید
و علت رمد و غیر آن از وی زایل گردد و در منفعت الدفین در جواهر التفسیر و در تفسیر الفاتحه در خواص وی نوشته اند که سوره فاتحه را بر اناء چینی
یا زجاجی بنویسد و آن را بر روغن گل بشوید و ساخته قدری از آن روغن در گوش دردمند قطور کند نافع بود و صاحب جوامع السطیم آورده که هر که سوره اعلی
را در گوش خواند که طرش عارض شده بود بتوفیق الله تعالی تمام زایل شود باذن الله

فصل ۳

در دفع حمیات صاحب جوامع السطیم آورده که حضرت امام همام
امام جعفر صادق ع فرموده که هر که سوره فاتحه را چهل و یکبار بر قدح آب خواند و آب را بروی محموم رش کند تب زایل شود و هر که سوره والعصر را
چند بار بر صاحب تب خواند شفا یابد و هم وی فرموده که هر که سوره لم نشرح را کتابت کند و مکتوب را با آب عذب شسته و بخورد کسی دهد که مرض
دردی داشته و عاقبتا به و از اکثر تبهای مطبقه و غبرانی و حمیات وقتی و عبه ربع و غیر آن خلاص شود و فرموده که هر که سوره عنکبوت را بنویسد
با آب عذب شسته محو سازد و بیاشامد تب ربع را سود دارد و هر که بدان روی خود بشوید مرض جره را نافع بود و دفع حرارت کند و هر که سوره واللیل را
بنویسد و با آب سیر بیاشوید و بیاشامد تب لازم را زایل کند و هر که سوره الم نشرح را بر اناء طیب کتابت کند از صاحب تب دایم بیاویزد شفا یابد
و تلاوت و کتابت سوره الحدید نیز همین خاصیت دارد و هر که سوره انفطار را کتابت کند و با آب عذب شسته صاحب تب دایم بدان اعضا غسل کند صحت یابد و فرمود
که هر که سوره والتین را کتابت کند و با آب عذب شسته بیاشامد تب را زایل گرداند

فصل ۴

در دفع جوع و عطش و خمار ماکولات و مشروبات و تمی آورده
که چون کسی سوره والعادیات را بر کوزه مخمر بنویسد و آن را با آب باران محو سازد و با شکر بیامیزد و بر ناشتا بیاشامد مدت سی روز اصلا جوع و عطش
از مرض جوع و عطش ظاهر نیابد و صاحب جوامع السطیم آورده که بعضی علما فرموده اند که هر که طهارت کامل در صباح و مساکرده واقعه را تلاوت کند گرسنه و تشنه نشود
اگر چه چند روز باید و هیچ سدی و خوفی و فتوری لاحق وی نشود و حضرت پیغمبر صلعم فرموده که هر که سوره یس بخواند سیر شود و هر تشنه که بخواند سیراب شود و صاحب
جوامع السطیم فرموده که سوره عاشیه را بر طعامی خوانده و تناول کند از ضرر وی ایمن بود و هر که سوره طارق را بر دار روی زاده و به مرض خوانده شارب الاعلی ان شاء الله تعالی شفا

و هر که سوره قریش را بر طعام خواند که از مزران متوهم شود چون تناول کند هم اثر صحت از وی مشاهده کند و از عارضه کلی و علت کلی شفا یابد

فصل ۵ در دفع اوجاع بیرونی و امراض درونی اما اوجاع بیرونی مثل کلف و دمامیل و نقرس و قباع و عرق النسا و غیره در خدمت

والد فقیر در جواهر التفسیر اما که خواص ما کلم الکتاب کرده فرموده اند که هر که این سوره بزرگوار را جهت دفع کلف و دمامیل به نیت صادق و عزم صحیح

میان سنه و فرض بداد چهل نوبت بخواند صحت یابد و هر که به نیت ازاله نقرس و قباع و عرق النسا و سایر امراض داوجاع کوبت و پای این سوره را

بر اناء پاک نویسد و به هنر بلسان خالص شسته هفتاد نوبت بران دعا بخواند و بوقت صاحب قدرت بران عضو درد مند مالد اما امراض درونی مثل

درد شکم و جگر و سعال طحال و زحیر و سنانه صاحب ضمانات القران آورده که هر که را الم درونی عارض شود که منشأ آنرا ندانند هفت بار سوره عجرات

قرائت کند ان شاء الله زایل شود و فرموده که سوره لقمان را یکبار بخواند از درد زکام خلاص یابد و این نمیز آورده که هر که سوره والعادیات را چنانچه

در فصل سابق گذشت بر کوزه فخار نویسد و نوشته را با آب باران محو سازد و آنرا بشرابی که عادت بخورد دو سه روز متصل استعمال نماید او را از

درد جگر خلاص کرده صاحب الصراط السقیم آورده که هر که سوره الم نشرح را بر سینه خود خواند از مرض قباع ایمن شود و نیز در دلستا ایمن شود و نیز در صرع و فرمع

که هر که سوره ن را نظر اکتاب کند و با آب باران محو کرده بصاحب سعال بخوراند از الم مرض خلاص کرده و فرموده که هر که سوره دهر را کتابت کند و بشوید

و آب آنرا بیاشامد از علت زحیر خلاص شود و سوره والشمس همان خاصیت کند و اگر کسی سوره الم نشرح لا بنویسد و بشوید و آب آنرا بیاشامد سنگ کرده

و سنانه را بر بیاند فصل ۶ در دفع برقان و جراحت دمامیل و بواسیر و اورام و دفع امراض حاب صاحب الصراط السقیم آورده که هر که سوره سبا را

کتابت کند بر ظرف چینی باز باجی و با آب طاهر محو ساخته بیاشامد از مرض برقان خلاص شود و رنگ روی وی بقرار اصلی بازگردد و هر که سوره لم یکن را

کتابت کند و با خود نگاه دارد و بعد از آن که یکبار آنرا بر ظرف چینی کتابت کند و محو ساخته آب آنرا بیاشامد حق تعالی علت برقان را از وی

زایل گرداند و فرموده که هر که سوره مومن را کتابت کند و با خود نگاه دارد همه فروح و جراحات که ببدن وی عارض شده بزودی خلاص یابد و فرموده که هر که

سوره همزه منافقون را بر اوراق و دمامیل خواند زایل شود و هر که سوره والمرسلات را کتابت کند و از خود بیاویزد هر دمامیل که داشته بزودی محو

و فرموده که خواندن سوره غاشیه بر اورام و الام سبب تسکین و تخفیف آن بود و هر که سوره صد را بنویسد با شراب طیب و با خود نگاه دارد هر درد که

در اعضای وی بود فرو نشیند و فرموده که هر که سوره انعام را کتابت کند و از گردن خود بیاویزد از جمیع امراض که چهار پایان را عارض میشود ایمن ماند

و اگر عارض دمامیل را زایل شود و هر که سوره انشقت را کتابت کند و از گردن ستور بیاویزد از جمیع امراض که ستور را عارض میشود مصون ماند و هر که سوره

فاطر را کتابت کند و از گردن چهار پایان بیاویزد از هر طاری و سارقی محفوظ ماند فصل ۷ در حفظ حوامل و تسهیل ولادت و صیانت مولود

صاحب الصراط السقیم آورده که هر که سوره لم یکن را بر ظرف چینی بنویسد و با آب طاهر محو سازد و حامله از آن آب بیاشامد و جنین و برادر شکم نفع بلیغ رسد

و از جمیع آفات و امراض محفوظ و مصون باشد و هر که سوره الحاقه را کتابت کند و بر زن حامله بندد جنین در بطن وی از همه آفات و عاهات مصون

باشد و هر که سوره انجاد له و اکرا این سوره را بر جام زجاجی بنویسد و با آب طاهر محو سازد و در ساعت فرزند مسولد شود و برازان

ذهنی و ذکاوتی بیفزاید و از هر اسپری و مرض کرا طفلی را حین ولادت ماند و اگر این سوره را بر وفق ترتیب خواند و بر بدن مالد و بران

رساند و از ضرر جمیع حشرات و طیور و سایر افات محفوظ ماند و این روغن جمیع اوجاع بدن را نافع بود و فرمود که اگر کسی سوره الشمس را بنویسد و نزد یک وضع حمل
بر زن حامله بندد در ساعت بسهولت بار بنهد و اگر کسی سوره والذاریات را کتابت کند و بر زن بندد که بعسرت میزاید فی الحال بسهولت بار بنهد
در حصول اولاد صالح و وقوع ولد مذکر در کتاب مجرب السلیم آورده که مردی که سوره والفجر را صد بار بر اثر ابلیس بخواند پس بزودی حق سبحانه و تعالی
او را فرزند صالح کرامت کند و هم در آن کتاب آورده که از جمله مجربات است که در طلب فرزند مذکر اسبغل که سوره اعلی را کتابت کند بر اثر ابلیس و در
پهلوی راست زوجه بیاویزد در اول ماهی که استبانه شده بر حق تعالی و پیغمبر فرزند نرینه کرامت فرماید
و در آن در کتاب مرغوب صاحب
مجرب السلیم آورده که هر کس سوره لیس را بخلاب و زعفران بهشتاد بار بر ظرف چینی بازجایی نویسد و هفت روز متصل هر روز آن را بآب عذب شسته
بخورد زن عقیمه در پیری فرزندان نیکو شده و بسیار شود و اگر مردی بیاشامد او را کامل کند و از بهر امراض معالجه شده که سوره مجرات را کتابت کند
بخلاب و زعفران و محو سازند و بآب طاهر و شیر و هنده آن آب بیاشامد شیر در پستان وی بسیار شود و سوره مجرات نیز بهمین خاصیت داده
در رفع بکا و فزع اطفال و تسهیل فطام و رستن دندان و انطلاق لسان ایشان صاحب مجرب السلیم آورده که هر که سوره ابراهیم را کتابت کند
بر روی سفید بعد از طهارت کامل و بر طفلی بندد که بسیار گریه ترک گریه و هر و فزع و ترسی و در خواب و بیداری زایل شود و از چشم زخم خود ایمن
ایمن باشد و بزودی دندان از پیش باز شود و فرموده که هر که سوره ق بر ظرف چینی نویسد و بآب باران محو سازد و آن را بر طفلی دهد که بر سوار شدن
دندان بر او نهاده زود برآید و اگر خفتن بول رسد و فرموده که هر که سوره بنی اسرائیل را بخلاب و زعفران کتابت کند و باب عذب شسته شربتی
از آن بطفل دهد که دیر سخن در آید زبان وی بگشاید و اگر لکنتی بر زبان وی بود زایل شود و فلاقت لسان حاصل گردد و باذن الله
در تهوین اطفال از شیاطین جن و انس و تعویذ اطفال از چشم بد و نفس هوام صاحب مجرب السلیم آورده که هر که سوره جاثیه را
کتابت کند و بر طفلی بیاویزد در اول ولادت مصون و محروس ماند از ضرر جن و انس و هوام و هم وی آورده که شیخ ابوالحسن شاذلی فرموده
که هر که معوذتین را بنویسد و بر اطفال بندد از ضرر جن و انس و مرض ام الصبیان و نفس هوام در حفظ و پناه حق سبحانه و تعالی باشد و هم وی فرموده که هر
که سوره بلد بر طفلی بندد در اول ولادتی از جمیع ضرر جمیع موذیات سالم بماند و الرفیقه در جواهر التفسیر آنجا که بیان اسماء فاتحه کرده اند گفته است
پانزدهم وی الرقیه است و رقیه بعزائم فسون بنی و در شمس المعارف آورده و قول اول صحیح تر است بجهة آنکه در حدیث ابی سعید مذکور که در صحیحین وارد است
لفظ رقیه مذکور شده و اصل این روایت چنانست که حضرت رسالت پناه جمعی از اصحاب را به سفری فرستاده بود و ایشان در اثنای راه بحی از احیای
عرب رسیدند که مهتر ایشان را مار گزیده بود از هر علاجی او عاجز بودند و فرو مانده با هم گفتند بیائید ما از این مسافران استعلام کنیم شاید ایشان
چیزی دانند که سبب شفای مهتر ما شود بنزد ایشان آمدند و التماس رقیه و تریاق نمودند یکی از صحابه گفت من افسون علاج سم و الم میدانم و ازاله
وجع و الم بشرط آنکه شما ضمان قبول کنید که ما را قطعی از غنم که سر بر گوسفند بما قبول کردند و آن صحابه بر سر بالین بیمار آمده فاتحة الکتاب را خواند و بروی دمید
فی الحال او شفا ظاهر شد و آن مبلغ را گوسفند از گرفته بملازمت حضرت آمدند و صورت حال را بعرض رسانیدند و آنحضرت

اخوی گزیده را گفت و ما بدین انها دقیقه چه چیز دانا کرد ما نبیند تدا بانکه فاتحه رقیه بهت و بعد از تحصیل این کار تبسم فرمودند ازان کوشندان طالب آگاه
گاه نامه فرجه یاب در تحصیل اخلاق حسنه و صفات مرضیه مشتمل بر دو انم فصل فصل ۱ در توفیق خیرات و قبول و موفق شدن
بحفظ قرآن فصل ۲ در تحصیل اخلاص و تقوی و ظهور حکمت در زبان فصل ۳ در دفع شرک و سوداغتقاد فصل ۴
در اصلاح حسان دیه از تحلی حسد و کبر و دفع کذب و تحصیل صدق و خلاص از شرب خمر فصل ۵ در دفع ضیق صدر و حصول سرور و وسعت
قلب و دفع کسل فصل ۶ در دفع هموم و غموم فصل ۷ در تحصیل صحبت باطن و اوصاف کمال از خشوع و خضوع و دفع اضطراب و خوف
فصل ۸ در تقویت ذهن و ازدیاد قوت حافظه فصل ۹ در تحصیل ذکاوت و فطنت و دفع نسیان و تقویت ذهن و حفظ
فصل ۱۰ در دفع وساوس شیطان و هواجس جنان فصل ۱۱ در دفع سهو در صلوة و اصلاح و منع اضافات و اسلام فصل ۱۲ در رویای صادقه
و صالحه و دیدن حضرت رسالت پناه صلعم در واقعه فصل ۱۳ در توفیق خیرات و قبول و موفق شدن بحفظ قرآن صاحب جواهر التفسیر اورده که
هر که مداومت بر قرات والشمس صاحب خلوه و توفیق قبول کرده و اندوی بهر خیرات حاصل شده و هر که مواظبت نماید بر تلاوت سوره مدثر به نیت
حفظ قرآن که بانشرح مشرف شده و نیز والاد رحمانی که حافظ بزرگ و والد فقیر از بعضی اکابر نقل کردند که هر که فرزند خود را به نیت حفظ کلام الله سوره
یوسف یاد دهد و هر روز یکبار بان نیت بخواند موفق بر حفظ کلام الله فصل ۱۴ در تحصیل اخلاص تقوی و ظهور حکمت بر زبان صاحب
جواهر التفسیر اورده که هر که سوره نساء بسیار خواند در دلی صفت تقوی ثابت شده و در زبان وی حکمت جاری گردد و بهم وی فرموده که شیخ ابو الحسن شاذلی
گفته اگر خواهی ترا صفت اخلاص حاصل شود بر تو باد بمداومت قرات قل هو الله احد و ابن نمیر اورده که هر که در نمازهای نافله سوره اذا جاء نصر الله
خواند تقوی دین و نیز ایمان و دعای وی مستجاب شده فصل ۱۵ در دفع شرک و شک و سوداعتقاد صاحب جواهر التفسیر اورده که هر که بر تلاوت
سوره والمرسلات مداومت کند از صفت شک و شبهه باطن وی صاف و پاک شده و در مباحثه با خصم حجت و برهان غالب آید و فرموده که هر که بر قرات
قل یا ایها الکافرون در وقت طلوع و غروب آفتاب مواظبت نماید این شود از شرک و شک و سوداعتقاد فصل ۱۶ در اصلاح حسان دیه
از تحلی حسد و کبر و دفع کذب و تحصیل صدق و خلاص از شرب خمر صاحب جواهر التفسیر اورده که هر که سوره زخرف بنویسد بآب باران محو کرده بخورد زبان
سلیط و بد خوی او خوشخوی شود و از مخالفت شوهر بگذرد و والد فقیر در جواهر التفسیر الخ که بیان خواص قرآن کرده اند
آورده که خاصیت ششم وی آنست که رفع جمیع حسد و کبر و جمیع افات تفت کند بشرطی که در هر شبانه روز در دویست و چهل و هشت بار بخواند
و صاحب جواهر التفسیر از ابو الحسن شاذلی نقل فرموده که گفته اند که اگر خواهی هر که زبان تو بر صدق صواب جاری شده کذب و خلاف ساکت گردد
بر تو باد که سوره قدر را بسیار تلاوت کنی و هم وی فرموده که هر که سوره مومن را بر فرقه سفید کتابت کند و بشستن از شبهای متبرک و آنرا نوشته
را از شراب خمر بیاویزد ازان فعل متغیر شود و دیگر مرتکب شرب خمر نشود فصل ۱۷ در ضیق صدر و حصول سرور و وسعت قلب و دفع
کسل صاحب جواهر التفسیر آورده که سوره الم نشرح صد بار بر سینه خود یا غیر خود خواند از تنگی سینه خلاص شده و باطن وی منشرح گردد و هر که

سوره عنکبوت والبر ایلاکتاب تبکرده بنویسد وان آب را بیاشامد هماین خاصیت و در دل او سرور و رقت پیدا شود و صفت کسالت از او زایل گردد

در دفع غموم و هموم صاحب جوالسطیم آورده که هر که سوره نوح بسیار خواند هرغم و همی که داشته باشد زایل گردد و هم دران کتاب حدیثی در فضایل و منافع سوره یس روایت شده از حضرت پیغمبر صلعم که هر که بعد از هر فریضه تا بداد سوره یس بخواند در رفع دسرور بجد و هر شام که بخواند در رفع و سرور بجود تا صبح و فرمود که بعضی عارفان بن گفته که چون کسی را غم و الم روی نماید و مهموم و محزون گردد باید که سوره یس را تلاوت کند و چون ختم کند این دعا بخواند که سبحان الذی اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون یا مفرج الهم فرج عنی همی یا مفرج الغم فرج غمی غم واندوه او زایل شود و راقم اینحروف از بعضی از علما استماع داده که در این دعا بجای لفظ هموم محزون بخوانند و بعد از لفظ اللهم یاد کند سبحان میگفته پس دعا را بر وجه مذکور تمام میکردند

در تحصیل محبت باطن و او صافکان و خضوع و خشوع و دفع اضطراب صاحب جوالسطیم آورده از حضرت پیغمبر صلعم روایت شده که هر که سوره یس را بنویسد و بشوید و آب بر بیابانی بدهد در باطن وی هزار درجه و هزار صفا و هزار انقیاد و هزار برکت هزار رحمت پیدا شود و هر موی و صفت او حرکت در رونق وی بعد از این شود و هم وی از حضرت پیغمبر صلعم روایت کرده که هر که سوره قلم را بسیار خواند او را خشوع و خشیت حق تعالی در دل او حاصل شود و اگر کسی چند بار این سوره را بر اب غسل طاهر خواند و بر بیابانی بدهد و در وقت سحر تلاوت کند صفت خوف و خشیت در او حاصل شود و هر که سوره ق را بنویسد و با آب باران شسته بیاشامد دل او از هر خوف و اضطراب خلاص شود و اطمینان یابد

در تقویت ذهن و ازدیاد قوت حافظه صاحب جوالسطیم آورده که هشام بن الحارث از ابن عباس نقل کرده که گفت روزی رسول صلعم فرمود که ای پسر عباس میخواهی که ترا چیزی بیاموزم که خدا بدان مرا تعلیم کرده از برای حفظ گفتم بلی یا رسول الله فرمود که بنویس و رطشی بلک برغوان و کلاب سوره فاتحة الکتاب را و معوذتین را و قل هو الله را و یس را بتمام و سوره ملک و سوره حشر و سوره واقعه را بالتمام و در رمایاشکای واقعه الفار عهت پس از نوشتن را با آب زمزم یا آب باران بشوی و در وقت سحر بیاشام باسه مثقال لبان و ده مثقال شکر پس دو رکعت نماز بگذار در هر رکعتی پنجاه بار فاتحة الکتاب و پنجاه بار قل هو الله احد بخوان و امروز روزه دار ابن عباس گوید که بعمل کسی را نزد که عمر او شصت سال کمتر بود و من یکی را گرفتم از اکفوت و بان عمل کردم هم چنانچه بود که اکفوت فرمود بعد هم صاحب جوالسطیم گوید که ز هر بعمل ابرای اولاد حفظ بجای آورده گفته که ما تجربه کردیم و انرا نافع یافتیم نسبت بکسی که عمری از شصت سال فزوده بعد از عاصم نقل کرده است که وی فرموده که بن اسپغل کردم و در وقت پنجاه و پنج سال و پنجاه هرگز نشنیدم الا انکه در نفس خود مشاهده کردم زیادتی حفظ هر تبه که منقتان نمیتوانم کرد

در تحصیل ذکاوت و فطنت و نفی نسیان و تقویت حفظ صاحب جوالسطیم آورده که هر که سوره حشر را بنویسد بر زعفران بسفید و انرا با باب باران محو کند و بیاشامد حق تعالی او را ذکاوت و فطنت روزی گرداند و نسیان و فراموشی از او منتفی شود و هر که سوره اعلی را بنویسد و با خود نگاه دارد ذهن او صاف شود و قوه حافظه و بیفزاید و نسیان و فراموشی از او منتفی گردد و ابن نمیر آورده که هر که بنویسد بمسک و زعفران یا بگلاب خالص

برجام زعاجی سوره فاتحه را باگلاب خوشبو محو کنند و بسوزد و هر روز صقل با مداد و ناشتا بیاشامد ذهن و ذکاء و حافظه وی بیفزاید و نسیان
روی ضعیف کرده و هرچه بشنود و بر ذکر وی باند و هرگز فراموش نشود **فصل ۱۰** در دفع وساوس دیوان و هواجس جنیان صاحب السلیم
آورده که هرکه سوره جمعه بسیار خواند از وسوسه دیوان فراغت یابد و هرکه سوره دخان بنویسد بشرایط و باخود دارد از شر شیاطین
محفوظ ماند **فصل ۱۱** در دفع سهو تسلیم و قطع اضغاث احلام صاحب السلیم آورده که هرکه سوره نور را بنویسد و باخود دارد یا خود بجامه
خواب ببرد تا آن نسخه باوی باشد هیچ محتلم نشود و اگر آن سوره را بر اناء چینی یا زجاجی کتابت کنند مآب زمزم یا آب عذب طاهر بشوید و بیاشامد سهو
تسلیم از وی منقطع شود و اگر عذره اتفاق صعب بود و اگر احیانا مباشرت کند از آن خطر نیابد و هرکه شب پانزده بار سوره واللیل در وقت خفتن
بخواند تلاوت کند انشاء الله تعالی خوابهای پریشان دیدن ایمن بود و تا صباح خواب ایمن کند و هرکه بوقت خواب کردن سوره معارج را بخواند انشاء الله تعالی اصلا
خواب پریشان و بد نبیند روز فارغ بود **فصل ۱۲** در رؤیای صالحه و حضرت رسالت پناه در واقعه دیدن صاحب السلیم آورده که هرکه
سوره مریم را کتابت کند و با خود نگاه دارد و بر بستر خود بخواباند و هر بیدار شود و همیشه در خواب چیزهای خوب بیند و هرکه بوجیه سر و
وفروج وی بنگرد و هرکه سوره کوثر را بر شب چهل هزار بار تلاوت کند پیش از آنکه در میان نفس با کسی سخن راند بعد از آن هزار بار بر حضرت صلوات
صلوات فرستد و بر اکل حلال با طهارت کامل و نظافت لباس و پاکی فرش خواب کند انشاء الله تعالی در واقعه بیند و بمشاهده جمال الکونین
مشرف شود و دیدار کس را معاینه به بیند والله اعلم تمت الکتاب و ربنا المحمود وله الکرام والعلی والحمد وصلی
الله علی محمد المحمود و اهل بیته المسعود

تمت بعون الله الملک الوهاب

سنه ۱۱۰۱

منه صفر المظفر

هذا الوفق اعمالك خاتم نفيس الديسي طوس رحمه الله تعالى كتب هذه المنتخبة فزرعت
سعد بنية تحول والاقبال وكثرة الاموال وحصول المقاصد والحفظ من الاعداء وغلبة
حصل لمن جميع المذكورات بعون الله تعالى ولا شك فيه لانه المجرب اعظم تمر

٤هيج	٤كهيج	٤شكهيج	٤كهكهيج	٤بجواهيتا	٤شراهيتا	٤ازدونى	٤اصباوث
٤ازدونى	٤اصباوث	٤كهيج	٤هيج	٤سماهيج	٤كهكهيج	٤بجواهيتا	٤شراهيتا
٤اهيتا	٤شراهيتا	٤ازدونى	٤اصباوث	٤كهيج	٤كهيج	٤شكهيج	٤كهكهيج
٤شكهيج	٤كهكهيج	٤اهيتا	٤شراهيتا	٤ازدونى	٤اصباوث	٤كهيج	٤هيج
٤شراهيتا	٤اهيتا	٤كهكهيج	٤شكهيج	٤كهيج	٤كهيج	٤اصباوث	٤ازدونى
٤اصباوث	٤ازدونى	٤شراهيتا	٤اهيتا	٤كهكهيج	٤شكهيج	٤كهيج	٤هيج
٤كهيج	٤كهيج	٤اصباوث	٤ازدونى	٤شراهيتا	٤اهيتا	٤كهكهيج	٤شكهيج
٤كهكهيج	٤شكهيج	٤كهيج	٤اصباوث	٤ازدونى	٤شراهيتا	٤اهيتا	٤كهكهيج

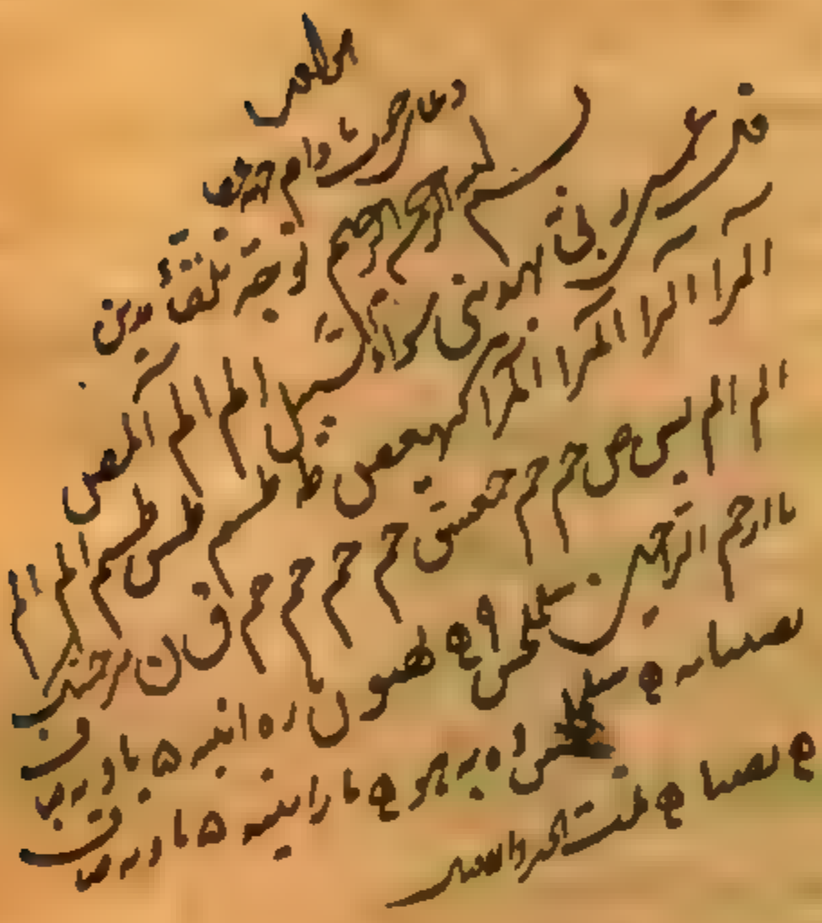

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد واله اجمعين حنين گويد مولف اين كتاب رئيس الحكما وافضل العدما ابو علي سينا كه جماعت
از دوستان ويارانِ عزيز كه در علم نيرنجات وطلسمات وافسونات داعيه تمام داشتند وروزگار خود را بران صرف نموده وبهيچ فايده نيافته بكرات ومرات
از اين فقير درخواست كردن برمقتضاى التماس ايشان اين كتاب را تاليف كرديم وناميش كنوز الغرض نهاديم وقبه سبع فصول الفصل الاول در عمل
انچه تعلق باوزاد دارد كه عمل صداقت كند بايد كه در روزى كه تعلق او بزهره ومشترى دارد وبساعتى كه تعلق اين كواكب سعد دارد ووقتى كه
كوكب سعد دارد ووقوف انكوكب وخطاب انكوكب وخوران كوكب نگار برآنرا مراد باحسن وجه برايد واين ووفق را بحجار قسمت كنيم
يكنيم را حار ويكى بارد ويكى بارد ويكى رطب ووقوف كواكب سعد اينست زحل اج ج ب مشترى ورد مريخ
اخضر لاسن ظ زهره م ف غ عطارد ن ش ض قمر ع ح ط خ مختلف درخواص ووقوف وتاثيرات اين
اجسام ونفوس مركوبيم كه هرچه عنصريست از اجسام پيدا شده چنانكه او را طبيعت واجب است همچنان تكون انرا براو واجب بود وان
اسم از طبايع اربعه خالى نيست ونيز ميگوييم كه از طبايع دو فاعل ودو منفعل در هر جسم كه در و حرارت يابى پيوسته لازم آيد پس حرارت با يبوست
مشاركند در فعل ودر جسم كه در و برودت با بود رطوبت لازم آيد پس حرارت با يبوست وبرودت ورطوبت مشاركند در فعل ودر جسم مختلف
جسم در تركيب ووفق اسما چون خواهيم كه عمل سازيم عنصر اول حروف از نام طالب ونام مطلوب واز وجوه كوكب منسوب بسنجيم و
مركب سازيم واورا بچهار قسم كنيم كه راست منشينند كه نام كوكب ونام طالب ونام مطلوب حاصل ميشود پس چون تركيب كنيم صحيح معرب وهيجم كنيم
واين چنان باشد كه هر حرف كه حار بيش فتحه وهرچه يابس ضمه وهرچه بارد كسره وهرچه رطب وقوف كنيم پس انگاه كه معرب وهيجم كرده باشيم انرا بآب
بخور كوكب بسونانيم وحطاب باو كوكب كنيم

تا مطلوب حاصل شود ووفات حاره	ا	ه	ي	ل	م	ن	ع
حروف يابسه	ج	ز	ك	س	ف	ت	ح
حروف بارده	ط	ر	ش	ث	ن	ص	ظ
حروف رطبه	ب	د	ح	ظ	ع	ط	ق

شد

مثلا خواهیم عمل محبت کنیم و با محمود و فاطمه حرف زنیم که مسوده مزاج دهم که معرب و معجم کنیم اول اسم طالب م ح م د بعد اسم مطلوب ف ا
ط م ه ح م د بعده حروف کوکب م ف ن غ پس یکی از اسم طالب و یکی از اسم مطلوب و یکی از کوکب تا مثال تمام شد م ف
ص ح ا ف م ط ذ ی ا غ دا بدانکه زبانها از چهار حرف تا شد تقسیم غیر میشود نویسد مثلا اگر اسم هندی بر چهار قسمت کنند اول از
چهار حرف اول بنویسد و حرف دوم از چهار حرف ثانی و هم چنین تا آخر بنویسد و ترکیب کنند و معرب و معجم کنند و بران کوکب کی منسوبست
پس ترا بابوی خوش بسوزانند مثلا م ف م ح ا ف م ط ی م غ د ح ح غ م و ذ ط م ا ح ف م مقدم حاف طان و مغ ده موخر هد
مفتاح دظوغم خطاب نج اقدس لتعظیم الله النور القاهر الشدید الذی صاحب العزة والقاهر رب طلسم کیوان واقدس عبد
الله کیوان طالب الرفیع السید المیر علی المسکین کبیر الشان عظیم الامر غایر الفکر بعید المنطی فیاض البرده الیسر صاحب السخی و النفح
والتقسم والتجاوب به الهم والوقار والمایید والقهر والسباق اتی علی تحصه النبی ونفسه الزکیه واقدس سکنة العالی المقدس الکریم
ایها السید العظیم اسمک الکبیر شانک الرفیع قدرک العالیه وجدک انت الرجل الیابس البارد المظلم النحس الصا وقع الهوا النصب
النعت المعوق الغم والحزن المتحلی بالفرح المختار المهاد العلم السخی المجرب التقی من الحسنة والسعد من السعدیه اسئلک ایها الملاک
الملک العظام والملائکة الکرام ان تفعل مرادی ومقصودی خطاب صنک اقدس لتعظیم الله النور القاهر الشدید ذو الربا العلی
المرتفع العلی الاعلی البهی کاف صنع الخیر والعدل والمحبة والائتلاف رب المستری الذی هو ظله واقدس عبد الله التابع الاواب
الفاضل الغالب الزاهر النبیه السعید الکبیر الحکیم صاحب العلم والعدل والصدق والمحبة والکمال والظفر والمکارم والزهد والوفا العلیم
الحمد والغیاث واثنی علی تحصه النبی ونفسه الزکیه واقدس سکنة العالی المقدس الکریم ایها السید المبارک الحکیم صاحب الدین
الزاهد البارع عظیم الهیبة الصالح الکریم الشیخ المعبه الوفی بالعهد اسئلک ایها الابعج اخلاق الجمیله وافعالک المنیبه ان تفعل
لی مرادی ومقصودی خطاب جریج اقدس لتعظیم الله النور القاهر الشدید ذی الغر القوی الغلبة العظیم والبصیر المناقب الریح
الذی هو ظله اقدس عبد الله التابع للریح الفاضل الشجاع القاهر صاحب القهر والطیرة والیاس الشدید والنار الوقادة والصوء
المهیب الحر النفیس والقوة والسلطنة واثنی علی تحصه النبی ونفسه الزکیه واقدس سکنة العالی المقدس الکریم ایها السید الفاضل
الحاد الیاس الشجاع الغلب المعروف الدم القاهر الغالب السباشوث الحدید صاحب الحرب والمعذاب والغرب والسجن والکذب والنمیمة
القلیل المیلات یا الفتال الوحید الغریب حامل السلاح کمثل النکاح اسئلک ان تفعل لی مرادی ومقصودی خطاب شمس
اقدس لتعظیم الله النور القاهر الشدید الفاضل القوی صاحب آلته العظیم والعزة الکبری والسر والمنیر سبب الملوک زینة العالم العاقل
رب طلسم هو رخش واقدس هو رخش الحکیم الفاضل سراج العالم ثلاث الکواکب واسطة النظام رئیس السما النحس الانور والکوکب
الزاهر القوی فاعل الهنا دکامل القری خازن العجایب شدید الهیبة المستغنی بنوره عن جمیع الکواکب یعطیها ولا یوخذ منها ویکسوها

النيره والبهاء والضياء وطلاسرافه واثنى على شخصه النيره ونفسه الشريفه واقدس سكنه العالى المقدس الكريم ايها السيد الحاذق الماهر الكريم الحكيم ملك الكواكب وذات الفضل عليها وهم والموقده والخلق الحسن والغناء وذات الطرب والبهجه فاثنى على شخصها النيره ونفسها الشريفه واقدس لسكنها المقدس الكريم ايها السيد المبارك الوطيه العديله اللطيف المطره حسنه الخلوات تسعد وتاذا نظرت ويحسن اذا خلقت فانك لا طرفت فضلك وان يسرت عنه الشك يا احياء السما يا حوى يا قويا يا سديدا لبطش اسئلك ان تفعل مرادى ومقصودى

اقدس لتعظيم الله النور القاهر السديد النبى المجيد الفتح صاحب الحسن والبهاء الوجه البهجه كامل الحسن المقدس المشرق المضيء النيره التى البهيه ذات الملاحه واللطف والظاهر والخفا والجمال والقطر والاعتدال الصاحكه صاحب الحلى والزينه واللهو والطرب والفطنه صاحب اللعب والمزاح القاهر الطالعه المتوجه العادله المحبه خير النكاح صاحب السرور اسئلك ان تفعل مرادى ومقصودى

اقدس لتعظيم الله النور السديد الفاضل المشرق فيض الحقايق العواصف ذات العطارد النير العالم الفاضل الناطق الصادق وصاحب الحجه والفطنه والجدل والفصل الكلام والكتاب واسرار العلوم والحساب والمتكلمه والفاضليه سلطان الوزرا فى العالمين جرم السما المساعد الكواكب السعود واثنى على شخصه النيره الكامل الوحد المقدس نفسه الشريفه العاليه اقدس سكنه العالى والمقدس الكريم ايها السيد الفاضل الصادق العاقل الناطق العليم الناظر العالم الحاسب الحاسب العاقل المفرح المفيد المالى فى التجاره صاحب الخبث والمكر الصادق اللطيف الكبير الخفيف فلا يعرف للطبع واللطف فلم يوجد بوفيك كنت مع السعود سعد ومع النحوس نحس ومع الذكور مذكر ومع الاناث مونث ومع النهار نهارى ومع الليل ليلى يا زحل فى طبايعهم وفيا كلهم فى كلامهم كلمات انت اسئلك ان تفعل مرادى ومقصودى

اقدس لتعظيم الله النور القاهر السديد النير البارق اللامع البهى ذى الجمال والفضايل رب القمر الذى هو ظله واقدس عبد الله الطالع القمر السعد الفاضل المحتاج مفتاح النجوم فارس الفلك وزير هودجس وخليفه صاحب الرطوبات ممد المياه واهب الصباح صاحب الحيوانات سريع المسير واثنى على شخصه النيره ونفسه الشريفه واقدس المسكنه العالى المقدس العالى الكريم ايها السيد الصعيد البارد الرطب الجميل الفوح القاضى فى السعد محب اللهو والغزل والهيب صاحب الرمل والاحياء وقلد الكفات البدر والسجن الحكيم انت اقويهم واليا فلكا واعظمهم نفعا وانت الوالف بين الكواكب الثوانى فى انذارها والمصلح بين بعضها وبعض بصلاحك يصلح كل شى وبفسادك يفسد كل شى واسئلك ان تفعل فى مرادى ومقصودى

ساعت اول هشتم تجویز کند جهت نامهای مطالب و مطلوب و ما دروی حساب کنیم و این عدد را برابر اضافه کنند در ساعت یک و بنویسند و بر

بازو بندند و با خود نگاه دارند

هر باب در بیان منسوبات

که بعمل قیام نماید باید که

یکشنبه ملک علوی رو بائیل

سه شنبه ملک علوی سرافیل

۴	۱۴	۱۱	۱
۹	۷	۶	۱۲
۵	۱۱	۱۰	۸
۱۶	۳	۲	۱۳

مربع مخصص مشتمل بر ده باب در عمل کردن که مرتب افتد

عمل در باب آنکه هر روز دو موکل دانند یکی علوی و دیگری سفلی هر وقت

اول اسم موکلات بر سر عمل بنویسند تا موثر و مجرب افتد روز

سفلی مذهب روز دوشنبه ملک علوی طبائیل سفلی ابیض روز

سفلی احمر روز چهارشنبه ملک علوی میکائیل سفلی برقان روز

پنجشنبه ملک علوی روماتیل سفلی سنهور ش روز جمعه ملک علوی هواکل سفلی ذوبعه روز شنبه ملک علوی سرافیل سفلی میمون باب در

خاتم کواکب باید که هر خاتم را بر ظهر عمل بنویسند تا موثر و مجرب افتد خاتم زحل مرن خاتم مشتری صحک خاتم مریخ سلطیع خاتم شمس

حاصاصه خاتم زهره خاتم عطارد هملکا خاتم قمر ده وه ه باب چون عمل دوستی نویسند در اول عمل

انیز عتبق نویسند تا موثر و مجرب افتد عزمت علیکم یا اصحاب السبت والوسواس الخناس قلب فلان حالیة وقلبه وسابر من فی فلان من فلان اسرع

من طرفة عین الوحا الساعه ورد آخر عمل انیز عتبق بنویسند تا موثر و مجرب افتد لبیک هذا التعویذ بحب فلان بن فلان حبا شدیدا لا تعضها ابدا

باب در تعویذ دشمن انیز عتبق بنویسد ابتکیش یا اصحاب العداوة والبغضا والحق والباطل الوحا الوحا باسم فلان بن فلان الشدید

بلا یحبها ابدا باب در اول عمل زبان بندد و خواب بندد و عقد الرجل این را بنویسد تا موثر و مجرب افتد عقدت السنة وعقد اللسم

فلان بنت فلان علی نفس فلان بن فلان بنت فلان لا ینیم ابدا در همان تعویذ بنویسد لبیک هذا التعویذ عقد الزوم باللسان بارجل فلان علی

حب فلان عقد العین با دو رکبت لا له نوم ولا سنة بنت فلان در شکل کواکب باطلسم اعداد ممنع باید نوشت

شکل زحل ۱۵ شکل مشتری شکل مریخ

شکل شمس شکل زهره شکل عطارد

شکل قمر

باب در طلسم کواکب که در محل عمل کردن باید نوشت بر نعل که منسوب باشد کوکب متحرک در آن برج

با بیان ساخت خاتم طلسم زحل ۱۱ ۱۱۱ ور ورد

عکس

باسم فلان بنت فلان

طلسم شمس

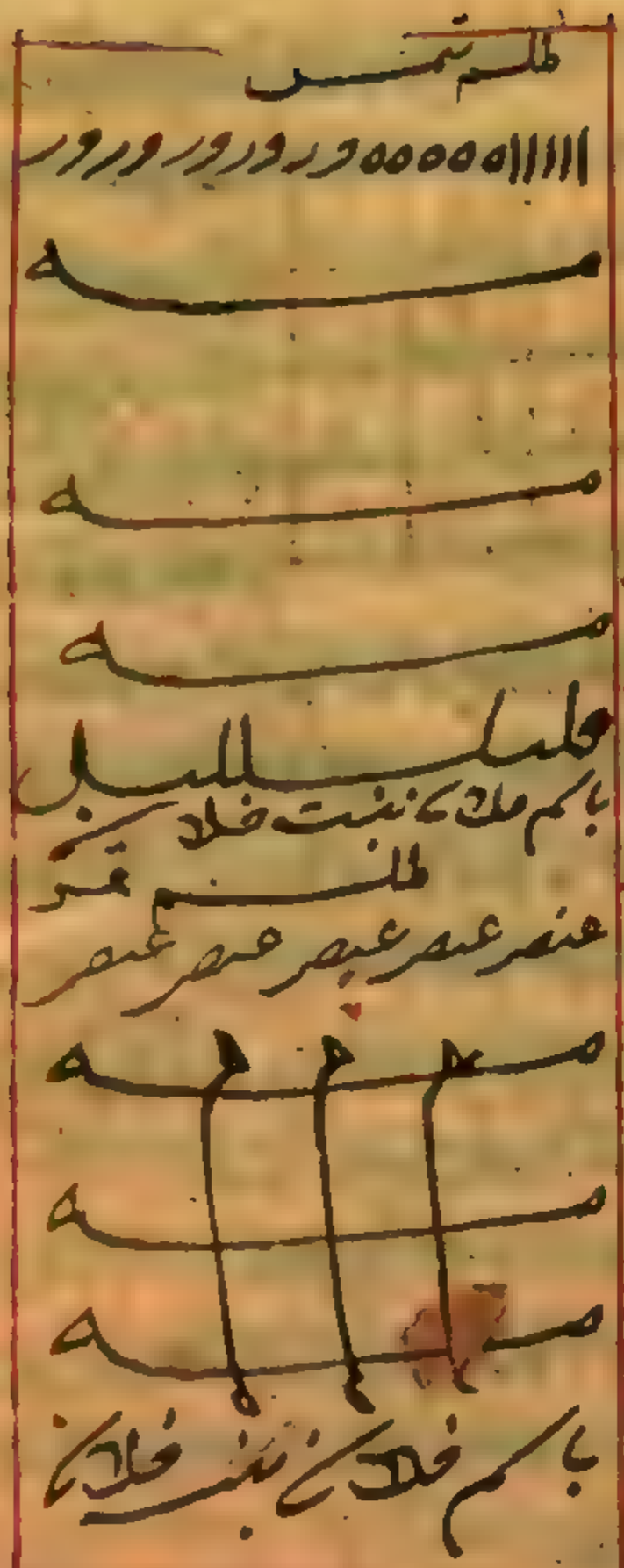

طلسم مشتری

طلسم زهره

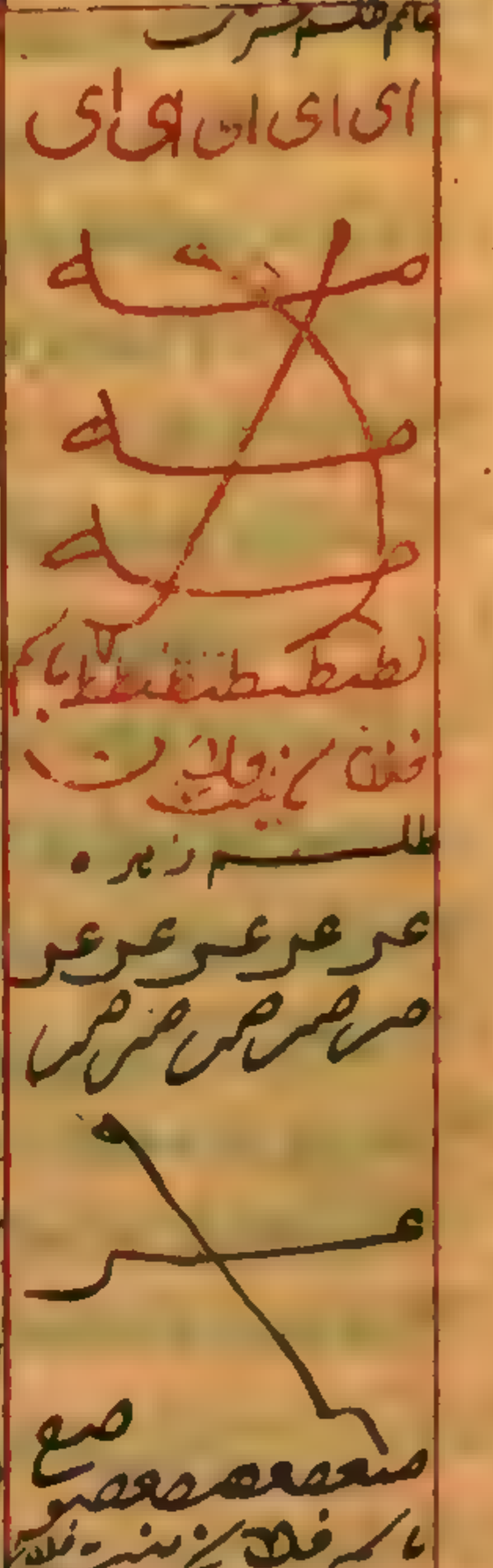

در ترتیب قلم جب و نقض باید که قلم در جب روی کاردبوی خوش کند در حالت تراشیدن قطعه القلم لاجل المحبة علان بن فلان علی محبة فلان بن فلان در وقت تبخیر دعا بگوید و بقلم بگوید شققت القلم لاجل المحبة والالفة فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان در وقت قطع زدن بگوید اکل جمیع الحلوخم اکل مونی بلاجابه در قلم عداوت راد رئیس سرخویش تبر شد وابه راد روقت تبخیر دعا بخواند شققت القلم وفرقت بین حلان بن فلانه علی حب فلان بن فلان وبین محبیها وبین اخیها الی آخرها العجل العجل الساعه والقی العداوة والبغضا و فرقت بین فلان بن فلان الی یوم القیمه باب جون رسفیل شروع کند باید که اول عهد نامه حضرت سلیمان علیه السلام بخواند وابه انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی واتونی مسلمین پس انگه بگوید یا نور البشر یا طهوس و طلاح و عکتاین بلبلس ابلیغ عکده فلان علی الهیت المحبة والالفة والشفقة فلان بن فلان حتی تکتب هذه الکتاب علی حب فلان بن فلان باب در نوشتن عمل نشستن و مقام

خالی و ملوث و سر برهنه و تردد بکیش آهن و دستار رنگی پنبه و دستمالی استعمال برارد و دست چپ تعفنه سلوار پیروان آمده و ده بار استغفر الله
بگوید و سه بار الله اکبر و اخ تف نکند و زبان در دهن حرکت نه دهد و عطسه نکند و روی بجانب خانه مطلوب نشیند در رجای و شنی
عمل محبت در رجای تاریک و کثیف از عمل عداوت است و در عمل محبت شیرینی در دهن گیرد و در عمل عداوت تلخی گیرد
باید که پیش از نوشتن اینزیت عسب بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا خالق السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام یا رؤف یا رحیم
یا جواد یا کریم یا منعم کل شئ یا واهب کل شئ بقدرتک وکرمک وجودک ان تفعل بفضلک کذا و کذا و حاجت بخواهد در دل بگذراند و در
عمل بغض این خطاب سه نوبت بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا جبار السما یا قوی الاقوا یا شدید البطش یا علیم اللسان یا قهار یا قوی یا من
یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد بقدرتک وجلالک وسلطانک ان تفعل کذا و کذا بفلان و حاجت بخواهد در دل بگذراند
وخط بدین کیفیت که پیش نوشته شده است بخواند جهت عقد النوم بنویسد و در آتش اندازند

جنس فتح الرجال و کل پیکار را بنویسد بمشک و زعفران و گلاب و به آب آن بنویسد

| | | |

اللهم بحق جوهر وبحق وجهر وبحق محمد رسول الله حبيب الله وبحق طيهن نبا نا انظره نبا يا هوده نسواهوان يخوده اصوده
ارقد هيدا بوطاشن زابس طسبوب قبسوب فلما مظاظا نوب اسراعا نلا نا اطى يوطى طابا طابط والعلم طبونان
والبرح شيا معقول وما انزل على الملكين ببابل هاروت وماروت وبحق سليمان بن داود عليهما السلام وبحق خاتم وبحق هروبوه اهيا
اووني صباوت الى سيداى انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا على واتوني مسلمين اجيبوني واطيعوني هذه الساعة
فيمم الثمر وحب كنتم باذن الله عليكم برحمتك يا ارحم الراحمين واغفر وارحم وانت خير الناصرين هاروت وماروت هامان شيطان به
ابه قل اوحي سرعته لموانه تا تمام عهام بعهد مرتبه مطلوب حاضر كرده ونصف روز زمرك حيوانكنه وعلى الدوام لجوانه تا اجبه مسخ شود هذه
وال سالغ سلع بهوه نواهو هوباهو باهواج الى سا يمرا الى رفا ليه سقبا الى الهما الى الى فوفوح يا فوح فوال
هذه في فعال ان سلع هذى بويه به تبكه تبكفال صوكي فهيال طيفيلك يا الله الا هو عالم الغيب والشهادة المتعال ورب به
خيزه وحوركعتا زلبدا ردوا بن عزيب الا سعيد نوبت خوانند هفت نفر از خلج حاضر شوند وبا ايشان اقرار كنند كه هر كاه طلب كنم بيايند بسم الله
الرحمن الرحيم عزمت عليكم واقسمت عليكم برب جبرائيل سائيل اسمعيل مكائيل سلطانه على سلطانيل الجن والانس والشياطين احضروا يا
اصحاب الجن والانس والشياطين من جانب المشارق والمغارب احضروا من جانب الجنوب والشمال بحق لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله
وبحق سليمان بن داود عليهما السلام برحمتك يا ارحم الراحمين عزيب عزيب اوانيت اقسمت عليكم يا معشر الارواح الروحانيه بعزة الله وسعد
وجه الله وبحق اسماء الله وبحق بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين يا حي يا قيوم يا شافي يا كافي يا الله هادي يا طبيب يا باقي اجب يا
روفا يا يل انت وهذا من الروحانيه والعرضيه وانت يا مذهب سميطا بحق الحمد لله رب العالمين وبحق الحي القيوم وبحق الملك الغالب
امن ابجد وهط حطيل وقد جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا سخرلي قلوب جميع بني ادم وبنات حوا وبحرمة سبدل كجع جليل
طيجيونيس ورسبين دويم اينده عاكوانند الرحمن الرحيم يا رؤف يا عطوف يا الوف يا جبار يا جامل يا جواد اجب يا جبيا يل انت وهذا
من الروحانيه والعرضيه وانت يا ذوبعة سميطا مطيعا بحق الرحمن الرحيم وبحق الرؤف العطوف الوف وبحق الملك الغالب عليكم امن صوخ
وبحق مهطهطيل وتدمنا الى يا علوا من عجل فحملناه صباء سنوا واقسمت عليكم يا تهمفطا يل سخر لي قلوب جميع بني ادم وبنات حوا
وبحرمة سبدل بدع ان تجبا بالسمع والطاعة وتحضروني ورسبين سيم مالك يوم الدين يا مقلب القلوب اجبني يا سمائيل انت وهذا من
الروحانيه والعرضيه انت يا احرسميطا مطيعا بحق مالك يوم الدين وبحق مقلب القلوب وبحق الملك الغالب عليكم من طيكلا وبحق قهطهطيل
فالذا جاء وعد ربي جعلا واقسمت عليكم يا كيع قمكا يل سخر لي قلوب جميع بني ادم وبنات حوا بحق سبدل كاف طلحيونيس ورسبين جاهم
اينده عاكوانندا يا ك نعبد واياك نستعين يا سريع يا قريب يا مجيب اجب يا ميكائيل انت وهذا من الروحانيه والعرضيه انت يا برقائيل
سميطا مطيعا بحق اياك نعبد واياك نستعين وبحق السريع القريب المجيب المستعان وبحق الملك الغالب عليكم امن صنع وبحق قهطهطيل

قال

قال يا موسى يا جثم بن الحران الله اصلع على المنابر واقسمت عليكم يا سلع بن ابيل سخرلي قلوب جميع بني ادم وبنات حوا وجرة سبيلك
سبحي ذجيوش ودرميس يجم انيد عاكوا ندا هذا الصراط المستقيم يا قادر يا مقتدر يا عفو يا غفور اجب يا مربيا بيل انت وخدامك
من الروحانيه والعرضيه وانت يا سهورش سميا مطيما بحق هذا الصراط المستقيم وبحق الملك الغالب عليكم امن فصفر وبحق
والله يعلم مفقره منهم وفضلا والله سميع عليم واقسمت عليكم يا كبع سخرلي قلوب جميع بني ادم وبنات حوا وجرة سبيلك كقسطوش
درميس سشم انيد عاكوا ندصراط الذين انعمت عليهم يا الله يا حكيم يا عليم يا علام الغيوب يا نورا على يا لطيف اجب يا عنبا ئيل
انت وخدامك من الروحانيه والعرضيه وانت يا ابيض سميا مطيما بحق صراط الذين انعمت عليهم وبحق العليم الحكيم وبحق الملك الغالب
عليكم امن سخ الموكل بالقمر يا مما العرشيه وبحق جميع الملك الطيب والعمل الصالح وترفعه الدرجه واقسمت بكم
يا عنبا ئيل سخرلي قلوب بني ادم وبنات حوا وجرة سبيلك اهيل جليوش درميس هشم انيد عاكوا ندغير المغضوب عليهم ولا
الضالين يا قاهر يا عزيز يا متعالي يا ظاهر يا باطن يا كبيما جب يا كشفيا يا ئيل انت وخدامك من الروحانيه والعرضيه وانت يا سهورش
سميا مطيما بحق غير المغضوب عليهم ولا الضالين وبحق القاهر العزيز الكبير المتعالي وبحق الملك الغالب عليكم امن فمطع
وبحق مطمطيل المتفجل الهمليات فوقع الحق وبطل ما كانوا يعملون واقسمت عليكم يا بريع حكما ئيل سخرلي قلوب جميع بني ادم
وبنات حوا وجرة سبيلك بزع شنايوش نوع ديكروعوت سوره مباركه ليس درميس اول انيد عا با هشم نوتبكوا ندكه اللهم
سخرلي قلوب عبادك اجمعين من الجن والانس واملب اخاطرهم بالمحبة الداخله بليل دنهارا بحق عزيز وهاب ودود وهو على
جميع الشيا قدير وبعد از دعاى سبيل اول كه مولف قصيد نموده هشتر تبه اين اسما كوا ند يا فاتح الوجوه يا فتاح يا فياض
يا الله يا اول يا اخر يا انور يا آخر يا امين يا مهيمن يا مسير يا سلم يا مرتاح يا بارى يا بر يا باد يا رؤف يا نسيم
يا نادم يا فن يا باد در يا ناصر بعده انيز نيت عوا ند بسم الله الرحمن الرحيم اللهم الف محبته فلان سخرلي قلب فلان في محبة فلان
كما سخرت البحر لموسى وسخرت النار لابرهيم عم وسخرت الريح والجن والانس والشياطين لسليمان عم وسخرت الشمس والقمر والنجوم
وكل الشياء لمحمد صلى الله عليه وآله سخرلي قلب فلان لمحبة فلان حتى ياتي الي خاضعا ومطيعا له يا ام ويا يقبا يا كل ما اليرب يا
عليم بحق اسمك العظيم يا سميع يا قريب يا باسط يا ودود يا ذو العرش المجيد فعال لما يريد كما ءانزلته من السماء فاختلط به
نبات الارض فاصبح هشيما تذروه الرياح بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين يا حي يا قيوم يا ساقي يا كافي يا لطيف يا
هادي يا باقي احمت بحول الله وقوته وعونه عزمت عليكم معاشر الارواح الروحانيه بعزعزائيله وبنوروجه الله
وبحق اسماء الله الحسنى يا دوقيا ئيل وانت مذهب سميا مطيما بحق الحمد لله رب العالمين وبحق الحي القيوم مالك يوم
الدين وبحق الملك الغالب عليكم امن ايجد وبحق الهمطمطيل وقل جاء الحق وذهق الباطل ان الباطل كان زهوقا واقسمت

کلهما ئیل وسخر لی قلوب جمیع بنی آدم وبنات حوا بحق هذه الاسماء وبحق سرّ سبحان الذی بیده ملکوت کل شیء وهو
الله الذی لا الٰه الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمٰن الرحیم یا رحیم یا رؤف یا الوف یا عطوف یا جلیل یا جبار یا جوّاد
یا واحد یا اجب یا جمیل ائتیا مره وحذامن ساعا مطیعا بحق الرحمٰن الرحیم وبحق الرؤف العطوف الوف وبحق الملک
الغالب علیکم امره هودج وبحق مطهطیل وقدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا واقسمت علیکم یا بهمفحایئل
وسخر لی قلوب جمیع بنی آدم وبنات حوا بحق [illegible] بحق سرّ سبحان الذی بیده ملکوت کل شیء بحق جنفنطیوس ان تجیبوا وسخر لی قلوب جمیع الخلائق
اجمعین در مبین سیم اسم عالجوا [illegible] القلوب لی والحاجة کما ظلمت ما الظالمین من حیم واشفع بطاع ما الیوم
الذیب یا مقلب القلوب واجب دعوتنا [illegible] وعلانیتی حبا ذکا وکان وعدک حقا واقسمت علیکم کهیعص طه یا ئیل سخر لی قلوب جمیع
بنی آدم وبنات حوا بحق هذه الاسماء بحرمة سبحان کاف نجمیوس ذو فی الملک یا فاتح یا فاتح یا فیاض یا فاتح یا بسیط یا الٰه الا هو
یا کبیل یا کریم یا کافی یا کبیر یا کهیع یا کبیح یا کاشف المستغاث در مبین چهارم اسم دعا کنند عمل بعضی از احزاب گفته اند قسم بالحسنی
الجوار الکنس واللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس یا ایل دعبد وایاک نستعین یا سمیع یا قریب یا مجیب یا سمائیل وانت یا
برقان سامعا مطیعا بحق ایاک نعبد وایاک نستعین وبحق السریع القریب المجیب المنان وبحق الملک الغالب علینا مره وبحق
قهطهطیل شتمان یا موسی یا جنتم بالسحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین واقسمت علیکم یا سوع بزائیل سخر لی قلوب جمیع
بنی آدم وبنات حوا بحق هذه الاسماء وبحرمة سبحان نجمیوس در سلام قولا من ربا سمائیل سبحان ذی السناء یا سریع یا سلام یا سالم
یا سلیم یا ساتر یا ستار یا سامع یا سمیع یا ساعی یا سراج یا سبوح یا سماح یا لطیف لا الٰه الا انت لا الٰه الا الله لا الٰه الا هو یا الله
یا امیر یا اول یا آخر یا الهی یا احد یا ابد یا بلک یا مالک یا مقیم یا مومن یا جمیل یا مکبر یا متجلی یا مجیر یا معین یا معبود
یا معقود یا معید یا مجید یا مقیل یا سنی یا ماجد یا معبود یا موجود یا مذکور یا مذیل یا شکور یا یونس یا مغنی یا معدم یا مهون یا موخر
یا مولی یا معز یا ملقن یا مذل یا مبین یا مجیب یا مکون یا معطی یا مانع یا ممکن یا منتقم یا موسع یا مقیت یا محیط یا مسعود یا مبدیء یا متعیء
یا مرشد یا منشی یا محصی یا محیی یا قادر یا قدیر یا قریب یا قهار یا قدیم یا قاضی یا قاهر یا قایم یا قاسم یا قوی یا قدوس یا قیوم یا ولی یا
وفی یا وهاب یا وارث یا والی یا ودود یا واحد یا واسع یا وتر یا وافی یا برهن یا رحیم یا رب یا رؤف یا رقیب یا رازق یا راضی یا
رفیع یا رافع یا مهنی یا بارئ یا بدوح یا بر یا باد یا باقی یا باعث یا باطن یا باعث سط یا بصیر یا بدیع یا ناظر یا نور یا ناصر یا نصیر
یا ناد ر یا نعیم یا ناطق یا نافع یا حافظ یا حفیظ یا حمید یا حکیم یا حاکم یا حلیم یا حاضر یا حی یا حاجی یا حامد یا حبیب یا حسیب
یا حنان یا حی یا حسق یا برموق یا یس در مبین پنجم اسم دعا کنند صورة القرآن ذی الذکر بل الذین کفروا فی عزة وشقاق کم اهلکنا

الصراط المستقيم يا قادر يا مقتدر يا لطيف يا خبير يا خالق يا هادي اجب يا صمايل وانت يا مهرويش وبحق الملك الغالب عليكم امره فصص
وبحق بطليط وابذكتاب عزيز لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد واقسمت عليكم بالعشها يا ميل سخرلي
قلوب جميع بني آدم وسبات حوا بحق هذه الاسماء المجربة سيدنا الخواتم عليه افضل الصلوة واكمل التحية والسلام اقسم
بالخنس الجوار الكنس والليل اذا عسعس والصبح اذا تنفس صراط الذين انعمت عليهم وبحق الكريم الحكيم وبحق الملك الغالب عليكم امره
شتيخ وبحق بطليط اليه يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح يرفعه واقسمت عليكم بالكهيعص مصطفا يا ميل سخرلي قلوب الخلايق سخرلي
قلوب الخلايق اجمعين سيدنا كهيعص هوش انه على كل شيء قدير والحم عسق [illegible] يا غنا يا ميل سميعا مطيعا بحق غير
المغضوب عليهم ولا الضالين بعد ازاتمام سوره ياسين عاجلوا ندوبحق القديم الذي لم يزل [illegible] بالقيامة الرحيم اللهم ان ليس
في السموات ولا في الارض من غرات ولا في البحار قطرات ورقات ولا في الاحام حركات ولا في العيون لحظات ولا في القلوب خطرات
الا وهي لك عارفات فلك بها هلات وعليكم ملائكة وفي ملكك سخرة بالعقدة التي سخرت بها الماء لاهل الارض ومن اهل السماوات
سخر لي قلوب المخلوقات امين يا رب العالمين يا خير الناصرين برحمتك يا ارحم الراحمين صلى الله على محمد والهم وجميع الانبياء والمرسلين
والحمد لله رب العالمين اللهم سخر لي خدام هذه الاسماء كما سخرت البحر لموسى والحديد والجبال لداود والنار لابرهيم والجن والطير والريح لسليمان عليهم
والقمر والشمس والقمر والمشي عليهم السلام ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم امين بجرمة سيد المرسلين فصيح بوب
صورت لبانده وموس سر مطلوب بتابده ودر سر صورت كبيان وان صورت را زبيخ جوبكن تبر بهن وبيا ويز واين نقش بنويس واز كل
صورت بيا ويز وغرض اينست اندر خانه سليمان فاندر اللبان بسم الله الرحمن الرحيم لا تعلوا على وائتوني مسلمين اجيبوا داعي الله فاغفروا
به ذنوبكم ولقد علم الجن انهم لمحضرون عزم عليكم يا ابا عبيدة وجنوده يا ابا زين وجنوده يا سمدون وجنوده الا ما قبلتم وسرفتموني
وصحبتم ٢٢٣ الى ٢٢٤ بشكليخ شملنا سوخ فالبطيل برقش مرقش كلكسوا يا مرياه شمدواه شميلاه مودماه هونكا
بطلي خيل خ ١٢ الوحا العجل الساعة

١١١٥ هـ ١١٤ الى ١١٤٥

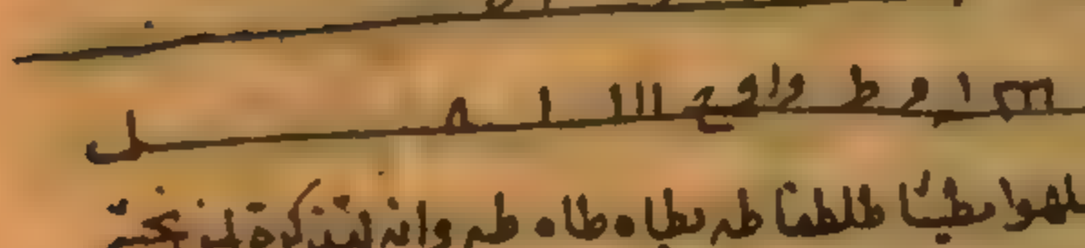

وبحق البان ميسوند واين نقشه نويسد وبر آتش نهند بطلها ما شلهوا طيطا طلطما طه بطاه طاه طه وانه لتذكرة لمن يخشى
خذ وانباصيه ٢٢٣ واجلبوا الى ٢٢٣ بزة هذا لا سمال الساعة العجل ٢ اسرع يجيب الجواد ١٢ نوبت بشمشاس وزيبا سيا وزيبا
هيجا ومصلح بوعا بلوعا بتماس ارق مرق علينا وعليكم انت يا عاهل انتيا ذاهل وانتيا طروس الكافر بطلطلطط الله ولي

من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد عزت عليك وعلى اعوانك فلا ارض تقلكم ولا اسماء تظلكم ولا ليل تسكنكم ولا نهار تبرزكم
ولا قرار يؤويكم ولا شيء يجويكم حتى تبا لغوا في قضاء حاجتي بالذي اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون الذي بيده الملك والملكوت وهو على
كل شيء قدير وعزت عليكم بعزيمة سليمان بن داود الذي عزم بها على الرياح فانت مستقيمة مطيعة وعلى السحاب فانت مسخرة وكاما
وعلى الطير فانت ماثلات وعلى الجن والشياطين فانوا واطاعوا وحضروا بالذي خلق البحار وسخر فيها ما يشاء ان يكون وان يشأ يسكن الريح فيظللن رواكد
او يرسلها فيجعلهن عصفا ويرسل عليهن قواصف من نار ونحاس فلا يقدرون لها على امتناع فانها مسخرة لسليمان بن داود عليهما السلام
المصمم وابن ابو مرة وابن ابو نوشا وابن ابو مالك واجيبوا وتوكلوا وساعدوا الهنا وازه الشريفة المنيفة عجاج ٢٢٢ حتى تتوكل بها
الى ٢٢٢ العجل الوحا السلام اديليس صفت اقفت عفيف هشعوا باه ٢ خطف القلوب ولع البرق وتوالس اجيبا ابا الوليد وابيت
ابا محرز وانتيا ابا نوح وتوكلوا في عمل كذا وكذا والمراد توخ بكويه بكوليك ٢ مشلكوخ اولوخ قرضش طهما دش ٢٢٢ ان تكون في عون هذه
الاوزه على ما تقدمه ان تعمل منها في عمل هذه الساعة العجل ٢٢٢ وبيده كل عمل ٢ ساعة الكشف جون رمضل بخ بيوده وعاما ازكوس وايغل
تقرفليا رواله بهر چه عمل كنند

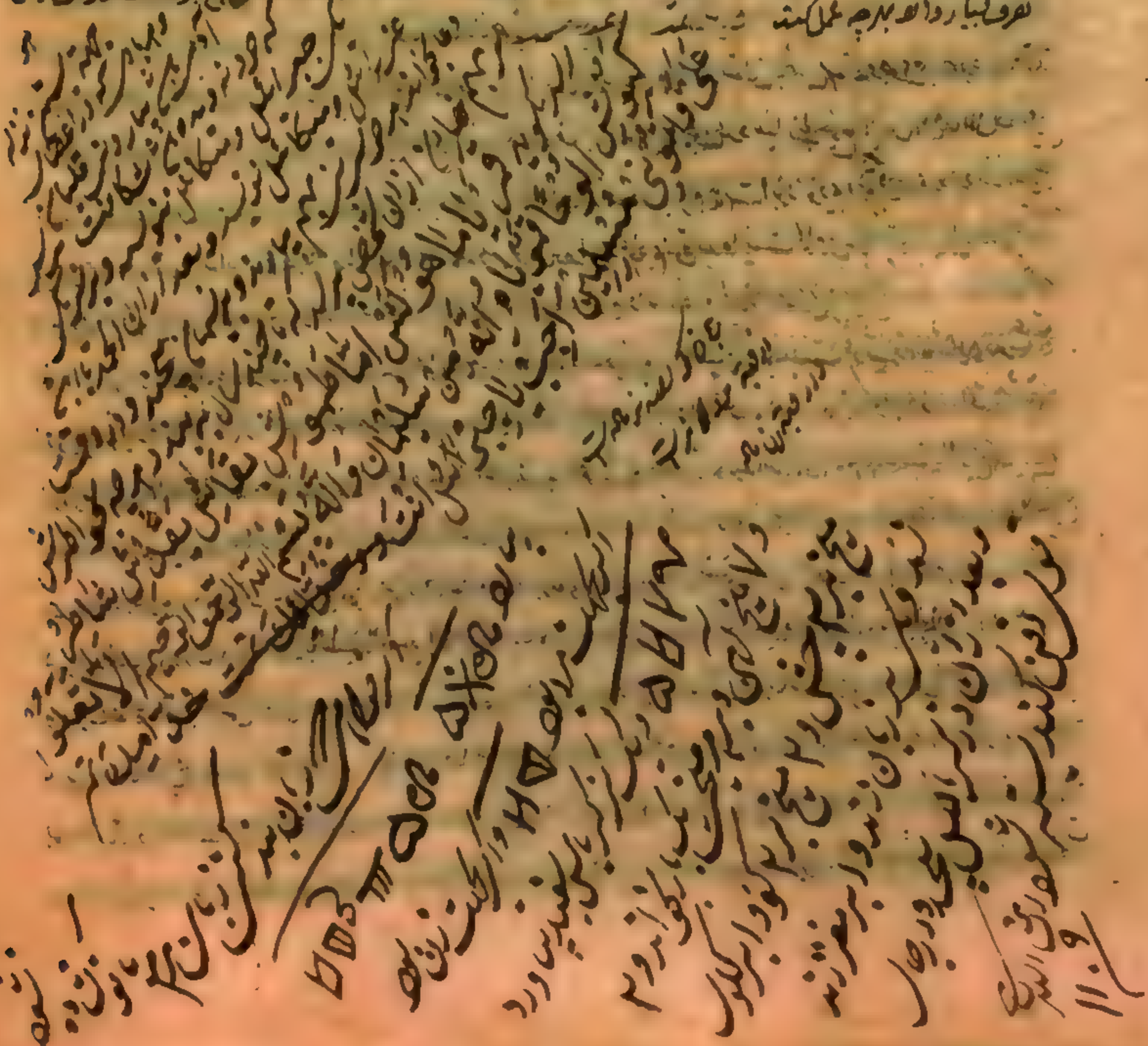

رسالهٔ عزالدوله در تسخیر جنات

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

شروع در اوراد و کیفیت و کمیت آن ابتدا از یوم الاحد بدان ارشدک الله که هو الاله متعلق به شمس است و جمیع حله حروف اسم الله و شمس جمع نمودیم ۵۰ است رسانیدن آن اسم باطناح کلمه آن نیز ۵۰ است برابر هم پس بجمیع عدد بیان بسوع الاوی الی الی الی الی الی و عدد حروف و وفات بیان این عدد رسانیدن آن یا دیان یا رب العالمین یا حی یا قیوم یا ذالجلال والاکرام یا ارحم الراحمین یا الله یا رحمن یا رحیم یا ملک یا قدوس یا سلام یا مومن یا مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر یا خالق یا بارئ یا مصور یا غفار یا قهار یا وهاب یا رزاق یا فتاح یا علیم یا قابض یا باسط یا خافض یا رافع یا معز یا مذل یا سمیع یا بصیر یا حکم یا عدل یا لطیف یا خبیر یا حلیم یا عظیم یا غفور یا شکور یا علی یا کبیر یا حفیظ یا مقیت یا حسیب یا جلیل یا کریم یا رقیب یا مجیب یا واسع یا حکیم یا ودود یا مجید یا باعث یا شهید یا حق یا وکیل یا قوی یا متین یا ولی یا حمید یا محصی یا مبدی یا معید یا محیی یا ممیت یا حی یا قیوم یا واجد یا ماجد یا واحد یا احد یا صمد یا قادر یا مقتدر یا مقدم یا موخر یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن یا والی یا متعال یا بر یا توآب یا منتقم یا رؤف یا مالک الملک یا ذوالجلال والاکرام یا مقسط یا جامع یا غنی یا مغنی یا مانع یا ضار یا نافع یا نور یا هادی یا بدیع یا باقی یا وارث یا رشید یا صبور

بیان اسم یا فتاح کلمه آن نیز ۵۰ است برابر هم پس بجمیع عدد بیان بسوع الاوی الی الی الی الی الی و عدد حروف و وفات بیان این عدد رسانیدن آن یا دیان یا رب العالمین یا حی یا قیوم یا ذالجلال والاکرام یا ارحم الراحمین یا الله یا رحمن یا رحیم یا ملک یا قدوس یا سلام یا مومن یا مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر یا خالق یا بارئ یا مصور یا غفار یا قهار یا وهاب یا رزاق یا فتاح یا علیم یا قابض یا باسط یا خافض یا رافع یا معز یا مذل یا سمیع یا بصیر یا حکم یا عدل یا لطیف یا خبیر یا حلیم یا عظیم یا غفور یا شکور یا علی یا کبیر یا حفیظ یا مقیت یا حسیب یا جلیل یا کریم یا رقیب یا مجیب یا واسع یا حکیم یا ودود یا مجید یا باعث یا شهید یا حق یا وکیل یا قوی یا متین یا ولی یا حمید یا محصی یا مبدی یا معید یا محیی یا ممیت یا حی یا قیوم یا واجد یا ماجد یا واحد یا احد یا صمد یا قادر یا مقتدر یا مقدم یا موخر یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن یا والی یا متعال یا بر یا توآب یا منتقم یا رؤف یا مالک الملک یا ذوالجلال والاکرام یا مقسط یا جامع یا غنی یا مغنی یا مانع یا ضار یا نافع یا نور یا هادی یا بدیع یا باقی یا وارث یا رشید یا صبور

نماید کہ البتہ مراد باحصول وجہ میسر شود باذن اللہ از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ منقول است کہ ہر کس ہر روز بعد از نماز صبح این
اسماء را بخواند سہ چیز و برآید اول اجابت دعوات دویم دشمان او بسوی او نگریستن سیم شفاعت حضرت رسول صلعم میسر شود ہر چند این
دعا اینست یا کریم یا رحیم یا حلیم یا علیم یا عظیم یا قدیم یا حکیم یا رحمن یا حنان یا منان یا دیان یا غفار یا سلطان یا سبحان
یا غفار الذنوب یا علام الغیوب یا ستار العیوب اغفر لی ذنوبی بحق ہذہ الاسماء العظام برحمتک یا ارحم الراحمین بجہۃ مطالب
مشروعہ اسم بزرگ او علی را باین ترتیب بخواند اول ۱۸۴۱ مرتبہ دیگر ۷۱۷ مرتبہ دیگر ۱۲۱۰۰ کہ بلا شبہہ مقصود برسد نوع دیگر ہشتاد و
ہر یوم ۱۸۴۱ مرتبہ بگوید مقصود حاصل شود بحر بست قاعدہ عظیم لحل الربوط فی تحلل عدد سورۃ القرآن فی وقت قلیل قال
حولہ من قول عز و جل محمد رسول اللہ الی اخرہ فاقطعہا فانہ صلیب فتحی بعسل و تکتب باء الورد و تشربہ ذلک و العدد ۱۲ اسقط منہ
ذلک طرح الثلث و ہو ۱۱۲ الباقی ۲۰۲ فحیناہ علی ہذہ و خذناہ بالقسم الاولی ہکذا فاستخناہ حروف لفظ المجلوی فی الصلع
علی بسط الکف ہکذا

ج ا	ب م	ز ل
م	ح ل	و ل
ط ل	د ل	

ثم اذا اردت قسمتہا فی الکلمات
فاقسمہا باسماء مراداتک
من الاسماء الحسنی
الی کلمۃ التوحید و ہو
دوامہ علیہ مع التوجہ
التام الی المقصود و
ذابوا القوم الذین ظلموا و ارسلنا علیہم ریحا صرصرا فی یوم نحس مستمر فارسلنا علیہم ریحا صرصرا و قذف فی قلوبہم الرعب
یخربون بیوتہم بایدیہم و ایدی المومنین سیہزم الجمع و یولون الدبر فارسلنا علیہم الطوفان و الجراد و القمل و الضفادع و
الدم ان عذاب ربک لواقع ما لہ من دافع فعلیہم غضب من اللہ و لہم عذاب عظیم فاخذہم اخذ عزیز مقتدر فاخذناہم اخذۃ رابیۃ
فاخذہم نبذۃ فادبرہم اللبوت ذم اللہ علیہم و لہم عذاب عظیم و مزقناہم علیہم الذل و المسکنۃ حبک یشمط سخط احمل جمعہ
انما تکونوا یدرکم الموت و لو کنتم فی بروج مشیدۃ حجہ بجہت و سعت رزق دو رکعت نماز کنند در ہر رکعت بعد از رکوع
و سجدہ سیم سجدہ بگوید یا ماجد یا واحد یا کریم اتوجہ الیک بمحمد نبیک نبی الرحمۃ یا محمد یا رسول اللہ صلی اللہ علیک و آلک
انی اتوجہ بک الی اللہ ربک و ربی و رب کل شیء ان تصلی علی محمد و اہل بیتہ و اسئلک نفحۃ من نفحاتک و فتحا
یسیرا و رزقا واسعا الہم بہ شعثی و اقضی بہ دینی و استعین بہ علی عیالی نماز سیف قائل این نماز ہست کہ بسیار از اکابر
بر وقت قیام نموده اند و کیفیتش آنست کہ در کتب حجہ بعد از نماز عشاء در خلوت رفتہ دو رکعت نماز بگذارد و بعد حاضر کردن در
رکعت اول بعد از حمد سورہ انعام بخواند تا آخر و با نماز سر کند و تا کنتم عن ایاتہ تستکبرون بخواند و در رکوع و سجود بجای او بعد و در رکعت

دویم بعد از فاتحه والقد جئتمونا فرادی تلفریسوره بخواند و رکوع و سجود کما اوند و بعد از فراغ هزار نوبت صلوات فرستد و صاحب طلب کند

ح	هو	الله	ا
ج	ب	ز	۱۲
و	ط	ی	
ا	ه	د	صحیط

کما التبه روا شود و مجرب بلا شک و ریب و بعد از آن سجده بخواند و سجده کند
غرقت غرقت علیکم یا ارواح الطاهرات المتوجهات الطبیعات لهذا اللوح الشریف
یا نخمتلائیل و یا نخمتعفیا ئیل و یا نخمتزائیل و یا نخمتخیا ئیل
و یا نخمظصیا ئیل و یا نطهتکوا ئیل عجلوا باسمکم و الحاکم علیکم سرفتا ئیل
ان جیبوا دعوتی و امروا هؤلاء الاعوان تخفقیلیوش تخفصبوش
تجرئیوش تخسلزیوش تعجنجیوش نطعقیوش نطفطعیوش
تفتاحیل حتی تجیبوا باسم الاعظم الباسط الجواد و تجوخالفکم و من حلکم و حاربکم بارت الله فیکم و علیکم العجل العجل الوحا الوحا
الساعة الساعة مرایته ۹۹ ۵ قال تعالی من قرء هذه الاسماء فیما بین طلوع الفجر و طلوع الشمس تلیلة و عشرین یوما ستصلین علیه النبی
النبی من امام الانبیا الکفا ۵ صدق الله و انا لکفتلیلیعن معائلکم و سیهدیهم ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا قدیم
یا وفی یا حفی یا قایم یا دایم یا فرد یا احد یا صمد یا هو و تر یا حی یا قیوم برحمتک استغیث حبه و من بسم الله الرحمن الرحیم هو
الاول و الاخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شی علیم هو الله الذی لا الله الا هو الحی القیوم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انی
اسئلک بانی اشهد انک انت الحی الذی لا الله الا انت یا حی یا سبوح یا بدیع السموات و الارض یا ذا الجلال و الاکرام اللهم انی اسئلک بانی
اشهد انک انت الله الواحد الصمد الفرد الوتر الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا قدیم الاحسان یا دایم المعروف
یا نور السموات و الارض و نور الافئدة کلها یا الهنا و الله کل شی الها واحدا لا الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین ربنا ربنا
ربنا ربنا ربنا ربنا انا فی الدنیا حسنة و فی الاخرة حسنة و قنا عذاب النار بحق انک انت الوهاب و اعلم انا مغفرة من عندک و
رحمة انک انت الغفار و اعوذ به برحمتک استغیث یا مغیث ثم تجعل المص الرالمر کهیعص طسم طس یس حم عسق
ق ن یا رفیع الدرجات یا مجیب الدعوات یا مجیب الدعا یا سریع الحساب یا خیر الوارثین یا ارحم الراحمین یا قریب الطیف یا عزیز
یا غفار انت حسبی و نعم الوکیل در مجلس بعد و بعد از نماز بخواند و بعد از آن بسجده رود و بگوید انک انت العلیم الحکیم سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا
انک انت العلیم الحکیم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلم و بعد از آن بسجده رود و بگوید یا علیم یا حکیم یا عالم العلیم العلام الغیوب المتعال الکریم الحفیظ الرقیب المبین الهادی یا مجیب دعوات یا رحیم یا کریم
کلومط و مادر هر دو و در ۹ و در ۹ ضرب کند ذوالقرنین قرء و عامل تعویذ عدد سوره ناس مع بسمله و عدد سوره فلق مع بسمله و عدد
سوره توحید مع بسمله جمع کل ایه و اذیدع ما علیه بهشت عدد هر سه ۱۴۸ مرتبه بخواند و عدد ایه در مربع ضرب کند و با
خود داشته تواضع کرده و عدد ایه مذکور را با عدد اکرمتیجیبان ایهم را در برابر خواند یا منجیقتا مع عدد سورة الحج ۱۸۷۵۸۱
عدد اسم جفر نورانی شاخانه و الله محمد صفی نا فاتحه عدد اکبر اسم بزرگوار باسط عدد کبیر شی عدد کبیر اسم رزاق عدد
اکبر شی الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین یوم الاحد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر یوم الاثنین و افوض

اموی الله ان الله یامرکم ان تذبحوا بقرة الله ربی وربکم یوم الدین ۱۱۱۷ یعنی الخبیث الا الله الملک الحق المبین ۲۰۰ عدد مادیت اذ دمانی عدد فاتم اسم رکوا ربا سط ۱۰۲۹ چون عدد در مربع درج کنند و حاصل جمع عدد هر طرف برابر

ان الله قسم حضرت سلیمان ع المشهور بالبرخیا ذاب ح د هـ و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت

ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت

ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت

ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت

۹۷	۲۰۳	۴	۳
۱۱	۱	۹۹	۲۰۱
	۹۸	۳	۸
۲۰۲			

۶۳۸۰
عزرائیل و منکر نکیر

الی القیوم جهة جمع مرادات دیوم بر یوم جهار رکعتها زکند در هر رکعتی بعد از سجده نهم نوبت بگوید اللهم ملک السموات والارض وما بینهما تلبس الثوب وچون از نماز فارغ شود صد مرتبه بگوید سبحانه من اسمه بالغیب هو ولا اله الا هو و هزار مرتبه بگوید وفقنا الله ان من رجال الله شخص دولابی بوی نهد و آنچه مفقود داوست بدارد حبتی فی احتلام مرئی ۹۰۱ بکند و در خانه او اسم مبارک بالبط را بنویسد و عدد نظم طبعی خودش علیحده در همان ناح نگذارد چنانکه عدد تکسیر هر دو در یکدیگر ضرب به مرکب کرده زعفران و گلاب شسته بخورند در ساعت نهم از روز نهم ماه باید هم یا پیستم نهم ماه بشرطیکه قمر قوس حالی بود در زیر سر گذارد احتلام نشود و خواب بوی نه بیند شرح آیه و من یتق الله عدد تکسیر ۳۸۰ آن عدد وسیط ۳۸ م صغیر ۷۱ عدد حروف ۸۲ عدد نقطه ۸۱ مجموع ۲۳۲ دلیل هر گاه مذکور را در سه شبانه روز در خلوت بگوید و ترک حیوانی نماید البته مقصود برسد عدد تکسیر آیه که حروف مکرر و نوشته حرف نشده ۲۲۲ حرف غیر مکرر ۲۲ در بیستم و سیم نام داد ۱۸۵۰۰۸ اسماء الله المستخرجه من التکسیر حی دب حق هو تستغنی ذخسیل واسماء ملک سفیا ئیل رحا ئیل عسا ئیل معتا ئیل ۵ هکیلا ئیل هـ لا ئیلا اسماء اعوان جلیل اقتیوس عقتیوش احتیوش وقتیوش سربوش ۵ تحیوش سلسیوش احیوش تنوبوش باسط واین وفق لوح جهت اسماء الملک من المستخرجه الوح حیفخلطا ئیل احیفذحا ئیل طیفیا ئیل کفقفا ئیل اسماء اعوان حفتحیوش حیفتفطیوش حیفتکهیوش طیفصهیوش طبد زقح ۳۶ عدد تکسیر این ملک با بیجاب که وفق مکرر انداخته وفق شده ۱۸۵۰۰۸ عدد

۱۷	۲۱	۲۴	۱۰
۴۳	۱۱	۱۸	۴۲
۱۲	۱۶	۹	۱۹
۲۰	۱۴	۱۳	۲۵

اسماء الله المستخرجه من التکسیر حی دب هو حی علی الیجفد و زنجوفیح تسیر بخبث اسما ملک جحکا ئیل عزیجا ئیل التوا ئیل راسلا ئیل اسما اعوان تما بیوش و ذیحیوش عسلیوش عزقدیوش رنجیوش ذدفیوش لکتذیوش عالم الغیب من قرأ بعد الصلوة مائة مرة حصل له الکشف و الغیبات خواص مثلث لا یه هفت تب این مثلث عدد چهل اسم بجهة دفع جن و حضرت سلیمان را در زیر سر خود گذارد و بعد دو قی این مثلث این اسما را هر تب بخواند حضرت رسالت پناه را صلعم بخواب بیند معدیست ۶۳۸۰ که در شرح فارسی بیاید که بعد از نماز عشا

نکند و باکسی سخن نگوید بره الاسما المحی المکمل الکامل ابر نقش نوشته باخود دارد بر مار و مور و مگس العلیم الکافی البسیط الباسط السالم المجمل

ص	ه	المنتقم	علیم ۱۶۰	کامل ۹۱	محی ۹۲	
ل	ع		احد ۷۳	کافر ۱۱۱	محسن ۱۰۹	
ف	س		مکمل ۱۳۰	سالم ۱۳۱	قابض ۲۰۲	

۴۹ بره که در شرف قمر این نقش را نوشته باخود دارد بر مار و مور هر کس مطلع شود و در شرف شمس نویسد بوکلین زرد باحفظ الله و شمس برای طرز نیابه بطریق تکسیر نقش کنند انست فایدنا الذین اسوا ما صبوا طاهر بیان اگر در شرف شمس نویسد بر نگین زرد باحفظ الله بر فتوحات و فیوضات عالم غیب برسد و براعد انظر و مصور شود باید که به تکسیر بنویسد نفرهم الله و فتح قریب اگر بر نگین نقش کند و در انگشت کند انا هل طرب بنفع بینند و باهر کس ملاقات کند طرفا بره و رزق وسیع شود بطریق تکسیر الله لطیف بعباده و در محمل ان ولی الله الذی نزل الکتاب و هو یتولی الصالحین اگر در شرف این ایه را تکسیر کند و در محمل مغناطیسی و در میان ربع این جداول را کافی فتاح رزاق باحفظ الله از شبر و حوش و درد و بلا و موذی کافر فتنه متواتر برسد ایه انت ربنا انزل علینا مائدة من السما تکون لنا عیدا لاولنا و اخرنا اگر در شرف این ایه حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم در محمل مغناطیسی و در ربع این ایه و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد باحفظ الله بر دشمنان ظفر نیابه و از افات و بلیات محفوظ ماند و بهره از اعد انظر و بادولت و سعادت بسر برد ایه در شرف یا در وقت خوشی این ایه و خاله از نکوس ایه یحبونهم کحب الله و الذین امنوا اشد حبا لله و یحبونهم در محمل مغناطیسی گذارد و در میان ایه و القیت علیک محبة منی و لتصنع علی عینی نویسد و باحفظ المحبوب دلها شعله کیرد او نه پسند کاراد و خوشحال نشود و تمام انسان و حیوان دوستار او شوند در شرف عطارد سوره کوثر را در ربع مغناطیسی گذارد و بطریق تکسیر مدس میان شمس اسم را نصیب معطی سمع و واهب و رزاق فتاح بکار دنعت نیابه یا بدو سعادت کامل روی باو آورد و این اسماء در ربع مغناطیسی گذارد و در میان اسم مسعان بکر و فتکسیر کند و باخود دارد تمام مهمات او کفایت شود کبر باکافی کافل کافی در شرف قمر انجام را باخود دارد و نویسد دیره ماذه نشود انجام را در محمل که قمر در تور بود و زاید النور بنی نویسد و باحفظ الله نفس او در دیگران اثر کند و دست تصرف یابد و هر که این خاتم را باحفظ الله

سریع	خبیر	محیی		معاد	محیط	باری	ساحس	لا حول و لا قوة الا بالله	مطعم	القوی
محیی	سریع	خبیر	سالمه	محیط	بدیع	معاد		و لا قوة الا بالله العلی	قادر	القوی
خبیر	محیی	سریع		باری	معاد	محیط		لا بالله العلی	العظیم	

بهیبت باسرور و حضور بنی و از وسواس شیطان لعین بنی و هر امر که شروع کند از پیش برد و هر کس این نقش را در دو بال مرغ خوف نویسد و در هوا بکند الهانی و بران شخص دیگر چون زهره در هبوط و بال او حضیض احتراق بنی این ایه را در محمل تکسیر کند و در خانه اعدا دفن کند بهیچ طرق قصد او بر خیزد و انی نه و بران شخص و از انموضع موضوع دیگر نقل کند هذا و قد قذف فی قلوبهم الرعب یخربون بیوتهم بایدیهم و ایدی المومنین و اگر این ایه را بر محمل مغناطیسی گذارد و در میان این ایه را فارسلنا علیهم الروح صرصرا در خانه ظالم افتد

یا در قمر یه وحوضعی با دانوضع را خراب کنید که مریخ و شمس و زحل و عطارد و قمر در برج اسد بنج یا بعضی از این کواکب با مقابله یا تربیع بنج
و اگر اسامی این را در رخمس مقناطیس نویسد و در بعضی از سهام الجمع الذی از حساب رقاع اعداد و حصوصا بعد بحرف حساب هذه
انا ارسلنا علیهم ریحا صرصرا فی یوم نحس مستمر اطریق تکسیر چون شمس در هبوط بنج یا حضیض این را در مربع نویسد بطریق تکسیره و در خانه
دشمن بنهد از دفنه و اشوب پیدا شود و اگر بنویسد و حل کند لشکر بنیز و بخورد حاکم ظالم دیه اسهال کند هذه فارسلنا علیهم الطوفان و الجراد
و القمل و الضفادع و الدم و اگر این آیه را در مربع نویسد و بخورد ظالم دیه یا در خانه اش دفن کنند به بلیه گرفتار شود هذه ان العذاب لواقع
ما له من دافع و اگر این آیه را فعلیهم غضب من الله و لهم عذاب عظیم در مربع مقناطیس نویسد و در میان اسم مذل بنویسد و در خانه
دشمنان دفن کنند از رود یوار و عقوبت بر او بارسد کیر و بجرب و اگر این آیه را بنویسد در ساعت موافق بر بسط انچه
هلاک گردد در خانه انکس دفن کنند هلاک شود تا در مدت لیلة چون مریخ در وبال یا هبوط بنج این آیه را بنویسد بر نگیرد و در مربع مقناطیس
نه در نه در میان اسم بحروف مهلک قهار در خانه دشمن نهند سوء و حیران شود و فنا در خانه او پدید آید فاخذهم اخذة رابیة
فاخذهم تقنیة فاذا هم مبلسون در اسه علیهم و لهم عذاب عظیم و چون مریخ راجع بنج یا هبوط این آیه را در مربع نه در نه نگیر کنند و در
آبش کنند یا در کاریز یا چشمه بیندازند البته خشک شود و عدوش با بگیرد و هر در رعد شلث در بشلوخ نهد هذا الذی یاوث و یا سماء
اقلعی و قیض الماء و قضی الامر و عصوا ۵۹۱۱ ۴۲ و چون در بخور بخور مریخ این کلمات را نگیر کنند و اگر بقرآن این بلوح را زیره کنند و در میان
ظالمان بپاشند همه پراکنده شوند هذه سر ظهر سر طاح و چون مشتری در وبال بنج یا هبوط این آیه را در مربع نگیر در خانه ظالمان و فاسقان
دفن کنند فتنه و اشوب پیدا شود و تفرق شوند و بلا مبتلا فاخذهم اخذ عزیز مقتدر و ضربت علیهم الذلة و المسکنة اخذناهم اخذة
فاذا هم مبلسون فاخذهم اخذة و اگر این اسم را در شمن مقناطیس مهلک قهار در میان مربع این آیه اسم را بنویسد و عدد این اسامی اسم
انکس جمع کرده و ظهر مربع نویسد همان فایده دارد ۰۰۰۰۰۰۰۰ در عمل نجب در وقتی شلث اول اسم الشخص و بعده اسم امروز با اسم ان ملک
امروز و اسم کوکب امروز و اسم ملک کوکب امروز و بعد از ان اسم هبط یا با اسم الله یا ایه موافق امتزاج و هر وکب بعمل بگیرد در شلث
در بشلث اسم خود و اسم ملک الله و اسم ملک یوم نویسد و باخود دارد و قسم در پایش نویسد

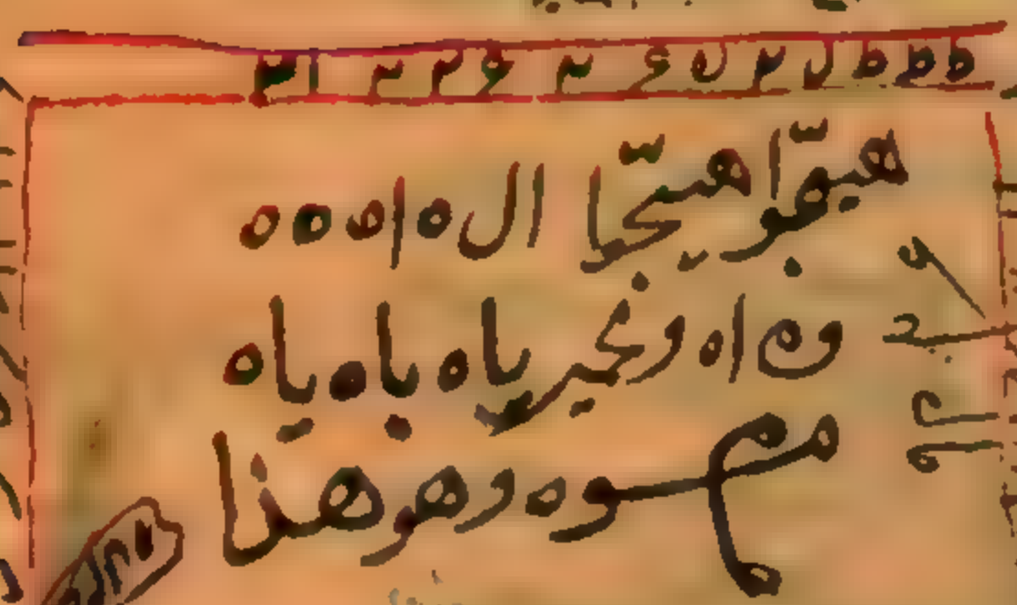

تبیح بقرنیع یکتب علی نعل الفرس و القی النار و یکون العمل قبل الاربعا بعد اوس و اکتب اسم المط
و ایه نزلنا علی اهل هذه القریة رجزا من السماء بما کانوا یفسقون و هذا تبیح و هیئ مربع الاجابه یکتب
فی قرطاس هلیله و بخور مسعه و سند روس و تعلم فی حضن فارس و یلقیها فی النار و تطبخ
الی ان یبقی الطعام کانا لطعام ۱۲ بعد حتی تابیت الشخص و یاکل معه الطعام

اطبوا و بجوا ۲۲۲ ت ۲۲۲ و اطبوها و اتوا بها الی متقاتها هذا فی وقتها هذا ۱۱ ی ۲۲۲ ب ۲۲۲
عدد سوره الم ترکیف فعل ربک باصحاب الفیل حی جوا عدد ایه الم ترالی الذین حی جوا عدد ایه اخی جوا من دیارهم و هم الوف ۵۶۵۱ و ایه لولا ان کتب الله علیهم الجلا

ب	ج	ح	ی
ز	ی	و	ط
ید	ا	ی	د
ما	ح	ی	ه

لیعذبهم فی الدنیا ولهم فی الآخرة لهم عذاب النار ۲۳۴۲۴۲
بخواند وجواب کز ریدست گیرد مالک سیم وزر شود
جهة فایده در احضار ۱۳۱۳۱۲۱۳ بردارد و بر هر یک اعداد را بخواند والقی فی النار
ای فلک تحقیق ارم بدجلی الحکیم سلمی کمر کس سواها محلوا النار هیجوا حرقوا
قلب ۲۲۲ عمل حب جنا طاعیه در مربع درج کند اسم ط مداومت کند مطیع شود
الواسع اکتفی ذکره وسع الله علیه البدیع ذکره الفقرة نفیه حاجته مالک الملک من
اکتفی ذکره اغناه الله عاجلا واجلا وانفراجع ذلک الفاتحة کذلک رزقنا الغنی غنیا ه
المعطی من اکثر من قول یا معطی السایلیه اغناه الله عن السوال الغنی الغنی من ذکرها عسر کل حجة عسر الاف مرة ۱۵ یا کل جوابا اغناه الله
سئال لیخیر کلمت سئال هروف تسع کرمت بنبات ۱۱ ف ی ۱۳ ال ف ف ا ی م ن ف هروف بنبات بلا تکرار فهم هروف ظاهله سم وبنبات
ع الف کم ی تجموع بشصت هروز دعوت باید کرد وعدد دش ۱۸۶ هر روز باسعید وبایه خواند وچهار اسم از هروفات
مرکبت حکیم کافی ملک تام چون چهارت در مربع ۴ در ۴ باید نهاد وطریق دعوت انت یا حکیم یا کافی یا ملک یا تام سخره الحکمة بحق حا
وکاف ویم وتا وحروفات را بر چهار ضلع مربع نویسم ز هر ب ب وی ت ص ت من ح ج ل ب ف م ا تام داول سواع شرف
والی م ح ب ة بجهت عزة وجاه المصور رشرف شمس نویسد کدر خانه که حلقه بش چهار درم زر بنیاد بر سر وبکر بر پیچیده بزعفران وعقل ازرق
بخور کند بجهت نفع کبیر ۹ در ۹ را در روز شنبه که قمر در سرطان بود وافتاب نیز بنویسد منیه بشنبه در وقت طلوع شمس بنویسد هروف
بزعفران ۱۵ بلبنع هروف عزه بارده هروف عزه رطبه هروف عزه یابسه اسپند عارا هر روز بعد از
یدخضغطو هرشد صط جزکسبنج
سوره حشر در بیاورده مرتبه باید خواند سبحان الله والحمد لله لا اله الا الله والله اکبر اضعاف ما خلق وکبره وهلله جمیع خلقه
کا یحیط بوفی وکا یفنی بمخارج عدد خاتم اسما مثلا اسم باسط کرد رعدد ۱۲ است با اسما کفواوستا جمع نمودیم ۳۴۲ مذابره ۳ در ۷
ضرب نمودیم حاصل ۱۰۵۳ شد پس بیفزود خاتم اسم مذکور بنج دعا قرینا مترجم بعربی اسما را ساخته بنده بسم الله الرحمن الرحیم
بسم ایل راحوم وحسون قرنیا وجلا وملادیونا دنولیا سمهولیا شهویا تلیبا سمهونیا
بسم الله الرحمن الرحیم صدقالله هوالله وهوالله یاعلیم یاقدیم یا عنکیم یامقیم یاحکیم یاعاقر یاقهار
ازرطیا ازرطیا غنطیا طوطنا طوطنیا اهیا شراهیا قدهیا
یامالک البلایا یاولی العطایا یاواهب یاوهاب یارزاق یاحنان یامنان یاسنی الرجایا
هادهیا هلدهیا هبیل هرجابیل خطرابیل مکواشیل یاسلطان بنطابیل محبطابیل
یاباعث یامطلق الاسری یاباعث البرایا یادیان یابرهان سل یاسبحان یاغفران

خردایل

خرواییل زومنائیل اسرفیا اشرونلا ذومنائیل سنجبائیل مرجرا اهربائیل اعلائیل اکوائیل
یامنعات یاامان یاسید السادات یامجیب الدعوات یادفیع الدرجات یاذی العزت یاعظیم البرکات یاسامع الاصوات یاقابل التوبات
اکمائیل طرهوسمائیل طرهوسائیل درخوشائیل نوفائیل حموذهائیل قدفائیل شقنائیل
یاصور یادافع البلیات یاسنی یانور النور یامدبر الامور یامیسر یامعسر یاخیر الغافرین یاخیر الناصرین
مهوائیل سرکتائیل طوطائیل توتائیل نوذائیل سفرسرهائیل سفرسرهائیل اه اوه
یاخبیر یاخیر الحاکمین یاحکم الحاکمین یاخیر الذاکرین یاخیر الفاتحین یاخیر الماکرین یاسبحان یاسبحان الله الله
ایدرمتوش اسلومد کاقائیل مجروائیل مجروائیل متقائیل سقوطائیل سقوطائیل بشفوذه بحزوذه
الله یاسامع یاواسع یاقدیر یامجیب یاجلیل یاطالب یاظاهر یامطهر یاشافی یاجمیل
برعا تفرغا مایس ابرسیس ارتانیس ارزه اوده نابه طوطائیل هرطائیل
یابر یاتواب یامالک یاذوالارباب یاحبیب التوابین یاغافر یاغفور یاغفار یاذوالمن یاذوالفخر
کوزائیل لکهنائیل سود زوائیل شمخائیل دردائیل حمهائیل حبائیل هبائیل
یاذوالعهد یاذوالعفو یاذوالفضل یاذوالعز یاذوالجود یاذوالاول یاذوالانعام یاذوالاحسان
نطمطائیل شمطائیل روحائیل ازوما بروما برومتا سطری معطری ازرائیل
یاذوالمن یاذوالفضل والاحسان یاذوالقدس یاشافی یاکافی یاوافی الکبیر المتکبر العظیم الاعظم
انکذی انکذی نطرهائیل نهرتائیل رمائیل الهامی تکیا سمیتا بشمیا یاباسط
العلی الاعلم یاذوالرحمة والغفران والسلطان علی ماتصفون یالطیف مایشاء یااکرم الاکرمین یاارحم الراحمین
مکوبته رکوبته شهطرجیا شهطریان شهطرینا تمت ہر کہ صد مرتبہ در یک مجلس بخواند پریشان خاطر
یاوکیل یاجمیل یاحامد من لاحامد له یاغیاث من لاغیاث له یاهرز من لاهرز له
شود نترسد طلوع وصوم وترک جیوانات پشت سر و نکرده و بنج و بخور بسوزد والله اعلم بخیر و طالب مسرور عه چهل هزار مرتبه در یک جلوس بخواند بقاعده
وهو العلی الکبیر ایضا روزها یم بود و ترک جیوانات هر روز خوازده هزار مرتبه بخواند ما سوی والله الا الله العلی العظیم فاید ماسوره مبارکه
اذا زلزلة الارض در شب چهارشنبه بنویسد بر کاغذ کبود منطقه و بانفطرت در دکان یا خانه بگذارد اهل شهر غرق شوند بجهت و سعت رزق بعد
از نماز عصر بهفتاد مرتبه مستقل استغفار فرستد و بعد این اسماء را صد مرتبه بخواند رزقش وسیع شود یا الله یا فتاح یا وهاب یا قادر یا رزاق
یاغنی یاغریب یا الله الکریم بیم دشمن و بیماری نیاید یا بجهت گرفتار شدن هزار مرتبه نادعلیا مظهر العجائب تجد عونا لک فی کل هم وغم بخواند
هر بامداد پیش از سخن کسی نزد و یکبار بخواند بجهت عقد الطریق تسکین از راهزن که تخفر میرود مقصود برآید و این آیه را بران بنویسد و در چاه اندازد
بسفر نتواند رفت این آیه بهت یا موسی انا لن ندخلها ابدا ما داموا فیها فاذهب انت وربک فقاتلا انا هاهنا قاعدون تا زحمت دزدان معاش لیلا عصمنا الله منهم فرمود که چون دزد سوار شود بر تو معیشت

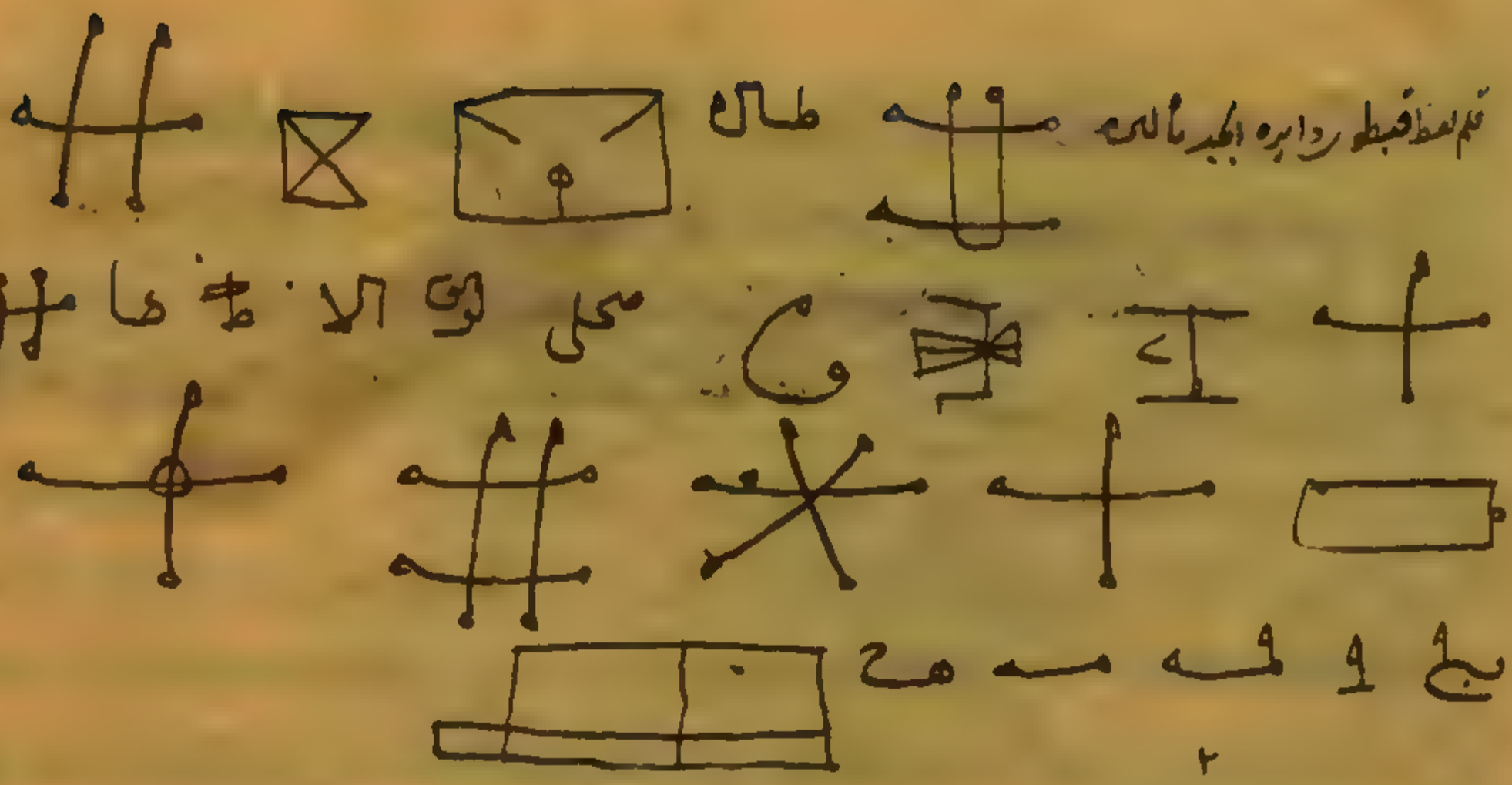

فایده چون خلق بجهت رحمانی بنویسد اسم ابق را در پشت خانه پنجم بروفق مقطعه بنویسد و بخ بردارد بردایره بخ زند و در بخ گرفته میشود بنویسد که فلان آید و برچهار طرف ظهر مربع بنویسد که والله یحاربه لقادر و بر زیر هر سطری کتابه نوشته شده باشد ملعون نویسد که چشم بیم و کمین باز بخ و بر چشمهای مذکور سوزن فرو زند و بر روی نوشته هر طرفه اینصورت را بنویسد فریاد که از شش جهتم راه به بست بر را بهای جنوب و شمال و شرق و مغرب بنویسد که گرگینه متحرک شود باز اید و این طلسمات بسته شده حتی در حیوانات و اینواع فتحی که پیش از این غریب و قاعده اش گفته شده

۸ ۱۳۷	۱ ۳۵۲	۶ ۷۱
۹ ۸۹	۵ ۷۱	۳ ۷۱
۲ ۹۴۹	۷ ۱۱۶۳	

هر دم به پیش که براه گذر از بزان چه میکند و هر که پیش تو اید و ویرا چه نام هست تا چند روز زنده هست و چه علم میداند بایه که سوره مبارک ۱۲۹۳ هفتاد و زهره و زحل و کلنار و مقل ازرق و کندر سیاه و زعفران بکن و بعد ازان ۷۱۳ طلبونا موسطیا هلفتیوت چون روز هفتم شود بر لب اب رفته بنشیند و طلسم را به نوک کارد بر زر بکش و خانم بسازد و در انگشت کند چون در انگشت کرد و اسعزمت حاضر شوند خوش قد و خوش اوی و جامهای سفید پوشیده باشند بر تو سلام کنند تو بر خیز و عزیز کن ایشان را ایشان گویند تو را چه مرباید بگو مشتاقم شما و خانم شما هر هفت تا خانم خود تو بود بهند و نام بزرگ ایشان طلو خوش و بر دایره طلو خوش ملک است بر جله پریان هر چه خواهی از علم بتو اموزند و جله حشم او چهل هزار پری زنها بکنم ایشان بکس ننمایند و نفس خانم اینست

۱۹۱۱ سا ۱۱۹ ۱۱ ط ۱۱۶ ۱۱ ۹ ۱۱ لسلاح ۱۱ ط ۹۱ ۱۱

مسنه ط ۹۹ وغیبت اینست

بسم الله الرحمن الرحيم عزمت عليكم يا ملحوشن يا ملوهوشن طوحوشن مع اتباعه بحق قاعوطوث عزطوث هونوث عزطوث طوطناش
بالله العلي العظيم طوهوشن طوهوشاث هونا شن الموع دريطوشن ت ارمايش اجيا ذهلجن بحق موشلعوني
شلعوب شلعونا اجلبوا واحضروني بحرمة هذه الاسماء العظام وبحق هذه الطلسمات المباركه وبحق حي القادر وبحق
قادر القيوم الذي ليس كمثله شئ وهو السميع البصير شموشلطيا هلفيوث وبرنسه ديرنفس قام تم انيطر تيو عزيب
انيطر تيو سطر رسيده هذه قام

بسم الله الرحمن الرحيم
عزمت عليكم طلوهوشن مع اتباعه بحق عطوث عزطوث طوطناش بالله العلي العظيم طوهونا شهونا شالموع دريطوشن ارمايش
اجيا ذهلجن بحق موشلعوني شلعوب شلعونا اجلبوني واحضروني بحق هذه الاسماء العظام وبحق هذه الطلسمات المبارك
وبحق حي القادر دون وبحق قائم القيوم الذي ليس كمثله شئ وهو السميع البصير تمت عدد تكسير عالم الغيب والشهاده كه در دوازده سطر
زمام سيد همه ۱۸۴۳۲ مبلغ وعدد جمل ابه ۱۸۴۳۲ واسماء الله المستخرجه المكسره هو الله اسماء الملكه دعا ايل جليا ايل شما ايل
بحيفا ايل بغلا ايل سماء الاعوان ادعيوش عودغيوش الايوش بعليوش هم بيوش ايليوش علا ايوش وشمايوش غديبوش
لبليوش ااعيوش وهبيوش لايوش وبهيوش يا يفيوش عدد تكسير لا اله الا الله الملك الحق المبين ۱۱۱۱۶ اسماء الله قدس ملكه كي الله
لحق لابراهيم حالايل قلاب قلنا ايا حلقا الباب الي للسلسلا اهلا لهم اسماء ملكه لها لايل قلي ايل الا مايل لبا ايل لها ايل
هكيلايل هكلا يل كما يل قها يل لالا يل قلالا يل بلا نا يل كحلا يل بقها يل الالا يل قلنا يل لا قها يل كعبيا يل لهلالا يل اسماء الاعوان
لملكيوش قليوش لبلا يوش يا يوش الليوش هعليوش هبلا يوش كليوش للكيوش بلا الوش لنما يوش املبوش لاحيوش الحيوش بهليوش
اعما يوش قا بليوش حلا يوش للبوش خليوش كفيوش لاعا يوش الا يوش امداد نا وعلى عدد رؤف ۷۲ عدد نقطه ۳۶۳۶ كبير ۳۶۳۶ وسيط ۳۶۳۶
صغير ۵ عدد تكسير كه كجا رده صف سطر زمام داد ۱۸۴۳۲ واسماء الله المستخرجه من التكسير عالم نام جاعل هو بيبا يل وعلدناه سنطليها جعفيفيل
نطيمتسل ها ليج عجيونليس واجيا عاليبو نا لي اسماء ملكه باكا يل بعفا يل علدنا يل علفا يل كدجيا يل وعكلا يل انوا يل انفوذ ايل
يا بلا يل ياعيا يل غطا يل كاهليلي دلها عيوش طاهيوش علوحيوش يا ديوش بعيوش نيرنيوش يكد كيوش الجيوش هيليوش مطيبوش
للا نيوش اللبيوش هاديوش كا عيوش ابيبوش لكوجيوش بوكويوش عالجيوش نا كيليوش بجيوش موتيا يا يسلونا يا سارت كجيت رويت حرت
خرعه هفت جمه هر جمه هفت نوبت كخواند وايند عا راجمه هفتم ملاقات واقع شود اثبت لبسم الله الرحمن الرحيم يا الله البر يا سريع الطف ويا عظيم
الخطر ويا عروفا بلا ثو يا واسع المني يا مالك يوم الدين وايز ازجر باتستا لجاعل الجواد المجميل الجليل الجابر الجامع وايز اسما را در شب سيم
كخواند صفاء باطن وجيت طاهر وباطن فاصل شود وحاجتش برايد اما خر سوره فتح كه فتحنا بر جميع وقوف همه وخواص ليبا ردارد وعدد كلمات
او بعد وكلما تسور ما التمس موافق بهت و در ربع ۲۷ در سطر ۲ بايه كذشت عدد سوره نوح ۳۳۹۳ عدد سوره والعصر بسطر ۲۳۶۷ وسيع

صاركه

مبارکه تقع الارعدا ما تقوم من مجلسک الا وقد قضیت لک حاجتک وسمها یا مهلیوح یا قهار یا محیب افعل بی کذا وکذا بقدار انک علی کل شئ قدیر
واذا اردت العمل بها فصم ثلثة ایام وکن طاهرا ۲۵ مرة ویکون تشربا مسبعا الی حین تریده واذا اردت ترمی من معاینته وتنهزم منهم فاعمل ما ذکرنا
فتسیطر علیهم بتوفیق الله تعالی واقرأ عند النوم سورة والشمس سبع مرات واللیل سبع مرات والضحی سبع مرات والتین سبع مرات
واجعل فی هذه الاسماء عهدک الایمنی علی طهارة فانه یاتیک فورا وما یحرک یا تریدان فاعله وهی بهذه حرام وکوم مرح مرکوا مرکوم سعد
عوسما اوقال وسم فرفزیوه وفرفرطفیه یاساولملک وو مه مه [illegible] بلعه لا
مه وهذه الاسماء والکلام تقوی الحاجة ویعتمد علی حفظها بعد کل فریضة صح قاسم عظیم جلیل یعینک علی کل شئ من صغیر وکبیر وسلطان
اوقاض وجمیع الجن والانس والارواح خصوصا وعموما ولا تترک حفظها فقد یصعب علیک وستاتی اکثر من هذا فاحفظ ذلک الکلام فافهم والسلام
هو الاسم الاعظم الذی یزلزل به الطیان ولتی المیزاب انقاض هوا فان الله تعالی عند کل مرة وصل الیسیر من عباد الله وحسبی الله علیه توکلت وهو یه
بسم الله فی بسم الله مع بسم الله بسم الله الا الهة البدیع لبسم الله الرفیع جلاله بسم الله ذی النور والبهاء الذی تحلل به النور الساطع فی النور
ذی النور لبسه النور فی خلل البرق نار ونور الذی منه کل نور ونور خوف النور ینکس به کل شیطان رجیم وکل جبار عنید وهو الله النور
مدبر الامور لی الیوم قدوس قدوس قدوس ثلثة مرات بکینفس لها قدوس کان قبل الدهور والازمان وهو الان کما کان بلا سرمد وهو الی
قدوس جبارا حنانا ضلیبا الشیخ ظلمطا یلطایا یا حی یا قیوم یا من فی الذی لستطیع النظر الیا نور یا ذا النور العظیم ادعوه اه اه اه الی موسی
بن عمران والله بیا محمد صلعم وسلم وعلی جمیع الانبیا نهیلا هطیطیل یا موج مردوع فیطا مرخ ارخ ارخ ارخ یا حائیل یا ذا الشیخ زیایل
وهوایل عوه طوتیم شهولا اینلس فیوشی لهاش یعطش یطس طوش اسئلک اللهم بحرمة هذه الاسماء الذی قد تسلک به
الملکة ذا قطا السموات وتطایر النجوم وتلاطم الامواج اسئلک یا الله به وبعظم شانه عندک القرآن العظیم لو انزلنا هذا القرآن الا ترکه
خشعا علیکم تحی بطارش طاش بحرایاش شبورش ان قطار ان الله من ورائهم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ تتلی بعد کل فریضة سبع مرات
صلبا ولم تقطع وانت فی سفر او حضر او مالی عند الناس الا ان یکون صیافا الله علیک ان لا تطلع علیه غیر [illegible] تمت این ایه شریفه را باوضو
حضور قلب اگر خلوت بتهیه تنها نرود زنبد طاقه مداومت نماید انشاء الله الجی مطلوب حاصل شود کرده چنانچه تجربت واقع تاخیر واقع نشود
مایوس نگردد باز بهمان طریق سرور زمواصلت نماید البته مطلب حاصل شود وبعضه بجهت متصل بودن فتوحات هر یوم ۲ انوبت مداومت نماید شود
بسم الله الرحمن الرحیم فسبحان الله رب السموات ورب الارض رب العالمین ولله الکبریاء فی السموات والارض هو العزیز الحکیم فسبحان رب السموات ورب
الارض رب العالمین ولله العظمة فی السموات والارض هو العزیز الحکیم فسبحان الله رب السموات ورب الارض رب العالمین ولله النور فی السموات والارض
وهو العزیز الحکیم فسبحان الله رب السموات والارض ورب العالمین ولله الملک فی السموات والارض هو العزیز الحکیم عدد سور مبارکه سبع المثانی مروف مکرر
اسقاط شده ودر سطر هشتم زیاده وهشت سطر ۲۲۲۲ حروف قسمت نشده وهزار وچهل وچهار ۱۰۴۴ اسماء الله المنتخبه هو حاسب الرحمن

اسماء الملکه مخطا ئیل صصه الا طبعا ئیل صلکما ئیل سسهما ئیل هرحا ئیل اسماء الاعوان جبئیل هوضیکوش اسبیوش صصه لیوش طنبیوش
ضکلیوش وقضطیوش اسبهوش تمت عدد اسماء اربعین بجل کبیر ع ر ۸۱۷ عدد زبرجل ایم با هل بحر سنه ۱۷۴۴ بجهت فتح قلعه سوره
تبت را بکند بشرط احتیاط در قبرستان و خاک از قبر بگیرد و از سر راه بردارد یا کاردیا مقراض الموح را ریزه کند جا ان خاک قلعه ریزه و خراب
بعد طریق ختم سوره مزمل چنانست که اول سوره مذکور را بخواند و بعد از ان والشمس و بعد از ان واللیل و هفت نوبت سوره الم نشرح و هفت نوبت
در هم فرستد و بیک نفس حرز تسبیح الله را تا آخر بخواند در یک مجلس چهل و یکنوبت و بعد از ان هر روز بعد از نماز فرو اینده عا بخواند چهار مرتبه
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم افتح لنا ابواب الدوله و ابواب البهجه و ابواب السعاده و ابواب السلامه و ابواب العافیه و ابواب الخیره و البرکه
و ابواب الفتح و البشاره و اصلح لی امر فرجا و مخرجا و اقرر فی قلبی انک انت الواجد کما سواک یا رحمن یا رحیم یا الله یا ذی عندک
و فضل علی بی فضلک و انزل علی بی رحمتک انک ذو فضل عظیم و برکاتک تمت عدد دعای مذکوره ۱۱۴۵ ختم عینه تکتب فی قرطاس
و یحرق فی الدخنه فی اسرار مجوب شاه فخر ازل تسطهیجطا لفسطهیا سیکطهیجا بهیطا اجبنی یا عینیه یحی
نفس تام و یحق ال الجن و
الشیاطین و بر دخوش
سیطیقیا عطیبا لـ
لکبال

لفیتعهو کهو ه
احب یا عینیه
حمطهیمطهیم
هطلسلهعلیعلصو م
سکللعلیمعلفد
سکیمفه

۲

قاعده جفر جلب ال ع ب و ال ف ضه ز و ال ف ل ی س م ن ک ی س ن ل م ل و ن و ال س ی ع ط ی ن و ال ت ح ا د د
ا ک ث و ال د ح ا ل و ال ن س ا ب ک ی س ی ح و ف ه ا ذ ع ر ص ح ا ل ن ح م ی ا س ب ب م ن ا س ب ب ل ح ی ا م ف
ت ح ا ل ب و ا ب ی ا س ب ب ک ا ذ ی س ب ب ب ق ام ی س ب ب ا ل ا س ب ا ب ا ب ن م ن ا ی س ب ب ع و ن و ح و ف ه
ع ی ل د ۰ جمع العددین ۷۸۸۵ جمع الوفقیه ۱۳۵ طالب ۲ عدد اسم طالب را دو مرتبه تضعیف کردیم ۱۱۰۰ از عدد مجموع منها یوم
باقی ماند ۸۸۵ عدد این عدد را در خانه اول نهند و عدد اسم را با او اضافه کنند و در سیم نهند و عمل بدین نحو دهند ضرب نمود حرف

۸۶۳۴	۸۱۳۶۸۱۶	۸۱۳۶۸۱۶
۷۳۸۶	۷۸۶۵	۱۰۳۱۶
	۵۵۵۸	۷۱۳۶

ساز د حاصل ضرب اسم اعظم مکتوب بخ حاصل ضرب اینست ۱۹۳۲۱ و وفق ی ع ش ک
بر اسم این شد بطیفکائیل و عزیمت اینست عزمت علیکم و اقسمت علیکم یا ایها الملکه د ب

الغرق یا دعفلا یبلنا اخرج علیکم لاغم فتلکما اهطس بطیعتکما ایل و بحق اسماء الله تم اسم نویسد ان تسلطوا و اسرعوا الی منزلا و الاعوان
اعوان نویسد تا اخر بجلب الذهب و الفضه و الفلوس من کیس فلان بن فلانه بکیسی لحق الملک القریبین و ارواح المقدسین اجیبوا و توکلوا ما امرتکم اسرع
من طرفة عین بامر الملک العزیز الجبار العجل الساعة الوفا الاحضار الذی بقوله کن فیکون انه علی کل شئ قدیر عدد کبیر و
عدد شش ۵ است با اسم مطلع این جمع نمع در مربع بطریق زوج بکند بر پارچه مس یا بر سفال نو و در آتش دان فرح کند در حال حاضر شود
و عدد این یا نبی ان تلک آیات الله همین فایده دهد الهام در ساعت شمس بنویسد تمت بحبتی فرح در سر عدد این فلا تخلقوا الی الغرة کهاعیاش
با عدد اسم خداوند صداع جمع نمع بطریق طاق در حوز مربع بنویسد یکی را در سر نهد و یکی را در زمین غمناک فرح کند در زایل شود عدد این
طب الطیر را در زاویه اول عدد این یجیبونهم کتب الله در زاویه عدد ثانی و عدد اسم طالب را خانه نهد و عدد اسم مطلوب را در خانه ثانی نهد و هم بطریق
بطریق کم و زیاد پر کند و یکی مربع دیگر زوج بکند و هر دو را بر روی یکدیگر نهد مجرب است این فوز را بر نعل کند هر سم بنویسد و اسم شخص و
مادرش را در آتش آتش نفط و هفت نوبت بخواند هر چه شیراند دوان ما آمد پیش عاشق آمد دوان با آمد و طوفان آتش آمد سوزان و فروزان جواب
آمد فلان را بخواب ابد مرا و را رام وی مرا و با را ای من و را الاحضار روز جمعه سعید حرمه بر سعید دانه فعل بخواند مطلوب حاضر شود روی بسوی
خانه مطلوب کند و کس سخن نگوید چنین داند که مطلوب حاضر شد قالوا تالله تفتؤ تذکر یوسف حتی تکون حرضا او تکون من الهالکین الکرین
بگل ابر ناخ بنویسد و شروع در خواندن سوره یس کند هر گاه که بوا به حاضر شود سوره والقلم را به حریره بر ما و خواند خاک شود حفظ

الدینار کتاب للقمة اخذ لنفک صلوة تضیفه من جمیع الله واسع ظاهره من جمیع النبی ساتبذ لک و تیابک و اغسلها
و اغسلها فیها بالصلوة و الدعا و یکون وحظ لک فی یوم الاحد و انت صایم لا تنظر عادی روحه و لا علی ما خرج منه
فاذا کان فی الیوم الثالث صلی الفجر و عقبها فاطلس متوجها الی القبلة فاقرأ ۷ و ۱۶ و بسمه علیه ۳۱ ۳۳ مجا ۳۳ ۳۳ مرات و کذلک افعل فی یوم
الاربعا و یوم الخمیس و هم کذا فی ایام اللیلة الغرة و لخود کذا فی هذه اللیلة الایام فی لیلتین لا تسقط لیلا و نهارا و اختم لیلة الجمعة لکفاوه مها ابو کبیر
و هو شخص قصیر طویل الیدین و کلس بین یدیک و السلام علیک خذ به بکمال الکرام و تبت فان له هیبة عظیمة و هو من ملوک الجن الموسنیه و خلیفة الف
فوز من الجن فان قضیت حاجتک و ازد هشت فلجت الفرق عنک و غایب عنک لکنی لا یدرکه و اذا جلس و سلم و ردت سلام قل یا ابا یوسف
وجب علیک وجب علیک حق و اتقوی ما لنا فیه و الضیق و لا بد نیک التی عزه بشر من المباح الحلا استعین و به علی رزقا یسیل و نفقه
عیالا و الحج لبی بیت الله الحرام و ادرک عما الله تم فانه لیفت لا من خلقه صافیا مرهم فیا تو نه امرهم به اسرع من طرفة عین قد فصلها عبد الله
بن منصور فاتوه بقبر الاف دینار و اخیره یجبنی فضله فلما حضرا ای دم و هش و لم یره سلافا نظر کلا نه فلما لم یتکلم فکن علی اسم
المصاح و لم یرفع عنه بلا اذنه و لیکتب بزعفران فی ورقه و یوضع فی القبلة بیاندی العامل و هو هذه

۱۵۱۵۱۵۱۵۱۵ لسطع عدح دلم ص وک تمت

محبت ای دین بسیار مرتبه در مجلس بخواند اللهم یا سبب من لا سبب له یا سبب کل ذی سبب یا مسبب الاسباب من غیر سبب یا غنی یا مغنی صل
علی محمد وعلی فاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد والحسن ومحمد صاحب الزمان واغنی بحلالک عن حرامک وبفضلک
عمن سواک واقض بهم عن الدین یا حی یا قیوم یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین بجهت رزق وبرکت صد مرتبه بار بخواند
اللهم صل علی محمد واهل بیت محمد المبارکین وبارک بنیهم لنا فیما انفقنا وفیما خولتنا وفیما دللتنا وفیما انعمت به علینا واهلنا بهم من
الشاکرین المشکورین لربک وصل علی محمد وآله کثیرا بجهت عزت عزیز بار بخواند اللهم یا بدیل یا من یعطی الدولة لمن یشاء وصل علی محمد
وآله وادل بهم لنا واذل بنا وارنا دولة صاحب الزمان واجبا فی دولته ما عمایه وبجعه ما یابه ومن فیضه غنایه ومن جمیع
بلایا سالمین یا ارحم الراحمین ویا احکم الحاکمین از جهت قضاء حاجت هزار و یک جب زر آرد خوب سند باز دهد هر جمعه بار بخواند
یا قوی ویا متین یا ندا اعدائه وقد رشحت وقد رشحت ۱۰۵ بار بخواند یا رافع یا بدیع صل علی محمد وآله وارفع درجتی ورفعاه
علیا وبجاه الذی رفع السموات بغیر عمد وبجاه بوبه علی العرش ورفعناه فوقکم الطور وبجاه من رفع درجات من یشاء وبجاه ذی
ذو العرش المجید جعلنا الله تعالی بارادته الخضر فی عمله یا زاید النعم الکریم یا زاید ثواب المحسن یا زاید اجر الصابرین یا زاید یا زاید یا زاید
صل علی محمد وآل محمد وزدنی علما وفهما وحلما وحفظا وسرورا وعقلا وایمانا وسکونا وسعة ورحمة وفرجا الیک وصل علی محمد
وآله وسلم کثیرا ظفر باعداء ۱۲۰ بار بخواند یا ظافر الطائفین صل علی محمد وآل محمد واجعل لی یدا من ظلمنی وبغی علی من خاصمنی
وظفرا من عاندنی وهب لی مکرا علی من کایدنی وقدرة علی من اضطهدنی وتکفینی بالمن قصدنی وسلامة ممن تعدی وقنعنی بما رزقتنی
من سددنی ومتابعة من ارشدنی بحیث فتح عقدا ۱۲۶ بار بخواند ان یستفتحوا فقد جاءکم الفتح وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو وهو الفتاح
العلیم انا فتحنا لک فتحا مبینا ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر من الله وفتح قریب وبشر المومنین ربنا افتح بیننا وبین قومنا بالحق وانت
خیر الفاتحین وفتحت السماء فکانت ابوابا اذا جاء نصر الله والفتح تا آخر بجهت قبول دعا ۹۲ بار بخواند اللهم یا قابل یا مستقبل صل
علی محمد وآل محمد القابلین لحسناتهم المتقبلین بحبهم بحق حبک واجعلنا بهم متقبلا عندک واجعل لهم متقبلا عند الناس وجاها وجها الهم حتی یسعدون
بحبی ویحبون ادعوفی استجب لکم واستجیبوا امری وتمثلوا کلامی وحکمی بجهت کفایت همات ۹۱ بار بخواند فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم
انا کفیناک المستهزئین قل کفی بالله نصیرا وکفی بالله حسیبا وکفی بالله وکیلا کفیص لیس کافیا عبده من یکفی کل شیء واکفیه شر کل شیء
صل علی محمد وآل محمد واکفنی بهم ما اهمنی من امر دنیای وآخرتی بحیث اساذه وسوار بطریق وردا کرد وقات بخواند یرید الله بکم الیسر
ولا یرید بکم العسر ما جعل علیکم فی الدین من حرج ان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا وانا فتحنا لک فتحا مبینا بجهت کرم وسرد بنویسد در جریع وبخورد ذلک تخفیف من ربکم بحبت تب ولرز بنویسد وبخورد وبهبند ان شاء الله عنکم
ربع عدد سوره جن وعزیمت بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا ایها الارواح الطاهرات المنجرات المطیعات فهذا اللوح الشریف

یا فتاح یا علیم

یا نفضا ئیل و یا نفضیحا ئیل و یا نفصیها ئیل و یا نجفصرا ئیل
یحی ناسکم وامرکم والحاکم علیکم لله عجسوا ئیل ان تجیبونی ادعوکم فاطروا
هوتی هلاعوان تخبیطونس و تفخبوس و تفخبوس و تخبوس تقضناء
یحی سرة السرنیر و یحی خالفکم و موحلکم و یارنکم یا رتی اسرفیکم و علیکم

العجل الساعه لها دب اشرح لی صدری و یسر لی امری یا حنان یا سبان

ربّ اشرح لی ۷۱۱	الی صدری ۳۵۴	ویسر لی ۳۱۰	امری ۲۶۱	
یا ناسط یا الله الا الله ۲۴۸	المروطیا اول ۳۶۷	یا مدبر یا وکیل ۳۹۱	الطس دسن حم یا رحیم یا واحد ۱۸۷	
یا میسر یا وهاب ۳۴۷	طسم طسین الله لا اله الا هو یا رحمن ۳۰۷	یا مجید یا الله یا ولی ۲۰۳	یا فرد یا محیط یا هادی ۱۰۱	
یا مسبب یا مزرق یا جلیل ۳۱۷	کهیعص طه حم عسق و داود الی مریم ۷۱۳	ن یا قیوم لا ملک یا واهب ۳۴۳		

اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی و اجعل لی وزیرا من اهلی هارون اخی اشدد به ازری و اشرکه فی امری کی نسبحک کثیرا و نذکرک کثیرا انک کنت بنا بصیرا قال قد اوتیت سؤلک یا موسی و لقد مننا علیک مرة اخری

نام اسطاطالیس اگر اراده تسلط تصرف در عالم و جمیع الموجود استعلم خیر و شر و جلب منافع اراده تسلط بر یک و غیرک او تسلط بر حیوانات و مطر و ریاح و دفع سایر الاشیا فصل و حصول مراد است از خیر و شر که بسط کنی حروف اسم نوع را و نظر کنی که کدام طبیعت دارد پس این حروف را از طبیعت بسط کنی. مثلا حرف اول و قرکه ابتدا میکند اگر روز بنی نهار را بسط کنی. و اگر شب بنی لیل را بسط کنی. پس ساعت که گذشته بنی از روز یا شب بسط کنی.

و باورق ساز و خلاص کردان و زمام سازوان زمام را تکسیر کنی و از روی ناسهای عوانان ارتعالی اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی و اجعل لی وزیرا من اهلی هارون اخی اشدد به ازری و اشرکه فی امری کی نسبحک کثیرا و نذکرک کثیرا انک کنت بنا بصیرا قال قد اوتیت سؤلک یا موسی و لقد مننا علیک مرة اخری

و عدد انمطلک بسط کرده در مربع بسط کنی و عدد تکسیر را در مربع و عدد اسماء در مربع نسب کنی و عدد هر سه مربع را در مربع دیگر نسب کنی و از حاشیه تا بحروف بردارد و در طرف لوح موجب و مجموع نویسد که اثر بزرگی ظاهر شود انشاء الله

ناری و سلسبیل	هوائی و عزبی	مائی و حنوطی	ترابی و شمالی	حمل
المقبول الوجه	المشیخ و الحب	لاستخلاص الرزق	التفریق و العزل	اسد و قوس
حوذا	سرطانی	ثور	بحسب صلح بین الازواج و الخادم و المخدوم و طالب و مطلوب	
میزان و دلو	عقرب و حوت	سنبلة و جدی	و غیرهما سورة بنی الناس و ایة الکرسی و معوذتین و ایة لو انزلنا	

الی آخره و ایة لو انفقت ما فی الارض جمیعا و ایة و من ایاته ان خلق لکم من انفسکم لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة و کذلک یا قوم تبصرون

ذکوات در رقم ربع
۲۵۲۱۴۲

نوایه واعتصموا بحبل الله جمیعا تا لعلکم تهتدون طومار نویسد وعدد این ایات سوره را که ۱۱۴ است در ربع در تحت طومار نوشته حامل کرد
فورا ترک کند اگر بعد بترزیا از چهار روز نکند که اثرش ظاهر شود ومجرب دعوت اسم ۳۱۴ چنانست که هفت شبانه
روز روزه دارد وخلوت کند از خلق و هر شبانروزی ۳۱۴ نوبت بخواند و هر روز ۱۰۰۰ نوبت این ایه را الی ذلنا الذکر وانا له لحافظون
نوعی دیگر چهارشنبه ۱۵۱۰ نوبت بخواند در خلوت وجوانه بخورد وجاعتی از اکابر حق ظاهر شوند انچه مطلب او تب بلرزند نوعدیگر خلوت
کزیند ودر هر شبانروزی غسل کند و هر شبانروزی صد رکعتا رکند و در هر رکعت بعد از حمده نوبت سوره توحید بخواند و در قنوت
امید عار الخواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک بقدرتک وقوتک وسلطانک وما احاط به علمک اذ تسخر لی الجن والشیاطین
وکل ما خلقت من نار الهوات والارواح وکل ساحره وخذ بنا صیتهم الی والی انک علی کل شی قدیر وهب لی حکما وجعلنی سلطانا علی الجن والشیاطین
والسحره وسخرهم لی باعون السعی والقوی وعطفهم الی بعض کالذئب نوی دمروه واکفنی امرهم واهوائهم وسلطنی علیهم لسلطانک
واعزنی فی جمیع العالم کلها والعالمین کلهم واقض امری منهم بحولک وقوتک لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وایم هر شبانروز بحزار
بار بخواند وهزار و یا صد روز ۲۵ نوبت و نماز نافله نصف شب بکند ونصف روز بکند واز خوردنیوشیدنی کاهیل بکند و دیگر جمیع محتشمان
واکابر جن را زاویکه زیر نیت و ذکر ایشان در اکثر دران مندرج است ومجموع الطاف مکنیا کرخواهد هر یک را فردا فردا و غیب گیر توانی بدرس
که حاضر شوند واطاعت کنند باکی طلب کنی مهم تو روا کنند وحاجتی که ترا افتد بی تعویذ و دبراید و اینعمل بزرگست واز کبار بشمار
سکاکی قلمرو ته هذا الغزیمة بسم الله الرحمن الرحیم بغزة الله العزیز وبا سماء للقداسه وبا هیا شراهیا الماثلت ومجلت یا بالحکم ویا
بالعصم ویا بانوش ویا بالیت ویا قروه ویا قیس یا بالت بن عزره یا بن عزیه ویا ذوبعه ویا دنهش ویا غایض یا مغیث
ویا عبد الرحمن یا حارث یا ذالنور ویا سود یا ابیض یا مروان بن قیس ره یا حلهم بن حلیس ره ویا مسلم بن کعب ره ویا مزاحم بن مرتد
یا دقلیس بن دقانیس ره ویا حطاب بن مالک ویا جناح ویا حصین ویا طریف ویا عمرید ویا عمرود دیباج ویا صفر ویا فوطیا و
یا ذکریا یا یحیی یا یا محمد یا یا کلاب یا یا المهلب ویا لعین الذی لا یام وبالعرش الذی لا یحرک وبالاسم الذی اختلف به جبرائیل ومیکائیل
واسرافیل وعزرائیل وبالاسم الذی دعا به الی نون ما الله الا هو العزیز شعرذ وبالاسم الذی هو فی التوریة وبالاسم الذی هو
فی الانجیل وبالاسم الذی هو فی الزبور وبالاسم الذی هو فی الفرقان وبالاسم الذی یدعا نه لا الله الا الله لما اقبلت وعجلت عجل
یا بالحکم ولا تریب وکذلک وکذلک عجلوا کلام لنفرا حذه هذا الاسماء کلها یوم نکشف عن ساق وتدعون الی السجود وهم سالمون
عجل عجل ان من ظالمین وکذلک کلهم اسواذکم الذی علیه توکلت والیه انیب فاطر السموات وجعل لکم من انفسکم ازواجا
یذرؤکم فیه لیس کمثله شی وهو السمیع البصیر یوم تدعون الی نار جهنم دعا هذه النار التی کنتم بها تکذبون افسحر هذا ام انتم لا
وانتم لا تبصرون اصلوها فاصبروا او لا تصبروا سواء علیکم انما تجزون ما کنتم تعملون عزمت علیکم بحق ابرهیم واسمعیل ویعقوب و

وذ الكفل وطالوت وهاروت وماروت بالذى يعنى اجدادكم وابائكم وبحى الموتى ثم انى ادعوك يا رب باسمك الاكبر الاعز الاجل
لماسحيتهم لى واقبل وعجل يا بالحكم وكذلك لكم الوحا الوحا العجل العجل الساعة الساعة اسرع من طرفة العين وصلى الله
على محمد واله الطاهرين دراحضا حبس روز روزه كرد و دیگر روز نانوبت نخواند در حلوت عزيمة وترك حيولا كند كه مسخ
صاحب دعوت ندهد اللهم اجعل اصابعى خلقك لا اله الا انت رب الكريم اللهم اجعل اصابعى خلقك اجمعين الى ناظرة بمودة القلوب
قائمة بالمحبة والاشياح متسابقة شايقة وهيا كل الفلك لفتنة ناظرة امره يا معشر الجن والانس اجيبى الى حدمتى فاطاعوا وتوددوا
الى طاعتى فاجابوا وعملوا الى الجحافل من سطوات تجرسون فاجابهم يوم مهيول اميان بجلبلان احاط فادرك وقل جاء الحق
وظهر والله وهم كارهون كلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله ويسعون فى الارض فسادا والله لا يحب المفسدين فتعالى الله
الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم بنويسد در چراغ نو نهند بروغن زيت يا روغن كنجد يا روغن كل برابر و فتيله بجوب هيج فلان عوكل
الحبة صاحب اسرة السراج وهيجته محمود طارق الليل والنهار صمود ابليس الزن جميع الرجال والنسا وهيجته بكل سلطان وهيجته
بكل عامر الدور والمساكن كلها وهيجته بكل راس من رؤس المودة هف هف هف هف هيجته بكل جبل ساعد ساهوش
شاع هيجته هيج هذه الكلمات فلان بن فلان على فلان بن فلان ما يكان او تقطانا الساعة الوحا الوحا العجل العجل العجل
اعطف اعطف اعطف قلب فلان بحوالى مرة وذوبه ودنبش وجميع المودة هيج هيج هيج العجل العجل يا دلك الله
عليكم هـــــــ

وزنهار که از زنا و اهلان و جاهلان نپوشیده باشد که بجوشت مکروهیوا جلسی یا عبیبه بحق نقش الخ ذالیاطیه اللذی انلدها انوا
بویوا الخاتم وبحق ال وبحق ح دبرد جوشن بروجوشن وقیفوهش وخیطوش وحیطوش وانعلوا والنار جب سوط
سوط لشوطوا لبوشوا لبد رفیلاه علی فلانه الوها الوها الساعه الساعه النار النار
در سیخ فتیله توان که بر مس و اهن توان نوشت و در جوف صورت توان نهاد امامح و کند روشندروس بکذارد ولیکن در اعمال تخییم
قرارت دهد و هنت نبت نیرت هذه دطلیکاش وصلیطاش صلیلنشوش و یا سیم شهشهیاهش و یا تادی
و یا تندی و یا شمای و یا ببهش و یا دهش و یا تاهش و یا هب اتبعشوا رسلکم الی فلان زخلان فاستعروا
الیوم والقرار بحق التماموش والتمایوش و بحق قوقوش و بحق رسالتکم عجلوا عجلوا الوها الساعه نویسید بر پوست آهو
و در آبی ندانه که لیا رجوب ملیاهلطلسلوک لاه بجهت تفریق نویسید بر هفت کاغذ و
بر روزیکی را بنویسد و در آب روان بجوب لاخلاء یوم مذ للمتقین و نفخ فی الصور فاذاهم من الاجداث الی ربهم ینسلون
سریا ویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون ع قد بدت النعفاء من افواههم و ما تخفی الصدور ام الکم
انما یرید الشیطان ع بسم الله و من الله و سلمه خبیثه کنجره خبیثه اجتثت من فوق الارض مالها من قرار ان تاجوج و ماجوج
مفسدون فی الارض هل نجعل لک خرجا ان تجعل بیننا و بینهم سدا العجل العجل الساعه نوعی نویسید بر پوست آهو و پیل
با پیکر بیه و در منجلاب دفن کند بحق بسم علیکم یا شیاطین ارهشوا دین بسته هانیوش کلوان حلق حولان اجیبوا
اهرونی و تسخر کروم فلان را در فلانی فلان هیا هیا اهه اهه اهه ارهف اعلوا المجلوا بجهت ع ۲ ع ع
ع ع ۱ ع ع سه در سه خود بر کند و در جرستان یا خانه مطهر بنهاد و سانه بجوب و حوض ان نویسید فاخرج منها نار
من الصاعقین و در طرف دیگر فاخرج سنا مذموما مدحورا و در طرف دیگر اخرج فلان بن فلان و رمیته من هذه البلده من الکان
فاخرج ایها الرهیم قاعده و تغیر روحانیات از اعمال سید حسن اخلاطی مسطور میشود در ایه کریمه و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض
بعضا منه و ایضا در خلاصه و وفق این ایه شانزده حرف که تکسیر صدر و مؤخر عمل میشود بدین نسق خلاصه و وفق
تکسیر عشق و سخ دلکم اف عت ض ح ع ذ ه ه و ن س ع ح ح ر ص ل ت ک ع م و ف ذ م م مکر که بعد از تمامی
تکسیر انیت و سخ دلکم م اف عت ض ح ع ذ ه ه ترکیبات تانی و منفضل عجیل تعویذ ان تو والی هادس تک عجیل طلمای
و ضبح مجموع حروف ایه و وفق نظم مغیب بصیر اول مذکوره سی و شش حرف مطابق حساب ابجد و جمل و وفق تمام ایه سه هزار و پنجاه است
با زیاده و نقصان و در سطور تکسیر صدر مؤخر و در سطر سیم مکرر است چنانچه حاصل تکسیر چهار سطر و سطر بدو کلمات ترکیبات تسلانه که یا و وفق
تا چهار نیفتد و حروف صدر و سطور است که ترکیب یافته و از مضمون ایه مذکوره مدعا واضح نهتاج تا اظهار نیست نوع مظهر و مضمر ایه این است

وعمل را بنا نوح الهاملکه و اسماء الوان از اعداد این لوح است بر هوشمندان نصیر مخفی نماند قاعده مدعای مسرو عرمکنی الوقوع که
داشته بدن حروف ان مدعا با بیات تمام زنمود از حروف بگیر عالی کند و بگیر بصورت صدر موکند که تا وقتیکه زمام دهد و از ان
بگیرد اسم مخارج اسم ملائکه و الوان آنچه اگر بلفظ عربی اسم از اسماء آن باید در طول و عرض ان اسم اعظم بدن
الاحضار بر لعل سبز نویسد و الی آخر الدعا بعربیت بعلجی موسی ملسون ملاسون ملسوج سنصلسلا می هیجوان ۲۲ م
علی حبه ۲ م احضر معالی الساعه العجل الوحا فایده علاج قولنج بعربیت چون کسی لاقولنج عارض شود تخم تیره و کاسنی
دیگر ازا و سوال میکند به تره که الله اباره ان کاسنی را گویند که قولنج را نافع است سوال کنند که نه اکنون که رسن بگوید ادویه قولنج سوا سن کرمانی
و تیر برجله کانی پوسته مقارن این کلمه روی بعلیل برگش بخربه و تسلم عارضه قولنج دفع شود فایده محبت عرب کنیده نه نوشت بر اب خوانده
و بخورد و جای زخم پیر مالد نفع عظیم مخبر است کوری بوچی کوزک نام پالان بچه اگر مت با نی منداخته شب دفع نوشیر بر سه یا ۱۲ سنگ
خوانده و بهر پاره ملائکه یاد کند ای چار اول حی جانی کوز اسلن بوسهر حنبی نمی چمک چیری چیوی جابی کت کنت کنایه
فوائد بر تواسان کناد فایده اول غسل کند و در خلوت سه روز مشغول دعوت شود ما طریقه انست کما اسماء السبوا سامی ملائکه جمع نموده و به ماش
۲ و بار و آب و خاک بجنب نیز قلوب سلاطین و اوزار خلائق محبوب و جن و ملک هر که خواهد باید که اسم نکس ملاحظه کند که چند وقت
انند و خواسماء الله و اسم ملک که تسخیر کند بموجب مثلا تسخیر سلمان خواهد کند بس غفار خالق جبار باری الله ن تصور
اسم ملک ن میکائیل ح قوائیل ی عنیا ئیل م اسماعیل ا سرافیل ل و مائیل ت کیسکر ده این چنین اللهم انی اسئلک یا غفار یا
خالق یا جبار یا باری یا الله یا مصور بحیثیت بگوید اللهم سخر لی سلمان و فلان محبتی و اللزوم یا رب العالمین و رحمت حبیبک محمد
و اله اجمعین و بعد ازان هر صد مرتبه اسماء ملائکه بخواند و عزیمت بخواند و قسم و بدان نزاوعوض مطلب کند البته مراد حاصل شود
عزیمت نا ریا تسخرت علیکم یا ارواح الما یه ما دعونا دا لکم حرقیا اسماعیل قلب سلمان ۲ م بحیثیت حرق و قبحی ار ی افعل
ما امرتکم به او کلکم علیه بطرفة عینی العجل العجل الساعه الوحا عزیمت بولیا عزمت علیکم یا ارواح الهوا یه انت و حی الها شغلیه املا یا
محلیا ئیل قلب سلمان ۲ م بهوائی و عشقی و محبتی کن قلب فلانی بهوای یوسفا ملاحق الحیا یا اطاع امرتکم به و او کلکم علیه بطرفة
عینی العجل الساعه الوحا عزیمت علیکم یا ارواح الارضیه انت جوهریه حواهر الها شغلیه میکائیل ارضی محبتی فی صدر سلمان
۲ م ادض ادفع لحی الها تی افعل ما امرتکم به و او کلکم علیه بطرفة عینی العجل الساعه الوحا هذه اسماء و حروف ملک

[illegible]

ع قدر و بیوست صد و نود و سه و ثلثین ما نده اربعین ثم الضابط و هر بجمیع المساحة و الوفق و هر مائة و سبعین ثم الغابط و هر صفحة الضابط
و هر ثلثمائة و اربعین ثم البلغ و هر حاصل الضرب الغابط المغلوق و هو خمس الف و اربعمائة و اربعین اردتا ان تستخرج اسماء الارواح العلویه
اسقط من البلغ واحد و خمسین موافق عدد ایل یعنی ۵۳۸۹ اضفنا الیه المفتاح و هو واحد صاره ۵۳۹۰ نطقنا به و تضیف فی امر کله
ایل قلنا مفتاح ایل ثم اضافه الیه المغلوق ع او هو صاز ع م ۵ نطقنا به و التضیف فی امر ایل قلنا مفتاح ایل ثم اضفنا
الیه المیزان ۱۷ و قس علی هذا و اما بحسب ملک السفلی من غریم المذکور افعل ما عدد الاصل و هو ۵۳۸۹ اسقطنا منه ۱۹۳ و هو عدد طیش
یعنی ۵۱۹۷ اضفنا الیه المفتاح و هو اصابر ۵۱۹۸ نطقنا به و تضیف فی امر کله الطیش قلنا مفتاح طیش ثم اضفنا الیه
المغلوق ع اصابر ۵۸۱۶ نطقنا و تضیف فی امر کله الطیش قلنا مفتاح طیش و قس علی هذا التعمل الی اخر العمل فافهم جهت مبدا کردن و زد
این را بنویسید باسم شکر ده شده و در خمیر کرده و در اب اندازند و هر کدام که بر روی اب استد و زد بدان که انت علام الغیوب ما قلنا تم
الامام مرتبی به فانه یعلم السر و اخفی باسم فلان طریقه مداومت نمود و به نام چنانستکه در جای پشته کواز زن و از زک بنویسد و عمل کنند
و جام پاک پیوشه و بخور سوزد اول هر رکعتا دکند در رکعت اول یک الحمد و سه بار سوره توحید و در رکعت دوم یک الحمد و سه بار آیه الکرسی و هر مطلب مشروعه
که بنیت صد و یکبار نوشته و به نام را بخواند و اگر مطلوب محبت بیند و را خر بکوید ان فلان بن فلان و القیت علیک محبة منی الاخوا به و بکوید اللهم رب هذه الاسماء
العظام التی مجتمع فی قلبه ۲۲ م و اگر برای تفریق بیند و را خر بکوید و القیا بینهم العداوة و البغضاء الی یوم القیمة اللهم فرق بین م ۲۲ م و م ۲۲ م کما فرقت
بین السماء و الارض و کما فرقت بین الشرق و الغرب و کما فرقت بین المشرق و المغرب حقا لا یجتمعون ابدا الحق هذه الاسماء العظام و اگر بخواهد تا شکی و بشکی
امور بیند و را خر بکوید و بینا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین و سوره اذا جاء نصر الله بخواند و اگر بخواهد دفع و تفرق بیند و را خر سوره فیل
بخواند و بکوید اللهم یا رب کما حرقت سر اصحاب الفیل فی الکعبة فاحرق هذه العدو فایده بجهت هر امور سوره بسم السماء زاهده و چهل و سه نوبت بخواند
مدان تا بجهت هر مطالب این سوره را هزار بار بخواند و در اب بدهد و اب کر تعین مطلب را حاضر کرده شکل نقطه رو در و هر مطلب مشروعه
دهشته بیند بجای بگرد و بعد از ان فلفل بر داشته و بهر فلفلی یکبار سوره کریمه را بخواند و در آتش اندازد هر فلفل حاصل تعدد مثالی دوستر حکیمه عدد شش
۶۸ بار بخواند بر فلفل خواند و در آتش اندازد اگر خواهد که سفر کند و قصد غزیه سفر عدد و سوره ۳۳ هست سعید و چهل بار بخواند و غزیمت سفر کند
و در ان سفر از قطاع الطریق و بیابانیان بیند حکیمه ادای قرض ۱۷۶ بار بخواند حکیمه محبت ۵۶ بار بخواند حکیمه عقد اللسان ۱۱ بار بخواند حکیمه دیدن
ملوک ۵۹ بار بخواند حکیمه کشف الارواح ۶۱۶ بار بخواند حکیمه تسخیر جن ۱۴۲ بار بخواند حکیمه محبت جن ۳۶۱۴ و بر این قیاس چون خواهد
که ماه جاه بیند ایم الشخص را چندان که تواند مضاعف کند و بعد و منعطا یم پیدا کند و در پهلوش کنارد و اعداد او تضعیفات
زد در مربع درج کند و ان را طلسم جدا کانه نویسد فایده کلی یابد باید که بیست و هشت حرف با همزه و عدد سی در سی بنویسد و سطور را ترکیب
کند و اعداد جمله را ترکیب بکرد و در مربع کذارد و ترکیب مرقوم نماید در خواتم و نویسد و طریق پنج در پنج تمام مرتسم و این ایات تسخیر بنویسند

بسم الله الرحمن الرحيم الله الذي لا اله الا هو الذي سخر لكم البحر لتجري الفلك فيه باذنه ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون وسخر لكم ما في السموات وما
في الارض جميعا منه وسخر لكم الريح تجري وابصر عليكم نعمه ظاهرة وباطنة هو الذي يريكم ايات الله فاي ايات الله تنكرون فبايّ الاء ربكما تكذبان كذلك يتم
نعمته عليكم لعلكم تهتدون ولا يتم نعمتي عليكم لعلكم تهتدون ان ربكم الذي قارت العالمين اللهم انا نسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تسكن
بوادي الطائف وانا مكب برحمتك يا ارحم الراحمين الخ وكتبتي موانع رحمتك الا سئة من اريد نسخه وتوفقني بما ترضيك عني والى الخيرات فيما
اعاول تقديمه او تاخيره وتيسر كما تممت على ابينا ابراهيم واسحق ويعقوب انك عليم حكيم وتريدنا ابتداء فضلك ولديك المزيد وتعود
علينا ببركات القرآن العظيم والايات الكريم وذكر الحكيم انك تفعل ما تشاء وتحكم ما تريد تمت عزيمت خوت وفوت ب
صلاحيت وتقوى شعار مولوي سيخ جميع علوم مولانا محمد نعيم الله تعالى تمت ستانه كه اسم يا عزيز لا انسخ اج نمح واسم مذكور لا تا مدت
سروسه روز بايد خواند ٢٢٥٥ مرتبه در اول واخر بعد فريضه رايكيا ركعوانه بسم الله الرحمن الرحيم عزيز غالب اله على عالي عنها لا تبع
شفاعتهن غنيمتهن لا يزال لا يبلا شغل ما اشمعه بهيفاي نبا يا مل لعم اعفلعلل ويا لزرزن ديشاهي اقسم عليكم يا ملئكة رب العزة
وعيا ئيل رلفا ئيل ابرا ئيل ا بغا ئيل لدا ئيل اعيا ئيل لبا ئيل معملا ئيل صلبا ئيل الهها ئيل بلا ذا ئيل عبيا ئيل
شما عا ئيل اعبدا ئيل بلا تا ئيل مكيلا ئيل منيلا ئيل لاما ئيل هيفيا ئيل غبرا ئيل نهيقا ئيل بعيما ئيل لغيما ئيل اعفا ئيل
عبرا ئيل قاها ئيل ليا ئيل اغليا ئيل لبنا ئيل اثريا ئيل ربعزا ئيل عاراتا ئيل العلا ئيل لزاداتا ئيل زعيا ئيل عيعا ئيل لا ميا ئيل
لمعضا ئيل عيافا ئيل سيدما ئيل بهذا الاسماء الذي اضجت من هذا المكبر اسرعوا الى هذه الاعوان العفيوش بعبديوش للدعيوش
لذا يوش ما لعيوش عفا يوش علبعيوش ما يليوش عا عفيوش سفا يوش معها يوش لعبيوش زرا اليوش زدم رويش
نبلا يوش لبيبيوش تفا يوش غنبوش لغنبوش لعملبوش تعبا حبني والجاح طلبني الوحا الوحا العجل العجل ان عذاب
بالذر وجب والزم عليكم الطاعة اسئلكم يا ملئكة الله بقوة الله ربكم وبما اقسم الله به على ما خلق وذرا العجل العجل لما هو لذا الاعوان ومن
يزع عن منهم عن امرنا نوته من عذاب السعير لبي خطاب اعوان كمند يا معشر الاعوان الذين ذكرت اسمائكم ودعوتكم الوحا الوحا الافسلط
الله عليكم الملئكة الذين سميهم واحدا واحدا بهذه الاسما الوحا الوحا ان عذاب الله بالذر اوجب عليكم الطاعة بقوة الله وبنور
وجه الله وبما يفنى الرب من جلال الله وبحق محمد رسول الله الامين وعلي امير المومنين وفاطمة الزهرا سيدة نساء العالمين وبحق الحسن والحسين
سيدي شباب اهل الجنة وبحق علي بن الحسين زين العابدين وبحق محمد الباقر علم الاولين والاخرين وبحق جعفر بن محمد الصادقين
وبحق موسى بن جعفر مقتدر الكاظمين وبحق علي بن موسى الرضا امام المومنين وبحق محمد بن علي النقي اطهر الطاهرين وبحق علي بن محمد النقي
امام الطاهرين وبحق الحسن بن علي اكمل المنتجبين وبحق صاحب الزمان المهدي خاتم الوصيين صلوات الله وسلامه عليكم يا ابوابا الله
صلوات الله وسلامه عليكم يا بركات الله وكلاء الله صلوات الله وسلامه عليكم يا سرار الله اني توجهت بكم الى الله وتوسلت بكم الى الله ع

الجامع

فانی در مطالبی حاضر و کفایه حاجی ما حاجی یمه خیر دنیا و آخرتا فاشفعوا لا الی الله عزوجل فی ذلک واحد و فی نظرة واحدة و نفوذ و سخر لنا الارواح
والاعوان الموکلین باسماء الله فانکم قادرون علی ما تأمرون انه الا ان ربی الله رب العالمین تبت و هو یقیوم علیها یام و لیت الارواح و بالخیر
سعدا و مایکت الاسماء فی ید الیمنی و هی هذه اجب یا سمیر و یا غفوت و انت خطفون و یا غیطور و یا غهطور و انت یا هرو یا شهریا دایم افعلوا
ما تؤمرون و تقرء هذه الاسماء لیلة الاولی احد و عشرون فی لیلة الثانی احد و ثلثون و فی لیلة الثالث واحد و ستون و تجب تالیه الکرسی و ابن
الرسول فایده فی الاحضار حین الطلوع و الغروب انه تستطیع فی وقت الفجر تتوجه التام بلا حص سورة الشمس تقرء ثانیه و عشرین مرة تجی الیه
بالفتح فتح یا کهیعص اکفنی ابا مالک تا اخر تا حصنا حصینا فی ب انی مغلوب فانتصر یوم تبدل الارض غیر الارض و برزوا لله واحد القهار الملک الله الواحد القهار
ان الارض یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین کل شئ هالک الا وجهه له الحکم و الیه ترجعون و ب ح ک ف ن ج ه ا ل ف و الاحضار یکتب
وقتی رصل و یکتب حوله دایره و حول الدایره سورة یس الی قوله لا یبصرون و قد یکتب عوض یس حول الدایره هذه الاسماء شیطاب تنفاب تبلون
بهملیا شلیهون طاطویا طاطرویا عزیطیس و کلوا و اشربوا و اجیبوا و اسرعوا و احضروا و قام فلان الی هذه المکان فی اسرع وقت و اقرب
حال بالذی قال للسموات و الارض ائتیا طوعا و کرها قالتا اتینا طائعین ثم تاخذ نفسک و تربط وسط خیط حریر و یجعل الخیط فی عود رمانا
و صغیر و تربط وسط الی تم علی وجه الارض فتربط حوله طرف الخیط فایده یکشف الذی یتوانی تا حضر نفسک ذکر آنست که کمتر تاریکست در
فتح الرمل بنویسد باسم المحبوب علی المحب فانه عظیم فایده ملوای طرطانی تا کوری بداند این
سورها را برای مذکور خواند که روز سادس و بعد ازان بهم بیاید که هر که از ان بخورد
محب شده و قصد ناکه برطرف کوشش بر شکر زلزله بر خیک اکنیه لیلاف بریخ کز اکنیه
اخلاص هر عزما و التین بر کشمش الم نشرح فایده در عمل و قاموس ده روز روزه دارد و یا

صبی	مصور	مبدی	الله
٥٦	٦٧	١٧	٢٣٧
٦٨	٥٨	٣٣٤	٤٧
٣٢٤	١٥	٩٦	٥٧

فی السور فی سوره و تا هذا فایده و
و تدبیح و ک ف ن ج ه ا ل ف و

وانت یا اسرائیل وانت یا عزرائیل وانتم ملوک الاربع زوایا الارض حشر کلهم الی بین یدیه ومن خلفه ومن فوقه ومن تحته وعن یمینه وعن یساره
وان کان قایما فاقعدوه وان کان قاعدا فاقیموه وان کان قایما فاضجعوه ولا تردوه وسوقوه وجروه الی موقف العرض وعزتی علیکم لسلطانکم
الشدید وعزتی علیکم بامضائکم وعزیمتکم الترغم بها علیکم لا صیحن فی وجهه ۲۲ م کا اصیحن وجه ایوب ع حتی اذلهم الله عز ذکره وجعلهم الدرة
جسده کک الغبیرة فی ۲۲ م واعیاه وضاقت به زرعی عجلوا وصدقوا قولکم تمطرتی بلایه چنانستکه چهل و یکصبح کاذب راسالک در
یابه متعاقبه یکروز فوت نشود و در بیست هر روز بسم الله الرحمن الرحیم ۱۱۲۶ مرتبه بخواند وچون صبح صادق شود بعد از نماز
هزار مرتبه صلوات فرستد و سوره ۲۱ نوبت بخواند و به آخر سوره حشر را اذ لا یستوی تا آخر با نهایت بخواند انگاه آیه تا یتفکرون بخواند
و بعده هو الله الذی لا اله الا هو بگوید و آیه من تتق الله را یکنوبت بخواند و صد مرتبه هو الرحمن الرحیم بگوید و بعده هو الله الذی لا اله
الا هو صد مرتبه بگوید و آیه مذکور را یکمرتبه و صد مرتبه الملک القدوس بگوید و آیه مذکور را یکمرتبه و صد مرتبه السلام المؤمن بگوید و آیه
مذکور را یکمرتبه و صد مرتبه بگوید الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون و یکمرتبه آیه مذکور را بخواند و صد مرتبه هو الله الخالق البارئ بگوید
و یکمرتبه آیه مذکور را بخواند و صد مرتبه المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض بگوید و یکمرتبه آیه را بخواند و صد مرتبه
و هو العزیز الحکیم بگوید و یکمرتبه آیه مذکور را بخواند و ده مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر اضعاف بیحد و حصر
بالله و کبره جمیع خلقه کما یحب و یرضی لکرم وجهه ربنا و جلاله و مداد کلماته و سعة رحمته کلما ذکر برحمتک یا ارحم الراحمین و چون
او راد بهر روزه تمام شود تا نزدیک زوال چهار هزار مرتبه کلمه طیبه لا اله الا الله را بخواند و بعد از نماز ظهر ۲۲ مرتبه سوره حمد را بخواند و
هفت مرتبه دعای یا مفتح فتح و دو رکعت نوبت یا دعای را بخواند و بعد از نماز عصر ۲۳ نوبت سوره حمد و هفت مرتبه دعای مذکور و ۲۱ نوبت
یا دعای را بخواند و از عصر تا غروب آفتاب چهار هزار مرتبه لا اله الا الله بگوید و بعد از نماز مغرب هزار مرتبه صلوات فرستد و ۲۲ سوره حمد
و هفت نوبت دعای یا مفتح فتح و ۲۱ مرتبه یا دعای را بخواند و بعد از عشا سوره حمد ده نوبت و بر و اتی یازده نوبت و هفت مرتبه دعای مذکور
و ۲۱ نوبت یا دعای را بخواند و بعد از عشا تا وقت خواب چهار هزار نوبت لا اله الا الله را بخواند تا مدت ۲۴ روز تمام شود و بعده اسماء تسع و تعیین
را بعدد جمل بخواند و بعده هر اسم را نود و نه هزار بار بخواند تا مدتی که جمیع اسماء باین عدد خوانده شود و این جا ایماز برای سالک متمالی
عمارتیست کنایه از کوه ساخته شده هر چه تواند خواند و صاحب دم شود بعده اگر تلاوت اسماء را بعد از مشغول شود ضرر ندارد
و دقولی یا جابر سه حبب الدموع حضرت ابو الغوث سالک المحقق رویئی سم قلمی شده و بعد از اسماء تسع و تعیین یک از اربعینیه دیگر هر روز
چهل و یکنوبت سوره حشر و اسماء اربعینیه بخواند و بعد از این اربعینیه اربعینیه دیگر هر یک از اسماء اربعینیه را بعدد یضاب بخواند چون سالک
الیه کفته شد کنایه از دل بنهایت رسیده علیه السلام علیک ای تابع الهدی فایده به نیتانکه کسر چیزی بلنکی بدهد سوره والتین را یکمرتبه بخواند
و بر واتی سوره والیل را بگوید که فلان بن فلان ادرکنی و یا فرس هر دو حاکند و بگوید که فلان را اینقدر چیزی بده و اگر نه ترا هلاک کنم

واظهار بنوح وحوت عرتنای اسمار الخزانه یا طرخیل یا ستبل یا شیطا یا شتبا عت عزیمه بدایه اینت عزمت علیکم یا ایها الارواح
بالالف المکتوبة فی اللوح المحفوظ وانتم مطلعون علی السر المودع فیها لسبعون یا اسرافیل یا میکائیل یا عزرائیل بالالف المسطورة فی التوریة والانجیل والزبور و
الفرقان من جمیع الکتب والاسفار المنزلة علی جمیع الانبیا صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین بنویسد بر کاغذ وفتیله کند وکره نزند فتیله را و
بر زن بیوتاح در اینم محموله نفت وسطوقی ملاکره بزده با بر لیم هفت کره در هر کره یکی غزمیت قسم بالجواله وبکوی یکی نهزه الاسما العظیم
وبجیم ورنجیم م ر م واسما کر برانجا باید خواندنیت واشکد بیباذوش سار هوذ سنوذ کلوه کلوه یا صاحب الکلام وبوکلوا و
اجیوا روحانیه م ر م لام ر م وبخورکه هفت کاغذ زانبوی مروف نار واسم مطلوب مادر شوی در هر یک ازاین هفت کاغذ بر یک اسمی
وجه کشنیز وفلفل وابهاره و یا چه سندروس وفتیله للادوش کنی - در چراغ بروغن زیت و هر یک ازاین کاغذ فتیله بگذاری در پیش
وان بیمار اورا بالانوشته بخواند غزیت مثلث ۵ عه بار بخواند و بر مثلث مدخواه حبحب بنوخواه حبحب نفض کلما انزلنا من السما
مثلث دم خواهد حاصل الو
فاختلط به نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم
یوم الازفة اذا القلوب لدی الحناجر کاظمین ما للظالمین من حمیم ولا شفیع یطاع علیم نفس الجوار الکنس واللیل
اذا عسعس والصبح اذا تنفس من واقوا ذکر بالذین کفروا اذ غزة وشقاق اکر مثلث حبحب زاین یا به رابه نوبت
بخواند وبر مه بخیبونهم کحب الله والذین امنوا اشد حبا لله یحبهم ویحبونه والقیت علیک محبة منی واکر مثلث از
براز نفض بنویسد بر مرتبه این یا به رابخواند والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة هما افراق بینی وبینک بعد المشرق
والغرب ولبوده غزیت بنویسد بر مرتبه بخواند وبه نفض بیارد

غزیت بر شیه که غزالها ازکسی وحشت نکنند واز کیج واز
نسخه که بعجب خود رسیده نوشته شد بسم الله الرحمن الرحیم
بر صفیر کریز تقلیه طویا وه سرجل یرجل ترقب برهش غلش حوطیز فلهود برسان شلخ موشلخ بر میوا لنخطیه فرمز
الغل لیط فیراته غبا ماکیه هوا شخاهیر شمهاهیر یحق علیکم الماخوذ علیکم الاتقیا فیما امرکم به بغرغ الغرق من غرغ غزة
وادقوا بهل الله اذا ما هدتم وانتقضوا الایمان بعد توکیدها وقد جعلتم الله علیکم کفیلا یا خدام هذه الاسما اعلموا علیکم یا سبدایل
وباشجا ئیل وباشطا ئیل وباشکلا ئیل وباشدا ئیل افعلوا کذا وکذا بحق الذی له کن فیکون شی وهو السمیع البصیر احضروا واسمعوا واجیبوا
امری وکونوا عونی علی جمیع ما اریده وتوکلوا علی جمیع المنافع والرزق والخیرات ودفع جمیع المضار عنی بحق اسما اولئک الشکیع بوغزیوه
بیه تنصرون بسکفائیل وعزمت علیکم بعالم الغیب والشهادة الکبیر المتعال من النفس مه بغیش وسنیوض عزذکر دیه لیسلکه سعدا
وبحق ابجد هوز خط وبحق وطلز ضغ واح وبحق ابوح جمزها نفثنا الله بها بحق بسم الله الرحمن الرحیم تبارک الذی جعل فی السما بروجا

واجعل

وجعل فيها سراجا وقمرا منيرا وهو الذي جعل الليل والنهار خلفة لمن اراد ان يذكر او اراد شكورا وجعله الله وبي كاتبه علينا يا اهل
البيت انه حميد مجيد تمت نصاب غريب او راد اين ٣١٢٨ محمد عمل ثلث و با ٥ محمد ربع ٤ او با ٧ و با ٣ تمت غريب اسم
اسم بايد كه در سي و چهار سطر تمام داده شود تا مدت سي و سه روز در خلوت اسم را بايد خاندو قبل و بعد از غريب را چهار بار و اسم را
٣٢١٤ مرتبه هر روز بخواند باترك حيوانات و صوم و سلوك و بجوريده بسم الله الرحمن الرحيم اسم اعظم يا كبير يا اول يا ابد يا اهل
صولتنطو فالتها لهقعملد ذ ظلنلتي دوتا د لنطنتلي يد وعتول لادع لع اسم ملك تد و ئايل د كا ايل اعلا ايل
ماذ ها يل تمكتا يل تبهوا يل لكد عا يل ظا ابا يل و تلصا يل و تضيلا يل الوظا يل كنلا يل يو يعا يل تصللا يل ابد دا
اذهلا يل هفلا يل غفذا يل ذيتوعا يل علفظا يل تضغطا يل بذ با يل فلا يل وصها يل تكا يل تبا يل
اسم اعوان فضيوش لطا ليوش و بضيوش اصليوش فرهويوش ذ علميوش تهطيوش انتقليوش ابهايوش مذليوش ايبوش
تليظيوش آ ا قيوش ذ تهايوش تعلا يوش كلا عيوش ماويوش هتيوش لا لا يوش مسا يوش و باكيوش يلد تموش تيتيوش
لصلا يوش ابيا يوش لصعيوش و اسم مذكور كه غريب استخراج شده اينست يا كبير انت الذي لا تبتدي العقول لاوصاف عظمته و لا
تبلغه ٧٧٧٧ هر روز ٧٧٧٧ و هر شب نيز همين عدد و بعد ما هر روز ٧٧٧ و رد نايه تمت تصل خ اخراج الدفينه با لحاذ ان خذ كفانه و اقرا
عليه هذه الرقيه سبعا تم دره ذ ذلك المكان تم بالغ في القراءة انيفه و لا تقطعها حتى تجتمع على راس الدفينه هذه الغريبه غربت عليكم با لملك و الملكوت
و با لعزة و الجبروت و با لحي الذي لا يموت بسم الله الرحمن الرحيم لقمان انها ان تك مثقال حبة من خردل فتكن في صخرة او في السموات او في الارض
يات بها الله ان الله لطيف خبير اما خلقكم و لا بعثكم الا كنفس واحدة ان الله كان سميعا بصيرا سورة الانعام قال في الاصباح الا به ايبا و ان كان مثقال حبة من خردل اتينا حاسبين
يا خردل اريد ان تجمع لي الذي صورت التوريه و الانجيل و الزبور و الفرقان العظيم بحق اسمه و بحق انبيائه الرسول و مرتب الجنة و النار
و رب الدنيا و الاخرة و هو القادر المقتدر و هو العليم الخبير يا خردل اريد ان تجمع لي الله الذي هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن و هو
الذي يحيي و يميت و كان عيسى ع يحيي به الموتى و يبرئ الاكمه و الابرص باذن الله تم يا خردل اللهم دنبا و ربكم هذا يا خردل تم هذا اسم الله
احيا سرا حيا قيوما جبارا للموتى شاحنان مثقال مثقال سجان عظيم برهانا قديما عزيزا جليلا سلطانا اريد ان تجمع
في موضع هذا الشيء الدفينه الذي هو منا بعيدا و عند الله قريبا هلاهيا يا الله الواحد الاحد الصمد الذي لم يلد و لم يولد و لم يكن له
كفوا احدا تمت فايده بجهت فتح البوم حيوانات برسم اين تو ليد اهكه و مكه هر روز با ايام هفته اين شكل را بنويسد خوص
عليحده دار د يوم الاحد از جهت غضب سلطان امين سدن يوم الاثنين رحبتا فريوم الثلثا طلب قوم ان يزود وجود لم يرد فا بيا يوم الاربعا
ظاهر محبوس يوم الخميس طوز جهم يوم الجمعه روايه دكاده يوم السبت بصبح بهذه الوجيه هذا الشكل دراج روا است

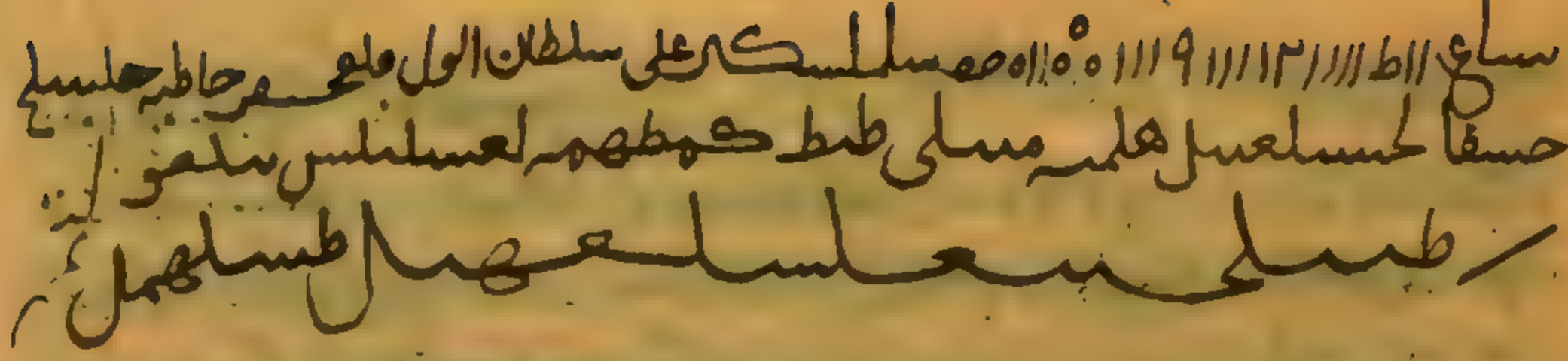

جونویسد بجهت قاتل بدن دزد و برکردن کوساله ببندد هرکس دزد بشر کوساله صدا کند هذا ان الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم و ذلة فی
الحیوة الدنیا و کذلک نجزی المفتریین بنویسد و در زیر بالین نهد دزد را در خواب بیند ح ح ح ما حالی هرجا که اسم الکوثر و القاصره و واقع است
کبریا اسما و الخواند حاجت روا شود از رو رحیمیه سنا کند تا مدت سیزده روز سوره یوسف را یا عزیز یا الله یا رحمن یا رحیم یا کریم یا خبیر
یا بصیر یا علیم یا کافی یا اول یا اخر یا ظاهر یا باطن یا حی یا قیوم یا ذوالجلال والاکرام یا ملک یا قدوس یا شکور یا غفور یا اصر یا صمد یا فرد یا وتر
یا وفی احفظنا من الافات فی جمیع البلیات فاقض حوائجنا برحمتک یا ارحم الراحمین برکف دست نویسد و بجهود کرده جن در خواب مطلب را بگوید
بسم الله بیهث هث بهث بهث بهث بنویسد و با خود دارد خوابش ببرد که طاع کی عولا لا لا بنویسد بدست
گیرد و پیش کسی که جنه بهتن رود رو نخود لاع لاع بیع همه له همه ه هرگاه قرد رسنبله بنویسد بر بازو قوس بهر ایخ و فات را نویسد
بجهت مطالب مسروعه روا شود و اگر در خانه آتش افتد چوب بگیرد و این کلمات را بخواند و با آتش اشاره کند و بگوید بگیر حق سرا طیل آتش بر ظرف نخود
و حروف تهجی که نقش شده فعضضلسهنشطفک این حروف را بر کل بکیاه نویسد و در دست گیرد و این کلمات و اسماء را بنویسد
ملیکه را نوشته بخواند چیزی را بدزد سرائیل سفلهایل حاکیل عقد البول السارق باخذ نوم الغنم و یقرا علیه سوره الم یسجده سبع مرات و پس لا
و ایه اکرسی لا و یقول و یطلب السارق بتاع فلان و ذکر کرده کند و در موضع تاریک نهد طلب الذهب عجم صم یکون الله الوهاب عزمت علیکم
یا ارواح المقدسه یا ملکه الفره الی ملات لهذه الحروف الطاهرات ان تعینونی مع اتباعکم و اعوانکم بکلب الذهب فی المال و الاصم و الابکم و
الاقتم و الاکب و اعینونی بحب القلوب و وصل کل مطلوب و محبوب فی الحال ساعه بساعه قرز زاید النور بتمامه برج سنبله خانه از کوشت بنویسد

			زحل	ذنب	
				ضیر	
				لیرفهة	
				۱۱۹۱۸۰۱۱۱	
				۱۱۹۱۷۸۱۱۱۹	

وهبت سهره یا ناهرد رسیانا و کذالک
برکت الطلسم الی انجلیات را بر موضع وضع نویسد
هم ذلیل ساکن نخود و اگر بگرد و زعفران نویسد
و بخورد لی ا هو یولیح اللهم رب السموات
السبع و رب العرش العظیم اغنی عنا الدین و اغننا من الفقر بحق اعداد و زایم بمن در اقرب در سجده بگوید اللهم اسئلک بانک و اقطع انوه و اعفی
اجله عجل لی فی عام ذلک بحبه عقد اللسان در خانه و سط مملکت کند دور در چهار جا روانه کند صم بکم عمی فهم لا یرجعون فهم بکم عمی

نهم انتيلون صم يكم عمى نهم لايعقلون صم بكم عمى نهم لاينظرون للاك بلسانك وتحت كلمة ربك صدقا وعدلا احد رسص
طلع كلو لا عدد مجموع ٥٥٥ و بجنب بارحل كرفتن بريوست اجو نويسد انا وابل سوره ال عمران تا غرنيرد و انشقام اليه از سوزه مذكور اذ قالت
امرة عمران رب اني نذرت لك ما في بطني تا بسيج بالعشي والابكار از اول سوره حريم تا شيا و مونث حامل كرده دو برجل شدند و حضور رسول
الله جل الشمع م ٢٢ م عناجب ٢ م فايده بكيرد عدد اسم ط و مط را و عدد دعاى موافق مقصود و اين هر سه عدد يكى سازند و انرا جمع كويند پس
عدد جمع را در عدد حرف كتب و انرا حفظ نمايد و بارنده جمع را در عدد عطارد ضرب نمايد و حفظ كند تا اخر بحل رسد و انيعد دعاى مهمكانه
در وقت جنب فتيله كنده و در چراغ نو بروغن خوشبوى بسوزاند و طريقه فتيله انست كه تب اول كه بال قرار مغروب آنست در تب كه تعلق بقوداند در
ساعت اول تب كه بازار قرار كرفته باعدد جمل يكبار و باعدد نور يكبار و قس عليه انا حوت بر ترتيب بركاغذ نويسد و اين دوازده عدد
يكى فتيله سازند و بركاغذ نويسد و بهمونانه و تب ديكر كه تعلق بعطارد دارد در ساعت اول باز باحوانيج برج جمع نمايد بر سورانه تا اخر و نوع
ديكر اينست كه عدد جمع را در عدد نار و هوا و باد و تراب و نبات و حيوان ضرب كند و مجموع عدد مشيه كها را نويسد و بر تب بطور مهوو
فتيله كند و بسونانه تا صبح اثر ظاهر شود ان شاء الله بنويسى بر دو پارچه قطعه كاغذ يكى بنام زن و يكى بنام مرد و بياد رموى ازدم سكى و يا
از قفاى كربه و هر دو را باهم در اميزد و ميان هر كاغذ بنه و بر در خانه انكس دفن كنى يا در قبرستان بسم الله الرحمن الرحيم طلقتم النسا و طلقوهن
و المطلقات متاع بالمعروف و ان طلقوهن من قبل ان تمسوهن و ان تعفوا اقرب للتقوى ولا تنسوا الفضل بينكم ان الله بكل شى بصير و القيا بينهم العداوة و البغضا
الى يوم القيمة كلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله و يسعون فى الارض فسادا و الله لا يحب المفسدين يوم تذهب بعضهم لبعض عدو ابدا بينا و بينكم
العداوة و البغضاء ابدا ان هذا فراق بينى و بينك بعد المشرقين فليبلى القريب ان يستطيع حتى صبرا و هم با لعذرة الدنيا و هم بالعذاب
القصوى و مكروا و مكرنا مكرا و هم لا يشعرون تا لنا الطلاق الفراق الفراق اللهم مزق بغضهم و كدرهم فى قلب فلان كما فرقت بين المشرق و المغرب
و كما فرقت بين الكفر و الايمان و كما فرقت بين الذكر و الانثى و كما فرقت بين الكلب السوء و كما فرقت بين الذئب و الغنم و كما فرقت بين
الماء و النار و كما فرقت بين الليل و النهار و كما فرقت بين النور و الظلمات و كما فرقت بين الجنة و السعير و كما فرقت بين الحب و البغض
اللهم فرق بينهم كما فرقت بين عاد و ثمود و كما فرقت بين يوسف من الجب و كما فرقت بين يونس فى بطن الحوت و كما فرقت بين ابرهيم من نار النمرود
و كما فرقت بين محمد صلى الله عليه و آله و جميع الانبياء و المرسلين من الجهل عليه اللعنة و شغبتهم بغضا و فرق قلوبهم عن هذا المجلس الوطا
الساعة هم كاطعام و شراب و النوم و القرار و لا يجتمعان ابدا دايما ابدا بنويسد و راب ان اندازه دوستر بدشمن مبدى تحت بسم الله الرحمن
الرحيم حتى اذا ساوى بين الصدفيه قال انى احبت حتى اذا حجبت بالحجاب قال الوتى فوضع عليه قطرانما استطاعوا له نقبا و القيا بينهم العداوة
و البغضاء ابدا ان هذا فراق بينى و بينكم بصير فرد بالبصير بر سفال آبكار سيده نويسد و در قبر دفن كند بسم الله الرحمن الرحيم يا شلخيم
يا سخيلا طبائع و ياطهموثا و يا سميعوايا با لتسغوس و على يونس و يا سقالون و يا سيرومثا و يا

تخمیناً و یا طبع تمت بالعوارض والنقصان عفت نگاشتن ۴۲ عدد استغرای در ۱۰۰ را بنیطریق بهت کاول یکلمه دور را فروض کنند افتتاح
از وضع اعداد از شش نمنع یکی را در پنج یم کنند و ۲ را در اول گذارند ۵ را در ۲ و در ۲ ارتسامی یابد و ۷ را در ۹ و زا بعوض شش کنند تفصیل
استغرا بزوایا اول و دو فروض شده و ۲ را در اول کنند ۵ را در ۲ و در ۲ ارتسامی یابد و ۷ را در ۹۵۹ را در سی و یکم و ۹ را در ۳ و ۱ را در
۵ و بعد از وضع ده در خانهای علم که داخل شش رشته و یکعدد در ۲ در اول غیر ده عدد دیگر از ۴۲ استغرا باید ماند و بیوت اول
نگارد بر اینمنوال ۱ در پهلوی ناویه سیم و ۲ در ناویه علیم دویم و ۳ را در پهلوی ۷ و ۴ را در زیر ۲ و ۷ را پهلوی ۳ و ۷ را در پنج منبع
اعلی و چون اعداد استغرا پر شد بهر نصف را بیوت ۲ و بطریق ربع و نصف باتمام رساند و تالیف بیوت التمامیه و تاسیس بین الزوجین
وضع یابد مثال الکتاب جل جمع نامه و طریقه آنست که اسم دو خانه را با این مزوجات جمع کنند بهمین طریق که مذکور شده وضع نامه
و اگر ایه یحبونهم کحب الله و الذین امنوا اشد حبا لله و هل اتی علی الانسان تا فیقوله و در برای تنه بنویسند و نوع الصور فاذا هم من الاجداث
الی ربهم ینسلون قالوا یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون ان کانت الا صیحة واحدة فاذا هم جمیع لدینا محضرون
یوم ینفخ فی الصور فتاتون افواجا و لبان بخور کنند و چهل نه بار غریبخوانند و از بهر بیا و برد مطلوب حاصل گردد عدد و انه لحب الخیر
عدد و القینا الیه ترکیب اذا حیاء یحیونهم و القیت لتعلجاء کم لو انفقت
جنطلو هیطلو و غطی غنصح مرکن نبضنبط جنبط
زیهب مجموع ایاب حب و الشمس بسلم و تمت للاسلام سلام قولا فاتحة الکتاب
طغنبط بطغنبلح کفر صبح ۲۳۴۲ بغداد زغرج منبح یغفن
و حملت من بین یدیه و من تبوا سوره فتح انعام عدد مصحف فاطمه ایاب محبت معوذتین
نزدونه نام آیة الکرسی ۶۳۶۸ ساعده هیعضط
لزغضطلا دینبط
باب دویم از جاه سبح اسم اذ رمیت سوره الحجر فلق ناسب
جنبط کزعص یغنغ نفزعشیح طغنبح عقب
کاذرون توحید دعای رب ادخلنی فنه غنیه والع من صبح عدد قال ش ا س صبح
دغنغیح غضنح فنه غنیه دغذعد کغنل
والف تا حکیم وایدلحب الخیر فی قلوبهم مرضا
جنطکا عزضا جغنصب اللهم افتح ابواب الخیر والدوله والسعاده کرعده ۱۱۲۷ اسم الشخص

عدد اللهم ۳۳ تا صد یا قبل جمع قسمت شد و خمس در فقره وسط زیاد ۳۳ جمع کل ۳۳۳۳ ۱۰۲

جمع نخوه و عطر کند و در ربع گذارد و هر روز ۳ مرتبه بخواند در فتح و حوائج گشاده شود و بسیار خوانده نوبت بخواند بقاعده
مقرره مستجاب و تا اجل هنوز ما الحمل جواسار اجر بوسیر شیه همارا راجه نینوا چه جانی کی جانی بوسیر جرم نهی و شنبه ۳ مرتبه بر
فوقل اولیس یاری پهن کنه هاری سلیوی یار کی کری بیاری چی ایسر مهادیو کا روسا پکا یا همارا یه منتر نوسیر یادی محل استعما
هفت نوبت بخواند و دست بمالد اکی جون ملی جوجا تا جان سنجان کان یکا نیا نجی اکره بوجهی کوی مهرسن نکارته اوس کی بهوای

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب

۵ ۱۱۱۱ ۹ ۱۱۱۱
۹ ۱۱ ۷ ۸ ۱۱ ۹

هذا الاعاذ کما رعظیم لک ان لبسم الله الرحمن الرحیم سبحانک انت الله الرحمن الرحیم سبحانک انت الله رب العالمین سبحانک
الله السلام المؤمن سبحانک الله العزیز المهیمن سبحانک انت الله الجبار المتکبر سبحانک انت الله الخالق البارئ سبحانک انت الله السمیع العلیم
سبحانک انت الله المصور الحکیم سبحانک انت الله البصیر الصادق سبحانک انت الله الحی القیوم سبحانک انت الواسع اللطیف سبحانک انت
الله العلی الکبیر سبحانک انت الله المبدی المعید سبحانک انت الله الودود الغفور سبحانک انت الله المحیی المجید سبحانک انت الله الشهید
الوارث سبحانک انت الله الاول الاخر سبحانک انت الله الظاهر الباطن سبحانک انت الله الرفیع العالی الباقی سبحانک انت الله الغالب المعلی
سبحانک انت الله القاسم للسعادی سبحانک انت الله القوی القایم سبحانک انت الله الفرد الهادی سبحانک انت الله الکفیل المتعال
سبحانک انت الله المجمل المحسن سبحانک انت الله المنعم المفضل سبحانک انت الله الفاطر الصادق سبحانک انت الله خیر الرازقین سبحانک
انت الله خیر الناصرین سبحانک انت الله خیر الفاطرین سبحانک انت الله خیر الماکرین سبحانک انت الله خیر الحافظین سبحانک انت
الله المغیث الدایم سبحانک انت الله المتعالی الحق سبحانک انت الله الباعث الوارث سبحانک انت الله المجیب الباسط سبحانک انت
الله الوهاب المنعم سبحانک انت الله الرازق سبحانک انت الله الرزاق الولی الغنی سبحانک انت الله الهادی المعید سبحانک انت الوهاب
التواب الوهاب الحسیب سبحانک انت الله الجبار البارئ سبحانک انت الله المحیی المیت سبحانک انت الله العالم الخلاق سبحانک انت الله
الرقیب الفتاح سبحانک انت الله خیر الوارثین سبحانک انت الله خیر الفاصلین سبحانک انت الله العزیز الجبار سبحانک انت الله الرؤف
الرحیم سبحانک انت الله لا الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجب له من الغم وکذلک ننجی المؤمنین واتوفی امری الی الله والله
رؤف بالعباد وصلی الله علی سیدنا ونبینا ورسولنا وشفیعنا محمد والی جمیع الطیبین الطاهرین المعصومین

هذا لوح ونه تمام بادی تعم جل شانه وعظم برهانه بسم الله الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو یا الله یا الله یا الله یا رحمن
یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا اله الا انت انت اللهم انی اسئلک بعظمتک یا الله یا ملک یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر
یا الله یا بارئ یا الله یا خالق البارئ یا الله الرزاق التواب یا الله الفتاح العلیم یا الله الحکیم العدل یا الله اللطیف الخبیر یا الله القابض
الباسط یا الله الخافض الرافع یا الله السمیع البصیر یا الله الحلیم العلیم یا الله الغفور الشکور یا الله العلی الکبیر یا الله الحفیظ المقیت یا الله
الحسیب الجلیل یا الله الواسع الحکیم یا الله الودود المجید یا الله الباعث الشهید یا الله الحق القیوم یا الله السید السادات یا الله المجیب الدعوات
یا الله الرفیع الدرجات یا الله ذو الجلال والاکرام یا الله الولی الحسنات یا الله العظیم البرکات یا غافر الذنب والسیئات یا الله المعطی للمسئلات یا الله سبحانک
یا اله الا انت العفو العفو اغفر لی ما فات من امر الدنیا والاخرة واقض حاجات المسلمین یا الله یا خیر الغافرین یا الله یا خیر الغافرین
یا الله یا خیر الغافرین یا الله خیر الناصرین یا الله خیر الفاتحین یا الله خیر الحاکمین یا الله خیر الحاسبین یا الله یا اسمع السامعین یا الله
یا خیر الرازقین یا الله یا اسرع الحاسبین یا الله یا الله یا الله سبحانک یا اله الا انت خلصنا من آفات الدنیا والاخرة واقض حوائجنا
یا الله یا رب سبحانک یا اله الا انت یا الله یا ذو الرحمة الواسعة یا الله یا ذو اللغة الساطعة یا الله یا ذو الحکمة البالغة یا الله یا ذو الحجة
القاطعة یا الله یا ذو الکرامة الظاهرة یا الله یا ذو الصنعة العالیة یا الله یا ذو القوة التامة یا الله سبحانک یا اله الا انت اخلصنا
من آفات الدنیا والاخرة واقض حاجاتی وحاجات جمیع المسلمین یا الله یا ارحم الراحمین یا الله یا مضاعف الحسنات یا الله یا شدید
النکبات یا الله سبحانک یا اله الا انت یا صانع کل مصنوع یا الله یا خالق کل مخلوق یا الله یا مالک کل مملوک یا الله یا رازق کل مرزوق یا
الله یا کاشف کل مکروب یا رب یا رب یا رب یا ذا الجلال والاکرام یا الله یا ناصر کل منصور یا الله یا ساتر کل معیوب یا الله یا مجیب کل مطرود یا الله یا فارج کل مهموم
یا الله یا غافر ذنب عند معصیتی یا الله یا من عدتی عند شدتی یا رجائی عند مصیبتی یا مونسی عند غربتی یا ناجی عند وحشتی یا فارجی عند کربتی
یا ولیی عند نعمتی سبحانک یا اله الا انت احفظنا یا رب رحمن یا رحیم یا عزیز یا انعام یا لطیف یا رحیم یا اجیار یا لا یموت یا دایما لا ینسی یا عالما لا یجهل
یا قویا لا یضعف یا رب البیت الحرام یا رب الرکن والمقام یا رب النور والظلام یا رب التحیة والسلام یا الله یا فرد بلا ند یا الله یا صمد بلا عیب یا الله
یا وتر بلا کیف یا الله یا موصوف بلا شبیه یا الله یا عزیز بلا ذل یا الله یا موجود بلا مثل یا الله یا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین سبحانک
اللهم وبحمدک وتبارک اسمک وتعالی جدک وجل ثناؤک وعز کبریاؤک لا اله غیرک ولا اعز منک ونجنی ووفق جمیع المسلمین والمسلمات للوسیلة
والمومنات الاحیاء منهم والاموات انک مجیب الدعوات انک علی کل شئ قدیر برحمتک یا ارحم الراحمین

شرح نادعلی بسم الله الرحمن الرحیم اما بعد این رساله ایست مشتمل بر بعضی اسرار امامت و سبب نزول این کلمات آنست که در غزا احد چون لشکر اسلام شکسته شدند حضرت رسالت صلعم در میان کشتگان پنهان گشت در این وقت جبرئیل ع نزول کرده این کلمات را آورد نادعلیا مظهر العجایب تجده عونا لک فی النوایب حضرت رسالت صلعم از جبرئیل سوال نمود که کی تواند رسید جبرئیل ع گفت آری پس حضرت شاد و خندان و مسرور شد و فرمود که کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی هنوز تمام نشده بود که حضرت امیر المومنین ع سواره و پیکل حاضر شد و با لشکر کفار محاربه نمود و بعضی را بقتل آورد و جمعی را بند نموده لشکر اسلام انکفار را غنیمت بسیار گرفتند اما در این کتاب ده روایت اشهر روایات نظم العجایب بنفع الیم است و بنا بر این تقدیر چنین شد که این محمد بخوان علی را که او محل عجایب و غرایب است و انا رقد رتی است و روایت دیگر نظم العجایب بضم میم و کسر با و بنا بر این تقدیر چنین شد که این محمد بخوان علی را که نماینده و اظهار کننده عجایب و غرایب است و خواص این کلمات بسیار است و از انجمله چند خاصیت که مذکور میشود خاصیت ۱ اگر کسی در میان جمعی گرفتار بیم هفتبار بر خاک پاک خواند و بجانب ایشان بدمد بامر حضرت سبحانه و تعالی هرزه گوی نتوانند رسانید خاصیت ۲ اگر کسی را از دشمنان خوف بیم بر خواندن این کلمات مواظبت نماید هر روز هفتبار بخواند دشمنان مقهور گردند خاصیت ۳ اگر کسی را بگزده باشند که بهیچ گونه نگشاده نگردد این کلمات را بر آب چاه بخواند بعد دهشت مرتبه و بآن آب غسل کند و از آن آب چیزی خورده سحر باطل گردد خاصیت ۴ اگر کسی را زهر داده باشند این کلمات را بآب و زعفران بر کاغذ چیزی نویسند و بآب باران بشویند و دوازده بار بر آن بخوانند و آن را بدو دهند تا بخورد زهر بر او کار نکند خاصیت ۵ اگر کسی بیماری باشد که اطبای عالم از معالجه او عاجز باشند هفتبار باین کلمات بر آب باران بخواند و بخورد البته شفا یابد خاصیت ۶ اگر کسی را مهمی پیش آید یا بعمل گرفتار بیم هزار بار بخواند انعم بفرح و مسلک مبدل گردد و مهمات او بخواه ساخته شود خاصیت ۷ اگر پادشاهی بر کسی غضب کند و آنکس ترسد هفتبار بخواند و بر صفحه مدوره دایره سه بار در برابر وی بخواند چشم پادشاه بلطف و عنایت مبدل گردد خاصیت ۸ اگر کسی را بجای فرستند سه بار در کوش او بخواند مقبول القوی بازگردد و بهر مهمی که رفته باشد ساخته شود و اگر کسی در اول روز از دیدن بیگانه بیمی از آنکه بکسی سخن گوید چهل و هفت بار بخواند با هر که سخن گوید بر خلاف او سخن نگوید خاصیت ۹ اگر کسی نهمتی متهم شده بیم هر صباح چهل بار بخواند آن تهمت از او برداشته شود و خلایق زبان به نیکی او بگشایند خاصیت ۱۰ از برای بیخوابی قبل از نماز جمعه پنج نوبت بخواند بیخوابی از او دفع شود خاصیت ۱۱ بجهة غنا هر بامداد پیش از تکلم نمودن یکبار بخواند غنی و بی نیاز گردد خاصیت ۱۲ بجهة از دیاد حرارت و حشمت هر روز یا نفس نوبت بخواند محتشم و مکرم گردد خاصیت ۱۳ بجهة ایقاد اعدا هفتاد روز هر روز صد و بیست و پنج بار بخواند اعدا مطیع او گردند خاصیت ۱۴ از برای بستن زبان اعداء دو روز هر روز صد بار بخواند زبان ایشان بسته گردد خاصیت ۱۵ برای مراد است هر روز پنج و چهار بار بخواند مراد حاصل آید خاصیت ۱۶ بجهة شفای مریض دوازده روز هر روز هفتاد بار بخواند شفا یابد خاصیت ۱۷ برای چشم زخم و عقد اللسان سه روز هر روز سه بار بخواند از چشم بدان و زبان حاسدان ایمن گردد بجهة گنج چهل و یکبار

بخواند گنج فتح براو منکشف شود خاصیت ۱۸ بجهت رویت سول صم والله بهر عمل در مقام خواب هر تسبیح صد هزار نوبت بخواند البته مراد او
کفایت شود خاصیت ۱۹ بجهت افتتاح مهمات و اقبال هر روز پانصد نوبت بخواند در سه روز بگشاید خاصیت ۲۰ برای خلاص محبوس
هفتاد و هر روز صد و شصت بار بخواند مهمات او باید خاصیت ۲۱ بجهت اتمام مهمات هر روز پانزده نوبت بخواند مهمات او کفایت
شود حسب المدعا و انکار بزودی برآید خاصیت ۲۲ بجهت کشف سر اعیوب چهل و هر روز شصت و هفت بار بخواند در باب اسرار علم لدنی
براو بگشاید خاصیت ۲۳ برای دفع اعدا هفتاد و هر روز هفتصد بار بخواند در وقت نماز پیشین مراد که خواسته شود و یکسی نتواند
نگوید البته اعدا مقهور وی گردند خاصیت ۲۴ بجهت شر اعدا و دفع شر ایشان هشت روز هر روز هشتاد بار بخواند تا در حکمت برو
بگشاید و از شر و شمنان و حاسدان و غمازان ایمن گردد خاصیت ۲۵ بجهت تحصیل علوم هر روز هفتاد بار بخواند در وقت نماز پیشین مداد
در علم و حکمت براو بگشاید خاصیت ۲۶ برای مزید دولت و نفاذ هر روز شانزده نوبت بخواند مراد او برآید خاصیت ۲۷ برای
فتح بلاد و نیل روز هر روز چهار صد بار بخواند مهمات او بزودی برآید خاصیت ۲۸ برای رفعت و جاه و قبول نظر سلاطین شش روز
هر روز شصت بار بخواند مقبول القول گردد خاصیت ۲۹ از برای عزت و شکوه و وقار در نزد خلایق هر روز پانزده بار بخواند عزت
و شکوه یابد بحکمت بر اندن مقاصد شانزده روز هر روز صد نوبت بخواند مقصود دست دهد و مراد او برآید خاصیت ۳۰ بجهت بغض
و عداوت میان دو شخص روز ست و یکبار بخواند میان ایشان عداوت پیدا شود خاصیت ۳۱ از برای انتقال از محلی خود سی روز هر
روز سی و پنج بار بخواند البته چنان شود خاصیت ۳۲ از برای اختلاف در عداوت میان جمعی سی روز هر روز سی و پنج بار بخواند البته چنان شود
خاصیت ۳۳ از برای محو و مقهور شدن پنج روز هر روز صد نوبت بخواند مقصود برآید خاصیت ۳۴ از برای شجاعت و دفع خوف و هیبت
هر روز هر روز پنجاه نوبت بخواند از بیم خوف ایمن شود خاصیت ۳۵ از برای اعدا شش روز هر روز صد و پنجاه نوبت بخواند از شر و شمنان ایمن
و محفوظ گردد و خواص حرز نماد علی و قرات و تلاوت بر طریق مشروح حرز نماد علی بحکمت هر حاجت و حصول مقاصد و طریق خواندن بر ترتیب
خوانده بر موجب ۳۳۳۳ و اختتام و اعتصام باینست پنج نوبت بخواند که الله صمدی من عندک مددی و علیک معتمدی و نوبت
دیگر خوانده شروع کند و نماد علی هر بار که خوانده شود اغنی یکبود و در آخر هر نوبت این باید خواند که یا اباالغنیا علی ادرکنی بعد ازان
که ۳۳۳۳ بهمان قاعده خوانده شد اختتام پنج نوبت تمام میشود که یا اباالغنیا علی ادرکنی بهر مهم و حاجت که خواسته میشود
البته ان محصل شود و مجرب است و الله اعلم

بالصواب

٩٧	٢٤٣	٢٤٣	٢٤٣
١٠٥	٢٧٣	٢٧٣	٢٧٣
٩٨	١٠٣	٩٨	٩٨
٢٧٨	٢٧٨	١٤٢	٢٧٨

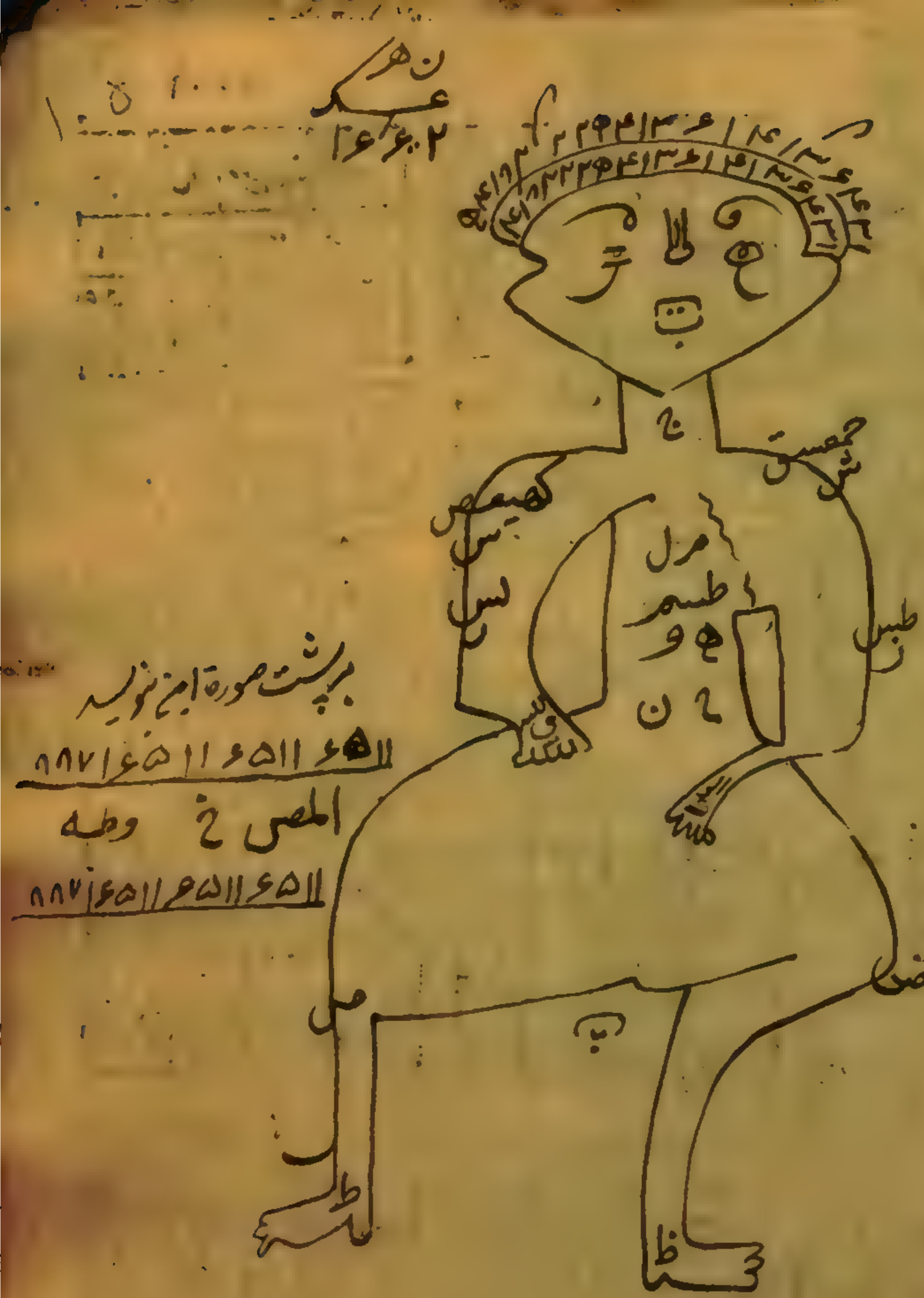

× ۸۰۰۱۰۸

۱۳۱ بدءَ	قولاً	من ربّ	الرحیم
۲۹۳	۲۵۷	۱۳۲	۱۳۶
۲۵۶	۲۹۰	۱۳۹	۱۳۳
۱۳۸	۱۳۴	۲۵۵	۲۹۱

۲۵۶۰۵۷
۲۲۸
۸۱۷

مربع آیه وسخرلکم کل شئ مع حروف معطوف

۸۰۰

نبکیکم	اللہ وھو	السمیع	العلیم
۲۱۲	۱۸۰	۳۲۶	۸۲
۱۷۹	۲۰۹	۸۵	۳۳۷
۸۴	۳۲۸	۱۷۸	۲۱۰

وافتح لنا فانک خیر الفاتحین

مربع آیه انزل علیکم نامه

۵۵۳۷	۵۵۱۶	۵۵۳۰	۵۵۳۲
۵۵۴۳	۵۵۳۱	۵۵۲۶	۵۵۴۲
۵۵۳۲	۵۵۳۶	۵۵۳۹	۵۵۳۵
۵۵۴۰	۵۵۳۴	۵۵۲۲	۵۵۴۵

مربع اللهم یسر لنا امورنا

۸۶ ۱:۲

۱۸۸	۱۹۱	۱۹۵	۱۸۱
۱۹۴	۱۹۳	۱۸۷	۱۹۲
۱۸۳	۱۹۷	۱۸۹	۱۸۶
۱۹۰	۱۸۵	۱۸۴	۱۹۵

۵۲۹	۵۳۲	۵۳۵	۵۲۱
۵۳۴	۵۲۲	۵۲۸	۵۳۳
۵۲۳	۵۳۷	۵۳۰	۵۲۷
۵۳۱	۵۲۶	۵۳۴	۵۳۶

مربع انه فسبحان الله حین تمسون

۲۹۳۸	۲۹۴۱	۲۹۴۴	۱۹۳۱
۲۹۴۳	۲۹۳۲	۲۹۳۷	۲۹۴۲
۲۹۲۳	۲۹۲۶	۲۹۳۹	۲۹۳۶
۲۹۴۰	۲۹۳۵	۲۹۳۴	۲۹۴۵

مربع اسم از اسم اعظم

فعاله	وکل	المحمود	یا الله
۱۲۸	۷۸	۱۸۵	۱۴۱
۷۹	۱۳۱	۱۳۸	۱۸۴
۱۳۹	۱۸۳	۸۰	۱۳۰

منعم	ذکی	مابد	حبیب
۴۹	طیب ۲۷	تابع ۲۰۱	اله
ودود ۲۰	ولی	۳۹	۲۰۲
ازل ۳ ۸	مبدع الجی ۲۰۳	واحد ۱۹	والی

مربع ذوالکتابتی بیمین اسما ۵۹۱

مربع اول سوره انا فتحنا ۱۰۳

حی	ربی	من کل	مریی
۱۴۱	۵۱	۸۱	۲۱۱
۲۵۰	۳۸	۲۱۴	۸۲
۲۱۳	۸۳	۲۴۹	۱۳۹

انا فتحنا	لک	فتحا	مبینا
۴۹۰	۱۰۳	۵۹۲	۴۹
۱۰۱	۴۸۷	۵۲	۵۹۳
۵۱	۵۹۴	۱۰۰	۴۸۸

۳۰۴	۴۰	۴۰۶	۲۰
۴۰۵	۴۰۲	۳۰۲	۱۴۲
۲۰۴	۵۰	۳۰۶	۳۰
۳۰۸	۲۰۸	۲۰۶	۱۴۸

۶۳۴	۶۰۱	۷۲۸	۶۰۳	۶۰۲	۷۳۳	۷۶۰	۵۷۰	۵۶۶	۶۳۷	۶۶۴	۵۳۸	۵۳۵	۶۶۹	۶۹۶	۵۰۶
۶۹۵	۵۰۷	۵۳۶	۶۷۰	۷۲۷	۶۰۴	۶۳۳	۷۰۲	۷۵۹	۵۷۱	۶۰۱	۷۳۴	۶۶۳	۵۳۹	۵۶۸	۶۳۱
۵۴۰	۶۶۶	۶۳۵	۵۶۷	۵۰۱	۶۹۱	۶۶۷	۵۳۵	۶۰۵	۷۳۰	۶۹۹	۶۳۲	۵۷۲	۷۶۲	۷۳۱	۶۰۰
۷۳۲	۵۹۹	۵۷۳	۶۰۱	۶۳۶	۶۶۶	۶۳۱	۶۹۵	۶۶۸	۵۳۶	۵۰۹	۶۹۷	۷۰۰	۶۳۱	۶۰۶	۵۲۹
۵۷۵	۶۲۱	۶۶۰	۵۶۲	۵۶۳	۶۷۳	۶۹۲	۵۱۰	۶۳۰	۷۰۵	۷۲۴	۶۰۷	۵۹۸	۵۳۷	۵۵۶	۵۷۴
۷۵۵	۵۷۵	۵۹۷	۷۳۸	۶۵۹	۵۶۳	۵۶۲	۶۲۲	۶۹۱	۵۱۱	۵۳۲	۶۷۴	۷۲۳	۶۰۹	۶۶۹	۷۰۶
۶۰۹	۷۲۶	۷۰۳	۶۲۸	۵۷۶	۷۵۸	۵۴۵	۵۹۶	۵۶۴	۶۶۲	۶۳۹	۵۶۳	۵۱۲	۶۹۲	۶۵۱	۵۳۱
۶۷۲	۵۳۰	۵۱۳	۶۹۳	۷۰۴	۶۲۷	۶۱۰	۷۲۵	۷۳۶	۵۹۵	۵۷۷	۷۵۷	۶۲۰	۵۶۲	۵۶۵	۶۶۱
۵۱۴	۶۸۸	۶۷۵	۵۲۹	۶۱۱	۷۲۰	۷۰۹	۶۲۶	۵۷۸	۷۵۳	۷۲۱	۵۹۲	۵۲۶	۶۵۶	۶۲۵	۵۶۱
۷۱۰	۶۲۵	۶۱۲	۷۱۹	۷۲۲	۵۹۳	۵۷۹	۷۵۱	۶۲۶	۵۶۰	۵۲۷	۶۵۵	۶۷۸	۵۲۸	۵۱۵	۶۸۷
۵۹۲	۷۳۹	۵۵۲	۵۸۰	۵۵۹	۶۲۳	۶۵۱	۵۲۸	۵۲۷	۶۷۵	۶۹۰	۵۱۶	۶۲۲	۷۰۷	۷۲۲	۶۱۳
۶۵۷	۵۲۹	۵۵۱	۶۲۶	۶۱۹	۵۱۷	۵۲۶	۶۷۶	۷۲۱	۶۱۴	۶۲۳	۷۰۸	۷۵۳	۵۸۱	۵۹۱	۷۴۰
۵۸۲	۷۳۱	۷۲۵	۵۹۰	۵۵۰	۶۵۲	۶۲۹	۵۵۷	۵۱۸	۶۸۶	۶۸۱	۵۲۵	۶۱۵	۷۱۶	۷۱۳	۶۲۲
۶۵۰	۵۵۶	۵۵۱	۶۵۱	۶۸۲	۵۲۶	۵۱۹	۶۸۳	۷۱۳	۶۲۱	۶۱۶	۷۱۵	۷۴۶	۵۸۹	۵۸۳	۷۴۷
۵۲۳	۶۷۹	۶۸۶	۵۲۰	۶۲۰	۷۱۱	۶۱۸	۶۱۷	۵۸۸	۷۲۳	۷۵۰	۵۸۶	۵۵۵	۶۳۷	۶۵۶	۵۵۲
۷۱۷	۶۱۸	۶۱۹	۷۱۳	۷۲۹	۵۸۵	۵۸۷	۷۲۶	۶۵۳	۵۵۳	۵۵۶	۶۲۸	۶۸۵	۵۲۱	۵۲۲	۶۸۰

رب ابیر

نقله من کتاب رجب الحافظ البرسی

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل ولما کان سر الله مودعا فی خزانة علم الحروف وهو علم المخزون فی کتاب مکنون لا یمسه
الا المطهرون ولا ینال له الا المقربون لانه سر اسرار الجلال ومجمع اسماء الکمال افتتح الله به المسود منبع ۴
واودعه سر القضا والقدر وذلک بان الله سبحانه لما اراد اخراج الوجود من عالم العلم الی عالم الکون
اظهر العلویات والسفلیات باختلاف الهوا ر تعاقب الادوار وانوارها من مکان التقدیر الی فضاء
التصویر وعبا فیها اسرار الحروف التی هی معیار الاقدار ومصدر الاثار لان الباری سبحانه
بالکلمة تجلی لخلقه وبها احتجب ثم اوجد طینة آدم علیه السلام فی العماء الذی هو عبارة عن الاختراع
الاول من غیر مثال ولا تقدیر بمثال ثم رکز فی جبلة العماء نسبة من تلک الحروف ورتبها حتی
استشرف بها فی عالم الایجاد بلطائف العقل لاشراق الظهور ثم نقله بعد ذالک
فی اطوار البهاء الذی عبارة عن الاختراع الثانی وشرف فیه رتبة من الحروف التی ذکرها فی
جبلة العماء حتی استشرف منها فی عالم الایجاد بلطایف روحه عن الاختراع ثم نقله
باطوار الذر الذی هو عبارة عن الابداع الثانی واوجد فیه نسبة من الحروف التی وضعتها فی جبلته
الفطریة التی استشرف بها فی عالم الایجاد بلطایف القلب فی الابداع الثانی فالحروف معلنها
فی العقل ولطایفها فی الجوهر وصورها فی النفس واشباحها فی القلب وقوتها الناطقة
فی اللسان وسرها المشکل فی الاسماء ولما کان الخاتم الاول وهو العقل النوری کان
خطاب الحق له بما فیه من معانی الحروف ومجموع هذه الحروف فی سر العقل کان الفا واحدا
لانه بالقوة حقیقة مجموع الحروف وهو الذی سمع اسرار العلوم بحقیقة هذه الحروف
تلا سایر الاشیاء والعقل هو صاحب الرمز والاشیاء والحقیقة والاجناء والادراک و
والحروف فی لطیفة الروح شکلا ضلعین من اضلاع المثلث متساوی الاضلاع منلع

یتم واخر مبسوط

قايم واخر مبسوط على هذه الصورة ل والقائم ضلع الالف والمبسوط ضلع الباء وانما قلنا ان
البسيط تم الحروف فى لطيف الروح شكل مثلثين لان قبض الانوار البسيطة التى فى العقل هى فى الروح بالقوة
فانفق فى وجود الاثر وتباينا فى اختلاف الاطوار وحيث ان الروح تستمد من نور العرش كذلك
سائر الحروف تستمد من نور الالف والالف يعضد رجوع السفلى والعليا منها اليه وكل حرف من الحروف
قائم ببشرة الالف والالف بشرة الكلمة ومملكة النور الحاملون للعرش من دوات هذه الحروف
والاول منها المتعلق المتعلق بالعقل اسمه الالف والموحدين لحضرت الجلال اربعة العقل
والروح والنفس والقلب والقلب هو الموحد الرابع وتوحيده ببشرة الحروف التى اوجدها
الحق فى جبلته لان القلب لوح النفس والنقوش الربانية هى اللوح المحفوظ بعينه
ومن هيهنا اختلفت الحروف باختلاف اوضاعها ونسبتها الى احوال آدم فاذا اليوم هيهنا ٣
خلقه وخط الجيم يوم نسويته وخط الباء يوم نفخ الروح فيه وخط الالف يوم التسجود وكانت
تركيب البنية الانسانية بالحكمة الالهية من شكل ثربيعى وتربيع طبيعى ومن عالم الا
ختراع والابداع فعلم ان العالم العلوى والسفلى باجمعه دخلوا تحت ظل الالف الذى
هو عبارة عن الاختراع الاول والعرش العظيم والعقل النورانى والحقيقة الاعلا
وسر الحقيقة وخضرة القدس وسدرة المنتهى وسائر الحروف اجمالا وتفصيلا
انبعثت عنه وجميعها باختلاف اطوارها وتباين آثارها تستمد منه وترجع اليه و
الكتب سبحانه خلق الخلق ستة هذه الحروف عالم الخلق وعالم الامر كن فيكون
وكلامه سبحانه فى حضرة القدس قدسه انما سمى بهذه الحروف وهى آلة بلك
الحق سبحانه واسمائه المخزونة المكنونة مندرجة تحت سجل هذه الحروف والالف
منها اول المخترعات ومنها سائر مراتب العالم وجميع الحروف محتاجة اليها وعرف
ظاهر الالف وباطنه وصل الى درجة الصديقين ورتبة المقربين لان له ظهر
وبطون وقلم ٣ العرش واللوح والقلم وهو مركب من ٣ نقط الواحدة والواحدة

من الالف

من العقل والنفس والروح والقلب

والواحد ويحتمل ما تحتها فيما بعد وباطنه الثاني ١١ وهو عدد بسائط وهو عدد الاسم
الاعظم فانا اخذ منه ١١ وهو موضوع الاسماء والاعداد بقي ٩٩ وهي عدد الاسماء الحسنى
وباطنه الثالث ٧١ وهو عدد اللام القابض عنه وهذا العدد مادة الاسم الاعظم وحرف
من ظاهر الاسم الاعظم وباطنه الرابع ٤٢ وهو فيض اللام وهو الميم وعدده ٩٠ وعدد ان في
الالف واللام وهذا العدد ظاهر الاسم الاعظم وباطنه الخامس ١١ اضرب مفرداته في
نفسها ٩ والفتق القابض عنه في فتق الحروف ايضا ٩ وهي الف لام ميم والعرش و
السوح والقلم مفرداتها ايضا ٩ ع ق ل روح قلم والعقل والنفس والروح ايضا كذلك
ع قولك ف ق ل روح فالالف هي الكلمة التي تجلى فيها الحجاب يخفى الاسرار في عروظاهره
وباطنه ادراك خفي الاسرار ومكمن الانوار لانه حرف يستمد من قيومية الحق
والكل يستمد منه فصل ولما الالف المبسوط وهو الباء فهي اول وحي نزل على رسول
الله صلى الله عليه وآله واول صحيفه ادم ونوح وابراهيم وسرها من انبساط الالف
المبسوط فيها وسر اقيامه بقيام طرفه وهو سر عالم الاختراع والانوار والاسرار الخفية
مرتبطة واليها الاشارة بقول امير المؤمنين عليه السلام انا النقطة التي تحت الباء
وسر الباء المبسوط تشير الى الالف القائم المنبسط في غافها المحتجب ولذلك قال محيي
الدين الطائي الحاجاب الربوبيه ولولاه تفعت الباء لشهدانا من ربهم فصل
وحرف القاف باطن القاموس الام والمراد بسر الام القدد والقلم بسائطه ٣
احرف وهو الكاين الاسم والقدد وهو الاسم الاعظم والقاف حرفه الاول
القاف المحيط بالعالم ظاهرا بالعلم باطنا وعدده ١٨٠ فاذا اخذ منه عدد الام
الاعظم وهو ١٤٢ بقي ٣٨ وهي مادة الاسم الاعظم وحرف من حروفه كاف
الشين ٣٠٠ من حروف ظاهر الاسم الاعظم ومن علم باطن النون علم الاسم
الاعظم وحرفه الثاني ل والثالث م وعن هذه الحروف تركب العوالم

باسرها

باسرها وسايرالموجودات باجمعها داخلة تحت ٩٩ اسماء الاسماء داخلة تحت الاسم
والاسم الاعظم هو الماية وعشرة والقاف بحسابه العددي مايئة داخل تحت الاسم
الاعظم فصل وحرف ط طيار في جميع العالم وسره في المبادي الاوليات ونشاة
الاختراعات وسرها ساد في العلويات والسفليات ولها اسرار في ظهورها
وظهرت في اسم لوط فكان من سرها هلاك من قومه كما ظهرت الها في اول اسم هود
فكان من سرها خسف الارض بقومه وتدمرهم وظهرت معا في اسم محمد صلى الله عليه
وآله في قوله تعالى طسم وهو اسم محمد بلغة طي فصل وحرف الجيم حرف ملكوتي
متلقى من الياء شترك فيه جميع العوالم الملكوتية وهو حرف اظهره الله في اول الاسماء
الجلال والعرش قائم بالجلال والجيم والقلم يستمد منه والكرسي ايضا في صفة الجمال
قائم به وهو المثلث الذي انبسط فيه ستة الالف والباء ظهر في اطوار الغضب
وركن اللطف فتجلى في ابخار والجواء فله الجبروت والجوع فصل وحرف
كاف جهنم ظهر في اسم الملك وله العرش وهو بالهي القلم وبالهي الامر وبالهي العرش
والكرسي وبالهي الصور السموية والارضية فصل وحرف عين وهو اول الاسوار
العرش هو العقل وحامل الاسوار العالم الان العرش حامل الكرسي والقلم واللوح هو
هو الاول والاضيق والعقل حامل الروح والروح حامل النفس والنفس
حامل القلب والقلب حامل الجسم والقدرة حاملة الكل فصل حرف ت حرف ظهر في الجسم
والحوادث والبلاء وظهوره في الحوادث اشارة الى فناء الموجودات وفي البلاء اشارة
الى بعثهم بعد الممات وجمعهم بعد الشتات فصل وحرف ث حرف شريف ظهر في
العرش فالعزة لله جميعا ومنه وصف العزيز سايرالعالم بالترتيب فبعض العالم الى
يعقد العزة من بعض وكرة التراب تستمد من الماء والماء من الهوى والهواء
من النار والنار من الملك هكذا ترتيب العزة في الاكوان واليه الاشارة بقوله تعز من

فصل وحرف الواو حرف من حروف العرش سيار في اجزاء العالم متعلق بطي
في الخلق والامر كن فيكون فصل ولما كان هذا العلم الشريف اشارت ورموز اوردت
منه ها هنا ما فيه اشارة وتنبيه فصل واما علم النقط والدوائر من لجة العلوم
وغوامض الاسرار لان منتهى الكلام الى الحروف ومنتهى الحروف الى الالف ومنتهى الالف
الى النقطة والنقطة عندهم عبارة عن نزول الوجود المطلق الظاهر الباطن ومن الابتداء بالانية
يبنى ظهور الهوية التي هي مبدء الوجود التي لا عبادة لها ولا اشارة فصل ولما كانت
الالف قائم بسر العقل والعقل قائم به وتمام الحروف في اسرة الالف ولكن بينهما تباين في الرتبة
والف العقل قائم والف الروح مبسوط وهذا العلم الشريف ولكن كشف الناس منه
سر ما بين الالف واللام والميم التي هي جوامع الامر الحكيم لا ينطق به كل سليم وجهله
كل عليم كما ورد عن ابن سنان عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال يا محمد ما في سورة
الاحزاب ٩ اي محكم لو قد رنا ان ننطق به لنقطناه ولكن ان سمع اذا وجدوا
وضلوا ولكن كما قيل ومستجيبي لمن سر ليلى اجبته بعباء من ليلى بغير يقين يقولون
خبرنا فانت امينها وما انا ان خبى نهم بامين فصل وسر الله موضوع في كتبه وسر
الكتب في القرآن لاجل الجامع المانع وفي تبيان كل شيء وسر القرآن في الحروف المقطعة
في اوائل السور وسر الحروف في لام الف وهو الالف المعطوف المحتوي على سر الظاهر والباطن وسر
في مقام جسم ٧٠
النقد الالف وعلم الالف في النقطة وعلم النقطة في المرتبة الاصلية وسر القرآن في فاتحته وسر الفاتحة في بسملته
وهي جسم الله وسر البسملة في الباء وسر الباء في النقطة فصل والفاتحة هي سورة الحمد ولم الكتاب و
قد سمى فيها الله في الذكر فاوجمها ولخصها في القرآن اليها فقال عز اسمه ولقد آتيناك سبعا من
المثاني والقرآن العظيم فذكرها اجمالا وافرادا وذلك لشرفها وهذا مثل قوله حافظوا
على الصلوات والصلوة الوسطى ادخلها اجمالا وافردها اجلالا في الصلوة الوسطى
صلاة المغرب ظاهرا وفي وقت اذانها تفتح ابواب السماء ويجب التعجيل بها لقوله عجلوا

بالمغرب واما الباطن والمعنى فهي فاطمة الزهرا لان الصلوة هم الخمس بالحقيقة
هم السادة الخمس الذين اذا لم يعرفوا ويذكروا في الصلوة فلا صلوة فالظهر رسول الله
صلى الله عليه واله ومن تم بدا النور اول ما خلق الله نوري اول ما خلق النور والقلم
علي وفاطمة واليه الاشارة بقوله تعالى والقلم وما يسطرون وصفوا قدرها وحقروا
عظيم امرها لما غربت شمس النبوة وحيها الفرض وتمام الفرض وقبول الفرض لان المتقي صلى
الله عليه واله رضاه في رضاها فقال والله يا فاطمة لا يرضى الله حتى ترضي ومعنى
الوزان فاطمة عليها السلام ينبوع الاسرار وامام الابرار ومفزع الاحرار وعصمة العباد
واذا غضبت غضب الرب العلي النبي والولي فمن غضبت عليه شمس الرسالة وذهبت
الجلال فقد غضب الرب العلي والنبي والولي ومن غضب عليه شمس الرسالة وذهبت الجلال
فقد غضب عليه ربه وشمس العصمة ومقر الحكمة لانها بضعة النبي وجنته الولي
ومعدن الرسالة فمن غضبت ربه عليه ونبيه وولايته ومن غضب عليه الرب والنبي
والولي هو الشقي كل الشقي وصلاة العشاء الحسن عليه السلام حيث احتجبت عنه نور
النبي والولي والصبح الحسين عليه لانه تبذل نفسه في مرضات الله حتى اخرج نور الحق
تحت خفيه الباطل وحجاب الظلام الى يوم القيامة فتسلل والتوجه الى الله في الصلوة
يتوقف على ثلاث منها معرفة الطريق للسالك والدليل في المفاوز من المهالك فاذا قطع
الطريق ووصل الى مدينة حصينة مغلقة فيجب ان يكون في الدخول اليها فان عظمها
كان امنا قال واذا وصله الدليل الى المدينة لجاج الى من يفتح له الباب ويرفع له
الحجاب ويقول له ادخل بسلام اما المدينة فهدم واما الادلة فهم الحج من بعده
فمن اخذ منهم وعند السراج على ولا بنهم ابيح له احسى الفاو اما المفاتيح هي التفكر

فى اقوالهم وفعولهم وبواطن احوالهم وتجهدوا فى فحصها فاذا وجدوا كان لها حقيقة شهد
بها الكتاب والسنة والا تركوها فاعلم ان تركيب المفاتيح فى السفر واما الطريق
فمجاهدة النفس وركوب الاشق فى لزوم الاوامر والنواهى وعنوانها فى الليل
الى المطعم والمشرب فان الطهارة لا تحصل بدون ذلك واما الباب والوصول الى الدخول
اليها يقول والحجج من الائمة ابواب البيت وولاة الطريق يمكنه ان يعرفهم جميع الطريق
الا المطعم والمشرب ويجتمل واما المدينة فهى نفس العلم والوصول الى الدخول اليها
بقوله صاحب الشريعة انا مدينة العلم وعلى بابها بالولاية هو باب النبوة والحجج
من الائمة ابواب الباب وولاة واما الاقفال فى موضع الشريعة ومفاتيحها بيان
الكتاب هذا ابن ابراهيم عليه السلام بفضل يشير بهذا الباب من الحديث القدسى
بقوله تعالى سبحانه ولايتى على حصنى من دخل حصنى امن عذابى فحصر الامان
فى ولايته على عليه السلام لانها لا تجاب الولاية يستلزم الاقرار بالنبوة والاقرار
بالنبوة يلتزم الاقرار بالتوحيد فالمتوالى هو القائل بالعدل والقائل بالامامة والعدل
مع التوحيد هو المؤمن والمؤمن امن فالمتوالى على هو المؤمن الامن والله اعلم والمنافق الاهوج
من غير عكس ومثال هذا من قول النبى صلى الله عليه وآله مدينة العلم وعلى بابها والمدينة
لا تؤتى الا من الباب فحصر اخذ العلم بعده فى على وعترته فعلم ان كل اخذ علم بعد النبى من غير
على وعترته فهو بدعة وضلال وفى هذا اشارة لطيفة وذلك ان كل وحى يأتى الى النبى
من حضرة الرب العلى فانه لا يصل اليه الى الملك حتى يرتبه على الباب ويدخل به من الباب
والية الاشارة بقوله صلى الله عليه وآله ان الله لم يطلعنى على ما شاء من غيبه وحيا فتيا ولا وطلعك
عليه الهاما وبهذا اشارة الى ما حصر به نبيه ليلة المعراج خطابا فان ذلك خص به ولية

الهاما

الهاما واما قوله عليه السلام انك ترى ما لا ترى وتسمع ما لا تسمع فانه اشارة الى تنزل الملكه
الى الرسول صلى الله عليه وآله بالتحف الالهيه فان الله خص وليه بسمع بعضها ويراه
وامى نبيه بايصال باقيها اليه لان الخازن لاسرار النبوة والولاية على مقام نبيه الذى
ووزيره لان سايس البحار داخل تحت البحر المحيط فضل وسوسه لكم فيها الله
الاعظم عن يقين وعده ايانها ثمانية وهى العدد الكامل يظهر جند العشرة و
هو ضرب السنه فى ايام الاسبوع ومبلغه وهو عدد له نصف وثلث وخمس
وسدس وسبع وثمن وتسع وعشر وعدد الكلمات فى ايام الكتاب مع البسمله
٢٩ كلمه وعدد الشور المتوجه بالحروف المقطعه ٢٩ سوره وعدد ايام الشهر
٢٩ يوما فاذا اخذ منها الالف كانت ٢١ كانت بعدد منازل القمر وادا
قسمت كان منها الافلاك ٩ وللبنى ٣ اولها ٣ والبيد ٣ فهذه
٩٩ صوره بعدد حروف المعجم وعدد حروف الفاتحه ٢٩ واعداد حروفها
٣٤٤ وساير اعدادها تنقسم الى الفرد انيه والزوجيه وباعداد
الاسم الاعظم قسمين ظاهره وباطن فاظهر ٨٤ فى الباطن ٩٣
مره تاويلا وعدد بسايط حروفها ٩٣ او ١١ الفا والفرد انيه تدور معها
حيث دارت فصل وحروف المعجم ٢٨ حرفا كامنه وعددها باثنيها يعنى بسايطها
١٢ حرفا وعدد الحروف المقطعه فى سور القرآن ١٢ حرفا ثبت فيها بسايط الحروف
اسم الفرد الفتاح ١٩ مره وفى بسايطها الاسم الاعظم ٣٣ مره والاسمين منها
٣٣ مره واذا اخذ المكرر والمثنى من هذه الحروف بقى ١٣ حرفا وهى الحروف
الفردانيه وهى مقطعه فى سوره الاخلاص وهى هذه ا ل ر ح ك م ن ق ص ع
واعدادها ١١٣ ومن هذه الحروف النورانيه تستخرج اسماء الله الحسنى

الله واسم الاعظم وعلم واد والاسم اصريحا وظاهرا وباطنا وحملة وافراد الاسم
الله فقط الاعظم فد يكون فى حرف واحد وقد يكون فى عدد واحد وقد يكون
فى حروف واعداد وكلمات حسب الارادة الالهيه والحكمة الربانيه وهو
فى الحروف على هذه المثال ا ل د ع ح ى م ه ن س ع ص ف ق ط
هذا ان
هذا رمز اخر من السر المكتوم فلا يدركه مكتوفا ومعرفته مدفونة على من كان
له حظ من علم الحروف واعدادها الظاهر والباطنه وهى هذه.
بعدد الاسماء
الحسنى وهذه الوجه الثالث من هذا السر وهو ا ل م ر ك ي ع س ن ص ف ق ط ر ش ت
فهذه ٢٨ وهذا وجه اخر ا ل د ع ح ى م ن ك س ع ص ف ق ط ر ش ت
فاذا اخذنا من هذه الحروف صيغ الاسم الاعظم وهى ثلثة حروف فى اعداد
يفى منها ابجدا وهى العدد الخفى والسر المخفى ا ح م ن ك س ع ف ق ط
فهذا العدد من رياضة الاسم الاعظم فصل وحروف الاسم الاعظم الاكبر
مع الكرد ٣ وهى هذه الدنيم ال ب ج د ه ا ل م ا ل د خ م ا ل ك
ا ل م ك ه ر ع ا ء س ن ف ا ي ا ك ا ل ع ا ل م ا ل ن ط ق ع ا ى ا ل ب ا ل
واعدادها ٥ وهذه حروف الاسم الاعظم واعدادها
فاذا اراد النبى او الامام الفها ودعا بها فصل وهذا العدد من اعداد
اسم الاعظم ا ل م ر ك ي ع س ن ص ف ق ط ر ش ت وهذه كتب لكل الم فشفى او تعلق او
يسقى او تعلق فهى شفاء من كل داء وان اراد كتب موضعها حروفا من الغصن الخار
المطلق ا ط ومن البارد اليابس المطلق ى ومن الخار الرطب ك
ومن البارد الرطب ل على هذه المثال ل ب ا ل والباقى على هذا المثال فصل ومن

خواص

ومن خواص الفاتحة ان من قراها مع صوم وقطع حصوان ٧
ايام في كل يوم ١٠١١ مرة وصلى على محمد هذا العدد لا يطلب شيئا الا وجد
فيها قد خاسرت واوردت في هذه الرسالة لمعة من حقائق الاسرار
لنفس المؤمن التقي ونفض المنافق الشقي وسميتها مشارق انوار اليقين
في حقائق اسرار امير المؤمنين فجاءت كالسيف المستضي في كشف
اسوار المرتضى والله ولي الانعام والاحسان والرضى ورتبتها على
فصول فاقول ان اعلى مطالب الكمال واعلى مراتب الجلال للانسان العلم
الذي بنال به الحيوة الابدية والسعادة السرمدية واجل العلوم ما يبحث
فيها عن اجل المعلومات واجل العلوم ما
ما بحث عنه فيه عن حقيقه
الوجود والوجود
تم الكتاب
بعون الله
الوهاب
في بريلي

تم منصور

من متملكات العبد الاقل
محمد جعفر الحكيم

بسم الله الرحمن الرحيم
ايها الكتاب الذي بارز الكتاب
في الالفاظ الدنيا كم خطاف
وتشبه فيها ذات تنبه الغفل
١١٠٨

۱۳۱۶
تاسیس
گنجینہ کتب خطی

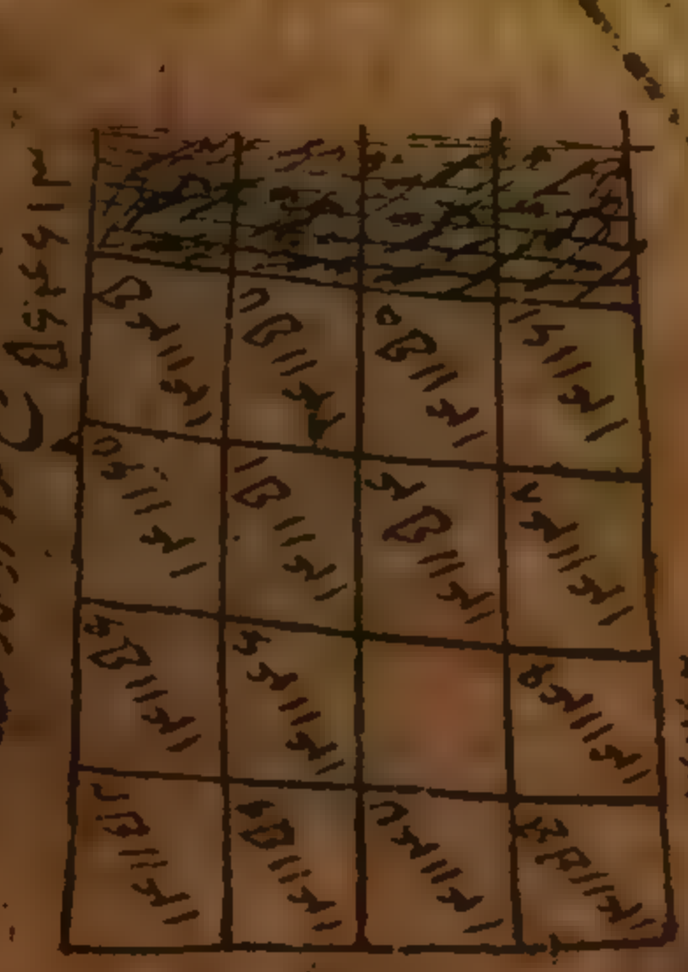

۱۲۹	۱۹۸	۲۲۲	۹۷	۹۶	۲۲۷	۲۵۴	۶۵	۷۳	۱۳۱	۱۵۱	۳۳	۳۲	۱۶۳	۱۹۰	۱
۱۰۹	۲	۳۱	۱۶۳	۲۲۱	۹۱	۱۲۷	۱۹۲	۲۵۳	۶۶	۹۵	۲۲۸	۱۵۷	۳۴	۶۳	۱۳۲
۶۵	۱۶۰	۱۰	۹۲	۳	۱۹۲	۱۶۱	۳۰	۹۹	۲۲۴	۱۹۳	۱۲۶	۹۷	۲۵۰	۲۲۵	۹۴
۲۲۶	۹۳	۶۸	۲۵۵	۱۳۰	۶۱	۳۶	۱۵۹	۱۶۲	۲۹	۴	۱۹۱	۹۰	۱۲۵	۱۰۰	۲۲۳
۶۰	۱۲۵	۱۵۴	۳۷	۲۰۸	۱۷۷	۱۸۶	۵	۱۲۴	۱۹۹	۲۱۰	۱۰۱	۹۲	۲۳۹	۲۵۰	۶۹
۲۴۹	۷۰	۹۱	۲۳۲	۱۸۳	۳۸	۵۹	۱۳۶	۱۸۸	۶	۲۰	۱۲۱	۲۱۷	۱۰۳	۱۲۳	۲۰۰
۱۰۳	۲۵	۱۹۷	۱۲۲	۷۱	۲۵۲	۲۲۶	۹۰	۳۹	۵۶	۱۳۳	۵۱	۷	۱۰۹	۱۶۵	۴۶
۱۲۶	۲۵	۸	۱۸۷	۱۹۱	۱۲۱	۱۰۳	۲۱۹	۲۳۰	۸۹	۷۲	۲۵۱	۱۳۶	۸۷	۳۰	۱۵۵
۹	۱۹۲	۱۷۱	۲۴	۱۰۵	۲۱۴	۲۰۳	۱۰۱	۷۳	۲۶۲	۲۳۵	۵۸	۴۱	۱۸۰	۱۳۹	۵۶
۲۰۳	۱۱۹	۱۰۷	۲۱۳	۲۳۶	۸۷	۱۰۰	۲۲۵	۱۲۰	۰	۶۲	۱۶۹	۱۷۲	۲۳	۱۰	۱۵۱
۱۵۱	۴۴	۵۳	۱۲۵	۸۲	۱۲	۲۱	۱۷۰	۲۱۵	۱۰۵	۲۱۷	۰۰	۲۳۷	۷۲	۸۵	۲۳۴
۷۷	۲۳۲	۲۳۹	۱۰۴	۴۵	۱۲۷	۱۲۳	۵۲	۱۳	۲۸	۱۷۵	۲۰	۰۰	۲۱۰	۲۰۷	۱۱۶
۱۲۴	۵۱	۰۰	۱۲۵	۱۷۶	۱۹	۱۴	۱۷۷	۲۰۸	۱۱۵	۱۱۰	۲۰۹	۲۲۰	۵۳	۷۸	۲۴۱
۱۸	۱۷۲	۱۸۰	۱۵	۱۱۳	۲۰۵	۲۱۲	۱۱۴	۸۲	۲۳۷	۱۲۴	۷۹	۵۰	۱۲۱		۳۷
۲۰۰	۱۱۲	۱۱۳	۲۰۶	۲۲۴	۸۰	۸۱	۱۸۳	۱۴۷	۲۴۸	۴۹	۱۴۲	۱۷۹	۱۶	۱۷	۰

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران